

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان دو خصوصیت ممتاز را در تاریخچه این دانشگاه مشاهده می‌کند؛ یکی خصوصیت علمی و دیگری خصوصیت انقلابی و دینی. دانشگاه شما هم از لحاظ علمی در سطح بالایی است و هم از لحاظ فعالیت‌های انقلابی و دینی یکی از دانشگاه‌های موفق و پیشرو محسوب می‌شود. دانشگاه شما و دانشجویان عزیز این دانشگاه و اساتیدتان، یک نمونه زنده و برجسته و عملی از به‌هم‌تنیدگی دین و علم هستید.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، سال ۱۳۸۷



عنوان و نام پدیدآور:	روزگار شریف / محمد میرزایی ... (و دیگران)
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه صنعتی شریف، موسسه انتشارات علمی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۲۲۰ ص: : مصور.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۰۸-۱۷۰-۷
قیمت:	۲۶۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
یادداشت:	{مولفان} محمد میرزایی، محسن رستمی، علیرضا زمانی، راضیه کریمی
موضوع:	دانشگاه صنعتی شریف - تاریخ
موضوع:	Sharif university of Technology- History
شناسه افزوده:	میرزایی، محمد، ۱۳۴۷
شناسه افزوده:	دانشگاه صنعتی شریف، موسسه انتشارات علمی
شناسه افزوده:	Sharif university of Technology. Institute of Scientific Publications
رده بندی کنگره:	LGR۹۰۴ / ر ۹ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی:	۳۷۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۴۲۴۱۸۸۲

موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف



عنوان: روزگار شریف، جلد اول

پدیدآورندگان: محمد میرزایی، محسن رستمی، علیرضا زمانی، راضیه کریمی
 برنامه‌ریزی، نظارت و تنظیم: محمد میرزایی
 مجری طرح: محسن رستمی
 نویسنده متن: راضیه کریمی
 مشاور و سرپرست تحقیق: علیرضا زمانی
 مدیر هنری: سامان موحدی‌راد
 صفحه آرا: سید سبحان‌علی ثابت
 ویراستار: زهرا تجویدی
 چاپ اول: ۱۳۹۵

این پژوهش با حمایت و پشتیبانی دبیرخانه مستندسازی و اسناد دانشگاه انجام شده است.
 آدرس: تهران، خیابان آزادی، دانشگاه صنعتی شریف.

روزگار شریف

مروری بر نیم قرن تلاش و پویایی
بخش اول - سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۱



مقدمه	۸
تولد یک دانشگاه صنعتی	۱۰
نیاز به تأسیس دانشگاه صنعتی در کشور	۱۴
تنظیم اساسنامه دانشگاه صنعتی	۱۶
نیابت تولیت عظمای دانشگاه	۱۶
اساسنامه دانشگاه صنعتی آریامهر	۱۸
هیئت امنای دانشگاه	۲۲
بنای دانشگاه صنعتی آریامهر	۲۴
شروع عملیات ساختمانی	۲۶
تجهیز کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها	۳۱
استخدام کادر آموزشی	۳۳
دعوت از دکتر چمران برای تدریس در دانشگاه صنعتی آریامهر	۳۸
برنامه ویژه خدمت نظام برای استادان	۳۹
ژومه دانشگاه صنعتی آریامهر با دانشگاه‌های معتبر	۴۰
برگزاری اولین کنکور دانشگاه و ثبت نام	۴۲
روز افتتاح	۴۴
تشکیل اولین دانشکده‌ها	۴۶
دوره‌های آموزشی دانشگاه	۴۷
برنامه آموزشی و استادان درس	۴۸
اولین انتخابات دانشجویی دانشگاه صنعتی آریامهر	۵۲
فعالیت‌های تحقیقاتی	۵۳
بیمه و بهداشت	۵۳
توجه به ورزش در کنار تحصیل	۵۶
اولین مدال آوران ورزشی و هنری دانشگاه	۵۸
اولین سالن ورزشی دانشگاه و توسعه فعالیت‌های ورزشی	۵۹
مرکز گرافیک مهندسی	۶۱
کتابخانه دانشگاه صنعتی آریامهر	۶۱
بازدید آمریکایی‌ها از دانشگاه صنعتی آریامهر	۶۲
پایان اولین سال تحصیلی دانشگاه صنعتی آریامهر	۶۳
متولد اول ماه مهر	۶۷
دومین نیابت عظمی، فضل‌الله رضا	۶۹
پروفسور رضا که بود؟	۷۱
سومین سال تأسیس دانشگاه: دانشگاه سیستماتیک می‌شود	۷۲



انسستیتو آب و انرژی	۷۴
حضور کوتاه پروفیسور رضا در آریامهر	۷۴
سومین نایب التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر	۷۵
دکتر امین که بود؟	۷۷
مقررات و آیین نامه‌های جدید	۷۹
سومین کنکور ورودی به دانشگاه صنعتی آریامهر	۸۲
تشکیل کمیته رفاه	۸۲
تشکیل کمیته ارتقا	۸۲
رشته‌های جدید مهندسی در دانشگاه صنعتی آریامهر	۸۳
تولد مرکز محاسبات در دانشگاه	۸۴
استخراج نتایج کنکور دانشگاه‌ها، ابتکار مرکز محاسبات	۸۶
فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ورزشی رونق می‌گیرد	۸۹
بازدیدهای علمی	۹۴
برنامه‌های ورزشی	۹۵
دانشگاه صنعتی آریامهر در مقابل آریامهر	۹۶
نمازخانه	۹۷
اولین جرقه‌های سیاسی در دانشگاه صنعتی آریامهر	۹۷
فعالیت سیاسی جان می‌گیرد	۱۰۰
تصویب آیین‌نامه انتقال دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان	۱۰۲
برگزاری اولین جشن فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه	۱۰۳
اولین فارغ التحصیلان دانشگاه	۱۰۶
اعتراض به کشتار کارگران کارخانه جهان چیت کرج و حمله پلیس به دانشگاه صنعتی آریامهر	۱۰۷
مبارزات چریکی در فعالیت‌های سیاسی	۱۱۰
فعالیت‌های علمی در بستر فعالیت‌های سیاسی	۱۱۲
برگزاری کنفرانس‌های علمی در دانشگاه	۱۱۴
دفتر طرح و برنامه	۱۱۵
تأسیس آزمایشگاه‌های پژوهشی	۱۱۵
اعتراض استادان و دانشجویان با هم	۱۱۵
سالگرد ۱۲ اردیبهشت	۱۱۶
فعالیت‌های علمی و تجهیز دانشگاه	۱۱۷
اعتراض به سفر نیکسون	۱۱۹
آغاز سال تحصیلی با اعتراض	۱۲۱
دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان	۱۲۱

- ۱۲۲ طرح جامع فونکسیونل
 ۱۲۵ بازگشت دکتر امین به صنعت
 ۱۲۵ دکتر امین و دانشگاه
 ۱۲۸ دکتر حسین نصر جایگزین دکتر امین می شود
 ۱۲۹ نصر که بود؟
 ۱۳۳ تداوم اعتراضات دانشجویی
 ۱۳۵ معرفی دکتر نصر به اعضای هیئت امنا
 ۱۳۵ اعتراضات دانشجویی در زمان نایب‌التولیه چهارم
 ۱۳۶ گزارش دکتر نصر از اعتراضات دانشجویان به هیئت امنا
 ۱۳۷ علوم انسانی در دانشگاه صنعتی آریامهر
 ۱۳۹ کارآموزی دانشجویی
 ۱۴۰ آموزش حین تحصیل با همکاری صنایع
 ۱۴۰ چالش‌های کمیته رفاه و دکتر نصر
 ۱۴۲ وام مسکن و افزایش حقوق کارکنان و استادان
 ۱۴۳ حضور و غیاب کامپیوتری و حذف ترم دانشجویان معترض
 ۱۴۴ اعتراضات دانشجویی با خطر تهدید ترم تحصیلی
 ۱۴۷ حفظ سطح علمی با حذف نیم‌سال تحصیلی
 ۱۴۹ تعطیلی سلف سرویس دانشگاه
 ۱۵۱ شرکت نکردن در امتحانات
 ۱۵۳ فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه در فضای متشنج سیاسی
 ۱۵۴ نهمین سالروز تأسیس و پنجمین دوره جشن فارغ‌التحصیلی
 ۱۵۵ کنکور اختصاصی
 ۱۵۵ تأسیس مرکز پژوهش‌های خواص و کاربرد مواد و نیرو
 ۱۵۶ مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی آریامهر
 ۱۵۶ استفاده از مواد منفجره، حربه جدید دانشجویان
 ۱۵۷ دکتر ضرغامی می‌آید
 ۱۵۸ پنجمین نایب‌التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر
 ۱۵۹ اولین اقدامات دکتر ضرغامی در دانشگاه
 ۱۶۰ انتخاب واحد با روش پیش‌ثبت‌نام
 ۱۶۱ نجات نیم‌سال‌های تحصیلی با کامپیوتر مرکز محاسبات
 ۱۶۲ تأسیس دفتر خدمات صنعتی
 ۱۶۲ دوره‌های آموزش صنعتی
 ۱۶۳ اردوی عمرانی ملی





- ۱۶۴ تدریس تابستانی
- ۱۶۴ کار دانشجویی
- ۱۶۴ اعتراض دانشجویان ممتاز در جشن فارغ التحصیلی
- ۱۶۵ اعتراضات دانشجویان ادامه می‌یابد
- ۱۶۵ تنش‌های استادان هم‌زمان با انتقال دانشگاه به اصفهان
- ۱۶۶ اعتصاب استادان در زمان نیابت دکتر ضرغامی
- ۱۶۹ ششمین نایب‌التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر
- ۱۷۰ دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان
- ۱۷۱ وضعیت فعالیت‌های فوق‌برنامه
- ۱۷۲ شب‌های شعر طوفانی کانون نویسندگان در دانشگاه صنعتی آریامهر تهران
- ۱۷۳ دکتر مهران و اعتراضات دانشجویی
- ۱۷۵ اعدام از نوع دانشگاه صنعتی آریامهری
- ۱۷۶ بالا گرفتن اختلاف میان استادان دانشگاه و نخست‌وزیر
- ۱۸۴ اعتراض شورای دانشگاه به همراهی نکردن هیئت امنا با استادان دانشگاه صنعتی آریامهر
- ۱۸۵ پایان اعتصاب استادان با ابقای دانشگاه در تهران
- ۱۸۵ دکتر حسینعلی انواری که بود؟
- ۱۸۶ پذیرش دانشجو در دانشگاه
- ۱۹۰ استادان و دانشجویان، دانشگاه صنعتی را باز می‌کنند.
- ۱۹۱ دانشگاه صنعتی بعد از پیروزی انقلاب
- ۱۹۲ رنجبر که بود؟
- ۱۹۳ دانشگاه صنعتی شریف متولد می‌شود
- ۱۹۵ شریف واقفی که بود؟
- ۱۹۹ تولد جهاد سازندگی در دانشگاه صنعتی
- ۱۹۹ اشغال لانه جاسوسی (انقلاب دوم ایران)
- ۲۰۲ انقلاب فرهنگی (انقلاب سوم)
- ۲۰۵ عباس انواری که بود؟
- ۲۰۵ انقلاب فرهنگی در دانشگاه صنعتی شریف
- ۲۰۷ فعالیت‌های جهادی دانشجویان
- ۲۰۷ جهاد دانشگاهی
- ۲۰۸ فعالیت‌های جهادی دانشگاه در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰
- ۲۱۲ حضور در جبهه‌های نبرد
- ۲۱۵ فعالیت‌های فرهنگی
- ۲۱۵ اعلام جنگ مسلحانه و فضای رعب و وحشت

مقدمه

مستندسازی و حفظ و نگهداری آثار و اسناد و اطلاعات هر سیستم و پردازش و بهره‌برداری و انتقال اطلاعات و تجربیات، جایگاه مهمی در مدیریت دانش هر مجموعه؛ خصوصاً مراکز علمی دارد. بخش مهمی از اطلاعات، مربوط به سوابق شکل‌گیری و رشد و توسعه آن مرکز است. در تاریخ شکل‌گیری نهادهای دانشگاهی در کشور که رسالت بسط دانش و علم‌ورزی و فرهنگ را به عهده داشتند، تاریخ تأسیس اولین دانشگاه فنی و مهندسی و سیر اقدامات و تحولات در آن اهمیت دارد. بر جذابیت این تاریخ موقعی افزوده می‌شود که این دانشگاه از زمان تأسیس تا کنون منشأ تحولات مهم در عرصه آموزش عالی کشور بوده و جایگاه ممتازی در عرصه ملی و بین‌المللی یافته است. فهم صحیح این تاریخ و تحلیل عقلانی از گذشته دانشگاه، ما را قادر می‌سازد تا مبنای تحول و توسعه را در آینده بهتر بیابیم. شناخت تاریخ دانشگاه صنعتی شریف می‌تواند رمز ماندگاری دانشگاه را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. دانشگاه در عمر نیم‌قرنی خود فراز و فرودها و حوادث فراوانی پشت‌سر گذاشته است. تاریخ این دانشگاه سرگذشت مرارت‌ها، همت‌ها، عدالت‌طلبی‌ها و عشق به استقلال و اعتلای کشور و توجه به سرنوشت جوانان است و بی‌شمار افراد دلسوزی چون مرحوم دکتر مجتهدی موسس دانشگاه در پیدایش این تاریخ سهیم بوده و هستند. رشد و بالندگی دانشگاه در عرصه‌های علمی و اجتماعی خصوصاً در دهه‌های اخیر مرهون زحمات و تلاش‌های همه اعضای کوشای خانواده بزرگ شریف، مدیران و اساتید مجرب و متعهد، کارکنان ساعی و دانش‌آموختگان موفق و دانش‌جویان مستعد بوده و از تعامل و همیاری ایشان، دانشگاه مسیر رشد را طی نموده است. در این تحقیق، به زمینه‌ها و وضعیت اجتماعی زمان تأسیس اشاره شده و چگونگی تأسیس و فعالیت‌های انجام شده برای راه‌اندازی بیان شده است. سیر تحولات و اقدامات توسعه‌ای و همچنین فضای اجتماعی دانشگاه در دوره‌های مدیریتی، از زمان تأسیس



در سال ۱۳۴۴ تا بازگشایی دانشگاه در سال ۱۳۶۱ به ترتیب ارائه شده است. در این تحقیق، هم اسناد و مراجع مکتوب موجود بررسی شده و هم با مراجعه به خبرگان و مطلعان از مدیران و استادان و فارغ التحصیلان دانشگاه در این مقطع زمانی، حدود هشتاد مصاحبه کیفی صورت گرفته و در تحلیل محتوای کیفی روایت‌ها و اسناد و متون و منابع به صورت تلفیقی به کاررفته است.

متأسفانه به دلیل فقدان سیستم مستندسازی و جمع‌آوری آرشیوی اسناد و گزارش‌ها در دانشگاه، این پژوهش و تدوین تاریخ با مشکلات و سختی‌های جدی مواجه بوده است. همچنین، به دلیل گستردگی اسناد و مدارک مربوط به رویدادها، ضرورتاً از تاریخ شفاهی و مصاحبه‌های اکتشافی استفاده شده است. امید است با فعال شدن مرکز اسناد و تأسیس موزه فناوری دانشگاه، نظامی کارآمد برای جمع‌آوری و نگهداری اسناد و آثار ارزشمند مربوط به سوابق و عملکرد دانشگاه برقرار شود. در تدوین این تاریخ، همکاران محترمی با انجام مصاحبه ما را یاری رساندند که نام این عزیزان در ضمیمه کتاب درج شده است. ضمن تشکر از آقایان دکتر انواری، مهندس بیاتی، دکتر ضرغامی، مهندس مقدسیان و مهندس معین‌زاده که با ارائه مشاوره و نظرات اصلاحی مساعدت نمودند، از همکاران دبیرخانه اسناد و دوستان روزنامه شریف، مهندس رستمی، مهندس یاری، آقای زمانی و سرکار خانم کریمی که در جمع‌آوری اطلاعات، اجرا و تهیه و تدوین این تاریخ کمک‌هایی مؤثر کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم. امید است عزیزانی که این کتاب را مطالعه می‌فرمایند، قدم را فراتر گذاشته و نظرهای تکمیلی و اصلاحی خود را درباره محتوای کتاب ارائه فرمایند تا در ویرایش‌های آتی از آن‌ها استفاده کنیم.

محمد میرزایی





تولد یک دانشگاه صنعتی

به رئیس دانشگاه شیراز خبر دادند یکی از استادان انگلیسی دانشگاه به خانم‌های چادری که بچه‌هایشان را برای درمان به بیمارستان سعدی می‌برند، توهین می‌کند و بچه‌هایشان را درست درمان نمی‌کند. روزهای تعطیل به ایلات می‌رود و به بهانه کچلی و امراض پوستی برای بچه‌های عشایر داروهای مختلف تجویز می‌کند. پنهانی از داروهای بیمارستان برمی‌دارد و به آن‌ها می‌دهد و به جای حق معاینه و هزینه دارو قالی می‌گیرد. در پرونده آموزشی استاد انگلیسی نوشته بودند روز بازدید الیزابت، ملکه انگلیس و محمدرضا شاه از دانشگاه شیراز، نگهبان‌ها در دانشگاه را بسته بودند و به استاد انگلیسی اجازه نداده بودند وارد دانشگاه شود. او هم با لگد در را شکسته بود و رفته بود داخل، اما چون خارجی بود، هیچ‌کس مؤاخذه‌اش نکرده بود. دکتر، استاد را به دفترش دعوت کرد و به او گفت: «استاد، پرونده‌تان را نگاه کردم. زمانی که ملکه الیزابت با شاه آمده بود اینجا را ویزیت کند، شما حرکت زشتی کردید؛ در را شکستید و رفتید تو. شنیده‌ام روزهای تعطیل می‌روید ایلات و در آنجا بین عشایر دارو تقسیم می‌کنید. این عمل شایسته یک استاد نیست. بهتر است که خودداری کنید. حداقل زمانی که من اینجا هستم خودداری کنید؛ وگرنه با عکس‌العمل شدید می‌روم». استاد قول داد کارهایش را تکرار نخواهد کرد. دو هفته گذشت. خبر دادند استاد دوباره به خانم‌ها اهانت می‌کند و از بیمارستان دانشگاه دارو می‌دزدد و می‌برد ایلات. این بار دکتر به کارگزینی دانشگاه دستور داد گزارشی از تخلفات استاد انگلیسی بنویسند و بفرستند برای وزیر فرهنگ و از او کسب تکلیف کنند. هنوز گزارش آماده نشده بود که استاد انگلیسی از ماجرا خبردار شد و عصبانی بدون آنکه در بزند، وارد اتاق رئیس دانشگاه شد. دکتر جلسه داشت. استاد بدون مقدمه شروع به صحبت کرد و گفت که خبردار شده رئیس دانشگاه دستور داده قراردادش را لغو کنند. دکتر گفت: «آقا، کی به شما اجازه داد بیایید تو؟ شما بدون اجازه آمدید تو. سوابق خوبی هم ندارید که من به شما احترام بگذارم. من دستور اخراج شما را ندادم. دستور دادم به وزیر فرهنگ شرحی بنویسند. حالا که می‌گویید من دستور اخراج داده‌ام، همین حالا تلفن می‌کنم به قراردادتان خاتمه بدهند».

خبر اخراج استاد انگلیسی از دانشگاه شیراز خیلی زود به نخست‌وزیر رسید. نخست‌وزیر به وزیر فرهنگ سفارش کرد آدم پخته‌تری را برای ریاست دانشگاه شیراز بفرستد که کاری به کار استادان خارجی نداشته باشد. دکتر با شنیدن این خبر، از ریاست دانشگاه شیراز استعفا کرد و به تهران برگشت. وقتی نخست‌وزیر جدید، هویدا، سر کار آمد، دکتر را به ریاست دانشکده پلی تکنیک منصوب کرد.



دکتر در مدت کوتاهی اوضاع نابسامان آن دانشکده را سر و سامان داد؛ طوری که اسم دانشکده پلی تکنیک سر زبان‌ها افتاد و اکثر دانش‌آموزان ممتاز در کنکور سال بعد، دانشکده پلی تکنیک را برای ادامه تحصیل انتخاب کردند. همان روزها، مهندس ریاضی، یکی از اعضای هیئت امنای دانشکده پلی تکنیک که بعدها به ریاست مجلس ملی انتخاب شد، پیش شاه رفت و به او گفت در کشور به اندازه کافی مهندس داریم. هر سال دانشکده فنی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز تعداد زیادی مهندس تربیت می‌کنند؛ اما تکنیسین کم داریم. دانشکده پلی تکنیک را به هنرستان تبدیل کنیم تا به جای مهندس، تکنیسین تربیت کند. شاه از وزیر فرهنگ خواست جلسه‌ای ترتیب دهد و افراد صاحب‌نظر این حوزه را دعوت کند تا آن‌ها شرایط تبدیل دانشکده پلی تکنیک به هنرستان را بررسی کنند و درباره آن تصمیم بگیرند. جلسه به ریاست وزیر فرهنگ و با حضور مهندس ریاضی، دکتر و چند نفر از استادان دانشکده فنی و پلی تکنیک و اعضای هیئت امنای دانشکده تشکیل شد. دکتر در جلسه گفت: «درست که تکنیسین کم داریم، اما باید در شهرستان هنرستان بسازیم، نه در شهرهای بزرگ. اگر در شهرهای بزرگ تکنیسین تربیت کنیم، این افراد به شهرهای کوچک بر نمی‌گردند. در نتیجه کارگاه و کارخانه‌های شهرهای کوچک همچنان تکنیسین نخواهند داشت. علاوه بر آن، بیشتر فارغ‌التحصیلان شهرستانی بیکارند. در صورتی که آنجا هنرستان ایجاد شود، این دانش‌آموزان می‌توانند با فراگیری فنون مختلف در کارگاه‌های مختلف مشغول کار شوند».

اما مهندس ریاضی اصرار داشت پلی تکنیک منحل شود و از پیش، چند نفر از اعضای جلسه را متقاعد کرده بود که به طرح او رأی دهند. دکتر می‌دانست موفقیت دانشکده پلی تکنیک موقعیت بعضی از اعضای هیئت امنای را به خطر انداخته و بعد از مشاجره فراوان، احساس کرد ادامه بحث فایده‌ای ندارد. او اطمینان داشت مهندس ریاضی دلایل پشت‌پرده دیگری برای انحلال پلی تکنیک دارد. به خاطر همین، جلسه را ترک کرد و مدتی بعد، ناامید از هر گونه اصلاح در سیستم آموزش دانشگاهی از ریاست پلی تکنیک هم استعفا کرد.

یکی از روزهای پاییزی سال ۱۳۴۴، زنگ تلفن دانشکده فنی دانشگاه تهران به صدا درآمد. مستخدم دم در کلاس آمد و گفت آقای دکتر، پشت تلفن با شما کار دارند. اوایل سال تحصیلی دانشگاه بود و دکتر سر کلاس تدریس می‌کرد. او نگاهی به ساعت انداخت و به مستخدم اشاره کرد بعد از درس. کلاس تمام شد و دکتر به دفتر رئیس دانشکده رفت و از آنجا شماره تلفن‌خانه را گرفت. پشت خط، دکتر لقمان ادهم، رئیس تشریفات دربار، منتظرش بود. دکتر لقمان ادهم گفت به دربار احضار شده‌اند و باید به

ملاقات با شاه بروند. دکتر به لقمان ادهم گفت: «چه خوابی برای من دیده‌اند؟ فقط از وزارت فرهنگ نباشد. من حالا به هیچ قیمتی حاضر نیستم به وزارتخانه بروم. برای آنکه اگر بروم وزارتخانه، این وزارت فرهنگ را آن طوری که من دلم می‌خواهد درست شود، آتش روشن خواهیم کرد. این اسباب زحمت مملکت خواهد بود. شما را به خدا به من بگویید».

لقمان ادهم به دکتر گفت نمی‌داند با او چه کار دارند و فقط می‌داند شخص شاه او را احضار کرده و باید فردا صبح در دربار باشد. صبح فردا دکتر برای دیدار شاه به دربار رفت. شاه به دکتر گفت: «دو کار است که شما شایستگی انجامش را دارید. به شما رجوع می‌کنم و یکی از این‌ها را بپذیرید؛ یا به عنوان سفیر کبیر بروید خارج و به عنوان سرپرست به اوضاع محصلان اروپا و آمریکا رسیدگی کنید. سفرا و کنسول‌هایمان جوان‌های ما را عاصی کرده‌اند. این‌ها احتیاجاتی دارند که باید با یک پدر مشورت کنند و کمک بخواهند. شما شایسته این کار هستید و به عنوان سفیر کبیر هر چه هم بخواهید برای این دانشجویان که ثروت مملکت‌اند، در اختیارتان می‌گذارم. با اختیار تام، بروید و به کارشان رسیدگی کنید. من یقین دارم عقده‌های این جوان‌ها در اثر اعمال شما از بین خواهد رفت. به داد این‌ها برسید. در مواقعی که گرفتاری پیدا می‌کنند، به آن‌ها کمک کنید. مملکت ما محتاج این جوان‌های فاضل و دانشمند است. می‌خواهم بدون عقده باشند. کار دوم این است که می‌خواهم دانشگاه بسیار بزرگی، از لحاظ علمی و صنعتی، در تهران تشکیل بدهید و دانشگاه تهران را از خواب بی‌هوشی بیدار کنید. من یقین دارم که شما حتماً این را هم انجام خواهید داد».

دکتر همیشه آرزو داشت بتواند خود دانشگاهی تأسیس کند و آن را بدون زد و بندهای دربار و دخالت دیگران اداره کند. به خاطر همین به شاه گفت هر دو کار را بسیار دوست دارد و هر کدام را که شاه از او بخواهد، انجام خواهد داد. شاه انتخاب را به عهده دکتر گذاشت و به او گفت: «خودت باید انتخاب کنی و تا دوروز دیگر به من خبر دهی و کار را شروع کنی». دکتر با شاه خداحافظی کرد و از اتاق بیرون آمد. آقای قدس نخعی، وزیر دربار در راهرو منتظر ایستاده بود. دست دکتر را گرفت و او را به اتاق خودش برد. وقتی آقای قدس ماجرا را فهمید، به دکتر توصیه کرد که پیشنهاد اول را بپذیرد و برای رسیدگی به امور دانشجویان به خارج از کشور برود. دکتر به وزیر گفت: «جناب آقای قدس، شما آن طرف‌میز نشستید و وزیر دربارید. از خیلی چیزها اطلاع دارید که من اصلاً مطلع نیستم. در سیاست مملکت هستید. بنابراین، شاید حق با شما باشد که بهتر است من به خارج بروم. اعلی‌حضرت به بنده فرمودند هر چه بخواهی در اختیار شما می‌گذارم که به دانشجویان کمک کنید. وقتی که چنین چیزی فرمودند،

لابد حقوق بنده را هم فوق العاده خوب خواهند داد. بنابراین، پول زیاد در اختیار من خواهد بود. زن و بچه‌ام هم در خارج هستند. هم به زن و بچه‌ام رسیدگی می‌کنم، هم به کارهای محصلان. ولی یک چیزی از جلوی چشم من نخواهد رفت؛ جوان‌هایی که پدر و مادرشان هیچ چیز ندارند تا آن‌ها را به خارج بفرستند. در دانشگاه‌ها هم جای کافی برای این‌ها نیست. این‌ها برخلاف میل و برخلاف استعدادشان، مجبور می‌شوند رشته تحصیلی انتخاب کنند. من دلم به حال این‌ها می‌سوزد. رفتن به خارج و سرپرستی محصلان از عهده خیلی‌ها برمی‌آید. عاشق پول هم نیستم که به خاطر حقوق گزاف بروم خارج از مملکت. فرزندان عزیزم در دبیرستان البرز چه می‌شوند؟» دکتر با خودش فکر کرد رفتن به خارج و سرپرستی محصلان از عهده خیلی‌ها برمی‌آید، اما تأسیس دانشگاه صنعتی کار هر کسی نیست. با این فکر از اتاق وزیر دربار بیرون آمد و ماجرا را برای دکتر لقمان ادهم هم تعریف کرد. دکتر ادهم می‌دانست او اهل زد و بند و دادن امتیاز به کسی نیست. زبان تند و تیزی دارد و زیر بار دخالت درباریان و افراد با نفوذ سیاسی نخواهد رفت و حتماً با وزیر فرهنگ و نخست‌وزیر درگیر خواهد شد. به خاطر همین، به دکتر توصیه کرد تردید نکند و سرپرستی دانشجویان در خارج از کشور را بپذیرد.

دکتر به مدرسه البرز برگشت و با دکتر محمدحسین ادیب تماس گرفت و به او گفت موضوع مهمی پیش آمده و باید با او مشورت کند. آن موقع دکتر تنها زندگی می‌کرد و فرزندانش در دانشگاه‌های خارج از کشور درس می‌خواندند و همسر فرانسوی‌اش هم همان‌جا بود. دکتر ادیب رئیس انجمن خانه و مدرسه دبیرستان البرز و یکی از دوستان نزدیک دکتر بود. شب، دکتر ماجرای ملاقات با شاه و دو پیشنهاد او را برای دکتر ادیب تعریف کرد و از او خواست با هم اساسنامه دانشگاه را بنویسند. دکتر ادیب گفت: «مگر عقلت کم شده؟ یا شش و برو به زن و بچه‌ات برس. این ثواب دارد» و همان حرف‌های آقای قدس نخعی را به دکتر گفت.

دکتر به دوست قدیمی‌اش گفت: «من می‌خواهم این دانشگاه را ایجاد کنم تا ثابت کنم که در مملکت ما جوان‌های با استعداد در دانشگاه‌های خوب آدم‌های حسابی خواهند شد. مملکت ما به مهندسان عالی‌قدر احتیاج دارد و مملکت به دست این‌ها آباد می‌شود. این جوانان فاضل و با اعتمادبه‌نفس قوی هستند که احتیاج مملکت را مرتفع می‌کنند».

دکتر ادیب پرسید: «معلم از کجا می‌آوری؟» او می‌دانست معدود دانشگاه‌های علمی و فنی کشور با مشکل استاد مواجه‌اند و محیط دانشگاه‌ها برای جذب تحصیل کرده‌های ایرانی خارج از کشور مناسب نیست. دکتر جواب داد: «البرزی‌ها هستند که همه‌شان استادند. آن‌ها را می‌آورم». دکتر مطمئن بود

فارغ التحصیلان دبیرستان البرز که مشغول تحصیل در دانشگاه‌های مختلف آمریکا و اروپا هستند، فقط به او اعتماد دارند و اگر او از آن‌ها بخواهد به ایران برگردند، بدون چون و چرا باز خواهند آمد.

نیاز به تأسیس دانشگاه صنعتی در کشور

سال ۱۳۲۰ صنعت نفت ایران ملی شد. با ملی شدن صنعت نفت و ورود درآمد حاصل از فروش نفت به منابع مالی دولت، سیستم‌های اقتصادی کشور که تا آن زمان بر کشاورزی سنتی استوار بودند، دچار تغییر و تحولات زیادی شدند. دولت در دهه چهل، برنامه سوم عمرانی و رونق اقتصادی کشور را در دستور کار خود قرار داد و در پی آن، زمینه اجرای برنامه‌های کلان اقتصادی را فراهم کرد. کارخانه‌های صنعتی مونتاژ با حمایت دولت و مشارکت مستقیم و غیرمستقیم شرکت‌های انحصاری خارجی یکی بعد از دیگری راه‌اندازی می‌شدند. صنایع اتومبیل‌سازی، تولید رنگ، فرآورده‌های پتروشیمی، لاستیک و بعد از آن هم رادیو و تلویزیون، مثل ایران ناسیونال، شاپ لورنس و توشیبا و ده‌ها صنعت دیگر تأسیس شدند. صنعت نفت، راه‌آهن و جاده‌سازی در حال توسعه بود. سیاست دولت جلب سرمایه‌گذاری خارجی بود. این صنایع، به جز صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، به دلیل ارزانی کارگر، امتیازات مالیاتی و انرژی ارزان در ایران به وجود آمده بودند. اغلب اثرشان در اعتلای سطح تکنولوژی در کشور ناچیز بود و چون مونتاژ بودند، مسائل فنی باید به مبدأ خارجی آن صنایع ارجاع می‌شدند. علاوه بر آن، ۲۳ دی ۱۳۴۴، در چارچوب همکاری‌های فنی و اقتصادی با کشور شوروی سابق، موافقت‌نامه تأسیس کارخانه ذوب آهن در اصفهان با ظرفیت ۶۰۰ هزار تن فولاد امضا شد. افتتاح کارخانه ذوب آهن هم چون پروژه راه آهن سراسری نیم قرن قبل، سرآغازی برای ایجاد صنایع سنگین در ایران بود. گردش چرخ صنایع سنگین احتیاج به نیروی ماهر و متخصص داشت. تعداد کل مهندسان کشور حدود ۱۲ هزار نفر بود. این تعداد حدود یک‌ششم تعداد مهندسان کشورهای مشابه هم‌جوار، مثل ترکیه بود. شاه می‌خواست ایران با الگوگیری و کمک غرب کشوری مدرنیزه و صنعتی شود. برای تحقق هدف شاه، باید دانشگاه صنعتی مجهزی در کشور تأسیس می‌شد و متخصصانی تربیت می‌کرد که از نظر علمی و مهارت‌های فنی در سطح بالایی باشند و استادانش با تحقیقات علمی و فنی، دانشگاه را هم‌تراز مراکز آموزش عالی کشورهای پیشرفته نگاه دارند. آن موقع، آموزش عالی در ایران محدود بود. دانشگاه صنعتی در کشور وجود نداشت و دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشکده پلی‌تکنیک، دانشکده نفت آبادان و دانشگاه پهلوی مهم‌ترین مراکز آموزش مهندسی کشور^۱ بودند.

۱- دانشکده فنی دانشگاه تهران ۱۲۰ نفر، دانشکده پلی‌تکنیک ۱۲۰ نفر، دانشکده نفت آبادان ۱۲۰ نفر و دانشگاه پهلوی و دانشگاه تبریز در مجموع حدود ۱۵۰ نفر مهندس یا تکنیسین تربیت می‌کردند.

در این مراکز، چند رشته مختلف مهندسی تدریس می‌شد. هدف از ساخت دانشگاه صنعتی جدید این بود که هر کدام از رشته‌های مهندسی، برای خود دانشکده مستقلی داشته باشند تا مهندس هر رشته، متخصص همان رشته شود. شاه از وضعیت دانشگاه‌های موجود چندان راضی نبود. شنیده بود در بعضی از مراکز آموزش عالی، تفکر سنتی و قدیمی حاکم است و استادان قدیمی اجازه نمی‌دهند نیروهای جوان وارد کادر علمی شوند. به همین دلیل، تصمیم گرفت دانشگاه جدیدی تأسیس کند تا به قول خودش، با ایجاد رقابت میان دانشگاه‌ها، سایر مراکز علمی را از خواب غفلت بیدار کند. عده‌ای معتقد بودند تأسیس دانشگاه دلایل سیاسی داشت. می‌گویند شاه بعد از واقعه خونبار خردادماه ۱۳۴۲، از تشدید تحرکات سیاسی در دانشگاه تهران، به‌ویژه دانشکده فنی، ناراضی بود و دنبال این بود دانشگاهی تأسیس کند که بر اساس نظرات و دیدگاه‌های رژیم فعالیت کند. قرار بود دانشگاه جدید با حمایت ویژه شخص شاه تأسیس و بر جذب هیئت علمی کاملاً نظارت شود تا دانشگاه دستخوش جریان‌های سیاسی نشود.

به گوش شاه رسیده بود که دکتر محمدعلی مجتهدی، رئیس دبیرستان البرز که آن روزها، همه پدر و مادرها آرزو داشتند فرزندشان آنجا تحصیل کند، به‌هیچ‌وجه سفارش کسی را قبول نمی‌کند. بارها شده افراد از دربار نامه و پاکت برای دکتر ببرند و دکتر بدون آنکه نامه را باز کند، آن را روی میز گذاشته و گفته: «مشکل شما چیست و چه درخواستی دارید. حتماً این نامه را یکی از سروران برای من نوشته‌اند. اگر توانستم کارتان را انجام دهم، نامه را نخوانده انجام می‌دهم. اگر هم نتوانم، این کاغذ از هر کجا آمده باشد، نمی‌توانم. غرضم از این کار این است که مردم بفهمند و مزاحم دوستان یا افراد مافوقم نشوند. آن‌ها هم برای من دستوری صادر کنند که قدرت اجرایش را داشته باشم». چند باری هم شده بود نامه‌های سفارشی درباری‌ها را ندیده، برگردانده بود. شاه از اختلاف دکتر و مهندس ریاضی سر تبدیل دانشکده پلی‌تکنیک به هنرستان و اتفاق‌های دانشگاه شیراز خبر داشت. همین‌ها دل شاه را قرص کرده بود که استاد جوان دلسوز است و اهل زد و بند نیست. به خاطر همین، دکتر مجتهدی را که محبوبیت زیادی بین دانش‌آموزان و دانشجویان خارج از کشور داشت، مأمور تأسیس دانشگاه کرد. تأسیس دانشگاهی بزرگ و پیشرفته آرزوی دیرینه دکتر محمدعلی مجتهدی بود. او معتقد بود ایران را باید جوان‌های ایرانی آباد کنند، جوان‌های فاضل و باتقوای ایرانی، نه خارجی‌ها. خارجی‌هایی که می‌آیند به ایران فاضل نیستند. خارجی‌های فاضل و دانشمند نمی‌آیند. اکثر خارجی‌هایی که می‌آیند، یا به قصد استفاده مادی می‌آیند یا به قصد جاسوسی. کمتر خارجی به قصد خدمت بی‌دریغ می‌آید.

دکتر مجتهدی در جایگاه مدیر دبیرستان البرز، به فارغ التحصیلان دبیرستان که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌شدند، سفارش می‌کرد دو چیز را فراموش نکنند. اول آنکه زن خارجی نگیرند، چون همسر دکتر مجتهدی فرانسوی بود. دوم آنکه بعد از اتمام درسشان، به مملکت خود برگردند. او در خاطراتش درباره بازگشت به ایران نوشته: «سال ۱۳۱۷ به ایران برگشتم. با حرارت زیاد در آن سن و با عشق فراوان برای خدمت به وطن آمده بودم. حتی در دانشگاه سوربن استادم به من گفت آقا نرو، زنت هم که اهل اینجاست. همین جا بمان. به من کمک کن. گفتم من باید بروم به ایران خدمت کنم».

تنظیم اساسنامه دانشگاه صنعتی

دکتر مجتهدی دکتر ادیب را قانع کرد که ایران در موقعیت فعلی به تأسیس دانشگاهی صنعتی و پیشرفته نیاز دارد و از او خواست با همفکری هم اساسنامه‌ای برای دانشگاه جدید تدوین کنند. دکتر ادیب پیشنهاد مجتهدی را پذیرفت. تنظیم اساسنامه یک هفته بیشتر طول نکشید و دکتر بعد از ماشین کردن متن اساسنامه، به دربار زنگ زد و وقت ملاقات خواست. شاه گفت بگوید همین الان بیاید. مجتهدی پیش شاه رفت و اساسنامه را جلوی او گذاشت. شاه تا اساسنامه را دید، گفت: من یقین داشتم شما دومی را بر اولی ترجیح می‌دهید و فرمان تأسیس دانشگاه جدید را صادر کرد.^۱

نیابت تولیت عظامی دانشگاه

دکتر مجتهدی با تجربه‌هایی که از مدیریت دبیرستان البرز، دانشگاه پهلوی شیراز و دانشکده صنعتی پلی تکنیک تهران به دست آورده بود، پیش‌بینی می‌کرد تأسیس دانشگاه، مشکلات مالی و اداری زیادی خواهد داشت. مهم‌ترین مسئله، جذب دانشمندان و متخصصان ایرانی برای تدریس در دانشگاه و پژوهش بود. حقوق تدریس استادان در دانشگاه کم بود به خاطر همین آن‌ها مجبور بودند برای تأمین مالی زندگی در خارج از محیط دانشگاهی فعالیت کنند. مشکل دیگر، مقررات دست‌وپاگیر حاکم بر فضای اداری کشور بود که مانعی بر سر راه نوآوری و تحول در دانشگاه مدنظر دکتر مجتهدی محسوب می‌شد. دریافت بودجه از دولت هم مشکلات زیادی به همراه داشت. پول دولتی با مقررات و محدودیت‌های زیادی پرداخت می‌شد و دست‌داری‌ها و مقامات را برای دخالت در امور داخلی دانشگاه باز می‌کرد. دکتر مجتهدی برای حل این چالش‌ها راه حل جالبی پیدا کرد. دکتر مجتهدی به شاه گفت: «اعلی حضرت فرمودند که یک دانشگاهی در سطح بالا و هر چه زودتر

۱- متن پیام محمدرضا شاه پهلوی به مناسبت بنیادگذاری دانشگاه صنعتی آریامهر ۱۱ آبان ۱۳۴۴: پیشرفت برنامه‌های توسعه اقتصادی و صنعتی کردن کشور ایجاب می‌کند که نیروی انسانی متناسب با احتیاجات جامعه صنعتی آینده ایران تجهیز گردد. اجرای این برنامه‌ها در مراحل تکاملی خود به ایجاد صنایع سنگین منجر خواهد شد که جهت اداره آن‌ها احتیاج به عده کافی متخصص واجد صلاحیت احساس می‌شود. برای نیل بدین هدف مقرر فرمودیم علاوه بر دانشگاه پهلوی شیراز که خود ما احداث نموده‌ایم، دانشگاه صنعتی مجهری تأسیس گردد که قادر باشد از یک طرف متخصصینی با وسعت نظر علمی و مهارت فنی تربیت نماید و از طرف دیگر با انجام تحقیقات علمی و فنی خود را در تراز مؤسسات مشابه کشورهای پیشرفته نگاه دارد. برای انتخاب استادان این دانشگاه علاوه بر افراد شایسته‌ای که در ایران وجود دارند، از برجسته‌ترین دانشجویان ایرانی خارج از کشور که از دانشگاه‌های معتبر با درجات ممتاز فارغ التحصیل گردیده یا می‌شوند، استفاده خواهد شد. در اجرای این مقصود تولیت این مؤسسه تعلیماتی را شخصاً زیر نظر گرفته و مقرر فرمودیم که دانشگاهی به نام «دانشگاه صنعتی آریامهر» با انجام مقدمات امر از اول مهرماه سال ۱۳۴۵ آغاز به کار نماید.



ایجاد شود. اگر سر و کارم با وزیر فرهنگ و با نخست‌وزیر باشد، خدمتتان عرض کنم، این دانشگاه نه در سطح بالا خواهد بود، نه به این زودی ایجاد می‌شود». شاه که از ماجرای استعفای دکتر از پلی تکنیک و دانشگاه شیراز و بحث و جدل‌های پیش آمده خبر داشت، گفت: «می‌دانم که هنگام خدمت در پلی تکنیک تو را اذیت کرده‌اند، اما من بعد سر و کار شما با من خواهد بود».

دکتر مجتهدی درخواست کرد دانشگاه زیر نظر مستقیم او تأسیس شده و مستقل و تحت نظر هیئت امنایی اداره شود که مصوب مقررات حاکم بر تمامی فعالیت‌های مالی و اداری دانشگاه باشد. دادن تولیت افتخاری دانشگاه به یکی از خاندان سلطنتی در انگلیس و چند کشور دیگر متداول بود برای حل مشکل بودجه هم دکتر مجتهدی دانشگاه را غیردولتی اعلام کرد. او می‌دانست با پول دولت محدودیت و مداخله می‌آید و برای جمع‌آوری اعانه و کمک سخت مشغول کار شد. شاه با پیشنهاد دکتر مجتهدی موافقت کرد. به این ترتیب، شاه ریاست عالی یا تولیت عظمای دانشگاه را به عهده گرفت و دکتر مجتهدی فرمان نیابت تولیت عظمی، یعنی معاونت رئیس دانشگاه را دریافت کرد. شاه اول آذر ۱۳۴۴ در فرمانی دستور داد: «نظر به علاقه و اشتیاق مفرطی که همواره به پیشرفت برنامه‌های توسعه صنعتی و اقتصادی کشور مبذول می‌داریم و معتقدیم که ایجاد صنایع، علی‌الخصوص صنایع سنگین، جز با داشتن نیروی انسانی کافی و افراد متخصص متناسب با احتیاجات جامعه صنعتی آینده ایران، امکان‌پذیر و میسر نخواهد بود. به همین منظور، دانشگاه صنعتی آریامهر را تأسیس و تولیت آن را خودمان به عهده گرفتیم. به موجب این دست‌خط، دکتر محمدعلی مجتهدی، استاد دانشگاه تهران را به نیابت تولیت عظمای دانشگاه صنعتی آریامهر منصوب و مقرر می‌داریم». حکم همان روز ابلاغ شد. او در این حکم، به دکتر مجتهدی دستور داد هر چه سریع‌تر مقدمات افتتاح دانشگاه را فراهم کرده و نتیجه را به استحضارش برساند. دکتر مجتهدی به شاه پیشنهاد کرد نام دانشگاه را «دانشگاه صنعتی آریامهر» بگذارد. شاه از این نام خیلی خوشش آمد و به مجتهدی گفت از این به بعد شما می‌توانید هر پانزده روز یک بار، پیش من بیایید و مشکلاتتان را با من در میان بگذارید. دکتر، هر پانزده روز یک بار، از طریق وزیر دربار نزد شاه می‌رفت و ضمن ارائه گزارش، مشکلات موجود در راه پیشبرد اهداف و برنامه‌های دانشگاه را با شاه مطرح و چاره‌جویی می‌کرد. شاه با شنیدن مشکلات، گوشی تلفن را برمی‌داشت و از همان جا به دارایی، نخست‌وزیر یا شرکت نفت تلفن می‌کرد. همه موظف بودند بدون انجام هیچ‌گونه تشریفات، اعتبار لازم را تأمین و در اختیار دکتر قرار دهند. دکتر مجتهدی در خاطرات خود به این روز اشاره کرده و نوشته: «خوشحال شدم. از در آمدن بیرون. گفتیم برای ایجاد این دانشگاه دیگر مشکلی ندارم. دلم به حال

جوان‌هایی می‌سوخت که نمی‌توانند به دانشکده بروند. مملکت ما آدم لازم دارد. جوان‌های فاضل لازم دارد که خدمت به مملکت بکنند و ایدئال من و طرز فکر من این است. حالا یا غلط یا صحیح».

اساسنامه دانشگاه صنعتی آریامهر

ماده ۱ با تولید عالیبه شاهنشاه آریامهر دانشگاه صنعتی آریامهر برای مدت نامحدودی در تهران تأسیس می‌شود.

ماده ۲ دانشگاه می‌تواند با پیشنهاد نیابت تولید و تصویب هیئت امنا در شهرها شعبه تأسیس کند.

ماده ۳ دانشگاه صنعتی آریامهر که مؤسسه‌ای فرهنگی و غیرانتفاعی است، شخصیت حقوقی و استقلال مالی دارد.

ماده ۴ اداره تمامی امور دانشگاه با نیابت تولید عظمی خواهد بود که به فرمان همایونی به این سمت منصوب می‌شود.

ماده ۵ مدت عضویت اعضای هیئت امنا با فرمان شاهنشاه آریامهر پنج سال و ادامه عضویت آنان با فرمان شاهنشاه آریامهر بلامانع است.

تبصره ۱ امور مالی و اداره دانشگاه طبق آیین‌نامه‌هایی که به تصویب هیئت امنا می‌رسد، تنظیم خواهد شد.

تبصره ۲ نظارت دانشگاه به عهده هیئت امنا خواهد بود که به فرمان شاهنشاه آریامهر منصوب می‌شوند.

ماده ۶ هر وجهی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به دانشگاه اهدا شود، در دفاتر دانشگاه ثبت و به حساب دانشگاه منظور خواهد شد. صورت اسامی تمامی اشخاص و مؤسساتی که به دانشگاه کمک مالی می‌نمایند، منتشر می‌شود.

تبصره ۱ اگر کسی نخواهد نام و نشان او به اطلاع عامه برسد، در این صورت مبلغ اهدا شده بدون ذکر نام و نشانی انتشار خواهد یافت.

تبصره ۲ اگر غیرمنقولی اهدا شود، چنانچه اهداکننده بدون قید و شرط اهدا نماید، دانشگاه در فروش و تبدیل آن مختار خواهد بود. در صورتی که اهداکننده شرایط خاصی را پیشنهاد نماید و قبول شرایط مورد موافقت دانشگاه واقع شود، طبق آن عمل خواهد شد.

ماده ۷ همه اسناد مالی دانشگاه باید به امضای مشترک نیابت تولیت دانشگاه و خزانه‌دار که از طرف هیئت امانت انتخاب می‌شود یا قائم‌مقام آن‌ها که به مسئولیت خودشان تعیین می‌شود، امضا شود. حساب جاری نزد بانک‌ها به وسیله همین اشخاص باز و چک‌ها امضا می‌شود.

ماده ۸ همه دارایی منقول و غیرمنقول دانشگاه صنعتی آریامهر و ذخایر احتیاطی و مطالبات و درآمد حاصله متعلق به دانشگاه است.

ماده ۹ سال مالی دانشگاه از تاریخ اول مهرماه هر سال تا شهریور سال بعد خواهد بود و ترازنامه به وسیله نیابت دانشگاه تنظیم و بعد از تصویب هیئت امانت منتشر خواهد شد.

ماده ۱۰ هیئت امانت تشکیل می‌شود از وزرای دربار شاهنشاهی، فرهنگ، هنر و آموزش و پرورش، اقتصاد و نیابت تولیت عظمی و بیست و پنج نفر دیگر که در پایان هر سال از دوره پنج‌ساله، پنج نفر از آنان به قید قرعه خارج و اعضای جدید یا همان اعضا با فرمان شاهنشاه آریامهر منصوب می‌شوند.

تبصره جلسات هیئت امانی دانشگاه با حضور نصف به علاوه یک از اعضا رسمیت یافته و موضوعاتی که به‌ازای موافق دوثلث اعضای حاضر در جلسه تصویب شود، قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۱ اشخاصی که به دانشگاه خدمات ارزنده‌ای می‌نمایند، به پیشنهاد نیابت تولیت عظمی و فرمان شاهنشاه آریامهر به طور دائم عضو افتخاری هیئت امانت خواهند شد و می‌توانند در جلسات هیئت امانت حضور یابند.

ماده ۱۲ شورای دانشگاه مرکب خواهد بود از: ۱- نیابت تولیت عظمی که سمت ریاست شورا را خواهد داشت؛ ۲- رؤسای دانشکده‌ها؛ ۳- دو نفر از میان استادان و دانشیاران هر دانشکده که به وسیله شورای آن دانشکده انتخاب شده باشند.

تبصره شورای دانشگاه با حضور دوسوم اعضا رسمیت خواهد یافت و تصمیم‌گیری با اکثریت آراء نصف به اضافه یک از اعضا حاضر در جلسه شورای دانشگاه اتخاذ می‌شود.

ماده ۱۳ شورای هر دانشکده از رئیس و استادان و دانشیاران آن دانشکده‌ها تشکیل می‌شود.

تبصره ۱ شورای دانشکده با حضور دوسوم از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با اکثریت آراء به علاوه یک نفر از اعضای حاضر در جلسه شورای دانشکده اتخاذ می‌شود.

تبصره ۲ حدود اختیارات هر دانشکده به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد نیابت



تولیت عظمی به تصویب هیئت امانا رسیده باشد.

تبصره ۲ ریاست شورای دانشکده با رئیس دانشکده است.

ماده ۱۴ رؤسای دانشکده‌ها از بین استادان دانشکده که لااقل ده سال سابقه تدریس دانشگاهی داشته باشند به پیشنهاد نیابت تولیت عظمی و تصویب هیئت امانا برای مدت سه سال منصوب خواهند شد و تجدید انتخاب آنان بلامانع است.

ماده ۱۵ اعضای هیئت آموزشی دانشگاه باید دارای درجه دکترا یا عالی‌ترین دیپلم تخصصی از دانشگاه‌های بزرگ دنیا در رشته تدریس خود باشند و احراز مقامات دانشیاری و استادی بر طبق شرایط و آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیئت امانا خواهد رسید.

تبصره اسامی اعضای هیئت آموزشی دانشگاه و تخصص و رشته تدریس هر یک از آنان به اطلاع شورای مرکزی دانشگاه‌ها خواهد رسید.

ماده ۱۶ هرگاه نیابت تولیت عظمی به عللی تغییر رئیس دانشکده یا تغییر استاد دانشکده‌ها را لازم بداند، گزارشی با ذکر دلایل به هیئت امانا تسلیم می‌نماید و در صورت تصویب هیئت امانا، رئیس یا استاد جدید، طبق مواد این اساسنامه انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۷ آیین‌نامه‌های دانشگاه توسط شورای دانشگاه تنظیم و پس از تصویب هیئت امانا به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۱۸ آیین‌نامه‌های اختصاصی هر دانشکده به وسیله آن دانشکده تنظیم و پس از تصویب شورای دانشگاه اجرا خواهد شد.

ماده ۱۹ بودجه دانشگاه به وسیله نیابت تولیت عظمی تنظیم و پس از تصویب هیئت امانا اجرا خواهد شد.

ماده ۲۰ میزان حقوق هیئت آموزشی و اداری دانشگاه و همچنین میزان ورودیه و شهریه دانشکده‌های مختلف به پیشنهاد نیابت تولیت عظمی و تصویب هیئت امانا تعیین می‌شود.

ماده ۲۱ در ابتدای تأسیس هر دانشکده، نیابت تولیت عظمی می‌تواند رؤسای دانشکده را از بین کسانی که درجه دکترا یا عالی‌ترین دیپلم در یکی از رشته‌های علوم و فنون دارند، بدون توجه به سابقه تدریس، انتخاب و برای تصویب به هیئت امانای دانشگاه پیشنهاد نماید. تجدید انتخاب آنان بلامانع است.

ماده ۲۲ برنامه‌های آموزشی هر یک از دانشکده‌ها طبق برنامه یکی از دانشکده‌های مشابه بزرگ دنیا



تنظیم خواهد شد و پس از تصویب شورای دانشگاه، به اطلاع شورای مرکزی دانشگاه‌ها خواهد رسید و به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده ۲۳ تعیین حدود وظایف و اختیارات نیابت تولیت عظمی، هیئت امنای شورای دانشگاه و شورای دانشکده طبق آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که به پیشنهاد نیابت تولیت عظمی به تصویب هیئت امنای خواهد رسید.

ماده ۲۴ نیابت تولیت عظمی نماینده دانشگاه در همه مراجع رسمی و غیررسمی است و تمامی اختیارات لازم را برای درخواست ثبت دانشگاه صنعتی آریامهر و انجام سایر تشریفات قانونی و امضای دفاتر ثبت خواهد داشت.

ماده ۲۵ تغییر مواد این اساسنامه با پیشنهاد تولیت عظمی و تأکید دو ثلث اعضای هیئت امنای و تصویب شورای مرکزی دانشگاه‌ها، پس از توشیح شاهنشاه آریامهر، امکان‌پذیر خواهد بود.

اساسنامه دانشگاه در ۲۵ ماده در یکصدمین جلسه شورای مرکزی دانشگاه‌ها در تاریخ هجدهم دی سال ۱۳۴۴ تصویب شد و طی نامه ۱۵ بهمن ۱۳۴۴ اداره کل تعلیمات عالی به دانشگاه ابلاغ شد.

الف) وظایف اعضای هیئت امنای:

- ۱- تهیه وسایل تأسیس دانشگاه و تأمین هزینه‌های آن؛
- ۲- کوشش در ازدیاد درآمد و ترقی و توسعه و تکامل دانشگاه؛
- ۳- نظارت بر امور مالی و اداره دانشگاه؛
- ۴- تصویب حقوق و مزایای نیابت تولیت عظمی، رؤسای دانشکده‌ها، استادان، دانشیاران، معلمان و کارمندان و همچنین، تعیین شهریه پرداختی دانشجویان؛
- ۵- تصویب بودجه دانشگاه؛
- ۶- تصویب مصوبات شورای دانشگاه در مواردی که در این اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

ب) وظایف نیابت تولیت عظمی:

- ۱- اجرای مصوبات هیئت امنای و شورای دانشگاه؛
- ۲- انتخاب معاونان دانشگاه و رؤسای دانشکده‌ها و پیشنهاد آنان به هیئت امنای؛
- ۳- دعوت و تشکیل شورای دانشگاه در هر موقع که مقتضی باشد؛
- ۴- ارسال برنامه‌های دانشکده‌ها به شورای مرکزی دانشگاه‌ها؛
- ۵- ارسال مصوبات شورای دانشگاه برای تصویب به هیئت امنای.

ج) وظایف شورای دانشگاه:

- ۱- اظهارنظر و راهنمایی در مسائلی که به وسیله نیابت تولیت عظمی در دستور شورا ذکر شده است؛
- ۲- رسیدگی و تصویب پیشنهادهای شورای دانشکده‌ها و رؤسای آن‌ها؛
- ۳- تصویب برنامه‌های آموزشی دانشکده‌ها؛
- ۴- تصویب صلاحیت استادان و دانشیاران و معلمان دانشکده‌ها؛
- ۵- رسیدگی به همه امور آموزشی و انضباطی دانشگاه.

د - وظایف رؤسای دانشکده‌ها:

- ۱- پیشنهاد انتخاب استادان، دانشیاران و معلمان به نیابت تولیت عظمی برای طرح در شورای دانشگاه؛
- ۲- دعوت شورای دانشکده در هر موقع که ضرورت ایجاب کند؛
- ۳- ارسال مصوبات شورای دانشکده برای نیابت تولیت عظمی به منظور طرح و تصویب در شورای دانشگاه؛
- ۴- اجرای مصوبات هیئت امنای شورای دانشگاه و شورای دانشکده؛
- ۵- ارسال برنامه‌های تعلیماتی مصوب شورای دانشکده برای نیابت تولیت عظمی به منظور طرح و تصویب در شورای دانشگاه؛
- ۶- تهیه و تنظیم بودجه دانشکده و ارسال آن برای نیابت تولیت عظمی.

ه - وظایف شورای دانشکده:

- ۱- اظهارنظر و راهنمایی در مسائلی که به وسیله رئیس دانشکده در دستور شورای دانشکده گذاشته شود؛
- ۲- رسیدگی و شور در امور تعلیماتی و انضباطی دانشکده؛
- ۳- تهیه برنامه تعلیماتی دانشکده برای تصویب در شورای دانشگاه.

هیئت امنای دانشگاه

بر اساس اساسنامه، دانشگاه به وسیله هیئت امنایی اداره می‌شود که برای مدت پنج سال با فرمان شاه منصوب شده بودند. به این منظور، دکتر مجتهدی، سی نفر از مقامات ارشد مملکتی را به شاه پیشنهاد کرد تا شاه از بین آن‌ها پانزده نفر را برای عضویت در هیئت امنای انتخاب کند. شاه بالای نامه نوشته بود: «هرسی نفر درست‌اند، خوب‌اند، همه این سی نفر باشند». به فرمان شاه این سی نفر به عنوان اعضای

هیئت امنای دانشگاه صنعتی آریامهر منصوب شدند. هماهنگی سسی نفر از مقامات مملکتی برای شرکت در جلسات کار سختی بود. اما با فضای نظم و انضباطی که دکتر مجتهدی ایجاد کرده بود، همه به طور منظم در جلسات شرکت می کردند. اولین جلسه هیئت امنای در ساعت یازده و نیم صبح سه شنبه ۱۱ آبان ۱۳۴۴، در کاخ مرمر تشکیل شد. شاه در نخستین جلسه هیئت امنای دانشگاه صنعتی آریامهر بر اهمیت صنعتی شدن کشور و دلایل عقب ماندگی ایران اشاره کرد و گفت: «طرحی که برای این دانشگاه می ریزیم، بر پایه همان بالاترین سطح علمی و فنی انشاء الله خواهد بود. صناعی که در آینده ما باید نسبت بدان ها بیندیشیم، در درجه اول صنایع آهن و فولاد است. امیدواریم ذوب آهن ایران تا چند سال دیگر راه بیفتد. رشته خیلی مفصلی است که در آن افراد لازم باید تربیت بشوند. صنعتی که از بس وسیع است، برای آن تقریباً هیچ نوع افقی پیش بینی نمی شود کرد، صنایع پتروشیمی است که ما باید در آن افراد لازم را تربیت کنیم. صنعت نفت که آن هم برای ایران یک صنعت غیر محدودی است. در رشته برق، باید در نظر داشته باشیم این مملکت امکانات تولید برقش خوشبختانه بی اندازه زیاد است و در آینده به وسیله ساختمان سدهای مرتفع و تولید برق از طریق آب، به وسیله استفاده از نیروی گاز برای تولید الکتریسیته از نفت و مازوت و وسایل دیگر، مملکت ما حقیقتاً می تواند جزو ممالک پیشرفته دنیا از لحاظ تولید برق به نسبت سرانه جمعیت مملکت بشود».

بر طبق اساسنامه، رئیس هیئت امنای دانشگاه صنعتی آریامهر وزیر دربار بود. افراد زیر به عنوان اعضای نخستین هیئت امنای دانشگاه صنعتی آریامهر انتخاب شده بودند:

خانم فریده دیبا، خانم شوکت ملک جهانبانی، خانم جباره فرمانفرمایان، وزیر دربار شاهنشاهی (قدس نخعی)، وزیر آموزش و پرورش (دکتر هادی هدایتی)، وزیر فرهنگ و هنر (مهرداد پهلبد)، وزیر اقتصاد (دکتر علی بنقی علیخانی)، آقایان امیر عباس هویدا (نخست وزیر)، جعفر شریف امامی (رئیس مجلس سنا)، منوچهر اقبال (رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران)، سپهبد ایادی، علی اکبر سیاسی (مهندس نساجی)، محمد حسین ادیب، سید حسن امامی (امام جمعه تهران)، جواد آشتیانی، ابوالحسن ابوذر (مهندس مکانیک)، رضا فلاح (دکترای شیمی)، یوسف خوش کیش (رئیس اتاق بازرگانی)، علی وکیلی، مهدی نمازی (مهندس برق)، محمد خسروشاهی، حسنعلی البرز، جعفر بهبهانیان، اصغر امیرانی، تیمور لکستانی، رضا نیازمند (مدیر عامل سازمان گسترش و صنایع نو سازی صنایع ایران)، خسرو شیرزاد (مهندس ماشین)، علی اکبر سببانی، محمد مهدی کمالی (مهندس ساختمان)، محمد علی مجتهدی و عضو افتخاری هیئت، سرلشکر بقایی.



بنای دانشگاه صنعتی آریا مهر

دکتر مجتهدی، روز صدور فرمان شاه اعلام کرد دانشگاه در کمتر از یک سال تأسیس شده و سال تحصیلی آتی، یعنی سال ۴۶-۱۳۴۵ رسماً آغاز به کار کرده و دانشجو خواهد پذیرفت. او در آغاز کار، ستادی برای تأسیس دانشگاه تشکیل داد و چند نفر را به عنوان دستیار و معاون تشکیلات اولیه استخدام کرد. دکتر، یکی از نزدیکان خود به نام دکتر هوشنگ منتصری^۱ را که در دبیرستان البرز ریاضیات تدریس می‌کرد، به عنوان معاون و قائم مقام برگزید. دکتر منتصری در جوانی، در حزب توده فعالیت می‌کرد و روابط خوبی با دکتر علی امینی، نخست وزیر وقت و پرویز ثابتی، مدیر کل امنیت داخلی ساواک داشت. اعضای دیگر ستاد، دکتر محمدحسین ادیب به عنوان خزانه دار، مهندس تیمور لکستانی به عنوان مدیر عمومی، مهندس محمدمهدی کمالی به عنوان مسئول امور تأسیسات و ساختمان و مهندس ابوالحسن ابوذر بودند. مهندس تیمور لکستانی، یکی از دانشجویان دکتر مجتهدی در دانشکده فنی بود و در اداره برق سفیدرود کار می‌کرد. دکتر مجتهدی از وزیر آب و برق خواست مهندس لکستانی را به دانشگاه صنعتی آریا مهر منتقل کند. دکتر مجتهدی و مهندس ابوذر در خارج از کشور آشنا شده بودند. مهندس محمدمهدی کمالی یکی دیگر از دوستان نزدیک دکتر مجتهدی و از مهندسان عالی رتبه ساخت و ساز و صاحب شرکت ساختمانی رنگینگ بود. این شرکت، با کمک های مردمی، هشت ساختمان در دبیرستان البرز ساخته بود. دبیرستان البرز، یکی از مراکز مهم و بنام آموزشی آن زمان بود. جلسه های ستاد در خانه ای در امیرآباد تشکیل می شد که مهندس کمالی در اختیار اعضا قرار داده بود. مهم ترین موضوع جلسات نخست، انتخاب محلی برای احداث دانشگاه و خرید زمین مناسب بود. اولین گزینه، بخشی از زمین های سرلشکر بقایی بود. بقایی طبق اساسنامه دانشگاه، عضو افتخاری هیئت امنای دانشگاه بود. سرلشکر، باغ بزرگی کنار کاروانسرا سنگی در محدوده فعلی منطقه ۲۱ تهران و در نزدیکی کرج داشت و می خواست نیمی از زمین های باغ را برای احداث دانشگاه صنعتی آریا مهر به شاه هدیه کند. دکتر مجتهدی از باغ بازدید کرد و همان جا فهمید هدف بقایی از اهدای باغ به دانشگاه، آن است که زمین های اطراف آن رونق بگیرند. به خاطر همین و برای جلوگیری از امکان دخالت او در مراحل ساخت دانشگاه و برخلاف اصرار زیاد بقایی، به دلیل دوری باغ از تهران و مشکلات رفت و آمد پیشنهاد سرلشکر را نپذیرفت. با آنکه دکتر مجتهدی به بقایی اعلام کرد که زمین های او را برای ساخت دانشگاه مناسب نمی بیند، ۱۳ آبان ۱۳۴۴ مطلبی در روزنامه کیهان چاپ و اعلام شد به زودی دانشگاه صنعتی آریا مهر در زمین های سرلشکر بقایی احداث خواهد شد. نقشه موقعیت زمین هم در صفحه

۱- هوشنگ منتصری، اهل لاهیجان بود و همان جا دوران ابتدایی اش را گذراند و برای ادامه تحصیل راهی پایتخت شد و دبیرستان را در مدارس سن لوئی و دارالفنون ادامه داد. منتصری دیپلم ریاضی را با رتبه یک گرفت و وارد دانشگاه تهران شد. او بعد از فارغ التحصیلی در رشته علوم ریاضی به کشور فرانسه رفت و به تحصیل در رشته اقتصاد ریاضی پرداخت. پس از فارغ التحصیل شدن از این رشته، از استراسبورگ دکترای ریاضی گرفت و سال ۱۳۳۳ به ایران برگشت. منتصری مدتی معاون دکتر مجتهدی در دانشگاه صنعتی شریف بود و سال ۴۶ به ریاست دانشگاه تبریز انتخاب شد. چند سال هم استاندار کرمان بود و بعد از آن که بازنشسته شد، به فرانسه رفت و بیست سال در آنجا زندگی کرد و دوباره به ایران برگشت. هوشنگ منتصری ۲۰ تالیف در رشته ریاضی دارد. از عمده آثار ترجمه منتصری می توان به قدرت نوشته برتراند راسل، نسل امروز ما، اروپا در ۱۰۰ روز و در آن سوی فراموشی اشاره کرد. منتصری فروردین ۱۳۹۴ درگذشت و در لاهیجان به خاک سپرده شد.

اول روزنامه چاپ شد. دکتر مجتهدی با آنکه در عمل انجام شده قرار گرفته بود، به صراحت اعلام کرد مخالف احداث دانشگاه در این زمین است. بعد از این ماجرا، تیمسار ایادی زمین دیگری در بالای آزادراه تهران کرج، یعنی در محدوده منطقه ۲۲ به دکتر پیشنهاد کرد. دکتر مجتهدی این پیشنهاد را هم به دلیل مشکلات رفت و آمد نپذیرفت تا آنکه هویدا، زمین‌های محل فعلی دانشگاه را به دکتر پیشنهاد کرد. زمین پیشنهادی در خیابان آیزنهاور (آزادی امروز)، نزدیک سه‌راه فرودگاه مهرآباد قرار گرفته بود. این زمین به آموزش و پرورش تعلق داشت و دبیرستان حرفه‌ای به نام هنرستان محمدرضا پهلوی در آن قرار داشت. دکتر مجتهدی، این پیشنهاد را پذیرفت و به دکتر ادیب مأموریت داد مراحل قانونی دریافت زمین از آموزش و پرورش را انجام دهد. شاه به وزیر آموزش و پرورش دستور داد این ساختمان را رایگان در اختیار دانشگاه بگذارد. وزیر پیشنهاد واگذاری رایگان محل را به هیئت وزیران ارائه داد. هیئت وزیران چون محل قطعی دانشگاه مشخص نشده بود و حتی معلوم نبود در تهران باشد، تصمیم گرفت آن محل را به اجاره، ولو با قیمت کم، به دانشگاه واگذار کند. گویا وزیر اقتصاد وقت پیشنهاد کرده بود که این دانشگاه در محل دیگری به جز تهران دایر شود. با تصمیم هیئت وزیران، شاه در نامه‌ای که به وزیر آموزش و پرورش نوشت، دستور داد تا مادامی که محل ساختمان دانشگاه صنعتی آریامهر حاضر نشده، دریافت مال الاجاره از محل موقت دانشگاه که متعلق به وزارت آموزش و پرورش است، ممنوع باشد. بعد از آن، فردی به نام مهندس کیایی که نماینده یکی از معاونان درباری بود، زمین‌های اطراف دانشگاه را تصاحب کرد. در اثر این تصرفات، صاحبان زمین علیه مهندس کیایی اعلام جرم کردند و پرونده قضایی تشکیل دادند. قرار شد مهندس کیایی همراه آقای شمس که وکیل حقوقی دانشگاه بود، به بازپرسی بروند. دکتر مجتهدی وقتی از ماجرا خبردار شد، به آقای شمس گفت که او خود دستور داده تا برای فرزندان این مملکت این اراضی تصرف شود. وقتی در دادگاه بازپرس از مهندس کیایی توضیح خواست که چرا اراضی مردم را تصرف کرده‌اید، دکتر مجتهدی گفت که مهندس کیایی به دستور او این اراضی را تصرف کرده است. در نهایت بعد از مذاکرات مفصل آقای شمس با شاکی پرونده، قرار شد دانشگاه این زمین را به قیمت ۱۲ هزار تومان از شاکی پرونده بخرد.

به دستور شاه، دربار بودجه اولیه تأسیس دانشگاه را تأمین کرد اما دکتر اصرار داشت مردم در ساخت بنای دانشگاه سهیم باشند. دکتر می‌خواست به همه، به‌ویژه آمریکایی‌ها نشان بدهد مردم ایران داوطلبانه در ساخت مراکز آموزشی مشارکت می‌کنند. بخشی از اعتبار لازم برای ساخت دانشگاه را دانشجویان ایرانی خارج از کشور پرداختند. بیشتر این دانشجویها از دبیرستان البرز فارغ‌التحصیل شده

بودند. دانشجویان، بخشی از پولی را که اولیا برای تأمین هزینه‌های تحصیل برایشان می‌فرستادند، به دانشگاه هدیه کردند و متعهد شدند ماهانه مبلغ مشخصی را به حساب دکتر ادیب واریز کنند. دکتر ادیب خزانه‌دار دانشگاه بود و اعتبارات ارسالی را جمع‌آوری و مدیریت می‌کرد. در همین راستا، معلم‌های دبیرستان البرز از حسابداری مدرسه خواسته بودند ۱۰ درصد از حق‌التدریس ماهیانه آن‌ها را از حقوقشان کسر کرده و آن را به حساب دانشگاه صنعتی آریامهر واریز کنند. علاوه بر شخصیت‌های سیاسی و معلمان و دانشجویان، مردم عادی در تأمین بودجه ساخت دانشگاه کمک زیادی کردند. همان سال، در یکی از شماره‌های مجله خواندنی‌ها، تصاویر چک‌های مردم و رسید کمک مالی افراد به دانشگاه صنعتی آریامهر، به عنوان اقدامی فرهنگی چاپ شد. در نشریه‌ای که ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۴۵ به مناسبت اولین سالگرد دانشگاه منتشر شد، گزارش کاملی از اسامی کسانی که برای ساخت دانشگاه کمک کرده بودند، با ذکر مقدار دقیق مبلغ پرداختی، چاپ شد.

شروع عملیات ساختمانی

دکتر مجتهدی تعداد ساختمان‌های لازم برای راه‌اندازی دانشگاه را به کمیسیون اعلام کرد و از آن‌ها خواست هر چه زودتر کار ساخت و ساز را آغاز کنند. در این مرحله باید معماری انتخاب می‌شد و نقشه ساختمان‌ها را تهیه می‌کرد. اطرافیان شاه شنیده بودند شاه برای ساخت دانشگاه هر مقدار پول که دکتر بخواهد در اختیارش قرار می‌دهد، اما می‌دانستند دکتر با شاه اتمام حجت کرده کسی از دربار در کارهایش دخالت نکند. برادرهای شاه به طور مستقیم به دکتر دستور نمی‌دادند یا از او چیزی نمی‌خواستند. آن‌ها برای تصاحب پروژه ساخت ساختمان‌های دانشگاه صنعتی آریامهر، وزیر مسکن را واسطه کردند تا مهندس صفاری و مهندس علی سردار افخمی را به عنوان معمار به دکتر مجتهدی معرفی کند. وزیر آبادانی و مسکن وقت در جلسه‌ای حضوری از دکتر خواست معماری ساختمان‌ها و فضای داخلی دانشگاه را به این دو نفر بسپرد که از سوی دربار سفارش شده بودند. اما دکتر از زد و بندهای درباریان خبر داشت و در پاسخ به درخواست وزیر مسکن گفت: «آن بیژن صفاری از اقوام من است. با هم قوم و خویشیم. ایشان دکوراتور هستند. آرشیوتکت نیستند. آقای مهندس سردار افخمی آرشیوتکت‌اند. این دو نفر با هم شریک‌اند. این‌ها کیسه دوخته‌اند برای اینجا. ما پولی نداریم کیسه این‌ها را پر کنیم. کیسه این‌ها هم سوراخ دارد. از این طرف می‌ریزی، از آن طرف می‌آید بیرون».

دکتر مجتهدی معماری و طراحی دانشگاه را به یکی از فارغ‌التحصیلان جوان دبیرستان البرز، یعنی





حسین امانت^۱ سپرد. امانت آن موقع ۲۳ سال داشت و یک سال بعد، یعنی سال ۱۳۴۵، در مسابقه معماری برج شهید (آزادی) از بین استادان فن، برنده طراحی این برج شد. برج آزادی به مناسبت یادبود جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران و به عنوان نمادی از «ایران مدرن» و نشانی از «دروازه تمدن بزرگ» در سده بیستم در مسیر ورود مسافران فرودگاه مهرآباد به شهر تهران ساخته شد. دکتر مجتهدی، پیش‌تر در ساخت بناهای جدید مدرسه البرز از امانت کمک گرفته بود. حسین امانت با اشتیاق پیشنهاد دکتر مجتهدی را پذیرفته بود.

مجتهدی از امانت خواست دو سالن ششصد نفری، دو سالن چهارصد نفری و دو سالن دویست نفری، نهارخوری با ظرفیت ۲ هزار نفر، آزمایشگاه‌ها و اتاق‌هایی طراحی کند که پنجاه شاگرد بتوانند در آن بنشینند. امانت به سرعت نقشه‌های مورد نیاز را طراحی کرد. بنای چهار طبقه آجری رنگی که امانت طراحی کرد، نماد دانشگاه و نمونه‌ای برای معماری خاص سایر بناهای آن شد. او تمام نقشه‌های دانشگاه را بدون هیچ چشمداشت مالی کشید و در پاسخ اصرارهای دکتر مجتهدی برای دریافت پول، فقط هزینه تهیه کاغذ نقشه‌ها را گرفت که حدود ۲۰ هزار تومان بود. او هیچ حق الزحمه‌ای برای خود نگرفت و گفت: «من از البرز فارغ التحصیل شده‌ام. به شما مدیونم و حاضر نیستم یک شاهی بگیرم. شما این مسئولیت را دارید. اگر کس دیگری بود، می‌گرفتم. ولی از شما غیرممکن است». دکتر دوباره اصرار کرد: «پول مال من نیست. من که نمی‌دهم. از صندوقمان است». امانت جواب داد: «با وجود این نمی‌گیرم».

بعد از آماده‌سازی نقشه‌ها، کار ساخت و ساز به سرعت آغاز شد. در مدت زمان کوتاهی باید بیش از ۵ هزار مترمربع بنا ساخته می‌شد. عملیات ساخت و ساز به چند بخش تقسیم و برای هر کدام مهندس ناظری استخدام شد. دکتر با این روش، بین مهندسان رقابت ایجاد کرد. در طی شش ماه عملیات عمرانی ساختمان‌ها به اتمام رسید و ساختمان و مراکز نوساز آماده بهره‌برداری شدند. در این مدت، دکتر مجتهدی و سایر اعضای کمیسیون، روزی هفده، هجده ساعت در دانشگاه حضور داشتند و ضمن انجام هماهنگی‌های لازم، بر روند انجام کار نظارت می‌کردند. در زمان افتتاح، بناهای دانشگاه شامل ساختمان جنوبی دانشگاه با تالار اجتماعات جلوی آن، ساختمان کوچک نیابت تولیت، ساختمان اولیه دانشکده فیزیک (که در حال حاضر تغییر مکان داده است)، سالن نهارخوری دانشجویان، ساختمان کوچک نهارخوری برای کارکنان، یکی از سالن‌های فعلی کارگاه، ساختمان کوچک بهداری و انبار و ساختمانی چهار طبقه و آجری رنگ بود. این ساختمان با طراحی ویژه حسین امانت، هنوز نماد دانشگاه محسوب می‌شود. بقیه بناها و سوله‌ها پیش از ورود دانشجویان دوره دوم ساخته شد.

۱ - حسین امانت سال ۱۳۲۱ به دنیا آمد. امانت از فارغ التحصیلان دبیرستان البرز بود که برج آزادی را به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی طراحی کرد. او طراح و معمار ساختمان‌های اولیه دانشگاه صنعتی شریف و بسیاری از سازه‌های دیگر ایران و جهان است. امانت بعد از طراحی برج آزادی که تا پیش از انقلاب برج شهید نامیده می‌شد و دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر)، سرپرست ساخت موزه بزرگ پاساژگاد در نزدیکی آرامگاه کوروش کبیر بود. ساختمان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شهرک تفریحی در ساحل دریاچه خزر، بنای سفارت ایران در شهر یکن، پایتخت جمهوری خلق چین هم از کارهای اوست.



جلوی ساختمان کتابخانه مرکزی قبلی (شهید رضایی کنونی). طرح سردر با الهام از نمای یک مجموعه صنعتی شکل گرفته است.



مهندس کمالی از ابتدا بر عملیات ساخت و ساز ساختمان‌های دانشگاه نظارت می‌کردند. شاه برای اطلاع از روند ساخت دانشگاه، بعضی از روزهای جمعه از دانشگاه بازدید می‌کرد. در این بازدیدها، دکتر مجتهدی میزان پیشرفت کار را به شاه گزارش می‌داد و مشکلات و موانع موجود را به اطلاع شاه می‌رساند. بیشتر سالن‌های جدید، سالن‌های بزرگی بودند که به صورت سوله طراحی شده بودند. با آنکه در اساسنامه دانشگاه، محل آن تهران ذکر شد، مدتی بعد شاه دستور داد دانشگاه در اصفهان و نزدیک کارخانه ذوب آهن این شهر ساخته شود و دانشگاه به صورت موقت در محل فعلی ساخته می‌شد تا شرایط لازم مهیا شود. دکتر مجتهدی با تکیه بر این نکته که بنای دانشگاه در اصفهان چند سال طول می‌کشد و تا آن هنگام دانشگاه در تهران نیاز به ساختمان دارد، کنار هنرستان محمدرضا شاه پهلوی به سرعت ساختمان‌های ارزان‌قیمتی بنا کرد. در یکی از بازدیدهای شاه و فرح از دانشگاه، دکتر مجتهدی در پاسخ به سؤال فرح که چرا ساختمان‌های دانشگاه مثل انبار ساخته شده است، گفت: «من طرز فکرم این است که جوان‌های ما زیر چادر هم که باشند، باید به این‌ها تعلیم بدهیم. من قصدم این نیست که حتماً ساختمانی بکنم، مرم‌ر بگذارم. من ساختمانی اگر کردم به قول شما آنکراست، یعنی



نمای ساختمان مجتهدی (ابن سینای کنونی) در دهه پنجاه؛ زمانی که هنوز از ساختمان فعلی مرکز گرافیک خبری نبود و چرخ‌دنده هم در برج ابن سینا جاخوش نکرده بود.



محوطه دانشگاه.

انبار است، برای اینکه سرعت عمل باشد و من زودتر بتوانم ششصد نفر را هدایت کنم. به عقیده من در تمام مملکت باید زیر چادر دانش‌آموزان را پذیرفت. چون پول نداریم ساختمان بسازیم، حتی زیر چادر باید این بچه‌ها را پذیرفت و به این‌ها تعلیمات داد، به این‌ها معلومات داد».

تجهیز کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها

دکتر مجتهدی و همکارانش به موازات ساخت ساختمان‌ها و سوله‌ها، برای تهیه وسایل لازم آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و تجهیز آن‌ها برنامه‌ریزی کردند. آن‌ها ابتدا فهرستی از وسایل و تجهیزات مورد نیاز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها تهیه کردند. تجهیزات و وسایل آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی و متالورژی و کارگاه‌ها طوری انتخاب می‌شدند که علاوه بر رفع نیاز فعلی دانشجویان کارشناسی، در آینده بتوان از آن‌ها در تحقیقات سطح دکترا استفاده کرد. یعنی ابزارها و دستگاه‌ها علاوه بر جنبه آموزشی، جنبه تحقیقاتی هم داشته باشند و استنادانی که مشغول کار پژوهشی خواهند شد و دانشجویان بعد از اتمام دوره مهندسی و ورود به تحصیلات تکمیلی، تا رسیدن به درجه دکترا بتوانند از آن دستگاه‌ها استفاده کنند. ماشین‌های کارگاه‌ها هم طوری انتخاب می‌شدند که علاوه بر بعد آموزشی، دانشجویان را با محیط کارگاه‌هایی آشنا کنند که بعدها محیط کار اصلی‌شان خواهد بود. در سومین جلسه هیئت امنای دانشگاه صنعتی آریامهر که دی‌ماه ۱۳۴۴ تشکیل شد، موضوع تهیه لوازم آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی و ماشین‌آلات دانشگاه طرح و بررسی شد. در این جلسه، آقای منوچهر اقبال، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و عضو هیئت امنای دانشگاه، اعلام کرد شرکت نفت مبلغ یکصد میلیون ریال برای خرید وسایل به دانشگاه اعطا خواهد کرد. چند روز بعد، دکتر اقبال چکی به مبلغ یکصد میلیون ریال امضا و برای دکتر ارسال کرد. در واقع، دکتر اقبال یک روز حقوق تمامی کارکنان این شرکت را به دانشگاه اهدا کرد و بعد هم یک روز به همه کارکنان شرکت پاداش داد. این کمک شرکت نفت به دانشگاه حداقل تا آخر دوران پهلوی به میزان ۱۰ میلیون تومان در سال ادامه داشت. دکتر مجتهدی به دفتر دکتر اقبال رفت و چک را روی میز دکتر گذاشت. دکتر اقبال از این کار ناراحت شد و گفت: «چک را پس می‌دهی؟ این را اعلی‌حضرت به من گفتند بدهم». مجتهدی پاسخ داد: «نه، من پس نمی‌دهم. این لیست اثاثیه کارگاه و آزمایشگاه است که من احتیاج دارم. شما این جا اداره خرید دارید. دستور بدهید برای من بخرند. من قادر نیستم یک جفت جوراب بخرم. این‌ها برای ما بخرند». دکتر اقبال با شنیدن این حرف، قبول کرد نمایندگان شرکت نفت خریدهای خارجی دانشگاه را انجام دهند. این موضوع در جلسه هیئت امنای ۱۵ دی‌ماه مطرح شده



و اعضا تصویب کردند نه نفر از نمایندگان اداره کل خرید شرکت ملی نفت با نظارت مستقیم مهندس ابوالحسن ابوذر، یکی از اعضای هیئت امنای دانشگاه، برای سفارش و خرید وسایل آزمایشگاهی فیزیک، شیمی، متالورژی و کارگاه‌های فلز، مدل‌سازی، ریخته‌گری، چاپخانه و همین‌طور کتاب‌ها و مجلات علمی و فنی لازم برای کتابخانه، اقدام کنند. این گروه بلافاصله کار خود را آغاز کرد و به سرعت مشخصات وسایل و فروشندهگان آن‌ها را تهیه کرد. ۱۲۵۰ قلم وسایل مختلف فهرست خرید که در ۴۲ گروه تقسیم‌بندی شده بود، باید از خارج کشور تهیه می‌شد. گروه خرید بعد از انجام مکاتبات اداری با ۲۲۵ شرکت خارجی و بعد از استعلام قیمت، وسایل را سفارش و اقدامات اداری را انجام داد. امور بانکی مربوط به گشایش اعتبارات اسنادی و عقد قرارداد همه سفارشات خارجی از طریق بانک مرکزی ایران و شرکت بیمه انجام شد و نماینده شرکت ملی نفت ایران از طرف دانشگاه برای عقد قرارداد بیمه به شرکت سهامی بیمه ایران معرفی شد. دکتر برای هر کدام از گروه‌های آموزشی فردی را مأمور خرید وسایل داخلی کرده بود. مأمور خرید دانشکده فیزیک آقای منوچهر راد بود. او هر روز صبح با ماشین پیکان استیشنی که از طرف دانشگاه در اختیارش قرار گرفته بود، به بازار می‌رفت و وسایل مورد نیاز را سفارش می‌داد و می‌خرید. بعد از خرید و تهیه وسایل، ماشین‌آلات باید در فضای مناسب قرار گرفته و نصب و راه‌اندازی می‌شدند. استادان جوان تازه از راه رسیده، مشغول تهیه طرح درس و کتاب و جزوات آموزشی برای شروع سال تحصیلی بودند. هجده دستگاہ افسست، پلی‌کپی، صحافی، رونوشت‌برداری و کلیشه‌سازی زودتر از دستگاہ‌های دیگر نصب و راه‌اندازی شد تا جزوات دروس دانشجویان سریع‌تر آماده شود. اما فعالیت استادان به تهیه جزوات آموزشی ختم نمی‌شد. همه با اشتیاق فراوانی در حال آماده‌سازی دانشگاه جدید بودند. چند ماه بیشتر به افتتاح دانشگاه باقی نمانده بود. استادان جوان با آنکه مشغول تهیه طرح درس و جزوات آموزشی سال تحصیلی بودند، آستین‌ها را بالا زده و هر کاری از دستشان بر می‌آمد، انجام می‌دادند. روزی که کامیون وسایل و تجهیزات آزمایشگاه خریداری شده به دانشگاه رسید، دکتر فیروز پرتوی^۱ اولین استاد استخدامی دانشگاه صنعتی آریامهر، که از فارغ‌التحصیلان دانشگاه ام‌آی‌تی آمریکا و پایه‌گذار دانشکده فیزیک دانشگاه بود، کنش را درآورد و به کارگران کمک کرد

۱ - دکتر فیروز پرتوی سال ۱۳۱۵ در شهر تبریز به دنیا آمد. او از فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز بود و بعد از گرفتن لیسانس از آری‌آی، قدیمی‌ترین دانشگاه مهندسی آمریکا، وارد دانشگاه ام‌آی‌تی شد و از آنجا مدرک دکترا گرفت و یک سال دوره فوق دکترا را در این دانشگاه گذراند. دکتر پرتوی با آنکه موقعیت خوبی برای تدریس در دانشگاه ام‌آی‌تی داشت، تصمیم گرفت به ایران برگردد. او که قصد داشت از راه زمینی وارد کشور شود، ابتدا به فرانسه رفت و آنجا به طور تصادفی با دکتر علی شریعتی آشنا شد. دکتر شریعتی که همراه خانواده مدتی در پاریس بود، همان موقع قصد بازگشت به ایران داشت، به همین خاطر، دکتر پرتوی همراه خانواده دکتر شریعتی راهی ایران شدند. اما ساواک هر دو را در مرز کشور به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر و به زندان قزل قلعه فرستاد. دکتر شریعتی یک ماه بعد آزاد شد اما ساواک پرتوی را دو ماهه‌نیم در زندان نگه داشت. او بعد از آزادی به دیدار دکتر محمدعلی مجتهدی رفت و دکتر مجتهدی که آن موقع رئیس دانشکده پلی‌تکنیک بود، از پرتوی خواست عضو هیئت‌علمی در دانشکده پلی‌تکنیک تهران و مشغول به کار شود. دکتر پرتوی دو سالی را در دانشکده پلی‌تکنیک گذراند. پرتوی در خاطراتش گفته که در پلی‌تکنیک جلساتی در خصوص تشکیل دانشگاه صنعتی تشکیل می‌شد و او به عنوان دستیار دکتر مجتهدی عمل می‌کرد. دکتر پرتوی یکی از پایه‌گذاران دانشگاه صنعتی آریامهر محسوب می‌شود و اولین استادی است که در دانشگاه استخدام شده است. دکتر فیروز پرتوی اولین سرپرست دانشکده فیزیک است. او پنج سال بعد این مسئولیت را به برادر خود، محمدحسین پرتوی سپرد. می‌گویند چرخشی بودن ریاست در دانشکده را او باب کرده است. پرتوی برای راه‌اندازی دانشگاه زحمات زیادی کشید و بسیاری از کارهای اجرایی را شخصاً پیگیری می‌کرد. او پیش از انقلاب دو سال هم در دانشگاه مازندران تدریس کرد و بعد از انقلاب هم استاد دانشگاه‌های شهید بهشتی و دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک) بود و سال ۱۳۶۱ به دانشگاه شریف بازگشت و تا سال ۱۳۶۴ در این دانشگاه مشغول کار بود. اما سال ۶۴ با افزایش فشار به خانواده همسرش (خسروشاهی) از ایران خارج شد و به آمریکا رفت و تا سال ۱۹۸۵ با دانشگاه‌های هاروارد و ام‌آی‌تی همکاری می‌کرد و اکنون دوران بازنشستگی را می‌گذراند.



جعبه‌های وسایل آزمایشگاه را از ماشین به دانشکده ببرند. حتی برخی از استادان تخته‌های سیاه کلاس‌های درس را روی دوششان می‌گذاشتند و تا دم در کلاس می‌بردند و نصب می‌کردند. همه دست به دست هم داده بودند تا هر چه زودتر دانشگاه آماده شود. بالاخره با تلاش دکتر مجتهدی و کمک‌های دکتر پرتوی و دکتر مهنا، بزرگ‌ترین و مجهزترین آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی آن روز کشور در دانشگاه صنعتی آریامهر آماده کار شد.

استخدام کادر آموزشی

هم‌زمان با طراحی فضای فیزیکی دانشگاه، دکتر مجتهدی به عنوان نیابت تولید عظمای دانشگاه نوبنیاد صنعتی آریامهر، مأموریت یافت برای جذب هیئت علمی از بین دانش‌آموختگان مراکز علمی معتبر در سطح بین‌المللی به اروپا و آمریکا سفر کند. مجتهدی پیش از سفر، برای دیدار با شاه و شرکت در جلسه هیئت مدیره دانشگاه به دربار رفت و در همان دیدار درباره حقوق استادان با شاه مذاکره کرد. در جلسه هیئت مدیره، بعد از مطرح شدن موضوع سفر به خارج از کشور برای جذب استادان، دکتر اقبال از دکتر مجتهدی پرسید: «فردا شما می‌روید؟» مجتهدی پاسخ داد: «بله». دکتر اقبال پرسید: «به این‌هایی که می‌خواهید بیاورید چقدر حقوق می‌خواهید بدهید؟» مجتهدی پاسخ داد: «۵ هزار تومان». این مبلغ آن زمان در مقایسه با حقوق ماهانه استادان دانشگاه تهران و سایر مشاغل دولتی، مبلغ بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شد. حقوق استادان پایه ده دانشگاه تهران، ماهانه ۲ هزار و ۲۰۰ تومان بود. دکتر اقبال با تعجب رو به دکتر کرد و گفت: «۵ هزار تومان؟ شما که خودتان رتبه ده استادی هستید چقدر می‌گیرید؟ سپهبد‌هایمان ۵ هزار تومان نمی‌گیرند». مجتهدی هم در جواب گفت: «درست است که حقوق رتبه ده استادی ۲ هزار و ۵۰۰ تومان بیشتر نیست، ولی درآمد من از دبیرستان البرز است. من نمی‌خواهم این‌هایی که برای دانشگاه آریامهر می‌آورم، یک دبیرستان البرز را یدک بکشند. بنده افرادی را می‌خواهم بیاورم که ۵ هزار تومان هم برایشان کم است».

دکتر مجتهدی بعد از این گفت‌وگو نزد شاه رفت. شاه هم مثل دکتر اقبال وقتی شنید دکتر مجتهدی حقوق استادان را ۵ هزار تومان در نظر گرفته، متعجب شد. اما دکتر به شاه گفت: «اگر اجازه بفرمایید، خدمتتان مطلبی را عرض کنم. اولاً این‌هایی را که من می‌خواهم بیاورم، آنجا استادند. می‌خواهم دانشگاهی که تشکیل می‌دهم در سطح بالا باشد. می‌خواهم افراد برجسته را بیاورم. تازه حقوق کمی به این‌ها می‌دهم. چرا؟ برای اینکه این‌ها حداقل بیست‌وهفت، هشت سال دارند. اگر زن و بچه هم

نداشته باشند، باید آپارتمانی کرایه کنند. اقلأً هزار تومان کرایه اش است. استاد که خودش نمی تواند برود گوشه و نانش را بخرد، کلفت یا نوکر لازم دارد که حقوقش ماهی دویست تومان است. تقریباً دویست تومان هم خرج آب و برق و تلفن و این جور چیزهاست. می شود ۱۴۰۰ تومان. ششصد تومان هم ما از این ۵ هزار تومان کم می کنیم بابت مالیات و پس انداز. می ماند ۳ هزار تومان. روزی صد تومان برای کسی که در دانشگاه تدریس می کند، قابل ملاحظه نیست.

بعد از این گفت و گو، شاه قانع شد. دکتر مجتهدی از شاه پرسید پولش را از کجا فراهم کند و شاه در پاسخ گفت که نگران پول نباشد و فکر پول را نکند.

مجتهدی از اتاق شاه خارج شد و پیش اعضای هیئت امنای دانشگاه برگشت. دکتر اقبال پرسید: «اعلی حضرت چه فرمودند؟» مجتهدی پاسخ داد: «۵ هزار تومان را تصویب فرمودند». دکتر اقبال دوباره پرسید: «راجع به تهیه پول چه فرمودند؟» مجتهدی هم پاسخ داد: «به من فرمودند به شما مربوط نیست. فکر پول را نکنید». بعد از رضایت شاه، حقوق استادان با مدرک دکترا ۵ هزار تومان، حقوق فوق لیسانس های دانشگاه های خارج، ۳ هزار و ششصد و فوق لیسانس های داخل کشور هم ۲ هزار و پانصد تومان تعیین شد. حقوق استادان با مدرک دکترا، بعد از کسر بیمه، مالیات و صندوق بازنشستگی مبلغ ۴۰۷۵ تومان می شد. این استادان، معروف به استادان چهل هفتاد و پنجمی بودند. شاه بعد از این دیدار، حقوق دکتر مجتهدی را هم تعیین کرد و دستور داد ماهانه به حسابش واریز کنند. دکتر به حقوق دبیرستان البرز و دانشکده فنی قناعت می کرد و تمام مبلغ دریافتی خود از دانشگاه صنعتی آریامهر را تحویل حسابداری دبیرستان البرز می داد. آقای دکتر عیسی شهابی، دبیر شیمی دبیرستان البرز که بعدها استاد زبان آلمانی دانشگاه تهران شد، موظف بود دانش آموزان بی بضاعت را شناسایی کرده و ماهانه مبلغی از این پول را بینشان تقسیم کند. دکتر مجتهدی برای تأمین هیئت علمی از بین دانش آموختگان ایرانی دانشگاه های معتبر، دو بار به خارج از ایران سفر کرد. او فروردین ماه ۱۳۴۵ خورشیدی به آلمان رفت. دکتر مجتهدی در جلسه ای که سرپرست دانشجویان ایرانی در آن کشور ترتیب داده بود، به دانش آموختگان دوره های دکترای علوم و مهندسی گفت: «شاهنشاه دو مقام به من پیشنهاد کردند. یکی مسئولیت سرپرستی کل دانشجویان در اروپا و دیگری ریاست دانشگاه صنعتی جدید و بسیار پیشرفته». دکتر در ادامه گفت که با آنکه سرپرستی کل دانشجویان در اروپا کاری آسان تر بود و او می توانست با همسر فرانسوی اش به راحتی در جنوب فرانسه و کنار دریای مدیترانه زندگی کند، شغل دوم را برگزیده است. دکتر در زمینه اهداف و جایگاه تعیین شده برای آن دانشگاه نوپیدا گفت:



هیئت علمی دانشگاه، ردیف جلو از راست به چپ: دکتر اعلامی، دکتر نحوی، دکتر تریوگوسیان، دکتر مهری، دکتر مهنا، دکتر مجتهدی، دکتر انواری، دکتر کرمی، دکتر کریگوریان، دکتر زنده زردشتی، دکتر خاکزار، ردیف عقب از راست به چپ: دکتر اردبیلی، دکتر تنباکوچی، دکتر بلیانی، دکتر دادگر، دکتر معطر، دکتر هژبری، دکتر نجفی، دکتر پرتوی، دکتر نراقی، دکتر پیمان، دکتر نوحدانی، ۱۳۴۵.



«اگر همه دانشگاه‌های ایران را به شکل هرم در نظر بگیریم، دانشگاه تهران پایه هرم آموزشی پژوهشی کشور محسوب می‌شود، دانشگاه‌های دیگر بدنه هرم و دانشگاه صنعتی آریامهر، رأس این هرم خواهد بود». این سخنان همه شرکت‌کنندگان را تحت‌تأثیر قرار داد و اکثرشان پرسش‌نامه تقاضای استخدام در دانشگاه صنعتی جدید را تکمیل کردند. دکتر در همان جلسه اعلام کرد پس از بازگشت به ایران، قرارداد استخدامی افرادی را که شایستگی لازم دارند، امضا و برایشان ارسال خواهد کرد.

دکتر بار اول به مدت ۲۵ روز، یعنی از ۱۵ اسفند ۱۳۴۴ تا ۱۰ خرداد ۱۳۴۵، به کشورهای آلمان، اتریش، انگلستان، سوئیس، فرانسه، آمریکا و کانادا و بار دوم از نوروز ۱۳۴۶ به مدت ۸۲ روز به کشورهای آلمان، سوئیس، فرانسه و آمریکا رفت و با تعدادی از دانشجویان یا دانش‌آموختگان دوره دکترای تخصصی در رشته‌های علوم و مهندسی ملاقات و از آن‌ها دعوت کرد برای تدریس در دانشگاه به ایران برگردند. در این مدت، ۱۲۵ نفر از فارغ‌التحصیلان با ارسال مدارک تحصیلی آمادگی خود را برای بازگشت به ایران و تدریس در دانشگاه صنعتی آریامهر اعلام کردند. در چارچوب برنامه آموزشی تدوین شده و باتوجه به دروس سال اول دوره عمومی و سوابقشان، از بین ۱۲۵ نفر، ۳۶ نفر انتخاب شدند. ۱۸ نفر از فارغ‌التحصیلان ممتاز

و جوان دانشکده‌های مهندسی داخلی هم برای کار آموزشی در آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها در نظر گرفته شدند. به این ترتیب، سال اول تأسیس دانشگاه ۵۴ نفر در گروه‌های آموزشی رشته‌های مختلف (ریاضی، فیزیک، شیمی و آزمایشگاه، کارگاه‌های فنی، رسم فنی و طراحی) استخدام شدند. از این جمع ۸ نفر دکترا، ۳۸ نفر فوق لیسانس، سه نفر لیسانس و پنج نفر تکنیسین بودند. این افراد همگی ایرانی بودند به جز خانم الیزابت فرانسوا فرانسوی که همسرش ایرانی بود. این ۵۴ نفر عبارت بودند از:

۱. دکتر فیروز پرتوی (دکترای فیزیک از دانشگاه ام‌آی‌تی آمریکا)؛
۲. دکتر مسعود نراقی (دکترای فیزیک از دانشگاه کیس اوهایو آمریکا)؛
۳. دکتر علی اکبر پیمان (دکترای فیزیک از دانشگاه فرایبورگ آلمان)؛
۴. دکتر فرهنگ زنده زردشتی (دکترای برق از دانشگاه کارلسروهه آلمان)؛
۵. دکتر فریدون معطر (دکترای شیمی از دانشگاه کارلسروهه آلمان)؛
۶. دکتر حسین نوحدانی (دکترای برق از دانشگاه هامبورگ آلمان)؛
۷. دکتر نصرت‌الله واحدی فریدی (دکترای فیزیک از دانشگاه مونخ آلمان)؛
۸. دکتر سیاوش مهنا (دکترای شیمی از دانشگاه لوزان سوئیس)؛
۹. مهندس آلن باغداساریان (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشگاه برکلی آمریکا)؛
۱۰. مهندس همایون ثقفی (فوق لیسانس مهندسی ریاضی از دانشگاه تولیدوی آمریکا)؛
۱۱. مهندس منوچهر راد (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا)؛
۱۲. مهندس غلامعلی شجاع چاغروند (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشگاه نورث وسترن آمریکا)؛
۱۳. مهندس علی موسوی نسل ادیب (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشگاه واین آمریکا)؛
۱۴. مهندس عطاءالله تسکینی (لیسانس مهندسی اتومکانیک از آمریکا)؛
۱۵. حسین حبیب‌زاده (لیسانس مهندسی برق از دانشگاه سانتاکالارای آمریکا)؛
۱۶. پرویز وصالی (لیسانس ریاضی از دانشگاه اوکلاهامای آمریکا)؛
۱۷. مهندس خداداد القابی (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشگاه هانوفر آلمان)؛
۱۸. مهندس صدرا برهان (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه اشتونگارت آلمان)؛
۱۹. مهندس محمد پیروزی (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از آلمان)؛
۲۰. مهندس محمود حسینی (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از آلمان)؛
۲۱. مهندس جواد ساعی (فوق لیسانس مهندسی برق از آلمان)؛



دکتر مجتهدی در کنار جمعی از اولین اساتید دانشگاه.

از راست به چپ: دکتر نراقی، دکتر معطر، دکتر پیمان، دکتر ظهیر، دکتر مجتهدی، دکتر منتصری، دکتر مهنا، دکتر واحدی، دکتر برتوی، دکتر زردتشی، ۱۳۴۵.



۲۲. مهندس بهیداد سنگی (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشگاه برانشویک آلمان)؛
۲۳. مهندس کاووس قصبه‌ای (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشگاه وارشات آلمان)؛
۲۴. مهندس سیروس محمدیان (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه وارشات آلمان)؛
۲۵. مهندس پشنگ منتصری (فوق لیسانس مهندسی برق از آلمان)؛
۲۶. مهندس هرمز هژیر قلیچی (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشگاه وارشات آلمان)؛
۲۷. فرامرز وحدت (فوق لیسانس شیمی از دانشگاه وارشات آلمان)؛
۲۸. فرخ آذرین (تکنیسین مکانیک از آلمان)؛
۲۹. احمد رجائی (تکنیسین برق از آلمان)؛
۳۰. ساهاق غودیکیان (تکنیسین مکانیک از آلمان)؛
۳۱. احمدعلی مهبینی (تکنیسین برق از آلمان)؛
۳۲. آرتور میناسیان (تکنیسین مکانیک از آلمان)؛
۳۳. اردشیر منتصری (فوق لیسانس شیمی از دانشگاه گراتس اتریش)؛

۳۴. مهندس رضا قطبی (مهندس فوق لیسانس مخابرات از تله کومونیکاسیون فرانسه)؛
۳۵. مهندس محسن ظهیرامامی (فوق لیسانس مهندسی مخابرات از تله کومونیکاسیون فرانسه)؛
۳۶. خانم الیزابت فرانسوا (فوق لیسانس ریاضی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه)؛
۳۷. مهندس جواد افتخاری (مهندسی فوق لیسانس مکانیک از دانشکده فنی تهران)؛
۳۸. مهندس رحیم زمانیان (مهندسی فوق لیسانس شیمی از دانشکده فنی تهران)؛
۳۹. مهندس جلال الدین شایگان (فوق لیسانس مهندسی شیمی از دانشکده فنی تهران)؛
۴۰. مهندس محسن عدالت (فوق لیسانس مهندسی شیمی از دانشکده فنی تهران)؛
۴۱. مهندس حسن گیوی (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشکده فنی تهران)؛
۴۲. مهندس همایون لکستانی (فوق لیسانس مهندسی برق از دانشکده فنی تهران)؛
۴۳. مهندس رضا مستقیم (فوق لیسانس مهندسی شیمی از دانشکده فنی تهران)؛
۴۴. مهندس عبدالحسین مهندس (فوق لیسانس مهندسی شیمی از دانشکده فنی تهران)؛
۴۵. مهندس علی دبیری (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از پلی تکنیک تهران)؛
۴۶. مهندس علی اکبر سیف کردی (فوق لیسانس مهندسی شیمی از پلی تکنیک تهران)؛
۴۷. مهندس کیوان شاه کامرانی (فوق لیسانس مهندسی شیمی از پلی تکنیک تهران)؛
۴۸. مهندس محمدصادق قدیری زارع (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از پلی تکنیک تهران)؛
۴۹. مهندس حسین نیوی (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از پلی تکنیک تهران)؛
۵۰. مهندس علی امیرفضلی (فوق لیسانس مهندسی طراحی از هنرسرای عالی تهران)؛
۵۱. مهندس اسماعیل حاجی زاده نمینی (فوق لیسانس مهندسی ماشین از هنرسرای عالی تهران)؛
۵۲. مهندس مسعود معین زاده (فوق لیسانس مهندسی طراحی از هنرسرای عالی تهران)؛
۵۳. مهندس باقر رجالی زاده (فوق لیسانس مهندسی طراحی از هنرسرای عالی تهران)؛
۵۴. مهندس حشمت الله نیایش (فوق لیسانس مهندسی مکانیک از هنرسرای عالی).

دعوت از دکتر چمران برای تدریس در دانشگاه صنعتی آریامهر

دکتر مجتهدی در سفر دوم خود به آمریکا به ملاقات دکتر مصطفی چمران رفت و از او دعوت کرد برای تدریس در دانشگاه صنعتی آریامهر به ایران بازگردد. چمران دانش آموخته دبیرستان البرز و دانشکده فنی دانشگاه تهران بود و از دانشگاه برکلی در آمریکا، دکترای فیزیک پلاسما گرفته بود. دکتر چمران



به خاطر فعالیت‌های سیاسی در مصر و لبنان و عضویت در شورای مرکزی انجمن دانشجویان ایرانی و انجمن اسلامی دانشجویان، تحت تعقیب ساواک بود. دکتر مجتهدی پیش از سفر به آمریکا با ساواک درباره چمران مذاکره کرده و رضایتشان را برای استخدام او در دانشگاه جلب کرده بود. به اعتقاد دکتر چمران، دکتر مجتهدی از شاه تعریف می‌کرد و دخالت معلم و دانشجورا در سیاست درست نمی‌دانست و معتقد بود استادان فقط باید کار و تحقیق کنند تا کارها خوب پیش برود. او به مهندس بازرگان حمله می‌کرد و او را ریاکار می‌دانست و فعالیت‌هایش را در کارهای غیرتحصیلی محکوم می‌کرد. به نظر دکتر چمران طرز تفکر دکتر مجتهدی منحرف بود. دکتر مجتهدی و دکتر چمران جلسه حضوری سر این مسائل بحث کردند و چند بار مباحثه به مشاجره کشیده شد. دکتر چمران مدتی بعد به دکتر مجتهدی پیغام فرستاد که نمی‌تواند در دانشگاه تازه تأسیس تدریس کند و دعوت دکتر مجتهدی را نپذیرفت.^۱ با آنکه می‌دانست موقعیت بسیار خوبی برای بازگشت به وطن است و دانشگاه صنعتی آریامهر، محل مناسبی برای تدریس و پژوهش است.

برنامه ویژه خدمت نظام برای استادان

بسیاری از استادانی که قرار بود برای تدریس در دانشگاه صنعتی آریامهر به ایران بازگردند، نمی‌توانستند در دانشگاه استخدام شوند، چون بعد از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان و دانشگاه برای ادامه تحصیل به کشورهای اروپایی و آمریکایی رفته بودند و کارت پایان خدمت سربازی نداشتند. طبق قوانین کشور، اگر این استادان می‌خواستند در دانشگاه استخدام شوند، اول باید دوره سربازی‌شان را می‌گذراندند. برای حل این مشکل، دکتر نزد شاه رفت و موضوع را با او مطرح کرد. مجتهدی به شاه گفت در دوره سربازی خودش به جای آنکه ارتش از تخصص او برای آموزش ریاضیات، مکانیک تیراندازی یا بالستیک توپخانه استفاده کند، او را مأمور نظارت بر کار سربازانی کرده بودند که درخت می‌کاشتند. سربازها مجبور بودند به دستور مافوق در زمین شوره‌زاری درخت بکارند و هفته بعد همه این درخت‌ها خشک می‌شدند. بعد از ذکر این خاطره مجتهدی به شاه گفت: «آیا اعلی‌حضرت می‌خواهند این‌هایی را که من آوردم، این

۱ - چمران در نامه‌ای که به ابراهیم بزدی نوشته، ماجرای دیدارش با مجتهدی را این‌طور بیان کرده: «دکتر مجتهدی، رئیس دبیرستان البرز، استاد دانشکده فنی و همه کاره دانشگاه جدیدالتأسیس آریامهر به اینجا آمده بود. به علت سابقه قدیم برادرم و به‌خصوص به من، ارادت و مهر و محبت فراوانی دارد». چمران در ادامه نامه نوشته: «به‌هر حال، این طرز تفکر اوست... ولی فعلاً قدرت دارد. به شاه نزدیک است. شاه می‌خواهد دانشگاه صنعتی آریامهر را سر و صورتی بدهد که باعث شهرت و نیک نام او گردد. دانشگاهی شود که در خاورمیانه نظیر نداشته باشد. پول سرشار می‌ریزد، هر وسیله‌ای را که استاد بخواهد، برای لوازم آزمایش سریع تهیه می‌کند. حداقل حقوق برای بی‌اچ‌دی حدود ۵ هزار تومان است. یعنی از نظر کار و ریسرچ (پژوهش) جای مناسبی است. به‌خصوص که فقط جوان در آنجا مشغول است و سر و کله زدن با فسیل شده‌ها مطرح نیست. من دعوت او را نپذیرفتم، نفی هم نکردم. اشکالات خود را بیان داشتم. گفتم که کارنامه من در نظر سازمان امنیت سیاه است! گفت پیش شاه می‌روم و ضمانت می‌کند... همان‌طور که فیروز پرتوی را ضمانت کرد و از زندان سر او آورد... این است صورت مسئله! اما از طرف دیگر تا چه اندازه می‌توان به ضمانت او اطمینان کرد؟ تا چه اندازه می‌توان اطمینان داشت که مجتهدی از سازمان امنیت قدرت بیشتری دارد؟ به‌خصوص که مشکل من تنها فعالیت ظاهری نبود، عمیق‌تر از آن است و تا چه اندازه سازمان امنیت خیر دارد؟ و تا چه اندازه ضمانت مجتهدی در این جهت مؤثر خواهد بود؟ علاوه بر این‌ها گذشته از خطر و زندان، مشکل بزرگ ما مسئله روانی است. به فرض بازگشت، او ضمانت می‌کند ما دیگر فعالیت سیاسی نکنیم و در دانشگاهی کار کنیم که شهرت و پیشرفت آن دانشگاه به‌طور ضمنی تبلیغ و به نفع شاه و تحکیم نسبی موقعیت اوست! ما را هم تحت‌نظر خواهند داشت و معلوم نیست، شاید در آینده آدمی را مجبور کنند در مقابل شاه نطق و خطابه کند و تملق او را بگوید. این کار چه عکس‌العملی روی افکار و احساسات دوستان در داخل و خارج خواهد داشت؟ این بزرگ‌ترین مسئله ناراحت‌کننده برای من است... اینجا است که هنوز نتوانسته‌ام تصمیم بگیرم و خود را قانع کنم و به دکتر مجتهدی نیز جوابی ندادم.»

هفتاد نفری که آوردم، همین طوری بشوند؟» شاه با صدای بلند پاسخ داد: «ابدأ». شاه بعد از صحبت با دکتر مجتهدی، دستور داد استادان جوانی که برای تدریس از دانشگاه‌های خارج به ایران می‌آیند، دوره سربازی‌شان را در دانشگاه بگذرانند. بر این اساس، طرحی با عنوان طرح خدمت سیزده هفته‌ای تهیه شد. طبق این طرح، مقرر شد استادان جوانی که دوره سربازی‌شان را نگذرانده‌اند، در تابستان سیزده هفته برای آموزش نظامی به مراکز آموزش نظامی بروند و بقیه دوره خدمت سربازی‌شان را از طرف نیروی زمینی مأمور به انجام وظیفه در دانشگاه شوند. با این طرح، مشکل استادان و تحصیلکرده‌های شاغل در سایر مراکز نیز حل می‌شد و به همین دلیل، از آن استقبال شد و در سایر ادارات و مراکز آموزش عالی نیز اجرا شد.

ژومله دانشگاه صنعتی آریامهر با دانشگاه‌های معتبر

دانشگاه صنعتی آریامهر، اولین دانشگاهی بود که در آن هر کدام از رشته‌های مهندسی در دانشکده‌ای تخصصی تدریس می‌شدند. علاوه بر آن، نخستین دانشگاهی بود که برنامه‌های آموزشی همه دانشکده‌ها با برنامه‌های آموزشی یکی از دانشکده‌های مطرح در دنیا هماهنگ یا به اصطلاح ژومله (دوقلو) شده بود. پیش از آن، نظام آموزشی دانشگاه پهلوی شیراز برای پیشبرد اهداف آموزشی و تحقیقاتی بر مبنای الگوی دانشگاه پنسیلوانیا در آمریکا تدوین شده بود و سالانه مبلغ ۲۰۰ هزار دلار به ازای خدماتی که دریافت می‌کرد، به آن دانشگاه می‌پرداخت. دکتر مجتهدی با آنکه همواره تکرار می‌کرد دانشگاه طبق فرمان شاهنشاه باید دانشگاهی از نوع ام‌آی‌تی بشود، تأکید داشت هر دانشکده آن با معتبرترین دانشکده دانشگاه‌های خارجی ژومله شود. دکتر اعتقاد داشت در ایران کار تحقیقاتی انجام نمی‌شود و استادان دانشکده‌های فنی کشور دروس چهل، پنجاه سال پیش دانشگاه‌های اروپایی را تدریس می‌کنند. به همین دلیل، دانشجویان ما از علوم روز دنیا که به سرعت در حال پیشرفت است، دور اند و به‌روز نیستند. تنظیم برنامه‌های آموزشی هر دانشکده با یکی از دانشکده‌های معتبر دنیا و ارتباط مستمر بینشان سبب می‌شد دانشجویان با به‌روزترین صنایع و فناوری‌های دنیا آشنا شده و از جدیدترین روش‌های علمی در صنایع استفاده کنند. یکی دیگر از مزیت‌های طرح این بود که امکان ادامه تحصیل دانشجویان هر رشته را در بهترین دانشکده آن رشته در دنیا فراهم می‌کرد. با ژومله کردن دانشکده‌ها، استادان باید طبق برنامه با دانشکده‌های میزبان در ارتباط بوده و با روش‌های آموزشی نوین آشنا می‌شدند. مجتهدی پیش‌تر، این طرح را در دانشکده پلی‌تکنیک اجرا کرده و به اهداف مدنظرش رسیده بود. به





همین دلیل، در بدو تشکیل دانشگاه، این موضوع را با شاه مطرح و نظرش را جویا شد. دکتر مجتهدی در پاسخ به پرسش شاه مبنی بر ژومله کردن کل دانشگاه با یکی از دانشگاه‌های خارجی، دلایل خود را اینچنین شرح داد:

«پیشنهاد می‌کنم هر دانشکده را با یک دانشکده معتبر دنیا در همان رشته ژومله کنیم. اگر دانشگاه ما با یکی از دانشگاه‌های خارج ژومله شد، باید بد و خوب همه دانشکده‌های آن دانشگاه را بپذیریم. ممکن است برخی از دانشکده‌های آن دانشگاه از نظر علمی در سطح بالایی باشند و برخی از دانشکده‌ها در سطح بسیار پایینی باشند. اگر در سطح دانشکده پیش برویم، می‌توانیم دانشکده‌هایمان را با بهترین دانشکده‌های دنیا ژومله کنیم».

با این استدلال، شاه پیشنهاد دکتر مجتهدی را پذیرفت و در این راستا به او اختیار تام داد. دکتر مجتهدی در اولین سفرش به کشورهای اروپایی و آمریکایی، هم‌زمان با دعوت از دانشجویان و استادان ایرانی خارج از کشور، با دانشگاه‌های مختلف وارد مذاکره شد و پس از بررسی و انتخاب دانشکده‌ها، در سفر دوم با آن‌ها قرارداد امضا کرد. دانشکده‌هایی که دکتر مجتهدی برای این منظور انتخاب کرده بود، همه دانشگاه‌هایی اروپایی بودند. دانشگاه‌های اروپایی در ازای این قرارداد، مبلغی به عنوان کمک به بخش آموزش و تحقیق دانشگاه صنعتی آریامهر می‌دادند، اما برعکس، دانشگاه‌های آمریکایی در ازای خدماتشان، مبلغ زیادی دریافت می‌کردند. به این ترتیب، دکتر مجتهدی با دانشگاه‌های امپریال کالج لندن، دانشکده فنی آخن آلمان، پلی تکنیک لوزان، گرنوبل، سوربن فرانسه و زوریخ آلمان قرارداد همکاری امضا و هر یک از دانشکده‌های دانشگاه صنعتی آریامهر را با یکی از دانشکده‌های مطرح اروپایی ژومله کرد.

چون هر دانشکده با یکی از دانشکده‌های معتبر دنیا ژومله شده بود، دانشجویان هر رشته باید زبان دانشکده میزبان را هم می‌آموختند تا بتوانند از منابع علمی آن دانشکده استفاده کنند. با ژومله شدن دانشکده‌ها، دانشجویان باید زمان ثبت نام برای زبان خارجی تخصصی، یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسه یا آلمانی را انتخاب می‌کردند. ثبت نام دانشجویان هر رشته، پس از تأیید نهایی دکتر مجتهدی و تعیین سطح زبان انجام می‌شد. همه استادان دانشگاه با ژومله کردن موافق نبودند و آن را نوعی تقلید می‌دانستند. بعضی از استادان دانشکده برق برنامه‌ای را که استادان دانشکده برق تدوین کرده بودند، جامع‌تر و کامل‌تر از برنامه گرونوبل می‌دانستند. گرونوبل دانشکده‌ای بود که دانشکده برق با آن ژومله شده بود. اما دکتر مجتهدی اصرار داشت برنامه‌های دانشکده‌ای که برنامه دانشکده‌های دانشگاه با



آن ژومله شده بود، دقیقاً پیاده شود تا گواهینامه فارغ التحصیلان دانشگاه مقبول آن‌ها باشد. بالاخره چند سال بعد، دانشکده برق برنامه‌ای را اجرا می‌کرد که استادان در داخل دانشکده تدوین کرده بودند. بعد از امضای قرارداد و بازگشت از سفر دوم، اسدالله علم، وزیر دربار وقت، در یکی از جلسات هیئت امنای دانشگاه، پیشنهاد کرد دانشگاه صنعتی آریامهر با یکی از دانشگاه‌های معتبر دنیا ژومله شود. مجتهدی آهسته به علم گفت: شاه در این باره فرمان ویژه‌ای داده‌اند و بهتر است قبل از طرح موضوع درباره آن با شما صحبت کنم.

علم بدون توجه به حرف دکتر مجتهدی موضوع را پشت بلندگو مطرح کرد. مجتهدی به ناچار طرح ژومله کردن دانشکده‌های دانشگاه با دانشکده‌های معتبر دنیا را تشریح و اضافه کرد شخص شاه با این موضوع موافقت کرده و به او اختیار تام داده است. اما علم کوتاه نیامد و اعلام کرد در این خصوص رأی‌گیری می‌کنیم و از اعضای هیئت امنای خواست کسانی که موافق اند دانشگاه صنعتی آریامهر با یک دانشگاه معتبر دنیا ژومله شود، دست بالا کنند. برخلاف انتظار او، هیچ‌کس به نظر علم رأی مثبت نداد. علم که اصلاً فکر نمی‌کرد با این صحنه مواجه شود، عصبانی شد و گفت این موضوع را به گوش شاه خواهد رساند. دکتر مجتهدی از همان اول برای اطمینان خاطر از تثبیت برنامه هماهنگی دانشکده‌ها با دانشکده‌های مطرح دنیا، این موضوع را در یکی از مفاد اساسنامه دانشگاه گنجانده بود. در ماده ۲۲ اساسنامه آمده بود: «برنامه تعلیماتی هر یک از دانشکده‌ها طبق برنامه یکی از دانشکده‌های مشابه بزرگ دنیا تنظیم خواهد شد و پس از تصویب شورای دانشگاه به اطلاع شورای مرکزی دانشگاه‌ها خواهد رسید و اجرا خواهد شد».

برگزاری اولین کنکور دانشگاه و ثبت نام

دکتر مجتهدی و همکارانش، هم‌زمان با آماده‌سازی ساختمان‌ها و بناهای دانشگاه و تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها، برنامه‌ریزی برای برگزاری کنکور و پذیرش دانشجو در سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. آن زمان، تعداد دانشگاه‌های کشور محدود بود و کنکور سراسری برگزار نمی‌شد و هر دانشگاه، ساز و کار مجزایی برای انتخاب دانشجو داشت. دکتر مجتهدی اصرار داشت از همان سال اول، دانش‌آموزانی با سطح علمی بالا وارد دانشگاه صنعتی شوند و در آن ادامه تحصیل بدهند. به این منظور، برای جلب نظر این دانش‌آموزان، تبلیغات وسیعی برای دانشگاه تازه تأسیس ترتیب داد. در این تبلیغات بر امکانات پیشرفته و به‌روز دانشگاه و کادر آموزشی برجسته آن تأکید زیادی شده بود. سواً تبلیغات گسترده، حضور دکتر مجتهدی، مدیر خوش‌نام دبیرستان البرز در جایگاه رئیس دانشگاه،



باعث شده بود افراد زیادی در همان سال نخست تأسیس، متقاضی ورود به دانشگاه صنعتی آریامهر و ادامه تحصیل در آن باشند.

با نزدیک شدن به زمان برگزاری آزمون‌های ورودی مؤسسات و مراکز آموزش عالی، آگهی افتتاح دانشگاه در سال تحصیلی جدید و اطلاعات مربوط به پذیرش دانشجو و اعلام تاریخ آزمون ورودی دانشگاه در روزنامه‌های کشور منتشر شد. پس از ثبت نام متقاضیان و صدور کارت، طبق برنامه، روزهای ۵ و ۴ تیرماه ۱۳۴۵ اولین آزمون ورودی دانشگاه در دو حوزه امتحانی از میان متقاضیانی که دیپلم ریاضی داشتند، برگزار شد. سؤالات آزمون از دروس ریاضیات، فیزیک، شیمی و رسم فنی طراحی شده بودند. بعد از برگزاری آزمون، اوراق امتحانی را به دبیرستان البرز بردند تا برگه‌ها در آنجا تصحیح شوند. دکتر پرتوی، دکتر مهری، دکتر راد و دکتر نوحدانی برای تصحیح اوراق امتحان در دبیرستان البرز حضور داشتند. برگه‌ها در حضور دکتر مجتهدی تصحیح می‌شد. در تصحیح اوراق آزمون، یک نماینده از ساواک^۱ هم حضور داشت. نماینده ساواک، خود شخصاً برگه‌ها را از گنجی درمی‌آورد و برای تصحیح به همه می‌داد و بعد دوباره تحویل می‌گرفت. نتایج آزمون ده روز بعد، یعنی ۱۵ تیرماه اعلام شد.

بعد از اعلام نتایج، مسئولان دانشگاه از کسانی که در آزمون پذیرفته شده بودند خواستند روزی که دانشگاه برای ثبت نام تعیین کرده است، به دانشگاه مراجعه کنند. با آنکه شاه در رأس دانشگاه صنعتی آریامهر قرار داشت و بخش زیادی از هزینه ساخت و ساز و تجهیز دانشگاه از بودجه دولتی تأمین شده بود، بر اساس آنچه در اساسنامه دانشگاه قید شده بود، دانشگاه صنعتی آریامهر دانشگاهی غیرانتفاعی بود. دکتر مجتهدی می‌خواست دانشگاه از نظر مالی تا حدی مستقل باشد که دولت به بهانه بحث مالی اجازه دخالت در برنامه‌های دانشگاه را نداشته باشد. کسانی که قصد ادامه تحصیل در این دانشگاه داشتند، باید شهریه ثبت نام پرداخت می‌کردند. هر دانشجو باید به ازای یک سال تحصیل در دانشگاه، حدود ۲ هزار تومان می‌پرداخت.

تعدادی از پذیرفته‌شدگان در آزمون ورودی از نظر مالی مشکل داشتند و برای بعضی از آن‌ها پرداخت شهریه دانشگاه سخت بود. دکتر مجتهدی طوری برنامه‌ریزی کرده بود که دانشگاه به کسانی که امکان پرداخت شهریه ندارند، وام بدهد تا هیچ‌کس به دلیل مالی از تحصیل محروم نشود. کسانی که در پایان امتحانات ترم، جزو دانشجویان ممتاز شناخته می‌شدند، از پرداخت شهریه معاف بودند. روز ثبت نام بیشتر دانشجویان، به خصوص شهرستانی‌ها، با والدینشان آمده بودند. خود دکتر مجتهدی و برخی از

۱ - سه، چهار دانشجو را خود ساواک جزو قبول‌شدگان اعلام کرد و این دانشجویان بعدها با ساواک همکاری می‌کردند و اطلاعات دانشگاه را به آنها می‌دادند. ساواک طوری برنامه‌ریزی می‌کرد که بعضی از آنها به عنوان نماینده دانشجویان انتخاب شوند. بعدها حتی به هیئت علمی سفارش می‌شد به آنها نمره بدهند.

معاونانش همچون هوشنگ منتصری، در محل ثبت نام حضور داشتند و به هر کدام از پذیرفته‌شدگان که توانایی پرداخت شهریه نداشتند، وام می‌دادند.

روز افتتاح

دکتر مجتهدی به قولی که داده بود وفا کرد و روز شنبه ۲ مهر ۱۳۴۵، دانشجویان وارد دانشگاه شدند. مراسم افتتاح دانشگاه در سالن اجتماعات و با حضور دکتر مجتهدی، مسئولان دانشگاه و بعضی از اعضای هیئت امنا، اعضای هیئت علمی و دانشجویانی که در آزمون اختصاصی این دانشگاه پذیرفته شده بودند، برگزار شد. در این مراسم که در آمفی تئاتر مرکزی برگزار شد و حدود دو ساعت طول کشید، دکتر مجتهدی، دکتر منتصری را در سمت معاون دانشگاه و مهندس لکستانی را در سمت مدیر آموزش معرفی کرد. دکتر مجتهدی در سخنرانی خود اشاره کرد که این دانشگاه برای تأمین نیروی مهندسی برای کارخانه ذوب آهن بنا شده است و دانشگاه بعد از دو سال به شهر اصفهان منتقل خواهد شد. ۴۱۲ نفر در این دانشگاه پذیرفته شده بودند که ۱۲ نفرشان دختر و باقی پسر بودند. در آن سال‌ها رشته‌های فنی و مهندسی رشته‌هایی مردانه به حساب می‌آمدند و دختران مایل نبودند در این رشته‌ها تحصیل کنند. از طرفی، بیشتر دانشجویان فنی بعد از پایان تحصیلات در کارخانه‌ها و محیط‌هایی مشغول می‌شدند که زنان کمی در آن‌ها کار می‌کردند.

با آنکه دانشگاه از همان ابتدای سال تحصیلی جدید پذیرای دانشجویان بود، روز افتتاح رسمی دانشگاه، ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۴۵ تعیین شد. قرار بود دانشگاه در این روز با حضور شاه و فرح و سایر مقامات مملکتی، رسماً افتتاح شود. در طی مدتی کوتاه، تمامی شرایط برای ورود شاه و مقامات و افتتاح رسمی دانشگاه فراهم شد. دکتر مجتهدی یک روز پیش از برگزاری مراسم افتتاح از تمام بخش‌های دانشگاه بازدید کرد و از همه خواست توضیحاتی را که قرار است فردا به شخص شاه بدهند، با او تمرین کنند.^۱ ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۴۵، یعنی دقیقاً یک سال بعد از صدور فرمان تأسیس دانشگاه، شاه به عنوان تولیت عظمی و همسرش فرح و وزیر دربار به همراه رئیس مجلس سنا و مجلس شورای ملی و عده‌ای دیگر از مقامات مملکتی در مراسمی به طور رسمی دانشگاه صنعتی آریامهر را افتتاح کردند. اولین شماره نشریه دانشگاه که به همین مناسبت چاپ شده بود، همان روز میان دانشجویان و مهمانان توزیع شد. مفاد اساسنامه دانشگاه، اسامی و تصاویر استادان و کادر آموزشی، اسامی هیئت امنا، قوانین و فهرست مؤسسات و اسامی تک‌تک افرادی که به دانشگاه کمک مالی کرده بودند و مبلغ پرداختی، در این نشریه

۱ - اولین گروهی که دکتر مجتهدی روز قبل از مراسم از آن بازدید کرد، گروه رسم فنی بود. کادر علمی گروه رسم فنی از برنامه تمرین بی‌خبر بودند. وقتی دکتر مجتهدی وارد ساختمان شد، عده‌ای با عجله آمدند و به استادان گروه رسم فنی گفتند که شاه و همراهان برای بازدید آمدند. آقای معین‌زاده، یکی از استادان گروه رسم فنی گفت: «مگر مراسم فردا نیست؟» وقتی دکتر مجتهدی به اتاق رسم فنی رسیدند، آقای معین‌زاده به شوخی پرسید پس شاه کجاست؟ آقا ما سیاسی نیستیم و خبری از این تحولات نداریم. مگر آقای دکتر مجتهدی شاه شده؟ دکتر منتصری اشاره کرد که دکتر مجتهدی خواسته همه برای مراسم فردا تمرین کنند. دکتر مجتهدی از اتاق بیرون رفت و به این ترتیب، برنامه تمرین در گروه رسم فنی به هم خورد.



مراسم افتتاح رسمی دانشگاه. دکتر مجتهدی لباس دانشگاه را بر تن تولیت دانشگاه می‌کند، ۱۳۴۵.



بازدید تولیت دانشگاه در روز افتتاح رسمی دانشگاه، ۱۳۴۵.

درج شده بود. بعد از بازدید شاه از قسمت‌های مختلف دانشگاه، دکتر مجتهدی از شاه دعوت کرد نهار را با دانشجویان صرف کند. شاه دعوت دکتر را پذیرفت. سالن غذاخوری دانشگاه با کمک محمود خلیلی عراقی، مدیر شرکت ایران گاز ساخته و طوری طراحی شده بود که ۲ هزار نفر بتوانند به صورت سلف سرویس در آن غذا بخورند و آماده بهره‌برداری بود. دکتر دستور داد میزی برای شاه و شهبانو و مادر شهبانو آماده کنند. سر میز نهار، شاه از دکتر مجتهدی خواست از یک دانشجوی دختر و یک دانشجوی پسر دعوت کند کنار شاه غذا بخورند. دانشجویان طوری نشسته بودند تا میهمانان بین دو نفر از دانشجویان بنشینند و سؤال‌هایشان را بدون واسطه از آن‌ها بپرسند. شاه موقع صرف نهار از دانشجویی که روبه‌رویش نشسته بود، پرسید با چه انگیزه‌ای دانشگاه صنعتی آریامهر را برای تحصیل انتخاب کرده است؟ دانشجو پاسخ داد: «من در دانشکده فنی تهران قبول شدم. دانشکده فنی دانشگاه تبریز هم قبول شدم. ولی شنیده بودم اینجا را کسی اداره می‌کند که خیلی علاقه‌مند به جوان‌هاست و به علاوه تحت نظر اعلی حضرت است. به این جهت، اینجا را ترجیح دادم». بعد از نهار، شاه به پیشنهاد دکتر برای دانشجویان سخنرانی و اهداف تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر را تشریح کرد. شاه در ادامه سخنرانی‌اش از دکتر مجتهدی تعریف کرد و گفت که ما کسی را برای شما انتخاب کردیم که تمام عمرش غیر از آموزش کار دیگری نکرده است. او اشاره کرد که بناهای دانشگاه به صورت موقت ساخته شده است.

تشکیل اولین دانشکده‌ها

دانشگاه صنعتی آریامهر در ابتدای تأسیس، شش دانشکده داشت. دانشکده مهندسی برق، دانشکده مهندسی مکانیک، دانشکده مهندسی شیمی، دانشکده مهندسی متالورژی، دانشکده مهندسی علوم و دانشکده مدیریت صنعتی و اقتصاد مهندسی.

- **دانشکده مهندسی برق:** این دانشکده شامل دو رشته الکترونیک و الکتروتکنیک بود.
- **دانشکده مهندسی مکانیک:** این دانشکده شامل دو گرایش ماشین و تأسیسات بود.
- **دانشکده مهندسی شیمی:** این دانشکده شامل گرایش‌های پالایش، پتروشیمی، صنایع غذایی و صنایع شیمیایی بود.
- **دانشکده مهندسی متالورژی:** این دانشکده شامل گرایش‌های فلزشناسی، تصفیه و ترکیب و ذوب فلزات بود.
- **دانشکده مهندسی علوم:** این دانشکده شامل گرایش‌های ریاضی و فیزیک و شیمی بود.



مراسم افتتاح رسمی دانشگاه سالن غذاخوری. دانشجویان با لباس فرم یکدست حضور دارند و مسئولان مملکتی در انتهای سالن مشغول صرف غذا هستند، ۱۳۴۵.



- دانشکده مدیریت صنعتی و اقتصاد مهندسی: فارغ التحصیلان واجد شرایط هر یک از پنج دانشکده بالا می‌توانستند دوره مهندسی تخصصی (فوق لیسانس) را در این دانشکده بگذرانند.

دوره‌های آموزشی دانشگاه

- بر اساس آیین‌نامه آموزشی دانشگاه، دوره‌های آموزشی دانشگاه به سه بخش تقسیم می‌شد:
- **اول-** دوره مهندسی عمومی که تحصیل در آن چهار سال طول می‌کشید. دوره مشترک دانشجویان همه رشته‌ها دو سال بود و واحدهای تخصصی هر دانشکده در دو سال بعدی ارائه می‌شد. دانشجویان بعد از موفقیت در امتحانات سال چهارم، درجه لیسانس مهندسی می‌گرفتند.
 - **دوم-** دوره مهندسی تخصصی که تحصیل در آن یک سال طول می‌کشید. دانشجویانی می‌توانستند وارد این دوره شوند که معدل دانشنامه مهندسی عمومی آنان بالاتر از میزان تعیین شده به وسیله هیئت آموزشی بود. دانشجویان پس از گذراندن این دوره، درجه مهندسی تخصصی، یعنی فوق لیسانس آن رشته را می‌گرفتند.
 - **سوم-** دوره دکترا که مدت آن بستگی به رشته تخصصی و موضوع تحقیق داشت و حداقل سه

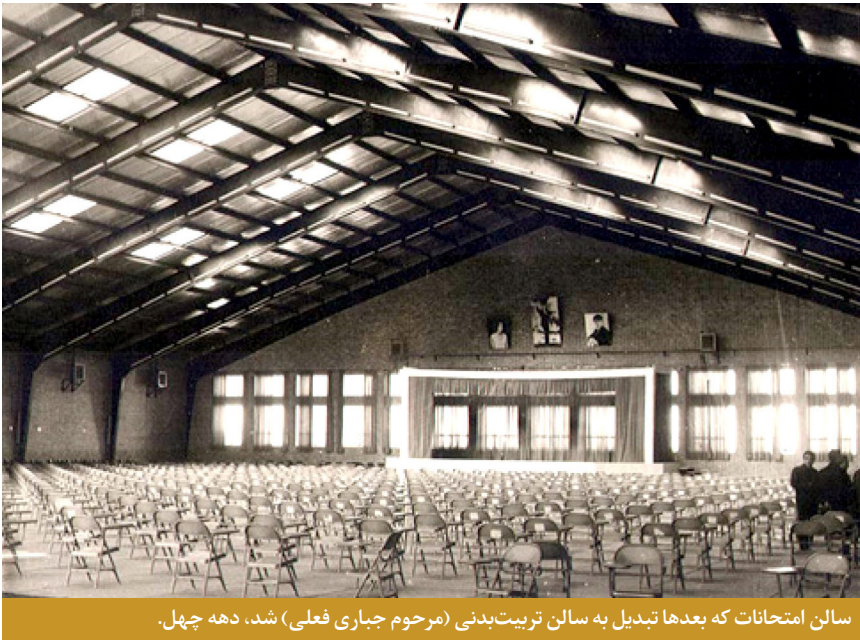
سال طول می‌کشید. دانشجویان ممتازی می‌توانستند در دوره دکترا ادامه تحصیل دهند که معدل دانشنامه مهندسی تخصصی‌شان بیشتر از میزان تعیین شده هیئت آموزشی دانشگاه بود. دانشجویان فوق لیسانس دانشگاه‌های دیگر هم با شرایطی که هیئت آموزشی دانشگاه تعیین کرده بود، می‌توانستند در این دوره تحصیل و از دانشگاه صنعتی آریامهر دکترا دریافت کنند.

برای اولین بار در کشور رشته‌های مهندسی در دانشکده مخصوص به همان رشته تدریس می‌شدند. رشته متالورژی در این دوره در ایران تأسیس شد و دانشکده تخصصی مربوط به خود داشت. پیش از آن، رشته‌های ذوب فلزات، ریخته‌گری و معدن که زیرشاخه‌های متالورژی هستند، در دانشکده فنی دانشگاه تهران تدریس می‌شد. دانشگاه صنعتی آریامهر اولین دانشگاهی بود که به عنوان مهندس متالورژی دانشجویی گرفت. در آن زمان، حتی رشته مهندسی شیمی خیلی در ایران شناخته شده نبود و اغلب با رشته یا گرایش شیمی صنعتی که شاخه‌ای از شیمی است، یکسان فرض می‌شد. فقط دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشکده پلی‌تکنیک، دانشگاه شیراز و دانشکده نفت آبادان در رشته مهندسی شیمی دانشجویی پذیرفتند و برنامه‌های درسی دانشگاه شیراز و دانشکده نفت آبادان به مهندسی شیمی نزدیک‌تر بود. با تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر، تحولی در برنامه‌های درسی رشته مهندسی شیمی در کشور ایجاد شد. به این معنی که هویت مهندسی آن بر اساس دروس فیزیک، ریاضی و دروس تخصصی مهندسی شیمی به صورت آشکار و مستقل از سایر رشته‌های علوم و مهندسی مشخص شد، به طوری که قرار بود همان موقع عنوان مهندسی شیمی را تغییر دهند و نام آن را مهندسی فرایند بگذارند.

برنامه آموزشی و استادان دروس

هنگامی که دانشگاه تأسیس شد، هیچ دانشکده‌ای نداشت. در واقع، سال اول دوره عمومی دانشگاه بود و برای دانشجویان همه رشته‌ها، سی ساعت درس در هفته برنامه‌ریزی شده بود. یعنی دانشجویان مثل دانش‌آموزان مدرسه باید هر روز سر کلاس درس حاضر می‌شدند. بر اساس برنامه آموزشی، دروس زیر در هر هفته تدریس می‌شد:

- ده ساعت ریاضیات شامل جبر، آنالیز، آنالیتیک و ریاضیات جدید.
- شش ساعت فیزیک شامل سه ساعت درس و تمرین و سه ساعت آزمایشگاه.
- شش ساعت شیمی شامل سه ساعت درس و تمرین و سه ساعت آزمایشگاه.
- سه ساعت رسم فنی.



سالن امتحانات که بعدها تبدیل به سالن تربیت بدنی (مرحوم جباری فعلی) شد، دهه چهل.

● سه ساعت کارگاه.

● دو ساعت زبان خارجه.

طبق برنامه تحصیلی دانشگاه، در سال اول، دانشجویان هر هفته شنبه صبح امتحان می دادند. یک هفته، آزمون فیزیک، هفته بعد ریاضی و هفته بعد شیمی. سؤالات برای همه رشته‌ها یکسان بود. سالن با ابعاد مساوی به شکل مربع تقسیم بندی می شد و چند نفر از اعضای هیئت علمی در یکی از مربع‌ها قرار می گرفت تا پس از توزیع اوراق امتحان، مراقب باشند. معدل کل نمراتی که دانشجویان در امتحانات شنبه کسب می کردند، در نمره پایانی دانشجویان لحاظ می شد. یکی از سالن‌های بزرگ دانشگاه به برگزاری امتحان شنبه‌ها اختصاص داشت. دروس دانشجویان همه رشته‌ها در سال اول، مشترک بود. دانشجویان در سال سوم بر اساس رشته‌ای که در ابتدای ورود به دانشگاه انتخاب کرده بودند، وارد دانشکده برق، فیزیک، شیمی، متالورژی یا علوم شده و دروس تخصصی مربوط به رشته خود را در همان دانشکده می گذراندند. دانشجویان باید هفته‌ای ۳۶ ساعت سر کلاس حاضر می شدند. برنامه تمام دانشجویان یکسان بود و همه در کلاس‌های فیزیک، شیمی، ریاضی، زبان، کلاس‌های

حل تمرین، آزمایشگاه فیزیک، آزمایشگاه شیمی، رسم فنی و کارگاه شرکت می کردند. کارگاه‌ها شامل کارگاه‌های فلزکاری (سوهان کاری، تراشکاری، فرزکاری و صیقل زدن)، کارگاه جوشکاری و برش با برق و گاز، کارگاه تأسیسات (لوله کشی و نصب لوازم بهداشتی)، کارگاه اتومکانیک، کارگاه برق، کارگاه ذوب فلزات و کارگاه مدل سازی و نجاری بود. تنها تفاوت بین رشته‌های مختلف، درس زبان خارجی بود. زبان خارجی رشته مهندسی مکانیک، انگلیسی، رشته مهندسی متالورژی، آلمانی و رشته‌های مهندسی شیمی و برق فرانسه بود.

استادان در پنج گروه آموزشی ریاضی، فیزیک، شیمی، رسم فنی و کارگاه دروس عمومی را برنامه‌ریزی و مدیریت می کردند.

کادر آموزشی گروه ریاضی هشت نفر بودند. دکتر محمدعلی مجتهدی، دکتر هوشنگ منتصری، خانم الیزابت فرانسوان، مهندس محسن ظهیرامامی، مهندس رضا قطبی، مهندس همایون ثقفی، مهندس جواد افتخاری و پرویز وصالی. در این گروه، دو نفر مدرک دکترا، پنج نفر فوق لیسانس و یک نفر لیسانس داشتند. سرپرستی این گروه را دکتر مجتهدی به عهده داشت.

گروه بعدی، گروه آموزشی فیزیک بود. کادر آموزشی این گروه از ۲۲ نفر تشکیل شده بود. شش نفر درجه دکترا و شانزده نفر مدرک فوق لیسانس داشتند. سرپرستی گروه را آقای دکتر فیروز پرتوی بر عهده داشت و فیزیک نظری تدریس می کرد. دکتر حسین نوحدانی، استاد فیزیک نظری و مأمور تحقیقاتی، دکتر مسعود نراقی، معلم فیزیک نظری و مأمور تحقیقاتی، دکتر علی اکبر پیمان، معلم فیزیک نظری، دکتر نصرت‌الله واحدی فریدی، معلم فیزیک نظری، دکتر فرهنگ زنده، معلم تمرین فیزیک نظری، مهندس تیمور لکستانی، مهندس آلن باغداساریان، دستیار آزمایشگاه فیزیک، مهندس علی موسوی نسل ادیب، دستیار آزمایشگاه فیزیک، مهندس بهداد سنگی، دستیار آزمایشگاه فیزیک، مهندس خداداد القابی، دستیار آزمایشگاه فیزیک، مهندس سیروس محمدیان، دستیار آزمایشگاه فیزیک، مهندس صدرا برهان، دستیار آزمایشگاه فیزیک، مهندس منوچهر راد، دستیار آزمایشگاه فیزیک، مهندس هرمز هژبر قلیچی، مهندس کاووس قصبه‌ای، مهندس فریدون علاقه‌مند، مهندس حسین حبیب‌زاده، مهندس حسن گیوی، مهندس علی دبیری اصفهانی و مهندس علی بهدشتی به عنوان دستیار در این گروه خدمت می کردند.

گروه سوم، گروه آموزشی شیمی بود و شامل یازده نفر می شدند که دو نفر از آن‌ها دارای مدرک دکترا و نه نفر فوق لیسانس داشتند و سرپرستی این گروه بر عهده دکتر سیاوش مهنا بود. دکتر مهنا معلم شیمی

نظری هم بودند. سایر افراد گروه عبارت بودند از: دکتر فریدون معطر، معلم شیمی نظری، فرامرز وحدت، دستیار آزمایشگاه شیمی، اردشیر منتصری، دستیار آزمایشگاه شیمی، مهندس رضا مستقیم، معلم تمرین شیمی نظری، مهندس عبدالحسین مهندس، دستیار آزمایشگاه شیمی، مهندس رحیم زمانیان، دستیار آزمایشگاه شیمی، مهندس سیدجلال الدین شایگان، دستیار آزمایشگاه شیمی، مهندس محسن عدالت، دستیار آزمایشگاه شیمی، مهندس علی اکبر سیف کردی، دستیار آزمایشگاه شیمی، مهندس کیوان شاهکامرانی، دستیار آزمایشگاه شیمی.

گروه چهارم، گروه آموزشی رسم فنی بود. تعداد کادر آموزشی این گروه، شش نفر بودند و همگی فوق لیسانس داشتند. مهندس حشمت‌الله نیایش سرپرست این گروه بود و سال اول با همکاری مهندس محمدباقر رجالی زاده، مهندس مسعود معین زاده و مهندس علی امیرفضلی و دو نفر نیروی قراردادی به نام‌های مهندس حسین جمالی فیروزآبادی و مهندس مصطفی طاعت، گروه آموزش رسم فنی را اداره می‌کرد. از سال دوم مهندس جهانگیر حکیمی تهرانی، مهندس ایرج ابطحی و مهندس محمد ربیعی تهرانی به این گروه پیوستند.

گروه پنجم، گروه آموزشی کارگاه‌ها بود که تعداد آن‌ها نه نفر بودند. هشت نفر فوق لیسانس و یک نفر لیسانس داشتند و مهندس محمد پیروزنیا سرپرست این گروه بود.

آقای حسینعلی انواری مدیر امور آموزشی بود. در اداره آموزش نیز آقایان علی اکبر مهدویان، محمد هاشمی، ابوالقاسم میراحمدیان و احسان ارض‌پیما به کارها رسیدگی می‌کردند. سرپرست تربیت‌بدنی مهندس علی مقدسیان، رئیس دبیرخانه آقای جعفر نیاکی و مسئول کتابخانه مرکزی هم خانم پوراندخت حسین‌زاده بودند. تعداد دانشجویان، استادان و کارمندان دانشگاه سال اول کم بود و همه همدیگر را می‌شناختند و فضایی صمیمی بین استادان و دانشجویان برقرار بود. کارکنان و کادر آموزشی هم ارتباط بیشتری با یکدیگر و با مدیریت دانشگاه داشتند و تقریباً هر روز همدیگر را در نهارخوری می‌دیدند.

کلاس‌های درس، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها از همان روز اول کلاس طبق برنامه‌های آموزشی مشخص و منظم برگزار می‌شد. اکثر دروس نظری را استادان با مدرک دکتر ا ارائه می‌کردند. استادان با مدرک فوق لیسانس از دانشگاه‌های خارج از کشور استاد کلاس‌های حل تمرین و بعضی از دروس تئوری بودند. استادان فارغ‌التحصیل دانشکده‌های داخلی هم کارگاه، گروه آموزشی رسم فنی و آزمایشگاه‌ها را اداره می‌کردند. استادان در سال‌های اول تأسیس دانشگاه، به‌خصوص بعد از دو سال اول که ارائه دروس عمومی پایان گرفت و دروس اختصاصی و تخصصی دانشکده‌ها آغاز شد، تمام وقت در دانشگاه حضور



داشتند و مشغول تدریس و تحقیق بودند. گاهی استادان تا دیروقت در دانشگاه می ماندند و در طول شب چراغ‌های کارگاه و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی خاموش نمی شد. حتی روزهای پنجشنبه و جمعه نیز استادان در دانشگاه می ماندند. مهندس موسی خالصی زاده، مسئول مرکز محاسبات، تخته‌خوابی کنار اتاقش گذاشته بود و بعضی شب‌ها که تا دیروقت در دانشگاه می ماند، همان جا می خوابید. دانشجویان علاقه‌مند اجازه داشتند تا زمانی که می خواهند در کارگاه و آزمایشگاه بمانند و تحقیق و آزمایش کنند. استادان هم کمکشان می کردند. بیشتر استادان دانشگاه جوان بودند و از اینکه در دانشگاه فضایی ایجاد شده بود که بتوانند جوانان ایرانی را در بالاترین سطوح آموزشی تربیت کنند، راضی و خوشحال بودند. دانشگاه صنعتی آریامهر از معدود دانشگاه‌های کشور بود که استادان آن تمام وقت بودند. در دانشگاه‌های بزرگی چون دانشگاه تهران، استادان و هیئت علمی دانشگاه فقط در روزها یا ساعت‌های مشخصی در دانشگاه بودند. تعداد زیادی از استادان دانشگاه تهران سمت‌های اجرایی و سیاسی داشتند و نمی توانستند تمام وقت در دانشگاه بمانند. احساس مشترکی بین استادان و دانشجویان و کارمندان به وجود آمده بود که همه در فرایند آموزش مهندسی کشور منشأ اثرند و سعی می کردند با صمیمیت از موقعیت پیش آمده به نحو احسن استفاده کنند. بیشتر این استادان در دانشگاه‌های معتبر دنیا تدریس می کردند یا در بخش‌های صنعتی اروپا و آمریکا فعال بودند. آن سال‌ها به فکر هیچ کدام از استادان خطور نمی کرد که در جای دیگری به جز دانشگاه کار کنند. سه چهار سال بعد، یعنی بعد از تأسیس دانشکده سازه (عمران فعلی)، خبری منتشر شد که یکی از استادان این دانشکده در شرکتی بیرون از دانشگاه هم مشغول کار شده است. این موضوع باعث تعجب استادان و دانشجویان شد و در دانشگاه همه جا صحبت از آن بود که چرا استادی به غیر از دانشگاه، جای دیگری هم کار می کند.

اولین انتخابات دانشجویی دانشگاه صنعتی آریامهر

فعالیت‌های دانشجویی هم‌زمان با تأسیس دانشگاه و به موازات برنامه‌های دقیق آموزشی آغاز شد. سه هفته بعد از حضور دانشجویان دوره اول در دانشگاه و آشنایی با یکدیگر، دانشجویان در اولین انتخابات دانشجویی شرکت کردند تا هیئت مدیره موقت کانون دانشجویان را انتخاب کنند. دانشجویان به ده گروه چهار نفری تقسیم شدند و هر چهار نفر، به دو نفر رأی دادند. هیئت مدیره موقت کانون دانشجویان با ۲۲ دانشجو یعنی بیست نفر از نمایندگان دانشجویان و دو نفر از دانشجویان نماینده خانه دانشجویان (خوابگاه) دانشگاه تشکیل و فعالیت خود را در پنج کمیسیون زیر آغاز کرد:

- **کمیسیون انتشارات:** با عضویت آقایان صدیق، بیانی، نیکپور، لولاچی و مختارزاده.
- **کمیسیون سخنرانی:** با عضویت آقایان فارابی، پورسرتیپ، قمصری و خوش‌سخن.
- **کمیسیون برنامه‌های تفریحی:** با عضویت آقایان پطروسیان، دبیری، نیایش، صفائی و ارومی.
- **کمیسیون تعاونی:** با عضویت آقایان بهزاد افشار، بوذری، احراری و خانم غفاری.
- **کمیسیون جشن و بازدید:** با عضویت آقایان لاریجانی، نوائیان، نیکخو و خانم دیهیم.

علاوه بر این کمیسیون‌ها، کمیسیون ویژه‌ای تشکیل شد تا اساسنامه کانون دانشجویان را تدوین کنند. طبق اساسنامه، هیئت مدیره کانون دانشجویان موظف بود بر امور مربوط به غذاخوری و خوابگاه که آن زمان با نام خانه دانشجویان شناخته می‌شد، نظارت کند. اولین خانه دانشجویی دانشگاه در خیابان آینه‌نهار (آزادی فعلی)، در خیابان اسکندری شمالی قرار داشت. این خوابگاه ۴۸ اتاق داشت و بخش امور اجتماعی دانشگاه، آن را اجاره و در اختیار ۱۲۵ دانشجوی شهرستانی قرار داده بود. این خوابگاه، اجاره‌ای بود و قسمت امور اجتماعی دانشگاه آن را تهیه کرده بود.

فعالیت‌های تحقیقاتی

در دو سال اول، استادان در آزمایشگاه‌های دانشگاه صنعتی آریامهر تحقیق می‌کردند که از آن جمله می‌توان به تحقیقات دکتر مسعود نراقی در زمینه پلاσμα، آقای دکتر محمود نحوی در زمینه ارتباطات بیوفیزیکی، دکتر هیبت‌اله خاکزار در زمینه تکنیک اخبار اشاره کرد. با توجه به آنکه جنوب کشور، سواحل طولانی خشک و کم آب دارد، دکتر حسین نوحدانی تحقیقاتی در زمینه شیرین کردن آب انجام می‌داد. هیئت انمائی دانشگاه برای تحقیق دکتر نوحدانی مبلغ ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال اعتبار^۱ در نظر گرفت.

بیمه و بهداشت

دکتر مجتهدی برای تأمین سلامت جسمی و روانی دانشجویان، مرکزی به نام مرکز بهداشت در دانشگاه تأسیس کرد. اداره بهداشتی به عهده دکتر آرمن آفتاندلیان و بهیار شهناز اسپهرم گذاشته شده بود. سازمان بهداشتی و بهداشت با هدف سلامتی مثبت، یعنی ارتقای بهداشت و سلامت جسمی، روحی و اجتماعی خدمات زیر را برای دانشجویان و کارکنان دانشگاه فراهم آورد:

۱. سرویس‌های کمک‌های اولیه: در تمام مراکز ساختمان‌ها، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها و خانه دانشجویان،

۱ - اعتبار هیئت انمائی برای انجام امور زیر در نظر گرفته شده بود: تحقیقات علمی درباره روش‌های مختلف نمک‌زدایی از آب دریا با تماس و همکاری با مؤسسات علمی ایرانی و بین‌المللی، ساختن دستگاه‌هایی با ظرفیت‌های مختلف برای تولید آب شیرین در جنوب ایران با استفاده از انرژی خورشیدی، ساختن دستگاه نمک‌زدایی از آب دریا به ظرفیت بین ۱۰ تا ۵۰ هزار لیتر در روز که از لحاظ اقتصادی مقرون به‌صرفه باشد، تهیه دستگاه دوجانبه تهیه برق و آب بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون لیتر آب در روز و ۴۰ تا ۶۰ کیلووات برق، بررسی امکان استفاده از انرژی انمی در ایران و تعیین ظرفیت راکتور انمی برای تولید آب و برق، تهیه برنامه‌های علمی و فنی مکمل تحقیقات فوق از قبیل اندازه‌گیری رادیواکتیویته هوا و آب و خاک‌شناسی و استفاده از ایزوتوپ‌ها برای کشاورزی، تحقیق در امکان استفاده اقتصادی از املاح موجود در آب دریا.



نمایی از ساختمان آموزش دانشگاه (ساختمان معاونت مالی و اداری فعلی) - دهه چهل.



جعبه کمک‌های اولیه با تجهیزات کامل نصب شد. برای هر کدام از آن‌ها هم دو نفر مسئول با آموزش مقدماتی معین شد. این عده در آینده در کلاس‌های مخصوصی که برای این کار در نظر گرفته شده، تعلیمات و اطلاعات کامل‌تری دریافت خواهند کرد.

۲. سرویس‌های درمانگاهی و اورژانس: چنانچه دانشجویان یا کارکنان دانشگاه بیمار شوند و در اثر حادثه‌ای آسیب ببینند، در درمانگاه بهداری زیر نظر پزشک درمان می‌شوند. مشخصات بیماری، نوع بیماری، محل حادثه، روش معالجه و غیبت ناشی از بیماری ثبت می‌شود تا بعداً بررسی و ارزشیابی شود. ۳. سرویس‌های تخصصی و بیمارستانی: برای بستری شدن یا استفاده از بیمارستان تداگیری اندیشیده شده بود.

۴. سرویس بهداشتی و آموزش بهداشت صنعتی: هدف از این سرویس پیش‌گیری و کنترل بیماری‌ها و خطرات موجود در محیط کار و در دانشگاه، بهسازی محیط و بالاخره آموزش بهداشت صنعتی و عمومی برای دانشجویان بود و با بازرسی محیط کار، غذاخوری و معاینات طبی کارگران تهیه و توزیع غذا، بازدید از سرویس‌های بهداشتی و کنترل جعبه‌های کمک‌های اولیه انجام می‌شد. در برنامه مدونی که دکتر



تیم فوتبال دانشگاه، ۱۳۴۷.



فیروز اردشیریان نفر دوم مسابقات پرتاب وزنه دانشگاهها و مدارس عالیہ کشور در مشهد- ۱۳۴۶.

مجتهدی طراحی کرده بود، برنامه معاینه سالیانه و دسته‌جمعی بهداشتی دانشجویان و کارمندان و آموزش بهداشت، به‌ویژه بهداشت صنعتی هم گنجانده شده بود. دکتر اعتقاد داشت آموزش بهداشت صنعتی برای دانشجویان که در آینده به عنوان مهندس و متخصص فنی در محیط صنعت و کار فعالیت خواهند کرد و با در نظر گرفتن اینکه این افراد روزی ۸ ساعت و در مجموع حدود سی سال از عمرشان را در محیط کار سپری می‌کنند، فوق‌العاده اهمیت دارد. مهندسان فردا باید از بیماری‌ها و خطرات محیط کار که خود، کارمندان و زيردستانشان را تهدید می‌کند، آگاه باشند و تا حدی از اصول پیشگیری و طرز کار سرویس‌های بهداشت صنعتی اطلاع داشته باشند. برای تحقق این اهداف، برگزاری کنفرانس‌های بهداشتی برای دانشجویان پیش‌بینی شده بود و قرار بود از سال آینده درسی به نام بهداشت صنعتی در دانشگاه صنعتی آریامهر، مانند تمام دانشگاه‌های پیشرفته جهان، تدریس شود.

همه ساختمان‌ها و ماشین‌آلات و لوازم آزمایشگاه‌ها و تجهیزات اداری دانشگاه هم در برابر آتش‌سوزی و انفجار بیمه شد. دانشجویان هم در برابر حوادث بیمه شدند. یعنی از هنگام حرکت از منزل در طول مسیر تا دانشگاه و تمام مدتی که در دانشگاه هستند و هنگام بازگشت از دانشگاه به منزل در صورت رفت و آمد با وسایل نقلیه عمومی، بیمه هستند. بیمه برای حوادث، ۲۰ هزار ریال هزینه پزشکی، ۲۰۰ هزار ریال برای نقص عضو و ۱۰۰ هزار ریال برای فوت به هر دانشجو تخصیص داده بود.

توجه به ورزش در کنار تحصیل

از همان ابتدای تأسیس دانشگاه، برنامه‌های متنوعی برای انجام فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی دانشجویان طراحی شده بود. در این راستا، دکتر مجتهدی، مهندس علی مقدسیان، مسئول تربیت بدنی دبیرستان البرز را به سرپرستی تربیت بدنی دانشگاه صنعتی آریامهر منصوب کرد. مهندس مقدسیان، ابتدا جعفر گل‌بابایی را به سمت رئیس شورای ورزشی دانشگاه تعیین کرد. پس از آن، غلامرضا جباری را به عنوان مربی والیبال و جمال قائم‌مقام را به عنوان مربی دومیدانی و فوتبال استخدام کرد. در همین راستا، به دستور دکتر مجتهدی و با هماهنگی مهندس مقدسیان، در محوطه اطراف دفتر مدیریت، زمین ورزشی والیبال و بسکتبال ساخته شد. مهندس مقدسیان اصرار داشت علاوه بر زمین والیبال و بسکتبال، زمین چمن بزرگی در دانشگاه ساخته شود تا دانشجویان بتوانند در آنجا فوتبال بازی کنند. اما دکتر مجتهدی با کاشت چمن در زمین دانشگاه مخالفت می‌کرد. او معتقد بود کاشت چمن هزینه زیادی دارد و نگهداری از آن نیز مشکل است. دکتر توصیه





رژه تیم دانشگاه در مسابقات قهرمانی دانشجویان سراسر کشور در مشهد، ۱۳۴۶.



می کرد حتی الامکان در فضای دانشگاه درخت کاشته شود تا دانشجویان در آینده زیر سایه آن‌ها بنشینند و استراحت کنند. او دستور داده بود کارگران درختان چنار و افرای فراوانی در محوطه‌های باز دانشگاه بکارند.

مهندس مقدسیان سال ۱۳۴۶ هم‌زمان با سفر دکتر مجتهدی به کشورهای خارجی برای استخدام کادر آموزشی، نزد دکتر ادیب رفت و به او گفت: آقای دکتر، شما یک فرد تحصیل کرده هستید. مگر می‌شود بچه‌ها بیایند در این دانشگاه و جای فعالیت نداشته باشند، ندوند، بالا پایین نپزند، شلوغ نکنند، بازی نکنند. مقدسیان در همان جلسه به دکتر ادیب پیشنهاد کرد زمینی را که دکتر برای ساخت پارکینگ در نظر گرفته، چمن بکارند. دکتر ادیب موضوع را با مهندس کمالی و مهندس ابوذر در میان گذاشت و موافقتشان را جلب کرد. با این حال هر سه نگران بودند وقتی دکتر مجتهدی بفهمد زمین پارکینگ را چمن کرده‌اند، چه عکس‌العملی نشان می‌دهد. مهندس مقدسیان برای آنکه نگرانی این سه نفر را رفع کند، مسئولیت چمن کاری زمین را به طور کامل بر عهده گرفت و عواقب آن یعنی اخراج از دانشگاه را پذیرفت.

ابتدا مهندس مقدسیان با پیمانکاری مذاکره کرد تا زمین را چمن بکارد اما قیمت پیشنهادی پیمانکار برای کاشت چمن حدود ۲۰۰ هزار تومان بود که آن زمان مبلغ زیادی حساب می‌شد. مهندس مقدسیان تصمیم گرفت خودش این کار را انجام دهد و به دکتر ادیب گفت که حاضر است با ۵۰ هزار تومان، یعنی هزینه‌ای معادل یک‌چهارم مبلغ پیشنهادی پیمانکار، زمین چمن را آماده کند. پس از موافقت دکتر ادیب، مهندس دست به کار شد و همراه یک باغبان و چند کارگر زمین را صاف و ترازبندی کردند. برای انجام کار، نیاز به غلطک بود. غلطک را آقای مهندس پیروزی، سرپرست کارگاه ساخت. مهندس تخم چمن خارجی خرید و کارگران زمین را بذر پاشیدند و در نهایت آنجا را آبیاری کردند و منتظر ماندند تا چمن سبز شود. وقتی دکتر مجتهدی از خارج بازگشت، نیمی از زمین سبز شده بود و نیم دیگر در حال جوانه زدن بود. دکتر مجتهدی با ماشین وارد دانشگاه شد و هنگام عبور از محوطه دانشگاه، ناگهان چشمش به زمین افتاد. مهندس مقدسیان و کارگرها مشغول کار روی زمین بودند که ناگهان ماشین دکتر کنار زمین توقف کرد و همان لحظه راننده دکتر از ماشین پیاده شد. راننده به سمت مهندس آمد و گفت دکتر خیلی عصبانی است و با شما کار دارد. وقتی مهندس مقدسیان نزد دکتر مجتهدی رفت او با ناراحتی گفت: «در این مدت که نبودم، چشم مرا دور دیدی و مثل البرز زمین اینجا را هم چمن کردی؟» مهندس جواب داد: «اجازه دهید اینجا سبز شود، خیلی زیبا می‌شود. دکتر از این حرف بیشتر عصبانی شد و به سمت دفتر مهندس کمالی به راه افتاد و مهندس را مؤاخذه کرد که چرا اجازه داده این زمین را چمن بکارند. دکتر مجتهدی در برابر عمل انجام شده قرار گرفته بود و کاری از دستش برنمی‌آمد. به این ترتیب اولین زمین چمن دانشگاه ساخته شد. در دو سال نخست تأسیس دانشگاه به جز زمین فوتبال، سه زمین والیبال و دو زمین بسکتبال، پیست دوی صد متر، چاله پرش طول و ارتفاع، محل پرتاب وزنه و دیسک، دو زمین مخصوص ورزش تنیس، چهار میز پینگ‌پنگ و اتاق شطرنج برای انجام فعالیت‌های ورزشی در اختیار دانشجویان قرار گرفت.

اولین مدال آوران ورزشی و هنری دانشگاه

نیمه دوم سال تحصیلی، فعالیت‌های ورزشی دانشگاه به صورت جدی‌تر پیگیری می‌شد. والیبال، فوتبال، دو میدانی و تنیس روی میز اولین ورزش‌هایی بودند که به صورت تیمی دنبال می‌شدند. آقای قائم‌مقام، مربی دو میدانی، هر روز ظهر دو تشک ابری با یک پایه پرش، دم در سالن نهار خوری می‌گذاشت و با شوخی دانشجویان را تشویق می‌کرد از روی پایه بپرند یا در زمین چمن دانشگاه



دستشان وزنه می داد و از آن‌ها می خواست وزنه‌ها را پرتاب کنند و افراد مستعد را شناسایی می کرد. بعد از انتخاب افراد با استعداد در رشته‌های مختلف و چند ماه تمرین زیر نظر مربی هر رشته، تیم‌های والیبال، فوتبال، دو میدانی و تنیس روی میز دختران و پسران نوروز سال ۱۳۴۶، برای شرکت در مسابقات قهرمانی دانشجویان دانشگاه‌ها راهی مشهد شدند. با آنکه تیم‌های ورزشی دانشگاه برای اولین بار در مسابقات شرکت می کردند و هیچ تجربه‌ای نداشتند، چند نفر از دانشجویان توانستند مدال‌هایی برای دانشگاه کسب کنند. در این مسابقات، آقای فیروز اردشیریان^۱ در پرتاب دیسک مقام اول و در پرتاب نیزه مقام دوم را به دست آورد. علینقی مشایخی در دو ۱۱۰ متر با مانع به مقام دوم و کوکبی در پرتاب وزنه به مقام سوم رسیدند. آقای نوایان قاسمی در پرتاب نیزه مقام چهارم را کسب کرد و تیم دو میدانی دانشگاه بین دانشگاه‌های کشور مقام هفتم را کسب کرد. سرپرست تیم آقای مارکار گریگوریان بود.

در آن سال تیم فوتبال دانشگاه نیز خوب درخشید و راهی مسابقات نیمه‌نهایی شد اما به علت بارش سنگین برف در مشهد و سرمای شدید هوا، بازی نیمه‌نهایی برگزار نشد. چون دانشگاه بلیت برگشت برای مسافران تهیه کرده بود، امکان به تعویق انداختن مسابقات نبود و مسابقات فوتبال نیمه‌کاره ماند و دانشجویان به شهرهای خود برگشتند. تیم فوتبال دانشگاه در دور مقدماتی تیم دانشکده ادبیات اصفهان را با نتیجه یک بر صفر، تیم دانشگاه تبریز را سه بر دو و تیم دانشکده نفت آبادان را سه بر صفر شکست داد. تیم والیبال و بسکتبال دانشگاه هم در اولین تجربه حضور در این مسابقات، نتایج خوبی کسب کردند. بعد از این مسابقات، تیم شطرنج دانشگاه در اردوی دانشجویی رامسر که تابستان همان سال برگزار شد، شرکت کرد و خسرو هرنندی توانست مقام اول این مسابقات را کسب کند. در قسمت هنری در تابستان سال ۱۳۴۶ در رامسر، آقای ژوا آزادویچ منوچهریانس در قسمت آکاردئون قهرمان دوم دانشگاه‌ها شد و مدال نقره را کسب کرد و آقای خچواستوسادوریان در قسمت گیتار قهرمان سوم دانشگاه‌های کشور شد.

اولین سالن ورزشی دانشگاه و توسعه فعالیت‌های ورزشی

فعالیت‌های ورزشی دانشگاه در فصول بهار، تابستان و ماه‌های اول پاییز در فضای باز محوطه دانشگاه انجام می شد اما در فصل زمستان، برخی از ورزش‌ها در هوای سرد امکان پذیر نبود. مسئولان تربیت بدنی دانشگاه برای حل این مشکل، به فکر تهیه سالن سرپوشیده برای ورزش‌های والیبال و بسکتبال افتادند. آن زمان، دانشگاه سالن سرپوشیده ورزشی نداشت و در سالن‌های سرپوشیده موجود،

۱ - اردشیریان دو سال دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه تهران بود اما تغییر رشته داد و در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی آریامهر پذیرفته شد. اردشیریان در طی دوران تحصیل در دانشگاه تهران، در رشته والیبال فعالیت می کرد و زمانی که وارد دانشگاه صنعتی آریامهر شد، به فعالیت در ورزش دومیدانی، پرتاب دیسک، وزنه و نیزه روی آورد. اردشیریان تا پایان دوره تحصیلتش، کاپیتان تیم دومیدانی دانشگاه بود.



آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها قرار داشتند. یکی از سالن‌های بزرگ دانشگاه برای نهار خوری و دیگری هم برای برگزاری امتحانات اختصاص یافته بود. شنبه‌ها در سالن امتحانات، آزمون برگزار می‌شد اما سایر روزهای هفته، بلااستفاده بود و می‌شد از آن استفاده کرد.

مهندس مقدسیان به آقای ثقفی، رئیس آموزش پیشنهاد کرد سالن امتحانات را روزهای هفته به جز شنبه‌ها، در اختیار تربیت بدنی بگذارد. آقای ثقفی هم مسئله سالن را با دکتر مجتهدی مطرح کرد. دکتر با این طرح موافق نبود، اما آقای ثقفی و مهندس مقدسیان با اصرار زیاد بالاخره او را مجاب کردند. مهندس مقدسیان سریع دست به کار شد و زمین سالن را خط‌کشی کرد و بعد یک تور والیبال سفارش داد و وسط سالن نصب کرد. او طوری برنامه‌ریزی کرده بود که پنجشنبه‌ها بعد از ظهر، پایه و تور والیبال را جمع کنند و دوباره صندلی‌ها را بچینند تا سالن برای برگزاری آزمون روز شنبه آماده باشد. مهندس یک هفته بعد، دو دستگاه بسکتبال متحرک هم سفارش داد و پس از تحویل آن‌ها را در سالن نصب کرد. دکتر مجتهدی طبق روال، شنبه برای سرکشی به برگزاری امتحانات به سالن رفت و وقتی دستگاه بسکتبال متحرک را درون سالن دید، عصبانی شد و از مهندس مقدسیان خواست به دفتر او برود. مهندس داخل اتاق شد و دکتر مجتهدی با عصبانیت به او گفت: «چه کسی به تو گفته این دستگاه‌ها را آنجا بگذاری؟ برای چه گذاشته‌ای؟» مهندس جواب داد: «آقای دکتر دو دستگاه بسکتبال هستند، جای کسی را که نمی‌گیرند و به کسی هم کار ندارند. حالا که ما والیبال‌یست‌ها را در سالن جا داده‌ایم، بسکتبال‌یست‌ها آمده‌اند اعتراض کرده‌اند. آیا کار درستی بود که بچه‌ها را پیش شما می‌فرستادم سر و صدا بکنند؟» دکتر مجتهدی در پاسخ گفت: «خوب من که می‌دانستم تو این سالن را می‌گیری، آقای ثقفی باید می‌دانست و موافقت نمی‌کرد». چند سال بعد، زمان ریاست آقای دکتر امین بر دانشگاه و تغییر سیستم آموزشی دانشگاه و تعطیلی امتحانات شنبه، این سالن به طور کامل به سالنی ورزشی تبدیل و دور تا دور آن چند ردیف سکوی تماشاگران ساخته شد.

ابتدای مهرماه ۱۳۴۶، تعداد دانشجویان دانشگاه زیاد شد و فعالیت‌های ورزشی رونق بیشتری گرفت و آقای عباس نمازیان به عنوان مربی کشتی، آقای امیر حسینی به عنوان مربی فوتبال، آقای اندرانیک اسکندریان به عنوان مربی تنیس و آقای فولدی مجارستانی به عنوان مربی پینگ‌پنگ به شکل نیمه‌وقت به استخدام دانشگاه درآمدند. در این سال، با همت آقایان حسن مرتضوی، رضا طاهری و احمد صابری، رشته کوهنوردی هم به رشته‌های ورزشی دانشگاه اضافه شد. گروه تازه‌تأسیس کوه، در اولین برنامه به منطقه اوین درکه رفتند. در این برنامه، مرتضوی، طاهری، صابری و رسولی به‌عنوان

مرکز گرافیک مهندسی

مسئولان برنامه حضور داشتند. دانشجویان از برنامه‌های گروه کوه استقبال کردند و مدتی بعد، گروه کوه آقایان صادق کرباسی، بهمن شهوندی و اکبر آقاخانی را به‌عنوان مربی استخدام کرد.

مرکز گرافیک مهندسی اوایل سال ۱۳۴۵ هم‌زمان با تأسیس دانشگاه و با نام گروه آموزش رسم فنی و به سرپرستی مهندس حشمت‌اله نیایش تأسیس شد. این گروه سال ۱۳۵۰ به مرکز گرافیک مهندسی تغییر نام داد. این مرکز با هدف ارائه خدمات به دانشکده‌ها و تدریس نقشه‌کشی صنعتی که زبان بین‌المللی مهندسی است، به وجود آمد. اولین اعتصاب دانشجویان در دانشگاه صنعتی آریامهر چند ماه بعد از شروع به کار دانشگاه و در تعطیلات بین ثلث اول و دوم، یعنی دی‌ماه ۱۳۴۵ رخ داد. مهندس نیایش که از استادان محبوب بین دانشجویان بود، در تعطیلات پانزده روزه بعد از ثلث اول، از دانشگاه رفت. گویا دکتر منتصری و مهندس نیایش بر سر میزان حقوق استادان مرکز گرافیک اختلاف پیدا کرده بودند و مهندس نیایش گفته بود اگر حقوق استادان مرکز گرافیک پایین باشد، آن‌ها از دانشگاه خواهند رفت. دانشجویان وقتی خبر خروج مهندس نیایش را شنیدند، نامه مفصلی به دکتر مجتهدی نوشتند و از دکتر مجتهدی به خودش شکایت کردند. چند ماه بعد، با انتصاب دکتر منتصری به ریاست دانشگاه تبریز، مهندس نیایش با حفظ سمت و همچنین مشاور نیابت تولیت به دانشگاه برگشت.

کتابخانه دانشگاه صنعتی آریامهر

با همت دکتر پرتوی و دکتر نراقی که هر دو از استادان دانشکده فیزیک بودند، کتاب‌ها از خارج از کشور سفارش داده شد. به درخواست دکتر مجتهدی، آقای جرج ژورژ که از کتابداران قدیمی دانشکده فنی دانشگاه تهران بودند و سابقه طولانی در کار کتابداری داشتند با همکاری خانم حسین‌زاده، کار تهیه کتاب‌ها را پیگیری می‌کردند. خانم حسین‌زاده از ابتدای تأسیس دانشگاه تا سال ۱۳۵۰ مسئولیت اداره کتابخانه دانشگاه را به عهده داشت.

دکتر مجتهدی، نیابت تولیت عظمی، کتابخانه شخصی خودش را که بسیار باارزش و حاوی چند هزار جلد کتاب بود، به دانشگاه اهدا کرد. مؤسسه فرانکلین هم برای تجهیز کتابخانه و سفارش کتاب حدود ۱۰۰ هزار دلار به دانشگاه هدیه کرد. مؤسسه بریتیش کنسل هم ۴۸۹ جلد کتاب علمی و فنی





به دست آقای باخ، رئیس انجمن روابط فرهنگی ایران و انگلستان، به دانشگاه اهدا کرد. دانشگاه از همان ابتدا تعدادی مجله فنی و علمی آبیون شد که مجلات در کتابخانه قرار گرفته و دانشجویان و استادان از آن‌ها استفاده می‌کردند.

بازدید آمریکایی‌ها از دانشگاه صنعتی آریامهر

بعد از افتتاح دانشگاه، آمریکایی‌ها و روس‌ها از دانشگاه بازدید کردند. دکتر مجتهدی در خاطرات خود نوشته: «یکی آمد به من خبر داد که ده، بیست نفر زن و مرد از سفارت آمریکا آمده‌اند و می‌خواهند شما را ببینند. برای همه خارجی‌ها تعجب‌آور بود که چطور می‌شود در عرض شش ماه یک چنین دانشگاهی تشکیل داد، با این تجهیزات، استادها، کامل‌ترین کارگاه‌ها، کامل‌ترین آزمایشگاه‌ها. ۱۱ آبان ۱۳۴۴ فرمان صادر شده و باید ۱ مهر ۱۳۴۵ این دانشگاه با ساختمان در صحرایی ایجاد شود. همه را متعجب کرده بود. یکی آمد به من گفت که این‌ها آمده‌اند از سفارت آمریکا شما را ملاقات کنند. گفتم که وقتی که آدم می‌خواهد کنسول آمریکا را ببیند، قبلاً باید تلفن کند، از ش وقت بگیرد. او هم به زحمت وقت می‌دهد. چطور این‌ها همین طوری آمدند قبل از اینکه وقت بگیرند؟ من هیچ کاری هم نداشتم، ولی این احساسات در من ایجاد شد که بگویم به آن‌ها بگویید که فلانی وقت ندارد. فقط به خاطر اینکه به آن‌ها بفهمانم که شما که آن کار را می‌کنید، وقت قبلاً می‌گویید باید بگیرید، چرا خودتان مراعات نمی‌کنید. کسی که این حرف را شنید، رفت و به آن‌ها گفت.

گفتند ما آمدیم فقط برای دیدن تأسیسات دانشگاه و با فلانی کاری نداریم. بنابراین، من به او گفتم اگر این است، خودت آن‌ها را هدایت کن که همه جا را ببینند. رفت و دو ساعتی همه جا را دیدند. بعد همان آقا که کارمند دانشگاه بود، آمد به من گفت که رئیسشان می‌گوید ما می‌خواهیم دبیرستان البرز را هم ببینیم. کی فلانی وقت دارد که در آن روز ما بیاییم. گفتم حالا شدند آدم، فلان روز بیایند دبیرستان البرز، من خودم خواهم بود. آن روز آمدند. خودم بودم و مخصوصاً به آن‌ها ساختمان‌هایی که با هدایای مردم ساخته شده بود و تابلویی که اسامی افراد خیر روی آن ثبت شده بود، نشان دادم. ساختمانی که از زمان میسیونرهای آمریکایی ساخته شده بود را هم نشان دادم. شبانه‌روزی را نشان دادم که حتی یک نفر پانصد تومان داده بود. یک نفر هم ۴۰۰ هزار تومان داده بود. بعد آزمایشگاه‌های مجهزمان را نشان دادم. همه این‌ها را دیدند و رفتند.

۴۸ ساعت بعدش روس‌ها آمدند و توی سینه من یک نشان نصب کردند و چند تا نشان هم به دانش‌آموزان

دادند. بعد نشسته بودند، داشتند چای می خوردند که دانش آموزی دوان دوان آمد و گفت: آقا، به من نشان نرسیده. من نشان خودم را کندم و دادم به آن دانش آموز. یکی از این روس ها، نمی دانم حالا رئیسشان بود یا چه کاره بود، برگشت و گفت: «نشانی که ما دادیم به شما، شما می دهید به این دانش آموز؟» گفتم: «این جوان شما را گیر نمی آورد که نشان بگیرد، ولی شما که دیدید من نشان را دادم، برای من نشان دیگری می فرستید. به علاوه او جوان است. دیدید که دوان دوان آمد و گفت به من نشان نرسیده و خیلی علاقه مند به این نشان است. این است که مال خودم را دادم به او و شما نشان را برای من می فرستید».

پایان اولین سال تحصیلی دانشگاه صنعتی آریامهر

بعد از برگزاری امتحانات ثلث سوم، اولین سال تحصیلی دانشگاه به پایان رسید و دانشجویان به تعطیلات تابستانی رفتند. آقای فدایی تهرانی با معدل ۱۷/۱۶، آقای محمدعلی شریف نیا با معدل ۱۶/۸۶ و آقای حسین جواهری با معدل ۱۶/۶۵، رتبه های اول تا سوم را در امتحان های ثلث سوم کسب کردند. تابستان، دانشگاه تعطیل نبود. گروه های آموزشی و استادان مشغول تهیه جزوات و طراحی برنامه های آموزشی برای سال تحصیلی جدید بودند. در یکی از جلسات هیئت امنا تصویب شد ظرفیت پذیرش ورودی های جدید دانشگاه در سال تحصیلی جدید افزایش یابد. بر این اساس، دکتر مجتهدی تصمیم گرفت استادان و بناهای جدیدی به مجموعه دانشگاه اضافه کند. به همین منظور، او اوایل ۱۳۴۶ برای بار دوم به خارج از کشور سفر کرد و از عده دیگری از فارغ التحصیلان دانشگاه های خارج از کشور برای تدریس در دانشگاه صنعتی آریامهر دعوت کرد. دومین کنکور ورود به دانشگاه صنعتی آریامهر، طبق برنامه از پیش تعیین شده، در روزهای ۱۴ و ۱۵ تیرماه برگزار شد و از میان ۵ هزار و ۶۵۵ متقاضی ورود به دانشگاه، ۴۷۰ نفر پذیرفته شدند. اسامی ۶۲ نفر هم به عنوان ذخیره چاپ شد. حسام الدین ارفعی، از دبیرستان البرز و حسین جلالی کوشکی، از دبیرستان حکیم سنایی اصفهان با معدل ۲۰، نفرات اول کنکور این سال معرفی شدند. از ۴۷۰ نفری که در دانشگاه پذیرفته شده بودند، ۳۰۱ نفر تهرانی و ۱۶۹ نفر شهرستانی بودند. از میان داوطلبان ۴۰۷ نفر با معدل نمرات امتحانی بین ۲۰ تا ۱۳/۶ برای سال اول رشته های مختلف دانشگاه انتخاب شدند. علاوه بر قبول شدگان نهایی، اسامی ۱۲۹ نفر شامل یک گروه ۶۲ نفری با معدل بین ۱۳/۶ تا ۱۳/۳ و یک گروه ۶۷ نفری با معدل بین ۱۳/۳ تا ۱۳/۳ به عنوان ذخیره اعلام شد تا چنانچه قبول شدگان ردیف ۱ تا ۴۷۰ در موعد مقرر برای ثبت نام مراجعه نکردند، به





جای آن‌ها از افراد ذخیره استفاده شود. از این عده، ۳۳۳ نفر فارغ التحصیل خرداد ۱۳۴۶ و ۱۰۱ نفر فارغ التحصیل سال ۱۳۴۵ و ۲۰ نفر فارغ التحصیل سال ۱۳۴۴ بودند و بقیه در سال‌های ۱۳۴۳ به قبل از دبیرستان‌های کشور فارغ التحصیل شده بودند. سال دوم، از ۱۹۲ دختری که در آزمون شرکت کرده بودند، هشت نفر پذیرفته شدند.

شماره دوم نشریه دانشگاه هم‌زمان با پذیرش ورودی‌های جدید و در جشن آغاز سال تحصیلی جدید ۱۳۴۶-۴۷ چاپ و بین دانشجویان و استادان توزیع شد. نشریه دوم دانشگاه حاوی گزارش عملکرد دانشگاه در سال نخست، اسم و تصاویر اعضای هیئت علمی دانشگاه و اتفاقات مهمی بود که در سال گذشته رخ داده بود. اما این بار، اسامی استادانی که از دانشگاه‌های داخلی فارغ التحصیل شده بودند، در فهرست اسامی اعضای هیئت علمی دانشگاه درج نشده بود. این موضوع سبب ایجاد دلخوری و نارضایتی استادان شد. به جز نشریه دانشگاه، در سایر جزوه‌هایی که از سوی دانشگاه منتشر می‌شد، اسامی استادان با مدرک فوق لیسانس (هم فارغ التحصیلان دانشگاه‌های داخل و هم خارج) چاپ نمی‌شد. تکرار این اتفاق باعث شد استادان معترض، به هیئت امنای دانشگاه شکایت کنند و خواستار رسیدگی به این موضوع شوند.

دکتر مجتهدی همان سال اول، نظم و انضباط دبیرستان البرز را در دانشگاه صنعتی آریامهر پیاده کرد. علاوه بر دانشجویان، کارمندان و استادان هم باید طبق نظام آموزشی منظم دکتر عمل می‌کردند. دکتر مجتهدی هر شب ساعت هشت می‌خوابید و ساعت شش از خواب بیدار می‌شد و به نظم و حضور به موقع استاد و دانشجو سر کلاس خیلی اهمیت می‌داد. مجتهدی دستور داده بود دفتر کار مدیریت (محل فعلی دفتر ریاست دانشگاه) نزدیک در ورودی و مشرف به آن ساخته شود و دور تا دور اتاق از جنس شیشه باشد تا او بتواند به راحتی بر ورود و خروج همه نظارت کند یا این‌طور به نظر برسد که او همیشه ناظر ورود و خروج افراد است. اتاق دکتر مجتهدی بین کارمندان و استادان به برجک کنترل معروف شده بود. دکتر هر روز ساعت هفت صبح در دفتر کارش حاضر می‌شد و به استادان تأکید می‌کرد ساعت هفت و نیم در دانشگاه باشند تا همه کلاس‌ها به موقع و رأس ساعت هشت تشکیل شوند. او معتقد بود اگر کلاس به طور منظم و سر ساعت تشکیل شود، دانشجویان نیز به موقع سر کلاس حاضر می‌شوند. به همین خاطر به استاد یا دانشجویی که تأخیر می‌کرد، تذکر می‌داد. دکتر استادان را ملزم کرده بود حضور و غیاب دانشجویان را کنترل کنند و خود مرتب به کلاس‌های درس و جلسات امتحان سرکشی و بر شیوه تدریس و آموزش دانشجویان نظارت می‌کرد. دکتر برای این منظور همیشه



دفترچه کوچکی همراه داشت و اسامی تمام دانشجویان، نمرات دروس ریاضی یک و آنالیز، حضور و غیاب و سایر مسائل مربوط به هر دانشجو را در آن یادداشت می‌کرد. دکتر طوری برنامه‌ریزی کرده بود که دانشجویان ورودی سال اول به ترتیب حروف الفبا کلاس‌بندی شوند. همه دانشجویان باید در کلاس از پیش تعیین شده حاضر می‌شدند. نظم و انضباط حاکم در دانشگاه به قدری جدی بود که گاهی دانشجویان دانشکده فنی برای تمسخر، به دانشگاه صنعتی آریامهر، مدرسه عالی البرز می‌گفتند.

شاید این شیوه برقراری نظم و انضباط در ادامه کار دانشگاه، به سبب توسعه روزافزون آن، امکان‌پذیر نبود، اما پایه‌های محکمی از انضباط، آموزش، پژوهش و جدیت برای رشد و گسترش آن ساخت. استادان دانشگاه که به الگوهای مدیریتی دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی عادت داشتند، نمی‌توانستند مقررات سخت حاکم بر فضای دانشگاه را بپذیرند. در واقع، هیئت علمی از سیستم آموزشی دبیرستانی چندان دل خوشی نداشتند. استادان دانشکده برق و مهندسی شیمی فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های آمریکا و انگلیس بودند اما زبان خارجی این دو دانشکده فرانسه بود که مقبول آن‌ها نبود. دکتر دستور داده بود استادان هر روز، ساعت دقیق ورود و خروجشان را در دفتر حضور و غیابی ثبت کنند که به این منظور در دفتر گروه‌های آموزشی قرار گرفته بود. استادان هر روز موقع ورود و خروج باید دفتر را امضا می‌کردند. استادان پس از چند بار اعتراض همه با هم تصمیم گرفتند دیگر هیچ کدامشان دفتر حضور و غیاب را امضا نکنند. در آن زمان روابط دکتر مجتهدی و دکتر منتصری معاون دانشگاه تیره و تار شده بود. دکتر منتصری ادعا می‌کرد مدارکی به دست آورده که نشان می‌دهد نزدیکان دکتر در خریدهای مربوط به دانشگاه درست عمل نمی‌کنند و سرمایه و اموال دانشگاه را حیف و میل می‌کنند. شخص دکتر مجتهدی در مظان اتهام نبود، اما طرح این موضوع خوشایند وی نبود. با بالا گرفتن اختلاف، چند نفر از اعضای هیئت علمی و یکی از دانشجویان از دکتر منتصری جانبداری کردند.

دکتر مجتهدی این اتهامات را توطئه ساواک علیه خود و در راستای کناره‌گیری او از مدیریت دانشگاه می‌دانست. تنش‌های موجود علیه دکتر مجتهدی با انتصاب دکتر منتصری به عنوان ریاست دانشگاه تبریز و انتقال او به آن دانشگاه تا حد زیادی فروکش کرد. در وضعیتی که دکتر فکر می‌کرد با انتقال دکتر منتصری، اتهامات برطرف شده و به او اعتماد کامل وجود دارد، یکی از همکاران سابقش از واشنگتن با او تماس گرفت و خبر داد او برکنار شده و دکتر فضل‌الله رضا به نیابت تولید دانشگاه منصوب شده و قرار است از آمریکا به ایران بیاید. دکتر مجتهدی توانسته بود در مدت زمان کوتاهی اولین دانشگاه صنعتی کشور را با زبده‌ترین استادان تأسیس و اداره نماید. حتی پیشنهاد تشکیل چنین دانشگاهی را

خود مجتهدی به شاه داده بود و حالا باید خبر برکناری اش را از یکی از همکارانش در آمریکا می شنید. شاه در بازدیدهایی که از دانشگاه داشت و روز افتتاح آن قدر از دکتر مجتهدی تعریف کرده بود که خبر عزل زودهنگام دکتر برای همه غیرمنتظره بود. دکتر مجتهدی از شنیدن این خبر بسیار ناراحت شد و گفت: «من نمی دانم. شاهی که یک ماه پیش آن سخنرانی عجیب را کرد، مرا برد به آسمان هفتم، به جای من رضا را انتخاب کرد؟ نمی دانم بعد از بازدید هیئت آمریکایی از دانشگاه، شاه دکتر رضا را جای من انتخاب کرد. نمی دانم اوامر آمریکایی ها را شاه انجام می داد. شاه خیلی ضعیف النفس بود. شاه خودش تحصیلاتی نداشت و در امور وارد نبود و اطرافیانش برای استفاده از او زیر بغلش هندوانه می گذاشتند». او اطرافیان شاه را در گرفتن چنین تصمیمی مقصر می دانست. عده ای معتقد بودند شاه در راستای فشارهای دولت آمریکا برای انجام هر چه سریع تر اصلاحات، چهره های ایرانی شناخته شده در دانشگاه های آمریکا را به ایران دعوت کرده و پروفیسور رضا را که مدت ها در یک دانشگاه آمریکایی تحصیل و تدریس کرده در رأس اولین دانشگاه صنعتی کشور قرار داده است.

در واقع، دولت مدت ها پیش از عزل دکتر مجتهدی، درصدد ایجاد وزارتخانه جدیدی به نام وزارت علوم و آموزش عالی بود. پیش از تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، دانشگاه ها زیر نظر وزارت فرهنگ اداره می شدند. بهمن ۱۳۴۶ وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه فرهنگ و هنر و وزارت علوم و آموزش عالی تقسیم و دکتر مجید رهنما به سمت اولین وزیر علوم کشور انتخاب شد. دکتر رهنما سلسله نشست هایی با افراد صاحب نظر در این زمینه ترتیب داد و برای ایجاد تحول در آموزش عالی کشور، چند نفر از دانشمندان ایرانی همسو با روش های جدید آموزشی را از دانشگاه های آمریکا و اروپا به ایران دعوت کرد. فضل الله رضا یکی از افرادی بود که به ایران آمد و نیابت تولیت دانشگاه صنعتی آریامهر را پذیرفت. مراسم معارفه پروفیسور رضا به شاه در فرودگاه مهرآباد انجام شد. در این مراسم، دکتر مجتهدی نیز حضور داشت. پنجم اسفند سال ۱۳۴۶، در ضیافتی با حضور بعضی از مقامات کشوری و درباری و اکثر استادان دانشگاه صنعتی آریامهر در کاخ شهری دربار در خیابان پاستور، مراسم تودیع دکتر مجتهدی و معارفه پروفیسور رضا به استادان دانشگاه برگزار شد. پیش از تشکیل وزارت علوم، شورای دانشکده ها رئیس دانشگاه را انتخاب می کردند. اما زمانی که دانشگاه ها زیر مجموعه وزارت علوم قرار گرفتند، عزل و نصب رؤسا به عهده وزیر علوم گذاشته شد. البته دانشگاه صنعتی آریامهر مشمول این قانون نمی شد چون ریاست آن بر عهده شاه، یعنی شخص اول مملکت بود. طبق ماده ۴ اساسنامه، شاه نیابت تولیت عظمی را انتخاب می کرد. پس از تشکیل وزارت علوم،



وزیر علوم نایب التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر را به شاه پیشنهاد می‌داد و شخص مدنظر با تأیید شاه به این سمت منصوب می‌شد. با ورود پروفسور رضا به دانشگاه صنعتی آریامهر، دکتر مجتهدی به ریاست دانشگاه ملی ایران منصوب شد. دکتر مدتی بعد از ریاست دانشگاه ملی استعفا داد^۱ و پس از چند ماه بار دیگر به طور تمام‌وقت به دبیرستان البرز بازگشت.

متولد اول ماه مهر

محمدعلی مجتهدی اول مهر سال ۱۲۸۷ در شهر لاهیجان به دنیا آمد. محمدعلی دو ساله بود که مادرش را از دست داد. پدرش تاجر ابریشم بود. از آن تاجره‌های سختگیر که به تشریفات و آداب و رسوم زندگی در شهر کوچک اعتقاد راسخی داشت. پدر دوست نداشت پسرش را برای تحصیل به شهرهای بزرگ بفرستد. محمدعلی تحصیل را در هفت‌سالگی در مدرسه ابتدایی حقیقت شروع کرد. چون پدر بزرگ پدری او در حوزه علمیه نجف تحصیل کرده بود و به درجه اجتهاد رسیده بود، بین مردم به حاج مجتهد معروف شده بود. به خاطر همین، پدر محمدعلی نام مجتهدی را به عنوان نام خانوادگی انتخاب کرد. مجتهدی هفده‌ساله بود که با درآمدی که از اجاره املاک مادر نصیبش می‌شد، به تهران آمد. او در این شهر با دایی و پسر دایی‌اش، رضا رادمنش که بعدها یکی از مهم‌ترین اعضای جنبش کمونیستی ایران شد، زندگی می‌کرد. مجتهدی در تمام عمرش با سیاست هیچ کاری نداشت. او بیرون از غوغای سیاست می‌ایستاد و بسیار تلاش می‌کرد تا مؤسسه‌های آموزشی را از انجام هر گونه فعالیت سیاسی دور نگه دارد.

مجتهدی تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی ادامه داد و سال پنجم و ششم متوسطه را در مدرسه متوسطه شرف تهران به پایان رساند. او سال ۱۳۱۰ مدرک دیپلم کامل متوسطه را گرفت و همان سال در چهارمین دوره امتحانات اعزام دانشجو به اروپا شرکت کرد و جزو صد نفری شد که در امتحان پذیرفته شده بودند و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. مجتهدی در برگه تعیین رشته رشته ریاضی را انتخاب کرده بود اما در رشته پزشکی پذیرفته شده بود. مسئولان بخش اعزام دانشجویان به خارج از کشور در پاسخ به اعتراض او گفتند تو خیلی از این کار سر در نمی‌آوری. چون نمرات خیلی خوب بود، ما تو را در این گروه قرار دادیم. برو پزشکی بخوان و بیا و به این مملکت خدمت کن. اما مجتهدی جواب داد من به پزشکی علاقه‌ای ندارم، چطور بروم و پزشکی بخوانم. به این ترتیب او مسئولان را متقاعد کرد برای تحصیل در ریاضی به فرانسه برود.

۱ - دکتر مجتهدی در کتاب خاطرات خود نوشته: «من اخلاق این نبود که دلم خوش باشد که من رئیس دانشگاه هستم. دلم خوش بود از لحاظ اینکه کار را صحیح انجام دهم. جوان‌های ما بدون اشکال تحصیل کنند. من عقب‌مقام نیستم و نبودم. اگر عقب‌مقام بودم، سپهبد رزم‌آرا به من پیشنهاد وزارت فرهنگ را کرد. گفتم من قبول نمی‌کنم. چندین بار آقای امینی به من پیشنهاد کردند و من نپذیرفتم. چرا؟ برای آنکه مطابق مغز خودم، کار را بیشتر به خاطر این انجام می‌دهم که خودم شب فکر کنم راندمان کار چطور است. از لحاظ رضایت خودم بسنجم که نتیجه برای جوان‌های ما چیست: خدمت به مملکت، دانشگاه صنعتی آریامهر را قبول کردم و ترجیح دادم بر رفتن به خارج. همه به من می‌گفتند پاشو برو خارج، بیخود اینجا نمان. آن را دور ریختم و اینجا را قبول کردم. با این همه، زحمت و مشقت شش ماهه دانشگاه را ایجاد کردم، به خاطر عشق و علاقه‌ای که به این جوان‌های مملکت دارم. حالا هم در این سنی که هستم، عاشق این دانش‌آموزان هستم. مخصوصاً هر کسی بیاید بگوید من البرزی بودم.



معارفه فضل الله رضا با حضور اسدالله علم در دانشگاه.



او سال ۱۹۳۱ وارد لیسه بلز پاسکال در شهر کلرمون فران شد و در آن شهر برای شرکت در آزمون دانشگاه، زبان فرانسوی و ریاضی خود را تقویت کرد. زندگی و آموزش در لیسه بسیار سخت و منضبط بود و به دانش‌آموزان ایرانی که غالباً به شیوه‌ای آزاد و غیر منضبط تربیت شده بودند، سخت‌تر می‌گذشت. بعد از آن مجتهدی در دانشکده علوم دانشگاه لیل پذیرفته شد و سال ۱۹۳۴ فارغ التحصیل شد. مجتهدی در امتحان سال آخر نفر اول شد و ۵۰۰ فرانک جایزه گرفت. او برای تحصیلات تکمیلی به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن مدرک دکترا گرفت. مجتهدی در پاریس با سوزان ژان ماری وندنوستن که پیاپیست بود، آشنا شد. این دو بعد از مدتی با هم ازدواج کردند و به ایران آمدند. بعد از ورود به کشور، دکتر مجتهدی برای گذراندن دوران سربازی عازم اهواز شد. دکتر مجتهدی بعد از اتمام دوران سربازی ضمن تدریس در دانشکده فنی دانشگاه تهران، در دبیرستان البرز نیز صاحب مسئولیت شد. او سی و چهار سال مدیر دبیرستان البرز بود و با روش خاص مدیریتی و ایجاد نظم و انضباط، دانش‌آموزان برجسته‌ای را تربیت کرد. دکتر مجتهدی بین دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز محبوبیت زیادی داشت. روزی که وزیر فرهنگ



در مصاحبه رادیویی اعلام کرد قرار است دکتر به عنوان سرپرست محصلان اروپا انتخاب شود، دانش‌آموزان کلاس‌های درس را تعطیل کردند و در حیاط مدرسه و خیابان شاه‌رضا (انقلاب فعلی) تجمع کردند. رئیس کلانتری محل برای برقراری نظم راهی خیابان شاه‌رضا شد و از آن‌ها خواست متفرق شوند. اما دانش‌آموزان به طرف او سنگ پرت کرده و کلاهش را داخل حوض حیاط مدرسه انداختند. دکتر بی‌خبر از ماجرا در دانشکده فنی دانشگاه تهران مشغول تدریس بود که از شهربانی با او تماس گرفتند تا سریع به دبیرستان البرز برود و غائله را ختم کند. دکتر خود را به مدرسه رساند و برای دانش‌آموزان توضیح داد که از این موضوع خبر ندارد و اعلام کرد همان‌جا خواهد ماند.

فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز بعدها نقش مؤثری در ساخت فضای علمی و فرهنگی ایران ایفا کردند. سال ۱۳۴۰، دکتر مجتهدی هم‌زمان با مدیریت دبیرستان، ریاست دانشگاه شیراز را بر عهده گرفت. دکتر محمدعلی مجتهدی از سال ۱۳۴۱ به مدت سه سال، رئیس دانشکده پلی‌تکنیک تهران بود و بهترین دانشگاه فنی کشور، یعنی دانشگاه صنعتی آریامهر را تأسیس کرد. او پس از برکناری از نیابت تولیت دانشگاه صنعتی آریامهر، پنج ماه رئیس دانشگاه ملی بود تا آنکه بازنشسته شد و به فعالیت در دبیرستان البرز ادامه داد. دکتر مجتهدی پس از پیروزی انقلاب، از مهندس بازرگان، نخست‌وزیر وقت و همکار سابقش در دانشکده فنی خواست تا شخص دیگری را به جای او منصوب کند و برای معالجه چشم خود مدتی به خارج از کشور رفت. سال ۶۱ دکتر مجتهدی دوباره به خارج کشور رفت تا نوه‌اش را که بیماری قلبی داشت، در یکی از بیمارستان‌های فرانسه بستری کند. در این ایام دکتر مجتهدی خود نیز دچار نارسایی قلبی شد و سه بار سکنه قلبی را پشت‌سر گذاشت تا آنکه در سال ۱۳۷۶ در شهر نیس از دنیا رفت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

دومین نیابت عظمی، فضل‌الله رضا

دکتر رهنما، وزیر علوم و معاون ایشان، آقای دکتر فریار روز ۱۶ اسفند ۱۳۴۶ در دانشگاه صنعتی آریامهر حضور یافتند و دکتر فضل‌الله رضا را به طور رسمی به دانشگاه معرفی کردند. پروفیسور رضا پیش از بازگشت به ایران در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا تدریس می‌کرد و با ساختار دانشگاهی هر دو جا آشنا بود. پروفیسور رضا اعتقاد داشت تحصیل‌کرده‌های صاحب‌نفوذ و باتجربه کشور، شیوه آموزشی مدارس و دانشگاه‌های سنتی اروپایی، به‌ویژه فرانسه را در ایران اجرا می‌کنند و با شیوه‌های آموزشی

محیط‌های آکادمیک آمریکا آشنا نیستند. پروفیسور رضا، ساختار مدیریت و پژوهش دانشگاه‌های آمریکایی را پویا و ساختار دانشگاه‌های اروپایی را سنتی و صلب می‌دید. از نظر او ساختارهای اروپایی به نمره، نظام شاگردی و استادی و جزوه و کتاب اهمیت می‌دادند و هیچ خلاقیتی در آموزش نداشتند. دکتر قصد داشت کنار مدارس و دانشکده‌های فنی موجود که به جزئیات علمی مسائل فنی و صنعتی می‌پرداختند، دانشگاه پژوهش محوری برپا کند که مرکز تولید دانش و فناوری در ایران باشد. در این دانشگاه باید خلاقیت و نوآوری در سیستم آموزشی جای تقلید از دانشگاه‌های فرانسوی را می‌گرفت و سطح دانشجویان از محدود بودن به جزوه استادان و کار با ماشین‌آلات وارداتی بالاتر می‌رفت. او پیش‌بینی می‌کرد دنیای مهندسی از کارگاه مکانیکی و ماشینی قرن نوزده به سوی تئوری سیستم و کنترل از راه دور و کمونیکاسیون و مهندسی شیمی رهسپار خواهد شد و تفکر و خلاقیت، جای ماشین‌سازی را خواهد گرفت. به نظر او، ایران مثل همه کشورهای دنیا به مراکز فنی و حرفه‌ای و دانشکده‌های مهندسی نیاز داشت تا مهندسان بتوانند پل، راه‌آهن و کارخانه‌های بزرگ صنعتی بسازند. اما او باور داشت باید در کنار تربیت مهندسان، گروهی از جوانان مستعد ایرانی را در دانشگاهی چون دانشگاه صنعتی آریامهر جمع کرد و به آن‌ها در کار دانش و فناوری، آزادی عمل، خلاقیت و استقلال داد. پروفیسور رضا ام‌آی‌تی را مرکز برنامه‌ریزی صنعتی آمریکا و واترلو را پیشاهنگ صنایع کانادا می‌دانست و قصد داشت دانشگاه صنعتی آریامهر را به ام‌آی‌تی، یا واترلوی ایرانی تبدیل کند تا مغز متفکر صنایع در کشور باشد.

پروفیسور رضا به اعضای هیئت علمی می‌گفت با عشق دانشگاه زندگی کنید، راه بروید و حتی در موقع خواب هم به فکر دانشگاه باشید و پی امور مادی هم نباشید. او بر آموزش کامپیوتر در دانشگاه و سایر مراکز آموزشی کشور، تأکید زیادی داشت. پروفیسور رضا به ورزش تنیس خیلی علاقه‌مند بود و صبح‌ها با یکی از همکاران با لباس مخصوص تنیس در محوطه دانشگاه تنیس بازی می‌کرد.

پروفیسور رضا در مصاحبه‌ای که با مجله خواندنی‌ها انجام داد، در پاسخ به این پرسش که آیا اداره دانشگاه صنعتی آریامهر شما را از ادامه تحقیقات و مطالعات باز نداشته، گفت: تقریباً همه وقت و زندگی من صرف این شده که در اینجا دانشگاهی به وجود بیاید و هنوز زود است که بگوییم این دانشگاه به وجود آمده است. برای تحقیقات، خاطر بسیار آسوده و اتمسفر مساعد لازم است و من سعی می‌کنم به سهم خودم محیط مناسبی در اینجا به وجود بیاورم. اگر این اتمسفر ایجاد شود، آن وقت غنچه‌های استعداد در این باغ شکفته خواهند شد ولی اگر محیط مساعد به وجود



نیاید، گل‌های شاداب هم پژمرده خواهند شد. او برای اینکه نظرات برخی از مقامات خارجی را درباره کیفیت دانشگاه باند، از رئیس کنفرانس یونسکو دعوت کرد. از دانشگاه بازدید کند. رئیس کنفرانس و همراهان بعد از بازدید از دانشگاه و کارهایی که انجام شده گفتند ظرف هست ولی مظلوم نیست. یعنی اینجا ساختمان و بنا ساخته شده اما هنوز علم، فرهنگ و معرفت متولد نشده است.

پروفیسور رضا که بود؟

فضل‌الله رضا سال ۱۲۹۳ خورشیدی در شهر رشت به دنیا آمد. فضل‌الله رضا، پسر شیخ اسدالله رضا از روحانیون و مالکان رشت بود. حاجی آقا رضا یکی از اجداد پدری فضل‌الله از مجتهدهای بزرگ گیلان بود و به احترام او پدر فضل‌الله، رضا را به عنوان نام فامیلشان انتخاب کرد. فضل‌الله تحصیلات ابتدایی را در شهر رشت خواند و برای ادامه تحصیل به تهران رفت و دوره دبیرستان را در پایتخت گذراند. فضل‌الله جوان بعد از اتمام دبیرستان، در رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تهران قبول شد و سال ۱۳۱۳، هم‌زمان با تأسیس دانشگاه تهران وارد این دانشگاه شد و از اولین فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی این دانشگاه بود. فضل‌الله رضا اولین کتابش را با عنوان هندسه علمی و عملی سال ۱۳۲۰، یعنی وقتی ۲۷ ساله بود نوشت و همان زمان در علوم ریاضی کارهای تحقیقاتی می‌کرد. او برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برق را از دانشگاه کلمبیا گرفت. چهار سال بعد، رضا دکترای رشته مهندسی برق را از دانشگاه پلی‌تکنیک نیویورک گرفت. پروفیسور رضا در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ در آزمایشگاه تحقیقاتی الکترونیک دانشگاه ام‌آی‌تی در بوستون استخدام شد و سال ۱۳۴۷ عضو گروه مهندسی برق دانشگاه سراکوز ایالت نیویورک شد. سال ۱۳۴۰ پروفیسور رضا استاد مهمان دانشگاه پلی‌تکنیک زوریخ سوییس و از سال ۴۲-۱۳۴۱ استاد مهمان دانشگاه فناوری سلطنتی دانشگاه کینهاک دانمارک بود و در این دانشگاه تدریس می‌کرد. تحقیقات و مباحث مورد علاقه پروفیسور درباره نظریه ریاضی سیستم‌ها و مدارهای الکترونیکی است. او چهار کتاب درسی به زبان انگلیسی و یازده کتاب به زبان فارسی تألیف کرده است. پروفیسور رضا طی سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر و دانشگاه تهران بود.

۱ - بعد از آن به عنوان سفیر ایران در یونسکو و بعد سفیر ایران در کانادا خدمت می‌کرد. پروفیسور از سال ۱۳۵۷ تاکنون استاد دانشگاه‌های کتکودیا در مونترال کبک کانادا و دانشگاه مک‌گیل مونترال است. او رئیس افتخاری کنفرانس مهندسی برق ایران، استاد افتخاری دانشگاه تربیت مدرس، رئیس انجمن علمی ایرانیان در آمریکا شمالی، رئیس گسترش زبان و ادب فارسی و مشاور مؤسسات علمی و ادبی فراوانی بوده است. پروفیسور رضا پژوهشگری بنام در زمینه نظریه ریاضی سیستم‌ها، مدارهای الکترونیکی و نظریه اطلاعات و مخابرات محسوب می‌شود و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه ظرفیت شون و ارسال حداکثر اطلاعات در کانال‌های مخابراتی نوبزدار، نظریه اطلاعات و فرایندهای تصادفی، سیستم‌های خطی آنالیز عمومی، نظریه سیستم‌ها و مدارها، نظریه کنترل سیستم‌های پویا، فضاهای خطی، انتقال و تلفات انرژی در شبکه‌های n دهانه‌ای انجام داده است. او به فرهنگ و هنر ایرانی علاقه زیادی داشت و معتقد بود نباید سنت‌های ملی و دینی را آسان از دست داد و در اوضاع کنونی جهان، خردگرایی به تنهایی نمی‌تواند جوامع جهان سوم را با جهش یک روزه به رده اول اقتصاد و تکنولوژی برساند. پروفیسور رضا علاوه بر کتاب‌های متعددی که در زمینه مهندسی تألیف کرده، کتب برگ‌بی‌برگی (مجموعه مقالات فرهنگی)، مهاجری و مشتاقی (مقالات فرهنگی و ادبی)، نگاهی به شاهنامه، راز آفرینش، ادبیات و تحقیق ادبی و نقدها را بود آیا که عیاری گیرند را نیز در کارنامه تألیفات خود دارد.



از راست به چپ: پروفیسور رضا، دکتر ثقفی (معاون آموزشی)، مهندس مقدسیان. زمین تنیس در محدوده تقریبی دانشکده فیزیک فعلی قرار داشت، ۱۳۴۷.



سومین سال تأسیس دانشگاه: دانشگاه سیستماتیک می شود

پروفیسور رضا^۱ بلافاصله بعد از ورود به دانشگاه، تغییرات اساسی در نظام آموزشی دانشگاه ایجاد کرد. ابتدا، ساختار سنتی دروس سالیانه تعطیل و الگوی نوین واحد درسی جایگزین آن شد. با این تغییر، سال تحصیلی از سه ثلث به دو نیم سال تبدیل شد. امتحانات هفتگی صبح‌های شنبه و قانون آموزش اجباری زبان‌های فرانسه و آلمانی هم لغو شد و ساعت‌های کلاس دانشجویان کاهش پیدا کرد. پیش از آن، دانشجویان از ساعت هشت صبح تا پنج بعد از ظهر کلاس داشتند و استادان ملزم بودند در این ساعات در دانشگاه حضور داشته باشند. پروفیسور رضا، در ابتدای ریاست دستور داد ۵ هزار ریال به حقوق بعضی از اعضای هیئت علمی که حقوقشان نسبت به همکاران هم‌تراشان کمتر بود، اضافه شود. در همین زمان، برنامه‌ریزی برای برگزاری کنکور سال ۱۳۴۷ با حضور نایب‌التولیه جدید انجام شد. نحوه پذیرش دانشجو در کنکور آن سال با تغییراتی همراه بود. در این راستا، متن زیر در روزنامه‌ها چاپ و تغییرات جدید به اطلاع متقاضیان ورود به دانشگاه صنعتی آریامهر رسید:

۱- «باید اعتراف کرد که امکانات اقتصادی و اجتماعی غرب فرار مغزها را ترویج می‌کند. مثلاً تحصیل کرده‌های دانشگاه شریف را مؤسسات نامدار دنیا با اشتیاق می‌پذیرند که به فناوری غرب کمک کنند. البته در جهان پر تحول عصر انفورماتیک، زبانی ندارد که بعضی تحصیل کرده‌های دانشگاه‌های ایران، بر اثر هوش و کاردانی در کشور دیگری کارهای بهتری به‌دست بیاورند و مؤسسات بزرگ‌تری را سرپرستی کنند و میلیاردها دلار به اقتصاد و بازار مصرف فلان کشور سود برسانند. به شرط اینکه سفیر فرهنگی ایران باشند. این سفرها اگر جنبه انسانی و علمی داشته باشند، زبانی ندارد. اما بنده به یک گره و گرفتگی اشاره می‌کنم. دنیای غرب چنان است که این گونه تحصیل کرده‌ها را به کار بازار مصرف می‌گمارد و از دانش علمی و فناوری استثمار مادی می‌کند. مضافاً آن‌ها را در فرهنگ بازار غرب چنان مستحیل می‌کند که اغلب هویت اصلی‌شان را فراموش کنند. دریغ است که ایران و دانشگاه صنعتی شریف از این پرورش یافتگان خود که در خدمت به غرب ممکن است مستحیل شوند، بی‌بهره بمانند. هر چند فرصت شکافتن این بحث را ندارم، به راه‌حلی کلی اشاره می‌کنم. برنامه‌های دانشگاه‌های فناوری غرب بنیاد ایران نگاه تکامل پیدا می‌کند که موازی یا آن برنامه‌ها، درس‌های ادب فارسی، فرهنگ ملی و هویت ایرانی تدوین و تدریس شود.» بخشی از سخنرانی پروفیسور رضا در چهلمین سالگرد دانشگاه درباره فرار مغزها.



مراسم اهدای نشان قهرمانی مسابقات ورزشی دانشگاه، از سمت چپ: پروفسور رضا، مهندس تیمور لکستانی (مجری ساختمان ابن سینا و طرح‌های آغاز به کار دانشگاه)، مرحوم دکتر کاظم کرمی (رئیس دانشکده مهندسی مکانیک)، ۱۳۴۷.



برای تشویق دانشجویان ممتاز تهران و شهرستان‌ها و رعایت اصول دیگری که از نظر تعلیمات دانشگاهی حائز اهمیت است، دانشگاه صنعتی آریامهر برای سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ تغییراتی در مقررات پذیرش دانشجوی به شرح زیر داده است:

الف- علاوه بر ۴۸۰ نفر داوطلبانی که از طریق کنکور قبول می‌شوند، تعدادی دانشجوی ممتاز نیز تحت شرایطی بدون کنکور پذیرفته خواهند شد.

ب- داوطلبان شرکت در کنکور باید یک یا حداکثر دو دانشکده را به ترتیب تقدم انتخاب کنند. در تعیین قبول‌شدگان هر دانشکده، موادی از کنکور که با برنامه آن دانشکده ارتباط بیشتری دارد، حائز اهمیت زیادتری خواهد بود.

ج- زبان فارسی و زبان خارجه به مواد کنکور اضافه شده است و بنابراین داوطلبان باید هنگام ثبت نام در کنکور، یکی از سه زبان انگلیسی، فرانسه یا آلمانی را برای امتحان خود مشخص کنند.

د- سؤالات کنکور نوعاً جنبه آزمایش استعداد و احاطه به عمق مطالب را خواهد داشت و از طرح مسائل پیچیده که احياناً جنبه محفوظات را تقویت کند، پرهیز خواهد شد.

ه- نتایج امتحان به وسیله ماشین‌های محاسبه الکترونیکی دانشگاه استخراج می‌شود. علاوه بر این تغییرات، در این دوره دانشگاه دانشجویان برتر را بدون شرکت در کنکور پذیرش کرد. شرایط پذیرش بدون کنکور به این شرح بود:

«۱- داوطلبانی که حائز یکی از شرایط زیر باشند، بدون کنکور برای سال اول پذیرفته می‌شوند:



الف- دانش‌آموزان رتبه اول سال ششم ریاضی تمامی حوزه‌های امتحانی خردادماه ۱۳۴۷ سراسر کشور در صورتی که معدل نمرات امتحانات کتبی آنان از هفده کمتر نباشد. این دانش‌آموزان می‌توانند در هر یک از هفت دانشکده‌ای که علاقه‌مند باشند، نام‌نویسی کنند.

ب- تمام دانش‌آموزانی که معدل کتبی آنان در امتحانات نهایی خردادماه ۱۳۴۷ رشته ریاضی سراسر کشور از هجده کمتر نباشد. این دانش‌آموزان نیز می‌توانند در هر یک از هفت دانشکده‌ای که علاقه داشته باشند، نام‌نویسی کنند.

ج- دانش‌آموزان رتبه اول سال ششم رشته طبیعی تمام حوزه‌های امتحانی خردادماه ۱۳۴۷ سراسر کشور در صورتی که نمرات کتبی آنان از هجده کمتر نباشد. این دانش‌آموزان می‌توانند فقط در هر یک از دو دانشکده مهندسی شیمی یا اقتصاد و مدیریت صنعتی که علاقه خودشان باشد، نام‌نویسی کنند.»

انستیتو آب و انرژی

انستیتو آب و انرژی دانشگاه صنعتی آریامهر سال ۱۳۴۶ به همت دکتر نوح‌دانی تأسیس شد. با توجه به مسئله کمبود آب شیرین در ایران، قرار بود این مرکز در زمینه تهیه آب شیرین با استفاده از انواع انرژی‌های مختلف تحقیق کند. هدف اصلی از تأسیس این واحد پژوهشی، ایجاد هسته‌ای مرکزی برای برنامه‌ریزی در سطح کشور به منظور طراحی و ساخت دستگاه‌های نمک‌زدایی مناسب برای وضعیت اقلیمی و محیط صنعتی و اجتماعی ایران و آموزش روش‌های بهره‌برداری و تعمیر و نگهداری از دستگاه‌ها به کارکنان بود.

حضور کوتاه پروفیسور رضا در آریامهر

بهمین سال ۱۳۴۶، وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه فرهنگ و هنر و علوم و آموزش عالی تقسیم شد. مهم‌ترین رسالت وزارت علوم و آموزش عالی، اجرای انقلاب آموزشی و پیشبرد پژوهش و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی در کشور بود. تقریباً هم‌زمان با تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر در ایران، انقلاب بزرگی در روش‌های آموزشی در فرانسه و اعتراض دانشجویان آمریکا به جنگ ویتنام در شرف تکوین بود. دکتر مجید رهنما، اولین وزیر علوم کشور، پیش‌بینی کرد اعتراض به روش‌های سنتی و درخواست روش‌های نوین آموزشی به‌زودی به محیط آموزش عالی ایران تسری کند و شاه را تشویق کرد پیش از

هر گونه هرج و مرج، تغییراتی بنیادی در نظام آموزش عالی ایجاد کند. برای ایجاد انقلاب آموزشی، کنفرانسی آموزشی در رامسر تشکیل شد و انقلاب عالی بر اساس لزوم دیالوگ با دانشجو، لزوم پژوهش در محیط دانشگاه و آزادی دانشجو در انتخاب درس و ایجاد سیستم واحدی شکل گرفت.

در همان ابتدا دکتر رهنما، به عنوان وزیر علوم و آموزش عالی، رئیس بعضی از دانشگاه‌ها را تغییر داد. دکتر رهنما پروفسور رضا را به عنوان رئیس دانشگاه تهران انتخاب کرد تا با کمک او طرح انقلاب آموزشی را در آن دانشگاه پیاده کند. دکتر رهنما برای تحقق انقلاب آموزشی، سلسله نشست‌هایی با افراد صاحب نظر در این حوزه ترتیب داد. یکی از این افراد، رئیس خوشنام بانک سرمایه بود که از دانشگاه کالیفرنیا فارغ التحصیل شده بود. دکتر امین و دکتر رهنما در جلساتی غیررسمی درباره مشکلات آموزشی کشور و مسائل تکنولوژی و نیروی انسانی در چارچوب نقش دانشگاه‌ها با هم بحث و تبادل نظر کرده بودند. نظرات دکتر امین توجه دکتر رهنما را که به تازگی وزیر علوم شده بود، جلب کرد و او را به عنوان نیابت تولیت دانشگاه صنعتی آریامهر به نخست‌وزیر و شاه معرفی کرد.

سومین نایب‌التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر

پیش از شروع سال تحصیلی و ترم جدید، یعنی اوایل شهریور ۱۳۴۷ در حالی که فقط شش ماه از تغییر نایب‌التولیه دانشگاه و انتصاب پروفسور رضا به جای دکتر مجتهدی می‌گذشت، پروفسور رضا به ریاست دانشگاه تهران انتخاب شد و هم‌زمان دکتر محمدرضا امین، معاون بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران به نیابت تولیت عظمای دانشگاه صنعتی آریامهر منصوب شد. دکتر امین به عنوان مدیری باتجربه و توانمند بر اساس تجربه‌های کاری فراوان، صنایع کشور را به خوبی می‌شناخت و بنیه علمی و مطالعاتی خوبی داشت. در ابتدا هیئت علمی به این تغییر مشکوک بودند و می‌پرسیدند چرا فرد شناخته‌شده و دانشگاهی مانند پروفسور رضا کنار گذاشته شده و فردی نه‌چندان شناخته‌شده در محیط دانشگاهی و از محیط صنعت، به جای او می‌نشیند. وقتی خبر انتصاب دکتر امین به گوش استادان دانشگاه رسید، مهندس شریف‌امامی که یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران بود و علاوه بر ریاست سنا چند مسئولیت دیگر را به عهده داشت، در تماس تلفنی با دکتر امین، ضمن تبریک به شوخی به او گفت: «شما صاحبان صنایع در دانشگاه چه می‌کنید؟»

دکتر امین که بسیار حاضر جواب بود، پاسخ داد: «وقتی شما استادان دانشگاه مقام‌های



سیاسی را اشغال می‌کنید، ما صاحبان صنایع مجبوریم به دانشگاه بیاییم». اما بر خلاف تصور اولیه هیئت علمی، با حضور دکتر امین دانشگاه نظم و انضباط اداری و آموزشی مشخصی پیدا کرد و دارای سیستم آموزشی و اداری و پژوهشی شد. در دوران ریاست دکتر امین ساختمان‌های دانشگاه با سرعت بیشتری توسعه یافتند. ساخت بنای دانشکده شیمی و آزمایشگاه‌های آن



یکی از محصول‌های انسیتوآب و انرژی در زمینه تهیه آب شیرین.



آغاز شد و با کوشش سرپرست دانشکده، دکتر محمد یلپانی مراحل عملیاتی آن به سرعت پیش رفت.

در همان دوره ساخت بنای دانشکده‌های مهندسی برق، مهندسی مکانیک و مهندسی متالوژی به پایان رسید و به موازات این اقدامات در تهران، عملیات ساختمانی دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان آغاز شد و مسئولیت آن از سوی دکتر امین به دکتر مهدی ضرغامی، استاد دانشکده ریاضی سپرده شد. دکتر امین، دکتر فرهاد ریاحی از دانشکده فیزیک را به عنوان نخستین معاون آموزشی و دانشجویی دانشگاه و مهندس لواسانی را به عنوان معاون مالی و اداری برگزید. در سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷، سیستم استادی راهنما پایه‌گذاری شد. همچنین آیین‌نامه وام تحصیلی دانشجویان به تصویب هیئت امنای دانشگاه رسید. در این سال، اداره امور رستوران به خود دانشجویان واگذار شد.

دکتر امین که بود؟

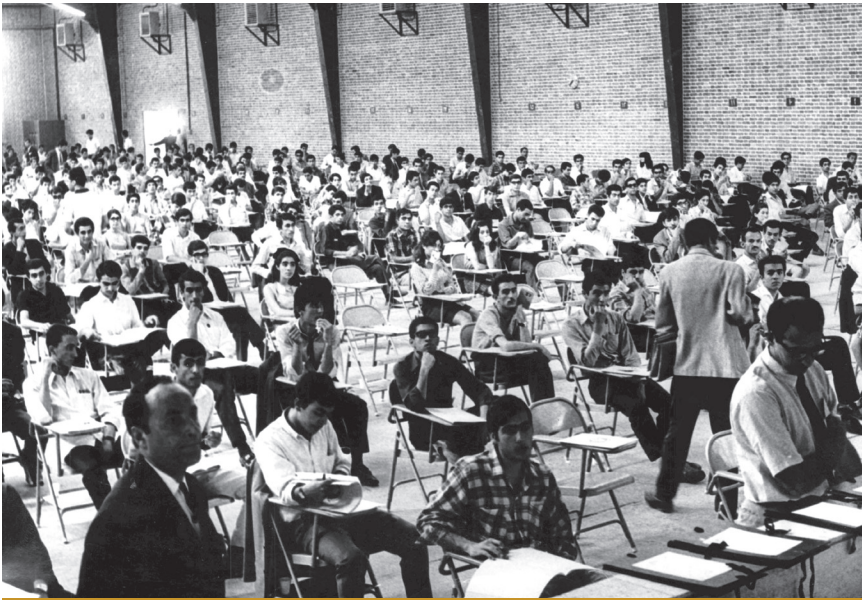
محمد رضا امین پسر حاج میرزا حبیب‌اله امین‌التجار اصفهانی بود و سال ۱۳۰۶ در اصفهان به دنیا آمد. او بعد از اتمام دوران ابتدایی و متوسطه به آمریکا رفت و پس از کسب مدرک دکترا در رشته الکترومکانیک و فیزیک از دانشگاه برکلی به ایران برگشت. دکتر امین، شش سال، مدیر عامل شرکت سیمان اصفهان بود و از مدیران موفق و بنام بخش صنعتی محسوب می‌شد. دکتر امین در خاطراتش درباره وضعیت تحصیل و دلیل بازگشتش به ایران نوشته: «پس از پایان تحصیلات در دانشگاه کالیفرنیا و آموزش فیزیک در دانشگاه اوکلاهما مشغول تدریس شدم. اواخر اولین سال حضورم در دانشگاه بود که مسئولان با تقدیر و تشکر و اعلام رضایت از فعالیت‌های آموزشی به من مقام استادیاری و ادامه همکاری را در قراردادی بلند مدت پیشنهاد کردند. به دو راهی مشکلی رسیده بودم. از یک طرف پس از هفت سال دوری از وطن اشتیاق شدیدی داشتم به وطنم بازگردم ولی وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور چندان مناسب نبود و از طرف دیگر پیشنهاد دانشگاه اوکلاهما، کاری در محیطی آرام و با حقوق بالا، بسیار وسوسه‌برانگیز بود. بالاخره احساسات بر منطق غلبه کرد و تابستان سال ۱۳۳۳ به همراه همسر و فرزندم به ایران بازگشتم. شهریور آن سال از دانشگاه تهران تقاضای استخدام کردم و اوایل زمستان با تقاضایم موافقت شد و با سمت دانشیار در دانشکده فنی شروع به کار کردم. اما محدودیت‌های مرتبط با محتوای دروس و روش تدریس، فقدان ابزار لازم در تعلیم و تدریس و حاکمیت بروکراسی شدید اداری بر نظام آموزشی دلسردم کرد و آب سردی بر آتش اشتیاقم ریخت. دانشیاران جوان در عمل دستیار استاد محسوب می‌شدند و باید

جزوه‌های استاد را تدریس می‌کردند. در کتابخانه‌های دانشکده علوم و دانشکده فنی مجلات خارجی علمی و فنی نادر بود و امکان دسترسی به پیشرفت‌های جهانی وجود نداشت. برای ورود به آزمایشگاه‌ها در ساعت غیررسمی باید از ریاست دانشکده اجازه مخصوص گرفته می‌شد و دانشجو بعد از کسب اجازه می‌توانست در آزمایشگاه را با حضور نگهبان باز کند یعنی به نگهبان بیشتر از دانشیار اعتماد داشتند. پاییز سال ۱۳۳۴ برادران همدانیان که از جمله سرمایه‌گذاران اصفهان بودند، تصمیم گرفتند کارخانه سیمانی در این شهر تأسیس کنند و مدیر عاملی آنجا را به من پیشنهاد کردند. پیشنهادشان را پذیرفتم و مشغول کار شدم. شش سال بعد، یعنی سال ۱۳۴۰ مدیریت خارجی بانک توسعه پایان یافت و مرحوم ابوالقاسم خردجو، حسابدار خبره و یکی از بانکداران باتجربه به عنوان اولین مدیر عامل ایرانی این بانک به مدیریت آن انتخاب شد و پیشنهاد کرد قائم مقام مدیر عامل بانک شوم. در آن هنگام چون همه مشکلات سیمان اصفهان برطرف شده بود پیشنهاد بانک را قبول کردم.

دکتر امین در ادامه خاطراتش نوشته:

اوایل سال ۱۳۴۷ با مجید رهنما که به تازگی وزیر علوم شده بود، آشنا شدم و طی دو یا سه جلسه غیررسمی مسائل تکنولوژی و نیروی انسانی را در چارچوب نقش دانشگاه‌ها با او مطرح کردم. آن زمان اصلاً به ذهنم خطور نمی‌کرد ممکن است این گونه گفت‌وگوها منجر به انتخاب من به سمت ریاست دانشگاه صنعتی آریامهر بشود. ساعت ۷ بعد از ظهر روزی در اواسط مرداد سال ۱۳۴۷ به ملاقات فوری نخست‌وزیر دعوت شدم. نخست‌وزیر مقدمه کوتاهی درباره تغییرات دانشگاهی که مورد نظر دولت بود عرضه کرد و افزود که قرار است پروفسور رضا به ریاست دانشگاه تهران منصوب شود و تصمیم گرفتیم که مسئولیت دانشگاه صنعتی آریامهر را به شما واگذار کنیم. در پاسخ به پیشنهاد نخست‌وزیر گفتم چون از یک طرف از کار فعلی خود فوق‌العاده راضی هستم و در قسمت اقتصادی خدمات مفیدی انجام می‌دهم و از طرف دیگر اطلاعات من درباره دانشگاه‌های ایران محدود است و بیش از ۱۳ سال از تجربه ناچیز من در دانشگاه تهران می‌گذرد، به علاوه ترجیح می‌دهم در بخش خصوصی بمانم، آمادگی قبول ریاست دانشگاه صنعتی آریامهر را ندارم. نخست‌وزیر این دلایل را نپذیرفت و اضافه کرد اولاً دانشگاه صنعتی آریامهر مؤسسه‌ای نیمه‌دولتی است، ثانیاً این فرصتی است که توصیه‌های خود را در حل مسائل تکنولوژی و نیروهای انسانی عملی کنی.

آروزیم این بود که دانشگاه صنعتی چنان مؤسسه‌ای باشد که اگر من دانشجو بودم، به فارغ‌التحصیلی از این دانشگاه افتخار کنم و اگر استاد بودم، بتوانم آزادانه به تحقیق و تدریس بپردازم و در اتخاذ



جلسه کنکور دانشگاه.

تصمیمات آموزش و پژوهش شرکت کنم.

مقررات و آیین‌نامه‌های جدید

اگر چه دکتر امین سه سال بعد از گشایش دانشگاه صنعتی آریامهر به این دانشگاه آمد، اما ساختاری نوین، نظام‌مند و دموکراتیک ایجاد کرد که پیش از آن در هیچ یک از مراکز علمی و سازمان‌های اداری دیده نشده بود. او پس از مطالعه وضعیت موجود و با شناخت رسالت دانشگاه در جهت تربیت نیروی انسانی کارآمد برای توسعه صنعتی کشور و پیشبرد تحقیقات علمی در سطح ملی و بین‌المللی، مجموعه‌ای مدونی از مقررات استخدامی هیئت علمی و کارکنان اداری، آیین‌نامه‌های شورای دانشگاه و شورای دانشکده‌ای و روش بررسی ترفیح و الگوی ارتقای استادان و کارمندان را تهیه کرد. طبق اساسنامه، آیین‌نامه‌های دانشگاه در شورای دانشگاه تنظیم و پس از تصویب هیئت امانا اجرا می‌شدند. دکتر امین، شورای دانشکده‌ها و شورای دانشگاه را تشکیل داد و مسئولیت تصویب نهایی آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی و دانشجویی را به شوراها سپرد. اعضای شورای دانشگاه متشکل از نیابت تولیت



جشن تأسیس دانشگاه به همراه دکتر عباس چمران، ۱۳۴۷.



عظمی به عنوان رئیس شورا، رؤسای دانشکده‌ها و دو نفر از استادان و دانشیاران هر دانشکده بودند. چند نفر از نمایندگان مراکز هم عضو شورا بودند اما حق رأی نداشتند. جلسات شورای دانشگاه و دانشکده‌ها مرتب برگزار می‌شد. جلسات از ساعت دو بعد از ظهر شروع می‌شد و گاهی تا ساعت دوی بعد از نیمه شب ادامه پیدا می‌کرد. دانشگاه زمان نیابت دکتر امین متحول شد و ساختار منسجم و تشکیلاتی یافت. قبلاً دانشگاه معاون نداشت. دکتر امین در چارت سازمانی دانشگاه، معاونت‌های آموزشی و دانشجویی، مالی، اداری و پژوهشی ایجاد و برای هرکدام چارت اداری طراحی کرد. او به دانشکده‌ها هویت بهتری بخشید و مقرر شد هر دانشکده علاوه بر رئیس، معاون هم داشته باشد. پیش از زمان نیابت دکتر امین، هیچ آیین‌نامه آموزشی و اداری و پژوهشی برای دانشگاه تهیه نشده بود؛ اما در این مدت، به تدریج آیین‌نامه‌ها در شورای دانشکده‌ها و شورای دانشگاه تهیه و تدوین شدند. دکتر پیش از تصویب نهایی مجموعه مقررات، آن را در اختیار استادان و کارمندان دانشگاه قرار داد تا از نظرات آنان آگاه شود و تغییرات احتمالی را ایجاد کند. این اقدام دکتر امین در آن زمان، اقدام بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شد. مثل نمونه‌های زیر:



- فقط نمایندگان انتخابی هیئت علمی دانشکده‌ها، یعنی سرپرست دانشکده‌ها و دو عضو انتخابی از هر دانشکده عضو شورای دانشگاه می‌شوند. معاونان دانشگاه که از سوی نایب‌التولیه انتخاب می‌شدند، بدون حق رأی در شورای دانشگاه شرکت می‌کردند. نایب‌التولیه حق رأی داشت اما هنگامی می‌توانست رأی دهد که رأی موافق و مخالف برابر شده و رأی گیری به بن‌بست کشیده می‌شد.
 - سرپرست یا رؤسای دانشکده‌ها به وسیله اعضای هیئت علمی دانشکده‌ها انتخاب می‌شد. سنتی که هنوز هم در این دانشگاه پابرجاست.
 - مقررات آموزشی آیین‌نامه آموزشی مبنی بر اخراج دانشجویانی که نمراتشان به حد نصاب نرسد، باید به موقع اجرا شود.
 - امکانات پژوهشی در اختیار استادان گذاشته شد. هیئت علمی دارای درجه دکترای تخصصی، مجاز شدند هر سه سال یک بار برای فرصت مطالعاتی به مدت یک سال تحصیلی نه ماهه به یکی از دانشگاه‌های خارج از کشور بروند.
 - دانشگاه نمی‌توانست کارمندان رسمی را اخراج کند مگر آنکه متهم به کار خلافی شده باشند. در این صورت باید کمیته سه نفره‌ای که یکی از آنان منتخب فرد متهم بود، تشکیل و در صورت موافقت کمیته، کارمند اخراج می‌شد.
 - رابطه با صنعت تقویت و تشویق شود.
 - ارتقا و ارزیابی کادر آموزشی فقط مبتنی بر کیفیت و کمیت آموزش، پژوهش و خدمات آنان به جامعه بوده و به وسیله کمیته‌ای از استادان انجام خواهد شد.
 - پیش‌بینی استاد راهنمای دانشجویان.
- ترکیب شورای دانشگاه در سال تحصیلی ۱۳۴۹-۵۰ به ریاست دکتر امین به صورت زیر بود:**
- دانشکده ریاضی: مرتضی انواری (رئیس)، مهدی ضرغامی و فرهاد مودت؛
 - دانشکده شیمی: محمد یلپانی (رئیس)، محمدرضا ارشدی و فریدون معطر؛
 - دانشکده فیزیک: محمدحسین پرتوی (رئیس)، یوسف ثبوتی و مهدی گلشنی؛
 - دانشکده مهندسی برق: عباس چمران (رئیس)، سیاوش وجدانی و رضا هاشمیان؛
 - دانشکده مهندسی شیمی: ایرج ابراهیمی (رئیس)، جلیل رضوی و خدابخش خرمی؛
 - دانشکده مهندسی متالورژی: فرهاد ریاحی (رئیس)، فرج‌الله مجاب و محمد تقوایی‌پور؛
 - دانشکده مهندسی مکانیک: داوود اردبیلی (رئیس)، مهرداد مهرآیین و مصطفی طوسی؛

● **دانشکده مهندسی صنایع:** محمدرضا صفائیه (رئیس)، هوشنگ ثابتی و فریدون کیانفر. بقیه شرکت کنندگان آقایان علی اکبر پیمان، محمد پیروزی و سیدموسی خالصی زاده، رضا کامشاد، مهدی کرمانی، تیمور لکستانی، علی اصغر لواسانی، حسین نوحدانی و حشمت‌اله نیایش بودند.

سومین کنکور ورودی به دانشگاه صنعتی آریامهر

امتحان ورودی دانشگاه صنعتی آریامهر در سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ با شرکت ۸ هزار و ۵۶۷ نفر دیپلمه ریاضی و طبیعی (دیپلمه‌های طبیعی فقط اجازه انتخاب رشته شیمی داشتند) برگزار شد و ۴۸۹ نفر پذیرفته شدند که از این تعداد ۳۱۸ نفر در دانشگاه ثبت نام کردند. علاوه بر این تعداد، دانشجویانی که همان سال در حوزه‌های امتحان ششم متوسطه رتبه اول را کسب کرده بودند یا معدلشان از ۱۸ بیشتر بود، می‌توانستند بدون کنکور وارد دانشگاه شوند. به این ترتیب، ۲۲۹ نفر دانشجوی رتبه اول و ممتاز پذیرفته شدند که ۱۲۵ نفرشان در دانشگاه ثبت نام کردند.

تشکیل کمیته رفاه

کمیته رفاه جزو نخستین نهادهای صنفی بود که با تلاش دکتر موسی خالصی زاده، مسئول مرکز محاسبات دانشگاه، دکتر فریدون هژبری، از استادان دانشکده شیمی و چند نفر از اعضای هیئت علمی تأسیس شد. از آنجا که این کمیته نهاد صنفی استادان دانشگاه بود، اطلاق نام انجمن صنفی استادان در وضعیت سیاسی آن زمان حساسیت‌هایی نزد مقامات امنیتی ایجاد می‌کرد. به همین دلیل، واژه بی‌خطر رفاه که واژه بی‌مسئامی هم نبود، برای این کمیته انتخاب شد. در اولین جلسه کمیته رفاه، دکتر علی دبیری به عنوان اولین رئیس این کمیته برگزیده شد. دکتر دبیری دکترای خود را در رشته مهندسی مکانیک از آمریکا گرفته و تازه به ایران برگشته بود. در جلسات بعد، پس از بحث و بررسی قرار شد این کمیته علاوه بر تلاش در زمینه بهبود وضع مالی و رفاهی اعضای هیئت علمی به وضعیت کارکنان دانشگاه نیز رسیدگی کند.

تشکیل کمیته ارتقا

در آغاز فعالیت دانشگاه همه اعضای هیئت علمی به صورت معلم موقت استخدام شده بودند و هیچ آیین‌نامه‌ای در این مورد تصویب نشده بود. زمان ریاست دکتر امین، اعضای هیئت علمی در چارچوب نخستین مجموعه مقررات و آیین‌نامه‌هایی که تنظیم شد، رده‌بندی شده و باتوجه به مدارک و تجربه‌های

علمی و پژوهشی‌شان در رتبه‌های دستیار، مربی، استادیار، دانشیار و استاد قرار گرفتند. طبق آیین‌نامه‌های تصویب شده در این دوره، افراد با حداقل مدرک لیسانس یا درجه مهندسی می‌توانستند در رتبه دستیاری پایه ۱ قرار بگیرند. استادیاران پایه ۱، باید دکترا (Ph.D) یا معادل آن را داشته و به یک زبان خارجی هم مسلط بودند. دانشیاران پایه ۱ باید دکترا (Ph.D) داشته و چهار سال در تحقیق و آموزش سابقه داشتند که حداقل دو سال آن هم باید در یکی از دانشگاه‌های معتبر استادیار بودند و همچنین باید حداقل یک مقاله اصیل مستقل داشتند که بعد از اخذ درجه دکترا تهیه و در یکی از مجلات معتبر جهان منتشر شده باشد. منظور از مقاله اصیل مستقل آن بود که بر اساس تحقیقات انجام شده علاوه بر تحقیق برای اخذ درجه دکترا تهیه شده باشد. استادان پایه ۱، باید درجه دکترا و هشت سال سابقه خدمت تحقیقی و آموزشی داشتند که حداقل چهار سال آن خدمت در سمت دانشیاری در یکی از دانشگاه‌های معتبر جهان بود و همچنین باید حداقل سه مقاله علمی اصیل مستقل پس از اخذ درجه دکترا هم داشتند که در یکی از مجلات معتبر جهان انتشار یافته باشد. واجدان شرایط استخدام در مقام دستیار یا مربی در صورت تسلط به یک زبان خارجی و در مقام استادیار در صورت انتشار رساله دکتری آنان در یکی از مجلات معتبر جهان، با پایه ۲ استخدام می‌شدند. چون همه اعضای هیئت علمی با عنوان معلم موقت استخدام شده بودند، تعیین رتبه آن‌ها وظیفه حساس و دشواری بود و سال اول، این وظیفه را دکتر امین خود بر عهده گرفت. سال بعد، کمیته‌ای با نام کمیته ارتقا تشکیل شد و مسئولیت رده‌بندی استادان به اعضای آن کمیته سپرده شد. طبق آیین‌نامه، ترفیع هر استاد به سه عامل بستگی داشت: حسن شهرت، شیوه آموزشی، همکاری و فعالیت‌هایی که در زمینه پیشرفت دانشکده و تحقیقات علمی می‌کرد. اعضای هیئت علمی نمی‌توانستند بدون فعالیت‌های تحقیقاتی و انتشارات علمی به مقام استادی کامل نائل شوند.

رشته‌های جدید مهندسی در دانشگاه صنعتی آریامهر

در دوره ریاست دکتر امین، علاوه بر دانشکده‌های ریاضی، شیمی، فیزیک، مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی متالورژی و دانشکده مهندسی شیمی، دانشکده مهندسی صنایع نیز به صورت رسمی آغاز به کار کرد. رشته مهندسی صنایع پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا و انگلستان با نام مهندسی تولید شکل گرفت و برای اولین بار در ایران در دانشگاه صنعتی آریامهر ایجاد شد. به این ترتیب، این امکان فراهم شد تا دانشجویان علاقه‌مند به مهندسی تولید، مدیریت صنعتی و اقتصاد



مهندسی بتوانند در دانشکده مهندسی صنایع تحصیل کنند. علاوه بر آن، سال ۱۳۵۱ رشته مهندسی سازه از دل مهندسی مکانیک جدا شد و با انتقال تعدادی از اعضای هیئت علمی این دانشکده به دانشکده جدید، هسته اولیه هیئت علمی دانشکده مهندسی سازه نیز شکل گرفت. چون شاه با ایجاد رشته راه و ساختمان در دانشگاه صنعتی آریامهر موافق نبود، دانشگاه در بدو امر بدون این رشته آغاز به کار کرد. اما شاه رشته مهندسی سازه را پذیرفت که دروس آن در صنایع سنگین مثل کشتی سازی و هواپیماسازی کاربرد داشت و بر راه سازی استوار نبود. در دوره سوم، برای سه دانشکده ریاضی، شیمی و فیزیک^۱ نیز دانشجوی پذیرفته شد و به دانشجویان هر سه دانشکده این امکان داده شد تا ضمن گذراندن دروس تخصصی و تعدادی از واحدهای مهندسی در صورت تمایل، دانشنامه مهندسی علوم را از این سه دانشکده دریافت کنند. پس از جدا شدن دانشکده های شیمی و مهندسی شیمی از یکدیگر اکثر دانشجویان رشته مهندسی شیمی را انتخاب کردند. اما دو نفر از دانشجویان^۲ تصمیم گرفتند در رشته شیمی ادامه تحصیل دهند. در چند دوره اول فعالیت دانشگاه تعداد دانشجویان دختر دانشگاه خیلی کم بود.

تولد مرکز محاسبات در دانشگاه

اولین مرکز کامپیوتر دانشگاه های کشور با نام مرکز محاسبات به سرپرستی دکتر سیدموسی خالصی زاده و زمان نیابت دکتر مجتهدی در اتاق کوچکی در محل بهداری فعلی دانشگاه صنعتی آریامهر آغاز به کار کرد. دکتر خالصی زاده با همکاری و آموزش مهندس حاذقی و مهندس شههاد که از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران بودند، اولین مرکز محاسبات دانشگاه صنعتی آریامهر راه اندازی کردند. دکتر خالصی زاده، پس از اخذ مدرک دکترا از دانشگاه فنی کلاستال آلمان، در مرکز کامپیوتر همان دانشگاه مشغول کار بود. آن زمان تازه کامپیوتر وارد محیط های علمی معتبر جهان شده بود و افراد معدودی در این حوزه دانش یا تجربه کار داشتند. دکتر مجتهدی در سفر به اروپا و آمریکا برای جذب استادان ایرانی، با دکتر خالصی زاده گفت و گو کرد و از او برای تدریس در دانشگاه صنعتی آریامهر دعوت کرد. دکتر خالصی زاده، پس از این گفت و گو، پیشنهاد تدریس در دانشگاه پنسیلوانیا و همین طور استخدام در مرکز اتمی آلمان را رد کرد و با عشق خدمت به وطن راهی ایران شد. همان جا دکتر مجتهدی سفارش داد یک دستگاه کامپیوتر از شرکت آی بی ام برای دانشگاه اجاره کنند. این کامپیوتر،

۱ - دانشگاه سال اول ۱۲ نفر هیئت علمی با درجه دکتری داشت. بعضی از این افراد مدرک علوم پایه داشتند و از آنجا که دانشگاه دانشجوی علوم پایه نداشت، ناراضی بودند. دکتر مجتهدی برای حل این مسئله و جلب رضایت آنان و با توجه به اینکه اعتقاد داشت دانشگاه صنعتی نمی تواند رشته غیر مهندسی داشته باشد، رشته ای با عنوان مهندسی علوم پایه ایجاد کرد و این موضوع را در جلسهای که آخرین روز سال اول تشکیل داده بود، به اطلاع دانشجویان و استادان رساند. نیمی از دروس این رشته از علوم پایه و نیم دیگر از دروس مهندسی بود. دانشجویان این رشته می توانستند با گذراندن دو نیم سال تحصیلی در هر کدام از چهار رشته مهندسی دانشگاه، مدرک لیسانس آن مهندسی را بگیرند. از ورودی های دوره اول ۱۴ نفر به این رشته تغییر رشته دادند و سال دوم دانشگاه به شکل مجزا برای این رشته دانشجوی گرفت. سال سوم این رشته به سه رشته مهندسی علوم ریاضی، مهندسی علوم فیزیک و مهندسی علوم شیمی تفکیک شد. بعدها عنوان شد که اطلاق کلمه مهندسی برای این رشته های بی معنی است و عنوان مهندسی حذف شد.

۲ - یکی از این دانشجویان فرانک قهرمان پور بود که پس از کسب دکترای تخصصی به عضویت هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران درآمد و دیگری مانی شیرنگ بود که با اخذ دکترای تخصصی به شرکت شیمیایی Dow chemicals رفت و از محققان عالی رتبه آن شرکت شد.

مدل ۱۱۳۰ بود و با قیمت ماهی هزار و صد دلار از این شرکت اجاره شده بود. آن روزها کامپیوترها سفارشی ساخته می‌شدند و خیلی گران قیمت بودند. به خاطر همین، مراکز علمی نمی‌توانستند کامپیوتر بخرند و آن را از شرکت سازنده اجاره می‌کردند.

هدف دکتر مجتهدی، آشنایی دانشجویان با آخرین و پیشرفته‌ترین ابزارها و پیشرفت‌های جهان بود اما او مخالف ارائه درس کامپیوتر به دانشجویان بود. او فکر می‌کرد ارائه دروس کامپیوتری، میل و رغبت دانشجویان را به درس ریاضی کم خواهد کرد. دکتر خالصی زاده او را مجاب کرد و بالاخره درسی به نام کاربرد کامپیوتر را به صورت اختیاری در برنامه درسی دانشجویان گنجاند.

پروفسور رضا هم بر آموزش سریع کامپیوتر در دانشگاه و سایر مراکز علمی کشور تأکید فراوان داشت و معتقد بود امروز هم شروع کنیم، دیر است. با جایگزین شدن سیستم ترمی واحدی در زمان نیابت او و بعد از آشنایی دانشجویان با مفاهیم کامپیوتر، مرکز محاسبات درس برنامه‌نویسی کامپیوتر به زبان فورترن را هم ارائه کرد و شرایطی ایجاد شد که دانشجویان بتوانند به صورت عملی با کامپیوتر دانشگاه، برنامه‌نویسی کنند.

در دوره دکتر امین، به دنبال رشد سریع کاربرد کامپیوتر در جهان و نیاز به آن در ایران، دانشکده ریاضی به دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر تبدیل شد تا با طراحی دروس محاسباتی و برنامه‌نویسی، زمینه جذب استاد و دانشجو در گرایش تازه به سرعت فراهم شود. دانشگاه صنعتی آریامهر از نخستین مراکز علمی کشور بود که به کامپیوتر بزرگ آی‌بی‌ام ۳۶۰ مجهز شد. دانشجویان برای برنامه‌نویسی از سیستم کارتی استفاده می‌کردند. ابتدا برنامه را روی کارت مخصوصی پانچ کرده و این کارت‌ها را به مرکز محاسبات می‌دادند. کارت‌ها با کامپیوتر خوانده شده و برنامه باز می‌شد. تعداد کارت‌های مرکز محاسبات محدود بود و تهیه آن مشکلات و ضوابط مخصوصی داشت. از طرفی، به ازای همه افراد کلاس، دانشگاه فقط یک دستگاه کامپیوتر داشت. گاهی مراجعه هم‌زمان دانشجویان باعث ایجاد شلوغی و ازدحام در مرکز محاسبات می‌شد. اگر حرف یا عددی اشتباه وارد کارت می‌شد، کامپیوتر نمی‌توانست آن را بخواند و در این صورت دانشجو باید همه مراحل را از اول تکرار می‌کرد. فعالیت مرکز محاسبات، محدود به ارائه دروس کامپیوتر و برنامه‌نویسی نبود. نتایج نهایی کنکور از سال ۱۳۴۷ به بعد، در دانشگاه صنعتی آریامهر با استفاده از کامپیوتر مرکز محاسبات و به صورت مکانیزه استخراج می‌شد. برای این کار، برگه‌های آزمون به صورت دستی تصحیح می‌شد و بعد کارکنان مرکز محاسبات، نمرات خام را وارد کامپیوتر می‌کردند و پس از تراز و معدل‌گیری با دستگاه، نتایج نهایی کنکور مشخص





می‌شد. بعد از تجربه موفق سال ۱۳۴۷، سال ۱۳۴۸ نتایج کنکور دانشگاه دوباره با کمک کامپیوتر مرکز محاسبات دانشگاه انجام شد. به تدریج فعالیت‌های مرکز محاسبات گسترش یافت و پس از آن، حقوق استادان و کارکنان دانشگاه در این مرکز محاسبه و از طریق بانک به کارکنان پرداخت می‌شد. موفقیت فعالیت‌های مرکز محاسبات، مورد توجه سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی خارج دانشگاه نیز قرار گرفت و سفارش‌های زیادی به مرکز محاسبات ارسال شد. با انجام پروژه‌های محاسباتی، اجاره‌بهای کامپیوتر از محل دریافتی‌های این مرکز تأمین می‌شد.

استخراج نتایج کنکور دانشگاه‌ها، ابتکار مرکز محاسبات

پیش از تشکیل وزارتخانه علوم و آموزش عالی، دانشگاه‌ها هر سال با برگزاری کنکوری مجزا، دانشجویان را پذیرش می‌کردند. آزمون‌های ورودی مجزا، فرایند انتخاب دانشجو را با بی‌نظمی‌های بسیاری همراه و انتخاب رشته و دانشگاه را برای دانش‌آموزان مشکل می‌کرد. وزیر علوم به دنبال راهی بود تا سیستم پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی را سر و سامان دهد. برای رایزنی در این باره جلسه‌ای با حضور آقای کاردان، نماینده دانشگاه تهران، آقای رضوی، نماینده دانشگاه شیراز و دکتر خالصی‌زاده، نماینده دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار شد تا با هم‌فکری این افراد، آزمون ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به صورت هماهنگ برگزار شود. در این جلسه، مقرر شد کمیته‌ای به نام کمیته کنکور تشکیل شود و مسئولیت اجرای کنکور به صورت هماهنگ به نماینده دانشگاه صنعتی آریامهر، دانشگاه تهران و نماینده دانشگاه شیراز و نمایندگانی از وزارت علوم واگذار شد. نمایندگان وزارت علوم در جلسات کنکور گفتند قصد دارند برای استخراج نتایج کنکور هماهنگ با بعضی از شرکت‌های خارجی مذاکراتی انجام دهند. دکتر خالصی‌زاده پیشنهاد کرد کنکور به صورت هماهنگ میان دانشگاه‌ها برگزار شود و اعلام آمادگی کرد که نتایج آن را با استفاده از کامپیوتر مرکز محاسبات دانشگاه صنعتی آریامهر مشخص کند. اعضای کمیته کنکور با پیشنهاد دکتر خالصی‌زاده مخالفت کردند. با آنکه نتایج دو سال گذشته کنکور دانشگاه صنعتی آریامهر با کامپیوتر مرکز محاسبات استخراج شده بود، اما اعضای کمیته کنکور، تردید داشتند که این مرکز بتواند نتایج کنکور همه دانشگاه‌ها را تعیین کند. تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه صنعتی آریامهر، کمتر از ۶ هزار نفر بود در حالی که تعداد متقاضیان کنکور سراسری به بیش از ۷۰ هزار نفر می‌رسید. دکتر خالصی‌زاده اصرار داشت که مرکز محاسبات دانشگاه از پس این کار برخواهد آمد و اعضای کمیته را متقاعد کرد نیازی به ورود شرکت‌های خارجی نیست.



مقامات درباری در نامه‌ای به دکتر امین نوشتند اگر مرکز محاسبات نتواند این کار را به طور دقیق انجام دهد، بی‌نظمی و نارضایتی زیادی ایجاد شده و سیستم ثبت نام و ورود دانشجویان به دانشگاه با اشکال مواجه خواهد شد و مدیریت او زیر سؤال خواهد رفت. دکتر امین، نگرانی درباریان را به دکتر خالصی‌زاده منتقل کرد و نامه‌ای را که شرکت آی‌بی‌ام برای دربار فرستاده بود، به او نشان داد. شرکت آی‌بی‌ام در نامه‌ای به مقامات آموزشی کشور نوشته بود خطرات احتمالی این کار خیلی بالاست و با دستگاه مرکز محاسبات نمی‌توان نتایج کنکور را مشخص کرد. دکتر خالصی‌زاده به دکتر امین اطمینان داد مرکز از پس این کار بر خواهد آمد و دکتر امین با قبول به مخاطره افتادن موقعیتش به وزارت علوم تعهد داد مرکز محاسبات دانشگاه مسئولیت این کار را خواهد پذیرفت. پس از تلاش بسیار دکتر خالصی‌زاده و حمایت‌های دکتر عالیخانی، رئیس دانشگاه تهران، پس از یک ماه اعضای کمیته کنکور موافقت کردند سؤال‌های کنکور برای اولین بار به صورت تستی طراحی شود.

مرکز محاسبات بعد از آنکه کمیته کنکور موافقت کرد سؤال‌های آزمون به صورت تستی طراحی شود، پاسخنامه‌های مخصوصی طراحی کرد و نحوه پاسخ دادن به سؤالات، تصحیح پاسخنامه‌ها و پردازش داده‌ها را مشخص کرد. طبق معمول سال‌های پیش، متقاضیان ورود به دانشگاه برای شرکت در آزمون ثبت نام می‌کردند، اما وزارت علوم بعد از ثبت نام، هر روز اطلاعات مربوط به مشخصات، رشته و دانشگاه‌های مدنظر متقاضیان را به مرکز محاسبات ارسال می‌کرد. اطلاعات در کامپیوتر مرکز محاسبات دسته‌بندی و به وزارت علوم برمی‌گشت و پس از تأیید نهایی وزارت علوم، دوباره به مرکز محاسبات فرستاده می‌شد. اطلاعات نهایی پس از تأیید وارد کامپیوتر شده و بانک اطلاعاتی جامعی ایجاد شد. برای حل مشکل انتخاب رشته و دانشگاه مدنظر متقاضیان هم قرار شد کنکور در دو مرحله برگزار شود. در مرحله اول کنکور مشخصات، رشته‌های تحصیلی و دانشگاه‌های مورد علاقه متقاضی به ترتیب اولویت در ده رشته و دانشکده مشخص شده و سپس این اطلاعات در کامپیوتر مرکز محاسبات وارد می‌شد. در مرحله دوم پس از آزمون، نمره نهایی، رشته قطعی و دانشگاهی که داوطلبان در آن پذیرفته شده بودند، اعلام می‌شد.

با وجود همه تردیدها و مخالفت‌ها، بالاخره کنکور سراسری گروه‌های مختلف آموزشی برگزار شد. مسئولان برگزاری کنکور پس از اتمام امتحان، پاسخنامه‌ها را جمع‌آوری کرده و به مرکز محاسبات دانشگاه فرستادند. دکتر خالصی‌زاده و سایر اعضای گروه به محض دریافت پاسخنامه‌ها دست به



کار شدند و اطلاعات بیش از ۷۰ هزار برگه را وارد کامپیوتر کردند. آن‌ها ۴۸ ساعت بعد کار تصحیح پاسخنمه‌ها را به اتمام رسانده و نتایج نهایی کنکور را اعلام کردند. برای اطمینان از صحت نتایج، هیئتی تحت نظارت وزیر دربار، نمرات آزمون را با میانگین نمرات سه سال آخر دبیرستان دانش‌آموزان تطبیق داده و صحت نتایج پس از اطمینان از تطبیق نمرات تأیید شد. قرار بود نتایج کنکور را با هلی‌کوپتر از مرکز محاسبات به وزارت علوم منتقل کنند و نتایج آزمون در روزنامه چاپ شود، اما گروه استخراج نتایج کنکور که نگران بود ساواک نتایج نهایی کنکور را دستکاری کند، در اقدامی از پیش تعیین نشده، همان روز اسامی قبول‌شدگان نهایی را اعلام کرد و لیست نهایی را پشت در دانشگاه چسباند.

پس از این ماجرا، دکتر امین نزد شاه رفت و با خوشحالی گزارش داد که این دانشگاه طی چند روز نتایج کنکور را به دست آورده است. شرکت آی‌بی‌ام ۱۸ جولای ۱۹۷۰ نامه دیگری به دانشگاه صنعتی آریامهر نوشت و در آن از مرکز محاسبات دانشگاه تشکر کرد که چنین کار بزرگی را با آی‌بی‌ام ۱۱۳۰ این شرکت انجام داده است. علاوه بر آن، مؤسسات و شرکت‌های بزرگ اطمینان یافتند مرکز محاسبات می‌تواند پروژه‌های سنگین محاسباتی آن‌ها را انجام دهد. یکی از شرکت‌های بزرگی که پس از اعلام نتایج کنکور تصمیم گرفت پروژه‌های محاسباتی‌اش را به این مرکز بسپرد، شرکت نفت بود. نمایندگان شرکت نفت برای انجام پروژه‌های محاسباتی با یکی از شرکت‌های فرانسوی قرارداد بسته بودند و علاوه بر آنکه دستمزد بالایی به شرکت‌های خارجی می‌پرداختند، مجبور بودند چند بار برای تحویل و دریافت اطلاعات به کشورهای خارجی سفر کنند. مرکز محاسبات دانشگاه با این شرط که شرکت نفت، کامپیوتر پیشرفته‌تری برای دانشگاه تهیه کند، پذیرفت محاسبات شرکت نفت را انجام دهد. مسئولان شرکت نفت با این درخواست موافقت و کمک کردند یک دستگاه کامپیوتر مدل سی‌دی‌سی ۶۴۰۰ که در آن زمان دستگاه بسیار پیشرفته‌ای محسوب می‌شد، برای دانشگاه اجاره شود. مدتی بعد، در سایر مؤسسات دولتی، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، سازمان تأمین اجتماعی، دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و دانشسرای عالی، با مشاوره مرکز محاسبات دانشگاه صنعتی آریامهر، مرکز کامپیوتر تأسیس شد. بعد از مدت کوتاهی، در کنار ارائه خدمات به سایر مراکز و ارائه دروس کامپیوتر و برنامه‌نویسی، با مدیریت و هماهنگی دکتر مهدی ضرغامی و به کمک دانشکده ریاضی، رشته کامپیوتر در مقطع فوق‌لیسانس در مرکز محاسبات دانشجو پذیرفت. در این دوره، به جز مرکز محاسبات، درمانگاه و مرکز بهداشت و مرکز زبان‌های خارجی نیز فعال شد.



تیم فوتبال دانشکده مکانیک، قهرمان مسابقات فوتبال دانشگاه، ۱۳۵۱.

فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ورزشی رونق می‌گیرد

از همان ابتدای تأسیس دانشگاه، گروه‌های فرهنگی متعددی در دانشگاه شروع به فعالیت کردند. دو سال اول دانشجویان بیشتر از فعالیت‌های ورزشی استقبال می‌کردند، اما با گذشت زمان، زمینه برای فعالیت‌های فرهنگی و دانشجویی فراهم شد و دانشجویان زیادی درگیر این فعالیت‌ها شدند. در زمان نیابت دکتر امین، مرکزی با نام مرکز فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه به مدیریت ابوالحسن ونده‌ور (شاعر و متخلص به وفا) در دانشگاه ایجاد شد تا دانشجویان بتوانند در فضایی متفاوت از دروس مهندسی و علوم، ساعاتی را به خلاقیت‌های هنری، ادبی و فرهنگی بپردازند. وفا در این مرکز، کلاس فن بیان و نقد ادبی برگزار می‌کرد. دکتر هوشنگ شاه‌نواز نیز در شکل‌گیری و گسترش این فعالیت‌ها به ویژه در هنر و موسیقی تلاش می‌کرد. گروه‌های زیر هم از همان دوره فعالیتشان را آغاز کردند.

● **گروه تئاتر:** دانشجویان علاقه‌مند به تئاتر، در این گروه، کارگاه ساخت دکور، ماسک، موسیقی متن و تنظیم نور صحنه دایر کرده و دوره‌های آموزش کارگردانی و بازیگری برگزار می‌کردند. آن‌ها با دعوت از استادان این رشته میزگردهای تخصصی و سخنرانی برگزار کرده و با همکاری اداره کل آموزش هنری وزارت فرهنگ و هنر، کلاس‌های مختلف تشکیل می‌دادند. گروه تئاتر به تدریج به کمک اعضا و اهدای کتاب، کتابخانه‌ای تخصصی راه انداختند. در این کتابخانه نزدیک به هزار جلد کتاب با موضوعات مختلف مربوط به هنر و تئاتر جمع‌آوری شد. سال ۱۳۵۰، یک دستگاه ضبط صوت و گرام استریو از طرف دانشگاه خریداری و در اختیار گروه تئاتر قرار گرفت. همچنین صحنه آمفی‌تئاتر از نظر نور و تجهیزات تکمیل شد. گروه تئاتر نمایشنامه‌های زیادی را اجرا کردند.^۱

● **گروه فیلم و سینما:** این گروه فعالیت خود را با جلسات هفتگی نمایش فیلم و با نام انجمن فیلم دانشگاه صنعتی آریامهر آغاز کرد. اولین جلسه نمایش فیلم روز ۱۷ دی ۲۸ با حضور دکتر امین افتتاح شد. این جلسات با همکاری وزارت فرهنگ و هنر، تلویزیون ملی ایران، اداره روابط فرهنگی ایران و کشورهای دیگر برگزار می‌شد و تا پایان سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸ به طور مرتب ادامه داشت. پس از مدتی، این گروه فعالیتشان را تخصصی کردند و با همکاری انجمن سینمای آزاد، هر ماه از یکی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان فیلم‌های نمایش داده شده دعوت می‌کردند تا در جلسات پخش فیلم حضور داشته باشند و در حضور آن‌ها به نقد و بررسی فیلم می‌پرداختند. این جلسات ماهانه از دی ماه ۴۸ آغاز شد و به طور مرتب هر ماه برگزار می‌شد. تا سال ۱۳۵۰، بیست فیلم سینمایی با همکاری سینمای آزاد و فیلمسازان جوان در انجمن فیلم به نمایش درآمد. هدف از این جلسات معرفی سینمای تجربی ایران و عرضه آثار اصیل سینمایی بود. برگزاری هفته فیلم کوتاه ایرانی که در آن فقط فیلم‌های ۱۶ و ۳۵ در مدت یک هفته نمایش داده شد، مورد استقبال زیاد دانشجویان قرار گرفت. سال ۱۳۵۰، انجمن فیلم دو پروژکتور ۳۵ میلیمتری و ۱۶ میلیمتری خرید و سالن آمفی‌تئاتر را مجهز کرد. نخستین جشنواره فیلم‌های هشت میلیمتری برای نخستین بار از هفدهم تا بیستم آبان ۱۳۵۱ در دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار شد و طی آن تعداد ۳۰ فیلم کوتاه ۸ میلیمتری به نمایش درآمد که ۲۳ فیلم آن از گروه سینمای آزاد بود. جشنواره را انجمن فیلم دانشگاه و هوشنگ شهنواز، سرپرست سازمان هنری دانشگاه برگزار کردند. داوران جشنواره

۱- از جمله نمایشنامه‌هایی که گروه تئاتر به روی صحنه بردند می‌توان به نمایشنامه‌های زیر اشاره کرد: نمایشنامه «اینگ هزار سال پس از نوح». این نمایشنامه در اردوی هنری رامسر اجرا شد و رتبه ممتاز گرفت. نمایشنامه «آریا داکاپو نوشته ادنا سنت». این نمایشنامه در اردوی دانشجویی بابلسرا اجرا شد و کاپ این دوره را از آن خود کرد. نمایشنامه «فوج، شایسته قربانی است نوشته تقی پور»، به کارگردانی جمشید شاه محمدی (سال تحصیلی ۵۱-۵۰)، نمایشنامه «داستان باغ وحش نوشته ادوارد ائی، به کارگردانی سعید ننتاز و بازیگری حشمت سلمان‌زاده و فرهاد پورسنج (۱۳۵۰)، نمایشنامه «یک نمایش عجیب اثر ساموئل بکت و به کارگردانی بهمن دریایی و با بازی بهرام پوناووی، سیامک آریا، جمشید کیانی، فریدون داوید، بهروز فتحی، مسعود معمارپور و سعید سعیدی (اردیبهشت ۱۳۵۱)، نمایشنامه چوب به دست‌های ورزیل، نوشته غلامحسین ساعدی و کارگردانی بهمن دریایی، با بازی مسعود تسلیمیان، عبدالعلی بزدانی، فرامرز فرنام، حشمت الله سلمان زاده، سعید سعیدی، اردوان آصف وزیری، مسعود معمارپور، منصور سیفی زاده، قدرت الله وثوقیان، حسین بطوانی اصفهانی، کاوه شهباس، فرید صالح، محمد بهشتی و حمید سلیمانی. نمایشنامه در حضور باد، نمایشنامه از پا نیفتاده‌ها، نمایشنامه خودکشی اثر آنتوان جوف و نمایشنامه قلاب



جمعی از کوهنوردان دانشگاه، شهید مجید حداد عادل در بالای تصویر دیده می‌شود، دهه پنجاه.



تیم اسکی دانشگاه، از راست به چپ: دکتر صفائی، جاری، فخری، حالتی، مهندس مقدسیان، زند، مریخی خارجی تیم، مختارزاده، ایرانمنش.



تماشاگران فینال مسابقات فوتبال قهرمانی دانشگاه بین دانشکده برق و مکانیک، ۱۳۵۱.



نیز از طرف وزارت فرهنگ و هنر انتخاب شده بودند.^۱

● **گروه موسیقی:** گروه موسیقی دانشگاه در دو رشته موسیقی سنتی و موسیقی جاز (غربی) فعالیت خود را آغاز کرد.

● **گروه جاز:** گروه جاز دانشگاه، هم‌زمان با سازمان هنری دانشگاه در سال ۱۳۴۷ و به همت خچواستو سادوریان که نوازنده گیتار بود، آغاز به کار کرد. در این گروه، قاسم درودگر گیتار، نادر تفلیسی ارگ، کامبوزیا راستان گیتار و تیمور صدری جاز می‌نواختند. خواننده این گروه نیز خسرو وجدانی نام داشت. در سال‌های بعد، دانشجویان هنرمند دیگری به گروه اضافه شدند. با اضافه شدن سازهای بادی، آهنگ‌های متنوع‌تری ساخته شد. فعالیت گروه جاز به اجرای کنسرت محدود نبود و کلاس‌های آموزش نظری و عملی موسیقی در کنار آن برگزار می‌شد تا دانشجویان علاقه‌مند با اصول علمی و عملی موسیقی جاز آشنا شوند. در پنجمین سال تأسیس دانشگاه، یعنی سال تحصیلی ۵۱-۵۰، این گروه در اولین جشنواره موسیقی جاز دانشگاه‌ها در بابلسر به مقام سوم رسید. در این جشنواره، تیمور صدری، به عنوان نوازنده ترومپت گروه، مدال نقره مسابقات را از آن خود کرد.

۱ - جوایز جشنواره به شرح زیر بین برندگان تقسیم شد:

۱. فیلم کالگ‌ها به کارگردانی حسن بنی‌هاشمی، برنده دیپلم افتخار و جایزه نقدی معادل ۳۰ هزار ریال؛
۲. فیلم جزیره به کارگردانی کیانوش عیاری، برنده دیپلم افتخار و جایزه نقدی معادل ۲۰ هزار ریال؛
۳. فیلم ارتفاع متروک به کارگردانی بهنام جعفری، برنده دیپلم افتخار و جایزه نقدی معادل ۱۰ هزار ریال؛
۴. فیلم کمپوزسیون به کارگردانی ابراهیم فرجی، برنده دیپلم افتخار و جایزه نقدی به ارزش ۵۰ هزار ریال. خانم گیتی وحیدی برای فیلم دختر شاه پریان و احمد توکلی برای فیلم عروسکی تقدیر شدند. این جشنواره‌ها ادامه یافت و سال ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ نیز برگزار شد.



یکی دیگر از فعالیت‌های مهم این گروه، انتشار دو شماره نشریه نوا بود. این نشریه با همکاری گروه موسیقی سنتی دانشگاه و به همت فرخ صادقی منتشر شد. گروه جاز سال ۱۳۵۱ جشنواره موسیقی شاد در دانشگاه‌ها را در دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار کردند. در این جشنواره حدود ۵ هزار نفر از دانشجویان سراسر کشور شرکت کردند و لوح زرین و جایزه اول جشنواره نصیب گروه جاز دانشگاه میزبان شد. گروه در سال‌های بعد با اجرای کنسرت، شرکت در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان و برنامه‌های هنری متنوع فعالیت خود را ادامه داد.

● **گروه موسیقی ملی:** برگزاری جلسات منظم هفتگی ارکستر و کلاس‌هایی برای آموزش دانشجویان از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه موسیقی ملی بود. ۳۸ نفر از اعضای این گروه، برای فراگیری علمی موسیقی با تخفیف ویژه در کلاس‌های شبانه هنرستان موسیقی شرکت می‌کردند. مرکز اشاعه موسیقی برای تشویق دانشجویان، ده ساز ایرانی ساخت مرکز را در اختیار دانشجویان دانشگاه قرار داد.

● **گروه کر:** این گروه سال ۱۳۵۰ به مناسبت اجرای سرود دانشگاه در جشن سالروز تأسیس دانشگاه فعالیت خود را آغاز کرد و اعضای آن آهنگ‌های فولکوریک را تمرین و اجرا می‌کردند.

● **گروه نقاشی:** نخستین نمایشگاه آثار نقاشی دانشجویان نوزدهم اردیبهشت ۱۳۴۹ و به مدت شش روز در دانشگاه برگزار شد. در این نمایشگاه ۱۴۲ تابلوی نقاشی و ۳۴ اثر فتوگرافی از آثار دانشجویان در معرض دید قرار گرفت. طی این شش روز، اداره کل سمعی و بصری و روابط فرهنگی ایران و فرانسه فیلم‌های استاد بهزاد، پابلو پیکاسو و موزه لایت و امپرسیونیست‌ها را برای پخش در اختیار اعضای گروه نقاشی قرار داد و این فیلم‌ها در نمایشگاه نقاشی به نمایش درآمد. سال ۱۳۵۰ آتلیه نقاشی بهره‌برداری شد و لوازم مورد نیاز آن یعنی بوم، رنگ و غیره به صورت کامل و به صورت رایگان در اختیار همه علاقه‌مندان به نقاشی و هنرهای تجسمی گذاشته شد. دانشجویان زیر نظریکی از استادان نقاشی در کلاس نقاشی آموزش دیده و تمرین می‌کردند. سال ۱۳۵۱ علاوه بر آتلیه موجود، آتلیه بزرگ دیگری هم در اختیار اعضا قرار گرفت.

● **گروه نویسندگی:** این گروه فعالیت خود را با انتشار نشریه «نفسی تازه کنیم» آغاز کرد. در شماره اول این نشریه که با عنوان دفتر اختصاصی قصه منتشر شد، نوشته‌های عده‌ای از دانشجویان نویسنده دانشگاه چاپ شد. شماره دهم با عنوان دفتر اختصاصی نقد و بررسی کتاب چاپ شد و شامل نقد و بررسی کتاب‌های مختلف به قلم دانشجویان بود. گروه نویسندگی اتاق مخصوصی با همه تجهیزات در اختیار داشت و جلسات هیئت تحریریه نشریه به طور مستقل و هفتگی در آن برگزار می‌شد.

در این دوره، حضور در گروه‌های مختلف هنری و فرهنگی بستر مناسبی برای جذب نیرو و فعالیت‌های اعتقادی سیاسی فراهم کرده بود. البته بیشتر این گروه‌ها در اختیار گروه‌های چپ بود. چپی‌ها در اتاق کوه، گروه فیلم، گروه نقاشی، گروه موسیقی و تئاتر فعال بودند و دانشجویان مذهبی بیشتر در نمازخانه، تعاونی مصرف و گروه عکس و انجمن قلم فعالیت می‌کردند. دانشجویان از فرصت‌های مختلف برای بیان اعتراضات سیاسی استفاده می‌کردند. سال ۱۳۵۰، به مناسبت جشن‌های ۲ هزار و ۵۰۰ ساله نمایشگاه آثار برگزیده نقاشی دانشجویان برگزار شد. بعضی از تابلوهای نمایشگاه با عناوین زندگی در مرداب پهلوی، تیرباران کارگران جهان چیت، شورش زنان خانواده‌های سیاسی، خشم شاه را برانگیخت و او پس از بازدید از نمایشگاه با عصبانیت آنجا را ترک کرد. دعوت از استاد شهید مطهری^۱ و مرحوم دکتر شریعتی برای سخنرانی در دانشگاه از نمونه فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان بود.

روز سخنرانی دکتر شریعتی سالن ورزش مملو از دانشجویان بود و همه چند ساعت منتظر دکتر نشسته بودند. دکتر به دلایل امنیتی و مداخله ساواک دیر به مراسم رسید و سخنرانی ایشان با عنوان «از کجا آغاز کنیم» تا دیروقت ادامه یافت. بعضی از دانشجویان در یادداشتی از دکتر خواستند سخنرانی‌شان را تمام کنند. اما دکتر پشت میکروفون اعلام کرد: شما که دیدید من دیر آمدم، معلوم نیست از اینجا که بروم به مشهد برسم یا دوباره بگذارند که بیایم. باید از فرصت استفاده کنم و مطلبی را که شروع کرده‌ام، تمام کنم. مطالب گفتنی زیاد دارم و معلوم نیست چقدر عمر کنم. اگر می‌خواهید مکث می‌کنم، کسانی که می‌خواهند بروند، بروند. بعد از آن، هیچ کدام از دانشجویان اعتراض نکردند و دکتر سخنرانی‌اش را تا آخر ادامه داد.

بازدیدهای علمی

دانشجویان دانشکده‌های مختلف در برنامه‌ها و گروه‌های متعددی از مراکزی مانند مکروویو اسدآباد، سدهای مختلف، کارخانه‌های ساسان، جنرال قند، زامیاد، پارس الکتریک، جنرال موتورز، مینو، ایران ناسیونال، رنگ ایران، پالایشگاه تهران، پتروشیمی آبادان، پالایشگاه نفت آبادان، آلومینیوم سازی ایران، ماشین سازی اراک، ماشین سازی تبریز، بلبرینگ سازی ایران، تراکتورسازی تبریز و... بازدید می‌کردند.

● **نشریات دانشجویی:** نشریه دانشجویی آریامهر، به همت دانشجویان دانشگاه منتشر می‌شد. سردبیر نشریه حمید مصدق و اعضای هیئت تحریریه آن لادن تبریزی، واهه مقدسیان، سیامک دشتی، دیوید قهرمان و جمشید لولاچی بودند. راه اندازی و انتشار مجله ریاضی در سال ۵۲، با عنوان الگوریتم

۱ دکتر موسوی گرم‌رودی در خاطرات خود می‌گوید: شهید شریف واقفی تصمیم گرفت در مقابل جشن تاجگذاری، جشنی برای یکی از ائمه بگیرد. اتفاقاً تولد حضرت مهدی (عج) مصادف با اوایل سال تحصیلی بود. او با شهید مطهری در این باره صحبت کرد و علاوه بر کمک دانشجویان، مبلغی را هم از رئیس دانشگاه گرفت. در نتیجه توانست جشن بسیار باشکوهی برگزار کند که شهید مطهری در آن حضور داشت و سخنران بود. از جلوی درب جنوبی دانشگاه تا سالن اجتماعات کنارهای قرمز پهن کرده بودند و بیش از ۳۰۰ دانشجو لباس متحدالشکل پوشیده بودند که روی بازویشان نوشته شده بود: سرویس امام زمان (عج). طبق معمول سخنران شهید مطهری بود. شریف واقفی به استاد مطهری گفته بود: «چون یکی از اساتید دانشکده ادبیات آمده و برای جشن تاجگذاری قصیده گفته است، من شاعری می‌خواهم که در جشن حضرت صاحب قصیده بگوید.» استاد مرا معرفی کردند که فلائی هست و شعر نو می‌گوید. قصیده هم می‌تواند بسراید. شما اگر از قول من بگویید، قبول می‌کنم. من آن زمان بیشتر به شاعر نوپرداز مشهور بودم. ایشان به من زنگ زد و قول گرفت و بحمدالله شعر معروف خورشید پنهان را گفتم. شریف واقفی به عمد آن استاد ادبیات را هم دعوت کرد. وقتی این شعر را خواندم و پایین آمدم، آن شخص که در ردیف جلو هم نشسته بود، نیم‌خیز شد و تواضعی ابراز نمود.

به همت دکتر بهزاد نیز از فعالیتهای انتشاراتی دانشجویان در این دوره محسوب می شود. این مجله که دارای هیئت تحریریه دانشجویی بود، تا پیروزی انقلاب اسلامی منتشر می شد.

برنامه های ورزشی

فعالیت های ورزشی در کنار برنامه های درسی از برنامه های جذاب برای دانشجویان دانشگاه بود. با گذشت زمان، کسب تجربه و ارتباط با گروه های دیگر فعالیت ورزشی دانشجویان پیشرفت کرد و دانشجویان در مسابقات دانشجویی رتبه های بالایی کسب کردند. گروه کوه از گروه هایی بود که با حضور تعداد زیادی از دانشجویان در دانشگاه فعالیت می کرد و سال ۱۳۴۸ توانست اولین برنامه نوروزی را اجرا کند. در نوروز ۱۳۵۱ دانشجویان گروه کوه، به کرمان رفتند و برای اولین بار در ایران، به قله های بحر آسمان صعود کردند. سپس به جبال بارز و ایرانشهر رفته و بزمان را هم فتح کردند. این برنامه به مربیگری بهمن شهروندی و با حضور ۲۱ نفر از اعضای گروه اجرا شد. شرکت در فعالیتهای اجتماعی مثل کمک به زلزله زدگان و ساخت پناهگاه^۱ بخش دیگری از فعالیتهای گروه کوه بود.

در طی این سال ها، فعالیتهای ورزشی دانشگاه در سایر رشته های ورزشی ادامه یافت. سال ۱۳۴۹ فعالیتهای گسترش یافت و دانشجویان در مسابقات دانشکده ای در تمامی رشته های ورزشی با هم رقابت کردند. ابتدای تیرماه ۱۳۵۰، استخر شنای دانشگاه با کوشش کارمندان تربیت بدنی و همکاری سایر قسمت ها راه اندازی شد و مدتی بعد، مسابقات شنا بین دانشجویان یا بین استادان و کارمندان برگزار می شد. همچنین تیم های شطرنج و پینگ پنگ دانشگاه برای شرکت در مسابقات قهرمانی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی به اردوی بابلسر اعزام شدند. در مسابقات پینگ پنگ، با وجود تلاش های فراوان تیم دانشگاه مقامی به دست نیاورد. اما در مسابقات شطرنج، تیم دانشگاه با برتری کامل، رقبای خود را شکست داد و مقام اول دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی را کسب کرد. علاوه بر رشته های موجود در دانشگاه، تعدادی از دانشجویان در مسابقات قایق رانی و اسکی روی آب که از طرف فدراسیون قایق رانی و اسکی در دریاچه سد امیرکبیر انجام گرفت، شرکت کردند. آقای امیر رجبی فخاری در قسمت قایق رانی و اسکی روی آب قهرمان مسابقات شد.

اعزام دو نفر از کادر تربیت بدنی دانشگاه، برای شرکت در برنامه های آموزشی ژیمناستیک به برلین، فعالیت گروه اسکی دانشگاه در بیست دیزین و برگزاری مسابقات متعدد درون دانشگاهی در رشته های فوتبال، پینگ پنگ، شطرنج و شنا از دیگر فعالیتهای دانشگاه در زمینه تربیت بدنی این دوره بوده است.

۱ - پناهگاه هایی که اعضای گروه کوه ساختند، عبارت اند از: جان پناه دنا که احمد سیاه، رضا طاهری و پورکاشانیان کار ساخت آن را به عهده داشتند؛ پناهگاه خراسان، سیاه سنگ و تخت سلیمان؛ پناهگاه سمرغ که در قسمت عمده طرح و ایده پردازی آن بهمن شهوندی نقش داشت و حسن مرتضوی، رضا طاهری، احمد شاه سیاه و جواد ضابطیان در ساخت آن مشارکت داشتند؛ پناهگاه روی قله مرجیکش؛ پناهگاه جویبار.

دانشگاه صنعتی آریامهر در مقابل آریامهر

بعد از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و پیش از سال ۱۳۴۸، خفقان سیاسی بر دانشگاه‌های کشور حاکم بود و با سرکوب شدن گروه نهضت آزادی و جبهه ملی هیچ تشکل سیاسی علنی در دانشگاه‌ها فعالیت نمی‌کرد. با مرور زمان، گروه‌های مبارز چپ و مذهبی به تدریج توانستند جای گروه نهضت آزادی و جبهه ملی را گرفته و خود پرچمدار مبارزه با رژیم شوند. گروه‌های تازه تأسیس تا سال ۱۳۴۹ مخفیانه در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کردند و بعد از آن به تدریج فعالیت‌هایشان را در دانشگاه علنی کردند. در این میان، گروه‌های مذهبی دانشگاه صنعتی آریامهر از سال ۱۳۴۹ به بعد با تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان و نمازخانه در طبقه سوم ساختمان مجتهدی و همچنین تعاونی مصرف دانشجویان و فعالیت‌هایی مانند کوهنوردی در کنار گروه‌های چپ فعالیت خود را آغاز کردند. انجمن اسلامی نهارخوری و سالن ورزشی را در اختیار داشت. در فروشگاه تعاونی دانشجویان فعال انجمن، لوازم تحریر، روپوش آزمایشگاهی و در حقیقت کتاب‌های نایاب سیاسی می‌فروختند. دانشجویان انجمن، در یکی از اتاق‌های خوابگاه، یعنی اتاق ۳۱۹، بیشتر اعتصاب‌ها را برنامه‌ریزی می‌کردند. با اعلام موجودیت گروه‌های سیاسی جدید، تعدادی از دانشجویان به عضویت این گروه‌های سیاسی درآمده و بستر مناسبی برای فعالیت‌های اعتقادی و بحث‌های سیاسی اجتماعی در دانشگاه ایجاد کردند. یکی از گروه‌های مبارز سیاسی که طرفداران زیادی بین دانشجویان پیدا کرد، سازمان مجاهدین خلق^۱ بود. این سازمان با هدف ایجاد تغییرات اساسی در حکومت، قطع وابستگی کشور به غرب و ایجاد نظام بی‌طبقه توحیدی در جامعه تأسیس شد. هسته اصلی این سازمان را دانشجویان دانشکده فنی و کشاورزی دانشگاه تهران، پلی‌تکنیک و دانشگاه صنعتی آریامهر تشکیل داده بودند. علی باکری، مجید شریف واقفی، مرتضی صمدیه لیا، بهرام آرام و وحید افراخته از جمله افرادی از دانشگاه صنعتی آریامهر بودند که در این سازمان مشارکت فعال داشتند. حضور اعضای اصلی و فعال سازمان‌های سیاسی بین دانشجویان و استادان نقش مهمی در هدایت و جریان‌سازی فعالیت سیاسی دانشگاه‌ها داشت. با آنکه نام دانشگاه، منسوب به شخص شاهنشاه بود و تولید آن نیز بر عهده شخص شاه بود، اما به دلیل دو ویژگی نخبه بودن و شهرستانی بودن اکثر دانشجویان، دانشگاه صنعتی آریامهر یکی از پیش‌تازان نگاه انتقادی و مبارزه با نظم سیاسی حاکم بر جامعه آن دوران محسوب می‌شد.

۱ - وابستگی نظام سیاسی موجود به غرب و دخالت آن‌ها در اداره کشور، فساد گسترده سیاسی، مالی و فرهنگی در ایران، عقب‌افتادگی ایران، فاصله طبقاتی شدید در کشور و رواج بی‌بندوباری و استبداد به‌عنوان ریشه‌های اعتراضات سیاسی در این دوره شمرده می‌شود.

۲ - سازمان مجاهدین خلق حدود سال ۱۳۴۴ تأسیس شد. اعضای اصلی این سازمان از جناح مذهبی جبهه ملی و نیز اعضای نهضت آزادی بودند. علی اصغر بدیع‌زادگان، محمد حنیف‌زاد، سعید محسن، محمد عسگری‌زاده، عبدالرسول مشکین‌فام و احمد رضایی، هسته اصلی این سازمان را تشکیل دادند. این هسته به تدریج به شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز و... گسترش یافت. اعضای سازمان مجاهدین از میان روشنفکران نسل جوان اما با پایگاه‌های اجتماعی متفاوت و غالباً از خانواده‌های شیعه‌مذهب بودند که بیشتر از بین دانشجویان دانشکده فنی و کشاورزی دانشگاه تهران، پلی‌تکنیک و دانشگاه صنعتی آریامهر عضوگیری می‌شدند. مجید شریف‌واقفی و مرتضی صمدیه لیا و... از دانشجویانی بودند که در دانشگاه صنعتی آریامهر تحصیل می‌کردند. آرمان این سازمان ایجاد تغییرات اساسی و پایان دادن به وابستگی کشور و حکومت به غرب و ایجاد نظام بی‌طبقه توحیدی در جامعه بود. دیدگاه‌های آن‌ها تلفیقی از مبانی دینی و تفکرات مارکسیستی بود.

نمازخانه

دانشگاه ابتدا نمازخانه نداشت و دانشجویان مجبور بودند برای خواندن نماز تا مسجد کنار کارخانه زمزم فعلی بروند و دوباره به دانشگاه برگردند. یکی از دانشجویان به دکتر مجتهدی انتقاد کرد و به او گفت که در یک ساعت وقت نهار تا بروند مسجد نماز بخوانند و برگردند، طول می کشد. دانشجویان تا بعد از ظهر کلاس دارند، اگر بخواهند نمازشان را بعد از کلاس بخوانند، نمازشان قضا می شود. بعد از آن دکتر مجتهدی فضایی به عنوان نمازخانه در اختیار دانشجویان قرار داد. اولین نمازخانه دانشجویان در ساختمان اداری فعلی دانشگاه قرار داشت. بعدها دانشگاه یکی از اتاق های طبقه سوم ساختمان مجتهدی (الف ۲۶) را فرش کرد تا دانشجویان و استادان بتوانند در آنجا نماز بخوانند. این محل به تدریج به پاتوق بچه مسلمان ها تبدیل شد. در این نمازخانه، چند قفسه کتاب وجود داشت که بیشترشان را کتاب های مذهبی و سیاسی مثل کتاب های مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، شهید مطهری و سایر نویسندگان مذهبی تشکیل می داد. نماز جماعت به امامت یکی از دانشجویان برگزار می شد و دانشجویان بین دو نماز، به جای تعقیبات معمول، مقالات سیاسی و مذهبی می خواندند. این نمازخانه یکی از مراکز جذب دانشجویان جدیدالورود به فعالیت های مذهبی سیاسی بود. دانشجویان مسلمانی که در این محل جمع می شدند و با هم نماز می خواندند، گرایش های مختلف مذهبی داشتند.^۱

اولین جرقه های سیاسی در دانشگاه صنعتی آریامهر

فعالیت سیاسی دانشجویان اواخر بهمن سال ۱۳۴۸ و به بهانه افزایش قیمت بلیت شرکت واحد اتوبوس رانی وارد مرحله جدیدی شد. پیش از آن، اعتراض دانشجویان به صورت پراکنده و محدود به مسائل صنفی، مثل نحوه برگزاری امتحان، خدمت سربازی، شهریه و... بود؛ اما تظاهرات منسجم دانشجویان در اسفند سال ۱۳۴۸ رنگ و بوی سیاسی داشت. دانشجویان، دانش آموزان، کارگران، کارمندان و پیشه وران، برای رفت و آمد در شهر از اتوبوس استفاده می کردند و همه مخالف افزایش قیمت بلیت بودند. به همین دلیل، دانشجویان قرار گذاشتند به صورت هماهنگ روز دوم اسفند در اعتراض به افزایش چند برابری نرخ اتوبوس رانی تظاهرات کنند و از مردم خواستند در اعتراض به گران شدن قیمت بلیت سوار اتوبوس نشوند. عده ای هم برای نشان دادن اعتراض روی در و دیوار شهر شعار می نوشتند. دوم اسفند ۱۳۴۸، دانشجویان دانشگاه های تهران، پلی تکنیک، دانشسرای عالی و دانشگاه صنعتی آریامهر با سر دادن شعارهایی مثل «دزدی ز کیسه ما ای نابکار کافی است»، «شرکت

۱ مهندس شافعی می گوید: اگر نماز را به عنوان شاخصی از میزان گرایش افراد به مذهب بدانیم تقریباً یک پنجم دانشجویان مقید به خواندن نماز در نمازخانه بودند. انجمن اسلامی با ماهیانه اندک ده تومانی که از دانشجویان عضو می گرفت کتابخانه و انجمن را اداره می کرد. دانشجویان مذهبی به چند گروه تقسیم می شدند: گروه اول که اکثریت را تشکیل می دادند عضو هیچ دسته و سازمانی نبودند و رابطه سنتی را با علائق مذهبی حفظ می کردند. گروه دوم هواداران گروه های سیاسی و مذهبی میانه رو نظیر نهضت آزادی بودند. گروه سوم علاقمندان انجمن حجتیه بودند که به مناسبت های مذهبی تعلقاتی داشتند. گروه چهارم اعضا و هواداران سازمان سیاسی نظامی مجاهدین خلق بودند. از سال های ۵۲-۵۳ اشخاصی ضمن اعراض از مجاهدین خلق، گروه های زیرزمینی مذهبی و سیاسی ایجاد کردند و بعد انقلاب در سازمان مجاهدین انقلاب متشکل شدند. غالب افراد این طیف ها به شرکت در مراسم حسینیه ارشاد که بیشتر بوسیله مرحوم دکتر شریعتی برگزار می شد، علاقمند بودند. حسینیه ارشاد، مسجد الجواد، مسجد قبا، کانون توحید و مسجد جلیلی مرکزی بودند که با حضور فضلالی چون شهید مطهری، شهید مفتاح، مرحوم موسوی اردبیلی و مرحوم مهدوی کنی بتدریج به کانون های فعالی در جذب دانشجویان مذهبی تبدیل شد.

واحد دزد است»، «این رنگ سرخ واحد باشد ز خون ملت»، «خیزید ز بیدادگران داد بگیرید» کلاس‌های درس را تعطیل و در محوطه دانشگاه‌ها تجمع کرده و تظاهرات کردند. شعارهایی که دانشجویان دانشگاه‌ها به صورت هماهنگ سر می‌دادند، نشان می‌داد اعتراضات محدود به ناراضیاتی از افزایش نرخ اتوبوس‌رانی نیست و با اهداف دیگری از سوی فعالان سیاسی هدایت می‌شود. در این تظاهرات، حدود ۲ هزار نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران در محوطه دانشگاه تجمع کرده و شعار می‌دادند و پلیس مانع خروج دانشجویان از دانشگاه شده بود. در دانشگاه صنعتی آریامهر، علاوه بر دانشجویان، چند نفر از استادان به سمت نیروهای پلیس سنگ پرتاب کرده و همه قصد داشتند از دانشگاه خارج شوند. اما پلیس با گاز اشک‌آور معترضان را به داخل دانشگاه راند و وارد فضای دانشگاه شد. در این درگیری تعدادی از دانشجویان مضروب شدند.

بعد از ظهر همان روز، جلسه‌ای با حضور تیمسار نصیری، رئیس ساواک، تیمسار مقدم، تیمسار مبصر، رؤسای دانشگاه‌ها و شهردار تهران در دفتر نخست‌وزیر وقت، هویدا، برگزار شد. تیمسار مقدم با اشاره به موضوع آیین‌نامه جدید دانشگاه متذکر شد در دانشگاه صنعتی آریامهر علاوه بر افزایش نرخ اتوبوس، اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه‌های داخلی^۱ دانشگاه بر ناراحتی دانشجویان افزوده و در واقع بخشی از دانشجویان در اصل به این ماده اعتراض کرده‌اند. قضیه از این قرار بود که حدود یک سال پیش، یعنی ۲۷ بهمن ۱۳۴۸، آیین‌نامه‌ای در دانشگاه تصویب شده بود که بنا بر ماده ۱۳ آن، دانشجویان با معدل کمتر از ۱۰ در دو ترم متوالی، باید از دانشگاه اخراج می‌شدند. با اجرای آیین‌نامه، مشخص شد ۴۶ نفر از دانشجویان دانشگاه مشمول ماده ۱۳ هستند و از ادامه تحصیل آن‌ها در دانشگاه جلوگیری خواهد شد. با ابلاغ حکم اخراج، دانشجویان به این مسئله اعتراض کرده و اعلام کردند این ماده هنگامی به اطلاع آن‌ها رسیده و به مرحله اجرا گذاشته شده که هیچ دانشجویی نمی‌توانسته وضعیت خود را با آن تطبیق دهد. عده‌ای از دانشجویان که فرصت کافی برای کسب معدل لازم نداشتند، خواستار تجدیدنظر در ماده ۱۳ بودند تا بتوانند در امتحانات نیم‌سال بعد شرکت کرده و کسر معدلشان را جبران کنند. دانشجویان نامه‌ای هم به تولیت عظامی دانشگاه، یعنی شخص شاه نوشتند. بحث اخراج این دانشجویان تا ترم دوم تحصیلی سال ۱۳۴۸ ادامه پیدا کرد و برخی از این دانشجویان معترض به ماده ۱۳ هم به صورت فعال در تظاهرات اسفندماه دانشگاه شرکت کردند. تیمسار نصیری، رئیس ساواک در پایان جلسه متذکر شد ملایمت اوضاع را بدتر خواهد کرد و در صورت ادامه یافتن این وضع، دامنه اعتراضات به مردم عادی و دبیرستانی‌ها هم سرایت خواهد کرد. به همین دلیل، نخست‌وزیر بعد از

۱- ماده ۱۳. شرط ادامه تحصیل در دانشگاه: هر گاه معدل متوالی دانشجویی از ۱۰ کمتر شود، این امر به منزله اخطار به دانشجو تلقی می‌شود و در صورتی که دانشجو نتواند در نیم‌سال بعد معدل متوالی خود را به ۱۰ برساند، اجازه ادامه تحصیل در دانشگاه نخواهد داشت. تبصره: دانشجویی که طبق این ماده به اخطار شده باشد، تا زمانی که معدل هر یک از نیم‌سال‌های بعدی وی از ۱۱/۵۰ کمتر نشود (ولو آنکه معدل متوالیش به ۱۰ نرسد) اجازه دارد به تحصیل خود در دانشگاه ادامه دهد. معدل فوق هر دو سال با توجه به معدل متوسط دانشجویان بررسی خواهد شد. دانشجویی که در ۱۴۰ واحد درسی مورد پذیرش دانشکده مربوط قبول شده باشد ولی معدل متوالی وی به ۱۰ نرسیده باشد، موظف است با ثبت نام در واحدهای اضافی معدل خود را به ۱۰ برساند تا موفق به اخذ دانشنامه لیسانس شود.

تماس تلفنی با شاه و تبادل نظر با او برای جلوگیری از گسترش این اعتراضات و کنترل آن دستور بسته شدن دانشگاه و موارد دیگری^۱ را صادر کرد.

شاه به سازمان اطلاعات و امنیت کشور دستور داد در اسرع وقت، ریشه‌های تحریک را کشف کنند و اجازه ندهند اعتراضات گسترش یابد. او نیروی نظامی و شهربانی را موظف کرد با اعتراض دانشجویان در محوطه دانشگاه‌ها کاری نداشته باشند، اما اجازه ندهند تظاهرات به بیرون از دانشگاه کشیده شود. برای اجرای این دستورات، گردان‌های چترباز در اطراف همه دانشگاه‌ها در حالت آماده‌باش قرار گرفتند.

پس از این ماجرا و با گسترش اعتراضات به روز ۳ اسفند، روز ۴ اسفند، درهای دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی آریامهر، پلی تکنیک و دانشسرای عالی بسته شد و دانشجویان در اطراف دانشگاه‌ها پراکنده شدند. بر اساس گزارش ساواک، در این روز با بسته شدن در دانشگاه، نزدیک ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر ساعت ۹ صبح در ۱۰۰ متری دانشگاه روی زمین نشستند و به مرور زمان، دانشجویان بیشتری به جمعشان افزوده شدند. گروه‌های ۵۰، ۶۰ نفری دانشجویان دانشگاه‌های دیگر در خیابان‌های اطراف دانشگاه‌ها و سایر خیابان‌های شهر پراکنده شده و با سر دادن شعارهایی علیه شرکت واحد، مردم را تشویق می‌کردند سوار اتوبوس نشوند. عده دیگری شیشه اتوبوس‌ها را شکسته و مانع حرکت آن‌ها شدند. با گسترش دامنه اعتراضات، بعد از ظهر همان روز، تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستان البرز و خوارزمی هم به صف تظاهرکنندگان پیوستند. عده‌ای از دانشجویان و دانش‌آموزان معترض به طرف بازار حرکت کرده و سعی کردند بازاری‌ها را با خود همراه کنند. دانشجویان در ادامه قصد داشتند در میدان بهارستان و مسجد شاه تجمع کرده و در روزهای آتی این اعتراضات را به ورزشگاه امجدیه (شهید شیری) فعالی بکشاند که موفق نشدند. در این درگیری‌ها حدود ۱۰۲ دستگاه اتوبوس آسیب دید و شیشه‌های ۳۰ باجه بلیت‌فروشی شکسته شد و برای کنترل اعتراض، ۵۵۰ نفر دستگیر شدند. از این تعداد، ۴۷۰ نفر آزاد و ۶۵ نفر همچنان در بازداشت باقی ماندند.

دولت بالاخره بعد از اعتصابات چند روزه دانشگاه‌ها، مدارس و مؤسسات آموزشی، نرخ بلیت اتوبوس‌ها را به نرخ سابق برگرداند. به این ترتیب، اعتراضات دانشجویان پایان یافته و دانشگاه‌ها از ۹ اسفند باز شدند. یکی از افراد ساواک در گزارش محرمانه ۹ اسفند درباره دانشگاه صنعتی آریامهر نوشت: «با چند تن از دانشجویان هنگام خروج از دانشگاه مصاحبه کردم. عموماً اظهار کردند دوستان ما را که گرفته‌اند، آزاد کرده‌اند. اما نمی‌دانیم که آیا برای آن‌ها پرونده‌سازی کرده‌اند و بعدها به سراغشان خواهند آمد یا نه.

۱ - نخست‌وزیر دستور داد رئیس اتوبوس‌رانی (بیلان شرکت خصوصی) در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کند اگر قیمت بادمجان و پیاز بالا برود، کسی گله نمی‌کند ولی حالا می‌کند و بگوید ما هم اعلام می‌کنیم که اگر ادامه دهند، تعطیل می‌کنیم. رؤسای دانشگاه‌ها موضوع گفته رادیو بغداد را برای دانشجویان بگویند و توضیح دهند که عوامل محرک بین شما هست که این کار را می‌کنند. اگر مشکلی دارید که دانشگاه همیشه حاضر بوده وضع شما را مطالعه کند. خبر خارجی داده شود (به رسانه‌های خارجی). روزنامه‌ها تذکر دهند که سر و صداها کار واقعی دانشجویی نیست و یک عده مخرب بین آن‌ها هست. گرداگرد دانشگاه‌ها مأمور گذاشته شود. دبیرستان‌های حومه دانشگاه‌ها تحت نظر گرفته شود.



به هر حال، فعلاً چون آزادند، ما دیگر کاری نداریم و به درس خود ادامه خواهیم داد».

فعالیت سیاسی جان می‌گیرد

بعد از اتمام ماجرای گرانی بلیت اتوبوس، فضای دانشگاه‌ها به حالت عادی برگشت و این وضعیت تا اواسط نیم‌سال اول سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹ برقرار بود. دور دوم اعتراضات دانشگاه از آذر همان سال آغاز شد. ۷ آذرماه ۱۳۴۹، دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران در اعتراض به برنامه‌های امتحانات ترم جاری کلاس‌های درس را تعطیل کردند. ۸ آذر، دانشجویان دانشکده علوم، ادبیات و فنی کلاس‌های درس را تعطیل کرده و به معترضان پیوستند. دانشجویان به تغییر برنامه امتحانی دانشجویان دانشکده حقوق از ۲۰ تا ۳۰ روز به ۸ روز، تداخل امتحانات دانشکده ادبیات، استعفا و برکناری استادان مورد احترام دانشجویان دانشکده حقوق به دلیل مخالفت رئیس دانشگاه با آن‌ها، اهانت برخی استادان به دانشجویان و اخراج دانشجویان معترض به برنامه‌های امتحانی اعتراض داشتند. با بالا گرفتن تظاهرات دانشجویان در داخل دانشگاه، پلیس تصمیم گرفت وارد عمل شود. نیروهای پلیس وارد محوطه دانشگاه شده و بعد از چند بار اخطار، به دانشجویان حمله کرده و بعد از ضرب و شتم آن‌ها، عده‌ای را بازداشت و سوار کامیون پلیس کردند و با خود به کلاتری بردند. ورود پلیس به دانشگاه و حمله به دانشجویان، سبب خشم آن‌ها شد و در نتیجه اعتراضات گسترده‌تر شد. به دنبال این حمله، اعلام شد دانشگاه چند روز تعطیل است. با تعطیلی دانشگاه، زمزمه‌هایی در دانشگاه صنعتی آریامهر و پلی‌تکنیک شنیده می‌شد که اگر به خواسته دانشجویان دانشگاه تهران ترتیب اثر داده نشود، دانشجویان این دانشگاه‌ها نیز برای پشتیبانی از دانشجویان دانشگاه تهران به پا خواهند خواست.

دانشگاه تهران پنج روز تعطیل بود و روز ۱۴ آذر دوباره باز شد. اما باتوجه به اینکه دو روز بعد دانشجو بود، برای جلوگیری از اعتصاب احتمالی، اعلام شد دانشگاه از این تاریخ به مدت یک هفته دوباره تعطیل است. دانشجویان دانشگاه‌های دیگر مراسم روز دانشجو را برگزار کردند. بر اساس اسناد ساواک، روز ۱۶ آذر سال ۱۳۴۹^۱ در دانشگاه صنعتی آریامهر دانشجویان به کلاس‌ها نرفته و به صورت دسته‌های چهار و پنج نفری در محوطه دانشگاه پراکنده شدند و از ساعت ۱۲ به تدریج محوطه دانشگاه

۱- در دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰، پس از سقوط حکومت رضاشاه پهلوی و ایجاد فضای بازتر، فعالیت‌های سیاسی بین دانشجویان دانشگاه تهران، یعنی تنها مؤسسه مدرن آموزش عالی آن زمان در ایران افزایش یافت. در این دوران حزب توده بین دانشجویان نفوذ زیادی داشت اما در دوران نخست‌وزیری محمد مصدق و افزایش محبوبیت جبهه ملی در اوایل دهه ۳۰، محوریت این حزب در دانشگاه به چالش کشیده شد. مدتی بعد اعلام شد روابط ایران و بریتانیا که زمان نخست‌وزیری مصدق قطع شده بود، از سر گرفته خواهد شد و ریچارد نیکسون، نایب ریاست جمهوری وقت آمریکا، برای دیدار رسمی به ایران خواهد آمد. این موضوع بهانه لازم برای اعتراضات را فراهم کرد و ۱۴ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان فعال به سخنرانی در کلاس‌ها پرداختند و ناآرامی تمامی محوطه دانشگاه تهران را فرا گرفت. دولت وقت برای پیشگیری از هرگونه اقدام بعدی تصمیم به سرکوب اعتراضات گرفت. سربازان و نیروهای ویژه ارتشی پس از هجوم به دانشگاه، به کلاس‌های درس حمله کرده و صدها دانشجو را بازداشت و زخمی کردند. نیروهای امنیتی در دانشکده فنی اقدام به شلیک تیر کردند که موجب مرگ سه دانشجوی این دانشکده شد. فردای آن روز نیکسون به ایران آمد و دکترای افتخاری در رشته حقوق را در دانشگاه تهران که در اشغال مشهود نیروهای نظامی بود، دریافت کرد. وقایع آذر ۱۳۳۲، نمایانگر واکنش دولت کودتا به فعالیت‌های دانشجویی بود و به دنبال آن سرکوب نظام‌مند تمامی اشکال دیگر مخالفت‌ها، روی داد. از آن روز به بعد، ۱۶ آذر روز دانشجو نامیده شد. دانشجویان پس از آن، هر سال در این روز اعتصاب‌های دانشجویی به راه می‌انداختند و در واقع ۱۶ آذرماه به معیار خوبی برای ارزیابی میزان نفرت از حکومت شاه و توانایی و نفوذ مخالفان تبدیل شد.



را ترک کردند. بر اساس مستندات و گزارش‌های موجود از وقایع دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی که از سال ۱۳۴۹ موجود است، تا به این سال، هیچ‌گونه مراسم یا تجمع و اعتراضی از سوی دانشجویان در روز ۱۶ آذر در دانشگاه‌های کشور ثبت نشده است و تجمع و اعتراض دانشجویی در ۱۶ آذر آن سال که در سه دانشگاه صنعتی آریامهر، ملی و دانشسرای عالی برپا شد، زمینه‌ساز برگزاری مراسم و اعتراضات دانشجویی سال‌های بعد در این روز شد.

بر پایه گزارش‌های ساواک، از این سال به بعد تا پیروزی انقلاب اسلامی، تقریباً هر سال در روز ۱۶ آذر دانشجویان دانشگاه‌های مختلف به بهانه بزرگداشت این روز، تجمع می‌کردند. بعد از ۱۶ آذر ۱۳۴۹ فضای دانشگاه‌ها آرام بود. با بازگشایی دانشگاه تهران در ۲۲ آذر، به بهانه اعتراض به بازداشت دانشجویان و حمله پلیس، تظاهرات دانشجویان این دانشگاه دوباره آغاز شده و ادامه پیدا کرد. روزهای بعد، این تظاهرات به دانشگاه‌های دیگر سطح تهران کشیده شده و دانشجویان دانشگاه‌های دیگر در حمایت از خواسته‌های دانشجویان دانشگاه تهران، دست به اعتراض و اعتصاب زدند. بر اساس گزارش ساواک، حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر ساعت ۱۰ صبح روز ۲۸ آذرماه پشت میله‌های قسمت جنوبی دانشگاه تجمع کرده و شعار دادند. ابتدا دانشجویان می‌گفتند «اتحاد، مبارزه، پیروزی، زندانیان ما را آزاد نسازید از پای نمی‌نشینیم ما، دانشگاه تعطیل است». بر پایه همین گزارش‌ها، بعد از حدود نیم ساعت شعارهای دانشجویان تغییر کرد و رنگ و بوی سیاسی‌تری به خود گرفت. آن‌ها فریاد می‌زدند «ما بردگان نیستیم آزاده‌ایم آزاده، این دانشگاه است یا زندان»، مضمون این شعارها، همان شعارهایی بود که دانشجویان دانشگاه تهران برای آزادی دانشجویان بازداشت شده سر می‌دادند.

با اوضاع پیش آمده، برای جلوگیری از گسترش روزافزون اعتصابات، بنا به تصمیم شورای دانشگاه تهران، اعلام شد از روز ۲۹ آذرماه دانشکده فنی به مدت یک نیم‌سال تحصیلی و سایر دانشکده‌ها به مدت نامعلومی تعطیل خواهند بود. این اقدام شورای دانشگاه سبب شد تا دانشجویان نتوانند به اعتراض خود ادامه دهند. اما دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر و دانشگاه ملی همچنان اعتراض می‌کردند.^۱

چون دانشگاه صنعتی آریامهر بعد از تعطیلی دانشگاه تهران، پرچمدار اعتراضات شده بود، مقامات بلافاصله دانشگاه را تعطیل کردند. به جز این دو دانشگاه، سایر دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی همچنان فعال بودند. تعطیلی این دو دانشگاه تا ۵۵ ماه ادامه داشت. در این روز و بعد

۱- در گزارش ساواک از روز ۲۹ آذر آمده: ساعت ۹:۴۵ جاری تعداد ۲۵۰ نفر از دانشجویان صنعتی آریامهر سه عدد پلاکاردها حمل می‌کردند که جملات زیر رویشان نوشته شده بود: «آزاده‌ایم، آزاده‌ایم، آزادی زندانیان را خواستاریم، ما بردگان نیستیم آزاده‌ایم، زندانیان ما را آزاد تا نسازید از پای نمی‌نشینیم»، پشت میله‌های قسمت جنوبی دانشگاه مذکور قرار گرفتند. ساعت ۱۰ تعدادی حدود ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر در مقابل در عمومی دانشگاه مزبور اجتماع کردند، مقامات دانشگاهی در اجتماع آنان حاضر و به آنان تذکر داده‌اند چنانچه از رفتن به کلاس‌ها خودداری و تظاهراتی بنمایند، از تاریخ سی ام آذرماه دانشگاه صنعتی آریامهر تعطیل و به مدت یک نیم‌سال از تحصیل محروم خواهند شد. ولی دانشجویان همچنان از رفتن به کلاس‌ها امتناع ورزیدند. ساعت ۱۱ روز جاری تعداد ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر با در دست داشتن پلاکاردی که روی آن نوشته شده: «آزادی زندانیان سیاسی را خواستاریم، آزاده‌ایم، آزاده‌ایم، ما بردگان نیستیم آزاده‌ایم» و با دادن همین شعارها در داخل دانشگاه حرکت نمودند.

از فروکش کردن التهاب حاکم بر فضای دانشگاه‌ها، دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی آریامهر دوباره فعالیت خود را آغاز کردند.

تصویب آیین‌نامه انتقال دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان

در فرمان تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر محل آن در تهران و هدف از آن ایجاد دانشگاهی برای رفع نیازهای تخصصی صنعتی کشور ذکر شده بود. اما به مرور زمان، چند نفر از افراد بانفوذ دست به کار شدند و شاه را قانع کردند تا دانشگاه صنعتی آریامهر را در اصفهان بسازد، زیرا کارخانه ذوب آهن در آن شهر قرار دارد. دکتر مجتهدی با تأسیس دانشگاه در اصفهان موافق نبود و به این دلیل که ساخت دانشگاه در اصفهان چند سال طول می‌کشید، به سرعت ساختمان‌های ارزان‌قیمتی در محل فعلی دانشگاه ساخت و اعلام کرد دانشگاه در سال تحصیلی جدید دانشجو می‌پذیرد. به این ترتیب، رقبا را در عمل انجام شده قرار داد. اما همان وقت، دکتر جمشید آموزگار، وزیر دارایی وقت، در هیئت امنای دانشگاه اعلام کرد حقوق بالایی استادان دانشگاه صنعتی آریامهر وقتی قابل توجه است که دانشگاه در شهرستان تشکیل شود. به همین دلیل در آن جلسه، محل دانشگاه اصفهان اعلام شد و مقرر شد که موقتاً تا پایان ساخت پردیس اصفهان، دانشگاه در تهران دانشجو بگیرد. به خاطر همین، از ابتدا جمله‌ای در تمام قراردادهای استخدامی کادر آموزشی و اداری گنجانده شد حاکی از آنکه هر زمان دانشگاه به اصفهان منتقل شود، کارمندان قبول کنند به اصفهان بروند و آنجا خدمت کنند.

دو سال بعد، استاندار اصفهان برای تأکید بر ساخت دانشگاه در اصفهان، دکتر مجتهدی و هیئت علمی دانشگاه را همراه خانواده‌هایشان به اصفهان دعوت کرد. در میهمانی شام استاندار اصفهان از اهمیت انتقال هر چه سریع‌تر دانشگاه به اصفهان گفت و دکتر مجتهدی در مقابل از لزوم آماده شدن ساختمان‌ها در تهران برای رفع نیازهای فوری دانشگاه. اما شاه پیش از افتتاح دانشگاه، فرمان انتقال دانشگاه به اصفهان را صادر کرده بود. مقدمات اجرای فرمان انتقال دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان در جلسه روز ۳۱ مرداد ۱۳۴۵ در هیئت امنای دانشگاه مطرح و نقشه ده قطعه زمینی که مساحت هر کدام حدود ۲ میلیون متر مربع بود، بررسی شد. زمین‌های مذکور از طرف برخی افراد برای ساخت دانشگاه به استاندار واگذار شده و استاندار آن را تقدیم شاه کرده بود. در جلسه هیئت امنای تصویب شد سه نفر از اعضا، یعنی مهندس لکستانی، مهندس ابودر و مهندس کمالی زیر نظر دکتر مجتهدی و نظارت مهندس صفاری و مهندس سردار افخمی، به اصفهان رفته و وضعیت را از نزدیک بررسی کنند. با عزل دکتر مجتهدی از سمت



نیابت تولیت دانشگاه، موضوع انتقال دانشگاه تا مدتی مسکوت ماند تا آنکه دکتر امین به سمت نیابت تولیت دانشگاه منصوب شد. در دوره ریاست دکتر امین، تدوین آیین‌نامه‌ها با جدیت و دقت بیشتری دنبال می‌شد. در جلسات شورای دانشگاه بیان شد فرمان انتقال دانشگاه به اصفهان با برخی از مفاد اساسنامه دانشگاه مغایرت دارد. در ماده یک و دوی اساسنامه، درباره مکان تأسیس دانشگاه آمده بود:

ماده ۱ با تولیت عالی‌ه شاهنشاه آریامهر دانشگاه صنعتی آریامهر برای مدت نامحدود در تهران تأسیس می‌شود.

ماده ۲ دانشگاه می‌تواند با پیشنهاد نیابت تولیت و تصویب هیئت امنا در شهرها شعبه تأسیس نماید. به همین دلیل، نیاز به تدوین آیین‌نامه‌ای برای انتقال دانشگاه به اصفهان بود. یکی از مهم‌ترین آیین‌نامه‌های تصویب شده در این دوره که بعدها باعث اعتراضات گسترده و وقایع زیادی در دانشگاه شد، موضوع انتقال دانشگاه به اصفهان بود. این آیین‌نامه بعد از تهیه در شورای دانشگاه، در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۸ به تصویب هیئت امنا رسید. آیین‌نامه انتقال دانشگاه به اصفهان ۵۲ ماده و ۳۰ تبصره داشت. بر اساس آیین‌نامه جدید، قرار بود پردیس دانشگاهی بزرگی در اصفهان ایجاد شود. بعد از تصویب این آیین‌نامه، دکتر امین، دکتر مهدی ضرغامی، یکی از استادان ریاضی دانشگاه را به عنوان معاونت خود در این حوزه منصوب کرد. پس از آن، برنامه‌ریزی برای احداث پردیس اصفهان آغاز شد.

برگزاری اولین جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه

با پایان سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸، دوره چهارساله دانشجویان ورودی ۴۵ دانشگاه به اتمام رسید و بیشتر دانشجویان فارغ‌التحصیل شدند. اولین مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان با حضور شاه و فرح و اعضای هیئت امنای دانشگاه و هم‌زمان با پنجمین سال تأسیس دانشگاه برگزار شد. در این مراسم، ابتدا شاه، به‌عنوان تولیت عظمای دانشگاه و همین‌طور هیئت همراه از دانشکده‌ها، کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و مرکز محاسبات، کتابخانه مرکزی و انتشارات بازدید کردند. در اولین جشن فارغ‌التحصیلی، ساختمان مرکز آموزش، ساختمان دکتر مجتهدی نام گرفت. سپس شاه و همراهان برای شرکت در جشن دانشجویان دوره اول به سالن ورزشی دانشگاه رفتند. در این مراسم علاوه بر استادان، دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اعضای هیئت امنا، شماری از مقامات سیاسی و علمی نیز حضور داشتند که حدود هزاروپانصد نفر می‌شدند. مراسم جشن با اجرای سرود ملی به وسیله ارکستر دانشگاه آغاز شد. سپس دکتر امین، نایب‌التولیه دانشگاه، گزارشی از وضعیت دانشگاه از ابتدای تأسیس ارائه کرد. بعد از ارائه

گزارش دکتر امین، آقای علینقی مشایخی به عنوان نماینده فارغ التحصیلان، خطابه‌ای ایراد کرد و بعد از آن، گروه کر دانشگاه، سرودی اجرا کردند. در ادامه، اسامی فارغ التحصیلان رتبه اول و دوم دانشکده‌های مختلف اعلام شد و شاه به آن‌ها جوایزی اهدا کرد. دکتر حصارکی، دکتر سلطانیه، دکتر کوبکی و دکتر مشایخی از استادان فعلی دانشگاه، از دانش‌آموختگان همین دوره‌اند.

دانشجویانی که موفق به کسب رتبه‌های اول و دوم شده بودند و در این مراسم جایزه دریافت کردند، عبارت بودند از:

● رتبه‌های اول

علینقی مشایخی در رشته مهندسی مکانیک، حسن عزیزی در رشته فیزیک، ژاله دیهیم در رشته ریاضی، سیدحسن اولیائی در رشته مهندسی متالورژی، مجید شریف‌نیا (واقفی) در رشته مهندسی برق و صدرالدین گلشن شیرازی در رشته مهندسی شیمی.

● رتبه‌های دوم

محمد مهدی سعادت‌پور در رشته مهندسی مکانیک، ویدا قائم‌مقامی در رشته فیزیک، محمود حصارکی در رشته ریاضی، محمود شیرینی در رشته مهندسی متالورژی، منوچهر فدایی تهرانی در رشته مهندسی برق و علی محقق در رشته مهندسی شیمی.

با وجود آنکه فقط تعداد کمی از ورودی‌های سال اول تأسیس دانشگاه دختر بودند، اما دو نفر از آن‌ها در بین ده نفر برتر فارغ التحصیلان دانشگاه قرار گرفته بودند. عکس‌های این ده نفر به همراه فهرست اسامی اولین گروه فارغ التحصیلان دانشگاه، به تفکیک دانشکده در شماره پنجم نشریه دانشگاه، بعد از اولین مراسم جشن فارغ التحصیلی و پنجمین سالگرد دانشگاه، چاپ شد.

بعد از اهدای جوایز، شاه سخنرانی کرده و نکاتی را درباره اهمیت دانشگاه و نیاز صنایع به مهندسان جوان کارآموده بیان کرد. شاه در سخنرانی خود به موضوع انتقال دانشگاه به اصفهان اشاره کرده و گفت: «امیدوارم این دانشگاه هر چه زودتر به مرکز اصلی خود که در اصفهان است، منتقل شود. دانشگاهی در آنجا تأسیس خواهیم کرد که هم از لحاظ بنا و هم از لحاظ کادر تعلیماتی حتماً بالاترین مؤسسات بین‌المللی بتواند رقابت و همکاری کند و شهرت آن نیز به همان تناسب عالمگیر شود».

در حاشیه مراسم، با همکاری وزارت فرهنگ و هنر نمایشگاهی از آثار نقاشی دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر و دانشجویان سایر دانشگاه‌ها دایر شده بود. بعد از بازدید شاه و همراهان از نمایشگاه نقاشی، مراسم پایان یافت.



اولین دوره جشن فارغ التحصیلی، نفر سوم سمت راست شهید شریف واقفی، ۱۳۴۹.



طبق گزارشی که دکتر امین در مراسم ارائه کرد، اعضای هیئت علمی در سال ۱۳۴۹ از ۷۵ استادیار و دانشیار، ۴۹ مربی و ۷۱ دستیار تشکیل شده بود. دکتر خاطر نشان کرد که اعضای هیئت علمی علاوه بر تدریس واحدهای آموزشی در فعالیتهای تحقیقات علمی پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند و نتایج تحقیقات آن‌ها در ۳۰ مقاله علمی و فنی نشریات علمی معتبر جهان منتشر شده است. همچنین اعضای هیئت آموزشی دانشگاه در ۱۱ کنفرانس علمی بین‌المللی شرکت کرده و در این کنفرانس‌ها مقالاتی ارائه داده‌اند. دکتر امین در بخش دیگری از گزارشش افزود که از آغاز سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ دانشگاه با سازمان‌ها و صاحبان صنایع ارتباط برقرار کرده و طی مدت دو سال، ۳۱ مؤسسه از خدمات دانشگاه استفاده کرده‌اند. در این گزارش اشاره‌ای هم به تشکیل انجمن‌های دانشجویی شد: «طبق سند شماره ۴ منشور انقلاب آموزشی، انجمن‌های دانشجویی ایجاد و گفت و شنود بین دانشجویان و استادان راهنما و سایر مسئولان دانشگاه برقرار شد. به سبب علاقه و کوشش دانشجویان و کارمندان آموزشی برای اعتلای دانشگاه مشکلات برطرف شده و تفاهم و همکاری لازم بین دانشجویان و دانشگاه به وجود آمده است.»



بازدید تولیت دانشگاه از نمایشگاه آثار هنری، ۱۳۴۹.



دکتر امین افزود بر اساس فرمان شاه بیش از ۱۶ میلیون مترمربع زمین در شمال اصفهان در اختیار دانشگاه قرار گرفته و پس از آن دفتر دانشگاه در این محل احداث شده است. اعتبار لازم برای تهیه طرح جامع دانشگاه در اصفهان از محل کمک‌های سازمان ملل متحد تأمین و مهندس مشاور آن نیز انتخاب شده است.

بر اساس همین گزارش، طی مدت چهارسال، یعنی از آبان ۱۳۴۵ تا آبان ۱۳۴۹، مساحت محوطه دانشگاه در تهران به ۱۴۳ هزار مترمربع رسیده و زیربنای ساختمان‌های آن (ساخته شده و در دست ساخت) تا ۵۸ هزار مترمربع گسترش یافته بود. ساختمان خوابگاه دانشجویان (خوابگاه زنگان) نیز در زمینی به مساحت ۸ هزار مترمربع با زیربنایی به مساحت ۵ هزار مترمربع با ظرفیت ۳۶۰ نفر احداث شد و در سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸ افتتاح و در اختیار دانشجویان قرار گرفت.

اولین فارغ‌التحصیلان دانشگاه

در پایان چهارمین سال تأسیس دانشگاه، ۲۶۳ نفر از اولین ورودی‌های دانشگاه در رشته‌های ریاضی،



عکس یادگاری اولین گروه فارغ التحصیلان دانشگاه، آبان ۱۳۴۹.

فیزیک، مهندسی برق، مهندسی شیمی، مهندسی متالورژی و مهندسی مکانیک در موعد مقرر فارغ التحصیل شدند. بیش از نیمی از این فارغ التحصیلان، بلافاصله پس از پایان دروس دانشگاه به استخدام سازمان‌ها و مؤسسات و دانشگاه‌ها درآمدند. در کمتر از چهارماه، ۱۰۱ نفر در شرکت ملی ذوب آهن ایران، ۲۵ نفر در دانشگاه، ۲۱ نفر در سازمان‌های برق منطقه‌ای تهران، خوزستان و گیلان، ۵ نفر در شرکت توانیر، ۴ نفر در سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران و ۱۰ نفر در دانشگاه‌های ملی ایران و جندی شاپور استخدام شدند.

اعتراض به کشتار کارگران کارخانه چیت کرج و حمله پلیس به دانشگاه صنعتی آریامهر

۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰، دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر در اعتراض به کشته شدن تعدادی از کارگران کارخانه چیت جهان به وسیله پلیس و جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تاسیس شاهنشاهی در محوطه دانشگاه تجمع کرده و با سر دادن شعارهایی علیه حکومت، آن را محکوم کردند. قضیه از این قرار بود که روز ۶ اردیبهشت، هزاروپانصد نفر از کارگران کارخانه پارچه‌بافی جهان چیت کرج در اعتراض به دستمزد کم



در محوطه کارخانه اعتصاب کردند و از صاحب کارخانه، محمدصادق فاتح یزدی، درخواست کردند طی سه روز به وضعیت آن‌ها رسیدگی کرده و حقوقشان را افزایش دهد. آن‌ها اعلام کردند اگر رئیس کارخانه به درخواستشان رسیدگی نکند، دست از کار خواهند کشید و اعتصاب خواهند کرد. صاحب کارخانه^۱ برای تهدید کارگران از پلیس کمک خواست. پلیس وارد کارخانه شد و با تهدید از کارگران خواست سر کارشان برگردند. روز ۸ اردیبهشت، سه روز مهلتی که کارگران به رئیس کارخانه داده بودند به اتمام رسید، اما پلیس کارگران را از محوطه کارخانه بیرون کرد. کارگران عصبانی شده و تصمیم گرفتند برای اعتراض به مسئولان به تهران بروند. آن‌ها به این امید که مسئولان به مشکلشان رسیدگی می‌کنند، راهی پایتخت شدند. در طول مسیر کارگران و مردم معترض دیگری به آن‌ها پیوستند، طوری که تعداد معترضان به ۳ هزار نفر رسید. نیروهای پلیس در محل کاروانسراستگی، مانع حرکت معترضان شده و از آن‌ها خواستند متفرق شوند. اما کارگران بدون توجه به تهدید و اخطار پلیس به راه خود ادامه دادند. پس از آن، پلیس با فرماندهی سرهنگ طاهری با چند کامیون ژاندارم، با تفنگ‌ها و مسلسل‌های آمریکایی و اسرائیلی کارگران کارخانه جهان چیت را در کاروانسرای سنگی به گلوله بستند. در این درگیری ۲۰ نفر از کارگران کشته و تعدادی زخمی شدند. پلیس تعداد زیادی از کارگران را هم بازداشت کرد.

با آنکه اصل خبر در روزنامه‌ها چاپ نشده و واقعیت طور دیگری منعکس شده بود، اما بالاخره خبر به گوش دانشجویان رسید و دانشجویان دانشگاه‌های تهران با شنیدن این خبر، در محکومیت این رفتار پلیس، دست به تظاهرات زدند. پس از گذشت چند روز از برگزاری تظاهرات در دانشگاه، روز ۱۲ اردیبهشت، نیروهای پلیس به فرماندهی سرهنگ طاهری^۲ وارد دانشگاه صنعتی آریامهر شده و حدود ۴۰۰ دانشجو و چند نفر از اعضای هیئت علمی را بازداشت کردند و با خودشان بردند.

با حمله پلیس، دانشجویان معترض به دفاع از خود برخاستند، اما نیروهای پلیس با تجهیزاتی که به همراه داشتند، شماری از دانشجویان و استادان دانشگاه را زخمی کردند. دانشجویان کم‌کم عقب‌نشسته و به داخل ساختمان‌ها پناه بردند. پلیس آن‌ها را تعقیب و عده زیادی را بازداشت کرد. بعضی از دانشجویان در اتاق‌های استادان پنهان شده بودند، اما پلیس به زور وارد همه اتاق‌ها می‌شد و دانشجویان را دستگیر می‌کرد. نیروهای پلیس در این حمله، خسارت زیادی به کتابخانه و آزمایشگاه‌های دانشگاه وارد کردند. اعتراض استادان به این اقدامات پلیس باعث شد آن‌ها به استادان هم توهین کرده و با آن‌ها هم درگیر شوند. دکتر امین، برای آنکه پلیس به دانشجویان صدمه نزنند، دنبالشان اتاق به اتاق می‌رفت. دکتر مهنا،

۱ - سه سال بعد، در ۲۰ مرداد ۱۳۵۳، فاتح در حالی که از تجربش عازم محل کار خود بود، ترور شد و در اعلامیه صادره از سوی چریک‌های فدایی خلق درباره ترور او آمده بود: «دادگاه انقلابی خلق فاتح را به خاطر نقش مؤثری که در کشتار کارگران جهان چیت به عهده داشت و به خاطر حق‌کشی‌های ظالمانه‌اش در حق کارگران به مرگ محکوم کرد و فاتح خونخوار را به سزای اعمال ننگینش رسانید». آنان در اعلامیه خود فاتح را «سرمایه‌دار زالوصفت و به قول خلق کرج چشم راست شاه خائن، مسبب اصلی این جنایت» معرفی کردند و سرانجام در «دادگاه خلق» او را محاکمه و محکوم به اعدام کردند.

۲ - سرهنگ سعید طاهری یکی از عوامل اصلی سرکوب قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ که در مقابله و مهار بسیاری از تظاهرات و راه‌پیمایی‌های دیگر مردم علیه رژیم پهلوی، مثل سرکوب تظاهرات ضد اسرائیلی مردم در مسابقات فوتبال ایران و اسرائیل سال ۱۳۴۹، حمله به کارگران اعتصابی کارخانه جهان چیت، پورش گارد شهربانی تحت فرماندهی وی به دانشجویان معترض و مخالف رژیم در دانشگاه صنعتی و دانشگاه تهران و... نقش مؤثر و چشمگیری داشت. او به خاطر انجام این خدمات به درجه سرتیپی ارتقا یافت و تا سال ۱۳۵۰ در ستاد فرماندهی کمیته‌ای که برای مقابله با اغتشاشات و تحریکات سیاسی در شهربانی به وجود آمده بود، به مقابله با گروه‌های مبارز سیاسی پرداخت و مبارزان بسیاری را بازجویی و شکنجه کرد. محمد مفیدی، محمدباقر عباسی به همراهی علیرضا سیاسی آشتیانی، از اعضای سازمان مجاهدین خلق، ساعت ۶ صبح روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۰، طاهری را ترور کردند.



یکی از استادان دانشکده شیمی هم دکتر امین را همراهی می کرد. آن روز سر دکتر اردبیلی جراحات برداشت و مهندس ابطی، از مرکز گرافیک مهندسی و دکتر مارکار گریگوریان، از استادان دانشکده سازه هم در حمله پلیس آسیب دیدند و دست دکتر گریگوریان شکست.^۱ استادان و دانشجویان انتظار نداشتند نیروی پلیس وارد دانشگاه شده و در محوطه دانشگاه معترضان را سرکوب کند و دانشجویان و استادان را مورد ضرب و شتم قرار دهد. روز بعد به طور غیررسمی از استادان دعوت شد تا در الف ۱ ساختمان دکتر مجتهدی (ابن سینیای فعلی) جمع شوند تا درباره برخورد پلیس با دانشجویان و استادان مشورت کنند. آن موقع دانشگاه حدود ۲۰۰ نفر هیئت علمی داشت. از این تعداد، حدود ۶۰ تا ۷۰ نفری در الف ۱ جمع شدند. از اعضای هیئت رئیسه کسی در جلسه نبود. پانزده دقیقه‌ای در سکوت گذشت. همه منتظر بودند اولین نفر بحث را شروع کند. دکتر اردلان جلوی تخته رفت و شروع به صحبت کرد و پیشنهاد داد اعضای هیئت علمی به نشانه اعتراض به طور دسته‌جمعی استعفا کنند. یکی دیگر از استادان دانشکده فیزیک مخالف پیشنهاد دکتر اردلان بود و دلایل خود را ذکر کرد اما دکتر اردلان یک بار دیگر صحبت کرد و گفت گزینه بهتری از استعفا نداریم. در نهایت استادان توافق کردند دسته‌جمعی استعفا کنند. دکتر ریاحی، معاون آموزشی و دانشجویی وقت و دکتر ضرغامی منتهی تهیه و ابتدا خودشان آن را امضا کردند و بعد از استادان موافق خواستند برای امضای نامه استعفا به دفتر معاون آموزشی بروند. پس از آنکه استادان دانشگاه نامه را امضا کردند، آن را به دفتر نخست‌وزیری فرستادند و فردای آن روز همه دست از کار کشیدند. استادان برگشت به کار را مشروط به عذرخواهی رسمی دولت و برخورد با عاملان این واقعه کردند. این نخستین بار در تاریخ دانشگاه‌های ایران بود که اعضای هیئت علمی در اعتراض به نحوه برخورد حکومت با دانشجویان اعتراض می کردند. هوبدا، نخست‌وزیر وقت، در واکنش به خواسته استادان، دسته‌گلی برای آقای مارکار گریگوریان که دستش شکسته و در بیمارستان بستری بود، فرستاد و تعدادی از اعضای هیئت علمی را به دفتر خود دعوت و از آنان دلجویی کرد. او نامه‌ای هم به هیئت علمی دانشگاه نوشت و از بروز این رویداد اظهار تأسف کرد. دکتر امین و استادان برای بررسی موضوع دو جلسه عمومی در روزهای ۱۴ و ۲۸ اردیبهشت تشکیل دادند و پس از دریافت نامه اظهار تأسف نخست‌وزیر، با چند شرط استعفای خود را پس گرفته و به دانشگاه بازگشتند. به این ترتیب، کلاس‌های دانشگاه دوباره تشکیل شد اما بیشتر دانشجویان در اعتراض به این رفتار پلیس در کلاس شرکت نمی کردند و اعتراض دانشجویان یک ماه ادامه داشت. در گزارش روز ۲ خرداد درباره وضعیت دانشگاه آمده: «در دانشگاه صنعتی آریامهر بعضی از کلاس‌ها تشکیل نشده، اجتماعی هم ندارند و در حدود ۱۵۰ نفر در محوطه دانشکده و کتابخانه متفرق اند. دانشجویان

۱ مهندس شافعی در مورد آن روز می گوید: بهانه تظاهرات، روز کارگر و جشن‌های پر هزینه دو هزار و پانصدمین سال تأسیس شاهنشاهی بود. دانشجویان که غالباً فقر توده مردم را می‌دیدند به برگزاری چنین جشن‌های پر هزینه و مظاهر آن چون تهیه غذا و سفارش لباس از فرنگ و چادرهای پر زرق و برق در تخت جمشید معترض بودند. نیروهای گارد با مانور نظامی بیرون دانشگاه نشان می‌دادند که بنای مماشات ندارند. گارد تا آن موقع وارد دانشگاه نشده بود. پس از ورود به دانشگاه آنان با شکستن مقاومت دانشجویان با تجهیزات نظیر باتوم و گاز اشک‌آور حمله‌ور شده و سر راهشان با بی‌رحمی تمام رفتار کردند. تعدادی از دانشجویان به خیال اینکه در کتابخانه و یا ناهارخوری در امان خواهند بود به این مکان‌ها رفتند ولی گارد به آن جا هم حمله کرد. سر و دست بود که شکسته بود و بیرون دانشگاه اتوبوس‌هایی دیدم که مملو از دستگیر شدگان بود. از آن تاریخ به بعد گارد رسماً در دانشگاه مستقر شد.

نه تنها خود سر کلاس نرفته، بلکه مانع تشکیل کلاس می‌شوند».

با وجود اعتراضات گسترده، این ترم در دانشگاه سپری و امتحانات برگزار شد. با این وجود تعدادی از دانشجویان معترض از شرکت در کلاس‌ها و امتحانات خودداری کرده و ترم تحصیلی‌شان حذف شد. دلیل اصلی اعتراض این دانشجویان اعتراض به بازداشت دانشجویان دانشگاه بود. در بولتن خبری که ساواک در مهرماه سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰ منتشر کرد، اسامی دانشجویان بازداشتی دانشگاه صنعتی آریامهر در کنار اسامی دانشجویان، دانش‌آموزان و معلمان دیگر مراکز آموزشی دیده می‌شود. علیرضا هندی، فرامرز خضرائی، احمد شاه سیاه، رجبعلی محمدی دینانی، مجید احمدزاده هروی، احمد تقدیمی عباس‌پور، مجید حداد عادل، مصطفی ملابری، محمدرضاسادات خوانساری، محمدصادق، علیرضا شکوهی، صفاهی فراهانی و محمد احمدیان، از جمله دانشجویانی بودند که در این جریان دستگیر و مدتی بازداشت شدند. پس از این ماجرا، دولت برای کنترل اعتصابات و تظاهرات دانشجویی، نیروهایی تحت عنوان گارد دانشگاه به صورت شبانه‌روزی در دانشگاه مستقر کرد. نیروهای گارد دانشگاه، در ضلع جنوبی دانشگاه، جایی که هم‌اکنون مسجد دانشگاه ساخته شده، مستقر شدند. با استقرار این نیروها در داخل دانشگاه، هرگاه دانشجویان اقدام به تظاهرات می‌کردند، گارد بلافاصله وارد عمل شده و دانشجویان را متفرق می‌کرد.

مبارزات چریکی در فعالیتهای سیاسی

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران فروردین ۱۳۵۰ از ائتلاف دو گروه قدیمی دانشجویی به وجود آمد و اعلام موجودیت کرد. چهار نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، یعنی بیژن جزنی، عباس سورکی، محمد آشتیانی و حمید اشرف به همراه علی اکبر صفایی فراهانی، گروه اول را سازماندهی کردند. مسعود احمدزاده، دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه صنعتی آریامهر و امیر پرویز پویان گروه دوم را رهبری می‌کردند. احمدزاده در دانشگاه به مارکسیسم متمایل شد و سال ۱۳۴۶ برای بحث روی آثار چه‌گوارا، انقلابی‌ها و جنگ‌های چریکی در آمریکای لاتین و نویسندگان و طراحان جنگ‌های چریکی شهری، گروهی مخفی تشکیل داد. او سال ۱۳۴۹ یکی از آثار مهم تئوریک سازمان فداییان خلق را با عنوان «مبارزه مسلحانه: هم استراتژی و هم تاکتیک» نوشت. دو گروه احمدزاده و جزنی پس از آنکه با هم آشنا شدند و از نظریات سیاسی یکدیگر آگاه شدند، بحث‌های زیادی بر سر انتخاب تاکتیک مبارزه انجام دادند. دست آخر دو گروه به این نتیجه رسیدند که با توجه به جو خفقان و کنترل



شدید پلیس، ایجاد هر نوع سازمان گسترده برای بسیج توده‌ها غیرممکن است. به همین دلیل، روی برنامه‌ریزی برای انجام برخوردهای مسلحانه با هدف در هم شکستن جو خفقان متمرکز شدند تا از این طریق ثابت کنند که مبارزه مسلحانه تنها راه‌حالی^۱ است.

اواخر سال ۱۳۴۹، تعدادی از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در سیاهکل دست به حمله مسلحانه علیه حکومت شاه زدند. رهبری فداییان خلق در این عملیات برعهده علی اکبر صفایی فراهانی و حمید اشرف بود. با دستگیری یکی از هواداران فداییان به دست ژاندارم‌های شهرستان سیاهکل، در اواسط بهمن‌ماه برنامه‌های گروه برای استقرار در جنگل‌های گیلان و فعالیت‌های مسلحانه علیه رژیم عقیم ماند. چریک‌های فدایی که بیم داشتند اطلاعات حیاتی او زیر شکنجه لو برود، تصمیم گرفتند به پاسگاه ژاندارمری حمله کرده و یار در بند خود را آزاد کنند. ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، سیزده چریک مسلح به پاسگاه ژاندارمری شهرستان سیاهکل در کناره جنگل‌های استان گیلان حمله کردند. شاه با شنیدن این خبر عکس‌العمل شدیدی نشان داد و نیروهای نظامی شامل کوماندوها، هلیکوپتر و افراد شهربانی را به منطقه اعزام کرد. در عملیات تعقیب و گریز چند سرباز شاهنشاهی و دو چریک فدایی کشته شدند و یازده نفر از آنان اسیر شدند. از این تعداد ده نفر به ضرب گلوله اعدام شدند و یک نفر زیر شکنجه جان سپرد.

این حمله نخستین حرکت مسلحانه یک سازمان سیاسی علیه حکومت وقت بود. با آنکه حرکت مسلحانه با عکس‌العمل شدید دولت مواجه شد و بیشتر افراد شرکت‌کننده در آن به اعدام محکوم شدند، اما اقدام آنان الهام‌بخش سایر سازمان‌های سیاسی مثل سازمان مجاهدین خلق شد که بیشتر نیروهایشان را دانشجویان تشکیل می‌دادند. این اتفاق باعث شد سازمان مجاهدین به حملات مسلحانه و چریکی رو بیاورند. گرچه فداییان در این خیزش از دستیابی به هدف خود ناکام ماندند، ولی از این درگیری تا سال‌ها بعد به عنوان بزرگ‌ترین عملیات مسلحانه علیه رژیم شاه یاد می‌شد. این واقعه باور ضربه‌پذیر بودن نظام شاهنشاهی از طریق مبارزه مسلحانه را تقویت کرد. فداییان آن را یک پیروزی تبلیغاتی خواندند که نشان داد گروه کوچکی از افراد مصمم می‌توانند کل رژیم پهلوی را به هراس افکنند. روز ۱۹ بهمن، روز قیام سیاهکل، در تاریخ ایران روز پیدایش جنبش چریکی محسوب می‌شود. این گروه بعد از عملیات سیاهکل، فروردین ۱۳۵۰، سازمان فداییان خلق را ایجاد کردند. به علت حضور بعضی از سران گروه‌های چپ و سازمان مجاهدین و فداییان خلق در دانشگاه صنعتی آریامهر، این دانشگاه

۱ - پیدایش جنبش چریکی و استراتژی مبارزه مسلحانه با رژیم شاه نتیجه مستقیم سرخوردگی نیروهای انقلابی از فعالیت‌های علنی و قانونی و سرکوب خشونت‌بار قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بود که عملاً ورشکستگی شیوه‌های پیشین و بی‌اثر بودن روش‌های مسالمت‌آمیز را نشان داد. جوانان مبارز، به‌ویژه جناح رادیکال دانشجویان، که از نیمه دوم سال ۱۳۴۲، پس از سرکوب نیروهای مخالف شاه، زیر فشار روزافزون رژیم فرار گرفته بودند، ایدئولوژی پیشین را کنار گذاشتند و تحت‌تأثیر برخی پیروزی‌های مقطعی انقلاب‌هایی نظیر الجزایر و کوبا درصد برآمدند از تجربه‌های رهبران جنگ‌های چریکی و نبرد مسلحانه بهره‌گیرند. آن‌ها شروع به مطالعه، ترجمه و انتشار نوشته‌های مانو، ژنرال جیبار، چه‌گوارا، فانون و دیگر انقلابی‌های اسلحه‌به‌دست کردند. اینچنین شد که اواخر سال ۱۳۴۳، افراد و گروه‌های مخالف رژیم از سازمان انقلابی طرفدار چین منشعب از حزب توده، چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین با نگاه مارکسیسم‌محور تا گروه‌های اسلامی نظیر حزب ملل و جمعیت مؤتلفه اسلامی و حتی بعضی از گروه‌های لیبرال‌مسلك نظیر جاما (بقایای حزب مردم ایران و جبهه ملی)، که نه‌تنها نظریات متفاوتی داشتند، بلکه بعضی اساساً از وجود همدیگر مطلع نبودند، همگی به یک نتیجه رسیدند که پاسخ به این پرسش‌ها با این رژیم سرکوبگر دیکتاتور چه باید کرد، می‌تواند از لوله تفنگ خارج شود.

یکی از مراکز اصلی فعالیت‌های سیاسی و مبارزات این گروه‌ها محسوب می‌شد. از این زمان به بعد، به دلیل حساسیت رژیم به جنبش دانشجویی و با تشدید فعالیت‌های سیاسی آنان، تمام فعالیت‌های دانشجویان تحت کنترل شدید مقامات امنیتی قرار گرفت و بنا به دستور، گزارش‌های لحظه به لحظه و روزانه متعددی از وضع دانشگاه و مراکز آموزش عالی، از طریق وزارت علوم و آموزش عالی، شهرداری و ساواک به مقامات ارشد و شخص شاه ارسال می‌شد. حتی در روزهایی که هیچ‌گونه حادثه خاصی در دانشگاه اتفاق نمی‌افتاد، گزارشگران موظف بودند عادی بودن اوضاع دانشگاه را به نخست‌وزیری گزارش کنند. گزارش‌های ارسالی حاکی از آن بود که بعد از بهار سال ۱۳۵۰، دامنه تظاهرات سیاسی دانشجویی در تهران که به موازات آغاز عملیات مسلحانه چند گروه مخالف علیه دولت افزایش یافته، دانشگاه صنعتی آریامهر را نیز در بر گرفته است.

فعالیت‌های علمی در بستر فعالیت‌های سیاسی

با آنکه دانشگاه روزهای پراشتهای سیاسی را می‌گذراند اما فعالیت‌های علمی به روال و قوت خود در دانشگاه انجام می‌شد. دکتر امین در جلسه سی و چهارم هیئت امناء که روز ۲ شهریورماه ۱۳۵۰ برگزار شد، به اعضای هیئت امناء گفت که به علت حوادث ۱۲ اردیبهشت‌ماه و گرفتاری‌های متعاقب آن، نتوانسته جلسه هیئت امناء را زودتر تشکیل دهد. او گفت در سفری که فروردین‌ماه به آمریکا و انگلستان داشته، قرارداد طرح جامع دانشگاه در اصفهان را امضا کرده و مهندسان مشاور آرتور دی لیتل مشغول کار شدند. او در این سفر، مقدمات برگزاری کنفرانس لیزر در دانشگاه اصفهان را نیز انجام داد. این کنفرانس با همکاری دانشگاه ام‌آی‌تی و اصفهان و مؤسسه بین‌المللی فیزیک برگزار می‌شد و قرار بود چهار نفر از برندگان جایزه نوبل فیزیک و هشتاد نفر از فیزیکدانان بزرگ و معروف دنیا برای شرکت در این کنفرانس به ایران بیایند. دکتر امین در آمریکا، قرارداد همکاری با دانشگاه میشیگان را هم امضا کرده و امکان برقراری ارتباط با چند دانشگاه دیگر را بررسی کرده بود. از دیگر ره‌آورد‌های سفر آن بود که دکتر امین با ۶۰ نفر از فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاه‌های آمریکا و انگلستان مذاکره کرده بود و اعلام کرد که ممکن است ۲۵ نفر از آن‌ها به هیئت آموزشی دانشگاه ملحق شوند. موضوع دیگر اجاره یک دستگاه کامپیوتر بزرگ بود که باید در دانشگاه نصب می‌شد. این ماشین مدل سی‌دی سی ۶۴۰۰ بود و دانشگاه تلاش می‌کرد بتواند آن را با ۴۰ درصد تخفیف اجاره کند. دکتر اقبال موافقت کرد شرکت نفت ماهی ۱۲ هزار دلار از اجاره ماشین را بپردازد و مقرر شد مبلغی از هزینه‌های مقدماتی آن را سازمان برنامه از اعتبار طرح تحقیقات





تأمین نماید. این کامپیوتر ۱۶ کانال داشت و مرکز محاسبات می توانست به کمک آن بسیاری از پروژه های علمی و فنی کشور را انجام دهد. از این نوع ماشین در دانشگاه ها و صنایع بزرگ آمریکا بسیار استفاده می شد و باتوجه به ایجاد دوره فوق لیسانس در رشته کامپیوتر برای رفع نیازهای آتی دانشگاه به آن نیاز بود. دکتر امین پیشنهاد کرد از اعتبار دانشگاه ساختمانی برای این منظور ساخته شود. در این جلسه دکتر امین گزارش دانشگاه برای چهارمین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزش را به اعضای هیئت امناء تقدیم کرد و افزود در گزارش ارزشیابی وزارت دربار که در این کنفرانس ارائه شده، جز در یک مورد (کتابخانه)، دانشگاه صنعتی آریامهر در سایر موارد رتبه اول را به دست آورده است.

دکتر امین گفت شرکت گستاخت آلمانی که شرکتی دولتی است، برای نمک زدایی با دانشگاه در حال مذاکره است و با موافقت وزیر علوم و آموزش عالی توافق شده که این شرکت دستگاهی به ظرفیت ۵ هزار مترمکعب در یکی از بنادر جنوب بسازد. قیمت ماشین آلات اهدایی حدود ۱۰ میلیون مارک است و زمین از طرف دولت تأمین خواهد شد. این کار قرار بود با همکاری دانشگاه انجام شود. با این دستگاه آب شیرین مورد نیاز ۵۰ هزار نفر تأمین می شد. موافقت نامه همکاری از طرف دولت ایران تأیید شده و برای اجرای طرح باید دولت آلمان هم آن را تأیید می کرد. قرار بود هزینه جاری طرح از فروش آب شیرین تأمین شود. به این ترتیب، دانشگاه می توانست به تحقیقات خود در زمینه تبدیل آب شور به آب شیرین ادامه دهد.

در این جلسه، دکتر کاظم زاده، وزیر علوم و آموزش عالی گفت: «در جریانات اخیر دانشگاه معلوم شد اغلب استاد های دانشگاه جوان هستند و فاصله سنی شان با دانشجویان کم است و مسائل سیاسی ایران را نمی دانند و نمی توانند جواب سؤالات دانشجویان را بدهند و نفوذی روی دانشجویان ندارند». آقای شریف امامی برای حل این مسئله پیشنهاد کرد: «بهتر است در وزارت علوم مرکزی برای این کار درست شود و معلمان جوان قبلاً از مسائل سیاسی و اجتماعی مطلع شده و تعلیمات لازم را فرا بگیرند».

دکتر امین درباره ساخت دانشگاه در اصفهان گفت که سازمان ملل تأمین اعتبار لازم برای ساخت دانشگاه را به عهده گرفته بود. بعد قرار شد سازمان، اعتبار را در اختیار بانک بین المللی قرار دهد تا تأمین اعتبار از طریق بانک انجام شود. بانک بین المللی پرداخت پول را آنقدر به تعویق انداخت که شاه سال گذشته دستور داد سازمان برنامه کشور اعتبار لازم را تأمین کند و این و طرح به تصویب

رسید. قرارداد با شرکت مهندسان مشاور آرتور دی لیتل امضا شد و ۲۸ تیرماه ۱۳۵۰ آقای گوردون براون، رئیس دانشکده فنی دانشگاه ام‌آی‌تی، به همراه چند کارشناس دیگر به مدت دو هفته به ایران مسافرت کردند و مطالعات کافی را انجام دادند و با مقامات وزارت علوم و آموزش عالی و سازمان برنامه مذاکره کردند.

برگزاری کنفرانس‌های علمی در دانشگاه

دومین کنفرانس ریاضی کشور از نهم تا دوازدهم فروردین‌ماه ۱۳۴۹ در دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار شد. در این کنفرانس علاوه بر ریاضی‌دانان ایرانی، چهار ریاضی‌دان بین‌المللی نیز شرکت داشتند. پروفیسور سوبولوف از اتحاد جماهیر شوروی سابق، پروفیسور دیود دنه از فرانسه، پروفیسور مک کارتی استاد علوم محاسباتی از ایالات متحده آمریکا و پروفیسور عسگرزاده دانشمند ایرانی الاصل و استاد دانشگاه برکلی در این کنفرانس هشت سخنرانی ایراد کردند. در این کنفرانس، اساسنامه انجمن ریاضی‌دانان ایران تنظیم شد.

اولین هفته صنایع فلزی ایران با همکاری شرکت ملی ذوب آهن و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن از ۲۳ اسفند ۱۳۴۹ در این دانشگاه برگزار شد. هدف از برگزاری این همایش، اشاعه علوم متالورژی، تشویق دانش‌پژوهان، ایراد سخنرانی و تبادل نظر علمی در این زمینه بود. در این برنامه سیزده مقاله علمی ارائه شد. هفتم شهریورماه ۱۳۵۰، سمپوزیوم پایه و کاربرد فیزیک لیزرها با حضور نخست‌وزیر وقت برگزار شد. ریاست افتخاری این سمپوزیوم را هویدا، نخست‌وزیر وقت، به عهده داشت و ریاست فنی آن با آقای پروفیسور جوان، استاد ایرانی دانشگاه ام‌آی‌تی بود و آقای دکتر محمدرضا امین، نایب‌التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر، رئیس کمیته اجرایی سمپوزیوم بود. سمپوزیوم زیر نظر دانشگاه صنعتی آریامهر و با همکاری دانشگاه ام‌آی‌تی و مؤسسه بین‌المللی فیزیک در دانشگاه اصفهان برگزار شد.

سال ۱۹۷۱ این سمپوزیوم بسیاری از فیزیک‌دانان جهان، از جمله علی جوان، چارلز هارد تاونز، برنده جایزه نوبل فیزیک، الکساندر میخایلوویچ پروخورف، برنده جایزه نوبل فیزیک، سرجیو پیرا پورتو، نیکولاس برومن برگن، بوریس استوچف، پییریاکویی نوت، رایموند کیدر، آرتور لئونارد شالو و ده‌ها فیزیکدان دیگر به ایران آمدند و در نخستین سمپوزیوم لیزر با نام سمپوزیوم در فیزیک بنیادی و کاربرد لیزر شرکت کردند.

دفتر طرح و برنامه

دفتر طرح و برنامه دانشگاه صنعتی آریامهر شهریور ۱۳۴۹ در دانشگاه تأسیس شد. این دفتر سال ۵۱-۱۳۵۰ اطلاعات دانشگاهی و آموزشی را جمع‌آوری و به صورت کتابی منتشر کرد. به غیر از انتشار این کتاب، فعالیت‌های دیگری هم در این دفتر انجام می‌شد. مهم‌ترین این فعالیت‌ها عبارت بودند از جمع‌آوری و تدوین اطلاعات تحقیقاتی و انتشار کتابی در این باره، تشکیل کمیته سیاست آموزشی و تعیین خط‌مشی‌های آموزشی و تحقیقاتی، بررسی مشکلات سیستم آموزشی و طراحی سیستم آموزشی نوین، مطالعه سیستم پذیرش دانشجو در دانشگاه و اشکالات ناشی از آن و... یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این مرکز، تشکیل دفتر همکاری‌ها و خدمات صنایع برای ایجاد رابطه نزدیک‌تر با صنایع کشور و تشویق فعالیت کادر آموزشی دانشگاه با صنعت بود. بعدها با حضور دکتر ضرامی و همکاری جمعی از استادان دانشگاه صنعتی آریامهر و سایر دانشگاه‌های کشور هر هفته در جلسات درباره نحوه پیشرفت علوم در کشور و ایجاد فرهنگ علمی و بستر غنی برای پژوهش بحث و گفت‌وگو می‌کردند. استادان در این جلسات به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین سیاست علمی کشور باید این باشد که سطح دانش استادان را بالا ببرند و بستر پژوهشی برای آنان بسازند.

تأسیس آزمایشگاه‌های پژوهشی

برای ایجاد بسترهای مناسب فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه‌هایی که مرتبط با نیازهای جامعه صنعتی ایران باشد، دانشگاه دو آزمایشگاه نیمه‌مستقل تحقیقاتی به نام‌های آزمایشگاه تحقیقات خواص و کاربرد مواد و دیگری آزمایشگاه تحقیقاتی مهندسی بیولوژی و علوم غذایی تأسیس کرد. مرکز تحقیقات مهندسی بیوشیمی سال ۱۳۴۹ به سرپرستی دکتر فاضلی راه‌اندازی شد. این مرکز با هدف تهیه پروتئین از موجودات تک‌سلولی و حل مسائل بیوشیمی مربوط به محیط زیست شکل گرفت. همچنین انستیتوی آب و انرژی بیشتر حمایت شد و بودجه لازم برای تحقیقات در اختیار این مرکز قرار گرفت.

اعتراض استادان و دانشجویان با هم

مهندس علی باکری^۱، دانش‌آموخته دانشگاه فنی دانشگاه تهران در ابتدای تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر به‌عنوان دستیار در آزمایشگاه شیمی استخدام شده بود. سال ۱۳۴۹، باکری در نامه‌ای به اداره کارگزینی دانشگاه نوشت برای ادامه تحصیل در خارج، از شغل خود استعفا می‌دهد. علی باکری از

۱ - علی باکری برادر شهیدان مهدی و حمید باکری، از سرداران لشکر ۳۱ عاشورا در هشت سال دفاع مقدس بود. علی باکری با اشاره به مبارزه گروه‌های سیاسی طی سال‌های ۱۳۴۰-۴۱ و ناکامی‌شان گفته بود: «وقایعی که درباره نهضت نفت و حکومت مصدق به وقوع پیوست، باعث شد این فکر تثبیت شده در من به وجود آید که رژیم ایران مانند بسیاری از رژیم‌های دیگر جهان وابسته به امپریالیسم آمریکا و انگلیس و برنامه‌هایش در جهت حفظ منافع خود و امپریالیسم است. بنابراین، ملت همیشه تحت فشار سیاسی، فقر و بدبختی و فساد است و عامل اصلی این‌گونه در ماندگی‌ها را رژیم فعلی می‌دانیم. بنابراین، با توجه به زمینه‌هایی که از قبل داشتیم، به وجود آوردن یک جامعه دموکراتیک و ایجاد وضع عادلانه هدف و انگیزه من بود...»

اعضای کادر مرکزی و فعال سازمان مجاهدین خلق بود. پس از استعفا، باکری به بیروت رفت تا درباره آموزش نظامی اعضای سازمان مجاهدین خلق با مسئولان سازمان الفتح مذاکره کند. او برای شناسایی سایر گروه‌های مبارز در خارج از کشور از بیروت به فرانسه رفت و دوباره به بیروت سفر کرد و پس از یک سال اقامت در اردوگاه آموزش چریکی در خارج از کشور، به ایران بازگشت و دو ماه بعد، هم‌زمان با دستگیری گسترده اعضای سازمان مجاهدین، دستگیر و در دادگاه نظامی به اعدام محکوم شد. حکم اعدام باکری ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ اجرا و او تیرباران شد. با انتشار خبر تیرباران باکری، استادان مرد دانشکده شیمی تصمیم گرفتند روز بعد با کراوات سیاه و زنان با کت و دامن مشکی به دانشگاه بیایند. در این زمینه سایر استادان دانشگاه هم تبعیت کردند.

تیرباران باکری، موجی از اعتراض را در میان دانشجویان دانشگاه برانگیخت. همان روز، تعدادی از دانشجویان در طبقه همکف ساختمان مجتهدی تجمع کرده و با سر دادن شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی اعتراض خود را به اعدام باکری نشان دادند. ساعتی بعد، دانشجویان معترض به طبقات دوم و سوم ساختمان مجتهدی رفته و با خواندن سرودی درباره کشته شدن علی باکری کلاس‌های درس را تعطیل کردند. دانشجویان قصد داشتند فردای آن روز هم به اعتراض خود ادامه دهند که با حضور نیروی گارد دانشگاه موفق به برگزاری تظاهرات نشدند.

سالگرد ۱۱۲ اردیبهشت

روزهای ۷ و ۸ اردیبهشت‌ماه با نزدیک شدن به نخستین سالگرد حمله پلیس به دانشگاه، عده‌ای از دانشجویان تصمیم گرفتند روز ۱۲ اردیبهشت در دانشگاه تجمع کرده و اعتراض خود را به اقدام سال گذشته پلیس، نشان دهند. دانشجویان فعال هم‌دانشگاهیان و استادان را تشویق می‌کردند برای محکومیت حمله نیروهای پلیس به دانشگاه در سالگرد این حمله در تظاهرات شرکت کنند. مسئولان دانشگاه با اطلاع از تصمیم دانشجویان و برای پیشگیری از درگیری در دانشگاه، برنامه بازدیدی ترتیب دادند تا دانشجویان در این روز برای بازدید علمی به مراکز صنعتی در خارج از تهران بروند و تعداد کمی از دانشجویان در دانشگاه حضور داشته باشند. نیروهای امنیتی حاضر در دانشگاه در گزارشی که روز ۱۲ اردیبهشت برای مقامات امنیتی مخابره کردند، نوشتند: «کلاسهای ساعت ۸ دانشگاه صنعتی آریامهر تشکیل نشد، چون بین دانشجویان شایعاتی پخش شده که سالگرد حمله پلیس به دانشگاه سر کلاس‌های درس حاضر نشوند. از بین ۱۹۷۲ دانشجو، حدود ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه در



محوطه و کربدورهای دانشگاه پراکنده بودند و تجمع و تظاهراتی نکردند. در ضمن، مسئولان دانشگاه بیشتر دانشجویان را برای بازدید و گردش‌های علمی به طور دسته‌جمعی به مراکز صنعتی و شهرستان‌ها اعزام کرده‌اند. تعداد زیادی از دانشجویان به خاطر اینکه از این قبیل اجتماعات و تظاهرات دور باشند، از آمدن به دانشگاه خودداری کرده‌اند». دانشجویان دانشگاه تهران نیز قصد داشتند برای همدردی با دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر، در این روز تظاهرات کنند که با دخالت نیروهای پلیس این تظاهرات برگزار نشد.

فعالیت‌های علمی و تجهیز دانشگاه

طبق گزارشی که دکتر امین در گزارش نیمه اول سال تحصیلی به اطلاع هیئت امناء رساند، متذکر شد شاه ۱۱ آبان‌ماه به دانشگاه آمده و از همه ساختمان‌ها و آزمایشگاه‌ها بازدید کرده است. جشن فارغ‌التحصیلی با حضور خانم دیبا، آقای علم، وزیر دربار و آقای کاظم‌زاده، وزیر علوم و آموزش عالی برگزار شد. در این سال، دانشجویان به سفرهای علمی متعددی رفته و از مؤسسات صنعتی و فنی کشور بازدید کردند. قرارداد ماشین‌های الکترونیکی مرکز محاسبات منعقد شده و ساختمان این مرکز رو به اتمام است و ماشین‌ها در حال نصب‌اند و احتمالاً فروردین‌ماه مرکز بهره‌برداری خواهد شد. مهندس شریف‌امامی پرسید آیا از ماشین‌های مرکز محاسبات جای دیگر هم هست و دکتر امین پاسخ داد فقط در اسرائیل و ژاپن. دکتر امین اضافه کرد با این ماشین‌ها قرار است از اول فروردین سال آینده کارهای علمی شرکت ملی نفت انجام شود و سازمان‌های دیگر می‌توانند با کانال‌های مختلف آن کار کنند و تا ۶۴ کانال می‌توان از آن استفاده کرد. دکتر امین اظهار کرد که دو نفر تکنیسین الکترونیک در خارج مشغول کارآموزی‌اند و شرکت سی‌دی‌سی متعهد است کارمندان فنی به دانشگاه بفرستد تا کار با ماشین‌ها را به تکنیسین‌ها آموزش دهد. همچنین قرار شد دکتر ضرغامی، رئیس طرح و برنامه، به آمریکا سفر کند و درباره تکمیل طرح اصفهان با نمایندگان مهندسان مشاور مذاکره و تبادل نظر نماید. دکتر امین با کسب اجازه از شاه، با پلی تکنیک زوریخ و امپریال کالج لندن و دانشگاه استراتکلید رابطه برقرار کرد. دکتر ریاحی، معاون آموزشی دانشگاه مسافرتی به زوریخ کرد و نماینده آن دانشگاه هم به تهران آمد و مذاکرات لازم انجام شد. دکتر امین افزود دانشگاه صنعتی آریامهر از نظر پژوهشی با این مراکز همکاری می‌کند و قرار است استادان دانشگاه صنعتی آریامهر به آن مراکز رفته و استادان آن دانشگاه برای تدریس به دانشگاه صنعتی آریامهر بیایند. دکتر امین اظهار کرد در حال حاضر ده نفر از استادان به زبان



انگلیسی تدریس می‌کنند و دانشجویان با استفاده از کلاس‌های زبان خارجی در سال‌های سوم و چهارم می‌توانند دروس فنی را به انگلیسی بفهمند و از کتاب‌های خارجی استفاده کنند. در این جلسه، وزیر علوم و آموزش عالی گفت: «به طوری که در کنفرانس رامسر مطرح شد، قرار بود در دانشگاه‌ها دروسی درباره مسائل اجتماعی روز و امور کشور برای دانشجویان ارائه شود. خوشبختانه در دانشگاه صنعتی آریامهر این کار عملی شده و دانشجویان با علاقه زیاد در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند. در این دوره، دکتر مقدم، تاریخ و فرهنگ ایران، دکتر نصر تاریخ علوم، دکتر صاحب‌الزمانی مسائل اساسی زمان ما، دکتر زرین‌کوب، ادبیات و فرهنگ معاصر و دکتر خطیب شهیدی اصول و مبانی حقوق را تدریس کردند».

دکتر امین در ادامه گزارش خود افزود که برنامه فرستادن فارغ‌التحصیلان برای دریافت درجه دکترا عملی شده و دانشگاه میثیگان که با دانشگاه صنعتی آریامهر قرارداد همکاری دارد، فارغ‌التحصیلان دانشگاه را بدون امتحان ورودی می‌پذیرد. چند نفر از فارغ‌التحصیلان که برای ادامه تحصیل به خارج از ایران رفته‌اند، در دانشگاه‌های خارج درخشیده‌اند و بعضی از آن‌ها توانسته‌اند یک ساله فوق‌لیسانس بگیرند. آقای دکتر امین متذکر شد سال گذشته با تأسیس دوره فوق‌لیسانس در رشته کامپیوتر و ریاضی و مهندسی برق موافقت شده و در رشته کامپیوتر ۱۸ نفر و در ریاضی ۷ نفر دانشجوی پذیرفته شده است. این دوره در رشته مهندسی برق، چون هیچ یک از داوطلبان واجد شرایط نبود، دایر نشد. نایب‌التولیه دانشگاه افزود که دانشگاه مایل است در رشته‌های فیزیک و شیمی و مکانیک دوره فوق‌لیسانس را دایر کند. دکتر امین در پاسخ یکی از اعضای هیئت‌امنا که پرسید چرا هیچ‌یک از فارغ‌التحصیلان خود دانشگاه در آزمون فوق‌لیسانس دانشگاه پذیرفته نشده، گفت که چون مدت زمانی صرف طی شدن روند اداری مصوبات شده است، آگهی مربوط به پذیرش دانشجوی دیر چاپ شده و فارغ‌التحصیلان توانا به خارج از کشور رفته‌اند. در سی‌وششمین جلسه هیئت‌امنا دانشگاه که ۲۳ آبان ۱۳۵۱ برگزار شد، دکتر امین اشاره کرد دانشگاه صنعتی آریامهر در ارزشیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مانند سال‌های گذشته، مقام اول را کسب کرده است. در این جلسه عنوان شد در طرح دانشگاه صنعتی اصفهان پیشرفت زیادی حاصل شده است. طرح برنامه‌ریزی تمام شد و قراردادی که دانشگاه با مهندسان مشاور آرتور دی لیتل و دانشگاه ام‌آی‌تی داشت، پایان گرفته است. حالا باید طرح فیزیکی دانشگاه تهیه شود. برای تعیین این طرح طبق مقررات سازمان برنامه، باید حق‌الزحمه معادل ۵/۰ درصد پرداخت شود، یعنی حدود ۴ میلیون تومان. در صورتی که اگر دانشگاه هزینه را بپردازد، حدود ۵/۱ میلیون تومان می‌شود، یعنی ۵/۲ میلیون تومان صرفه‌جویی می‌شود. با تأیید شاه قرار شد



این کار در دانشگاه وزیر نظر دکتر ضرغامی و با کمک مهندس سردار افخمی (مؤسسه مهندسان مشاور کار و دانش) و با همکاری عده‌ای از اعضای هیئت آموزشی دانشگاه انجام شده و حق الزحمه افرادی که برای طرح جامع فیزیکی کار می‌کنند، از اعتبار سازمان برنامه پرداخت شود. تا امروز از زمین دانشگاه نقشه‌برداری کامل شده و ماکت زمین و محل ساختمان‌ها تعیین شده است.

دکتر امین درباره ارتباط دو دانشگاه به هم گفت که دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران سالی ۶۶۰ دانشجوی می‌پذیرد و این تعداد با تأسیس دانشگاه در اصفهان به ۳ هزار دانشجوی می‌رسد و طبق اوامر شاه، دانشگاه صنعتی آریامهر تهران شعبه‌ای از دانشگاه صنعتی اصفهان خواهد شد و سیستم آموزشی اصفهان و تهران با هم متفاوت خواهند بود. دکتر آموزگار گفت دانشگاه‌های دنیا که در شهرهای مختلف شعبه دارند، در شعبه‌های مختلف رشته‌های مشابه ندارند و رشته‌ها را بین شعب تقسیم می‌کنند. دکتر امین متذکر شد که احتیاجات کشور را مطالعه و رشته‌های مورد نیاز را در اصفهان تأسیس می‌کنیم. مثلاً در اصفهان مهندسی انرژی و مهندسی آب و مهندسی اطلاعات داریم. اعضای هیئت امنای نیز در این جلسه تأکید کردند که بهتر است رشته‌های تهران با رشته‌های اصفهان تفاوت داشته باشد و دوباره کاری نشود. چون اگر هر دو دانشگاه رشته‌های مشابهی داشته باشند، تقسیم استاد و دانشجو با مشکلاتی همراه خواهد شد. اعضا از دکتر امین خواستند این مورد را به طور کامل بررسی کرده و به هیئت امنای گزارش دهد.

اعتراض به سفر نیکسون

با آنکه هنوز یک ماه از آخرین تظاهرات دانشجویان نگذشته بود، سفر نیکسون به ایران، باعث شد دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر دوباره در کنار دانشجویان دانشگاه تهران تظاهرات کنند. بر اساس اخبار در چارچوب مناسبات سیاسی و بین‌المللی، قرار بود ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا، ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۵۱ به ایران سفر کند. از ۳ خردادماه دانشجویان روی در و دیوار دانشگاه شعارهایی در اعتراض به سفر او به ایران نوشتند و اعلامیه‌هایی بین دانشجویان دیگر پخش کردند. در این اعلامیه‌ها از دانشجویان خواسته شده بود مثل دانشجویان دانشگاه‌های تهران در اعتراض به ورود نیکسون به ایران روز ۹ خردادماه سر کلاس نروند و اعتصاب کنند. سه روز بعد، اعلامیه دیگری در دانشگاه پخش شد که در آن نوشته شده بود: «...آقای آیت‌الله خمینی همیشه در سخنرانی‌های خود به نیکسون اظهار تنفر نموده. نیکسون با نقشه امپریالیستی به ایران خواهد آمد. شما نیز در روزهای نهم و دهم تنفر خودتان را ابراز کنید».

روز قبل از ورود نیکسون به ایران، ۱۵۰ نفر از دانشجویان در دانشگاه تجمع کرده و علیه نیکسون شعار سر دادند. دانشجویان فریاد می‌زدند: دانشجو پیروز است، مرگ بر جلااد فلسطین، مرگ بر ابلیس زمان. دانشجویان دیگر نیز به معترضان پیوسته و دامنه تظاهرات گسترش یافت. نیروهای گارد داخل دانشگاه به سرعت وارد عمل شده و دانشجویان را متفرق کردند. دانشجویان هم به مقابله پرداخته و با سنگ، شیشه‌های مینی بوس گارد را شکسته و فرار کردند. در این درگیری‌ها پلیس سه نفر از دانشجویان را بازداشت کرد. قرار بود روز ۹ خرداد هم تظاهرات دیگری بر پا شود که با تعطیلی کلاس‌های دانشگاه، دانشجویان به دانشگاه نیامدند و برنامه تظاهرات لغو شد.

فردای آن روز دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی آریامهر، مسیر عبور خودروی نیکسون را شناسایی کرده و ۵۰۰ نفر در مکانی از کوی دانشگاه که به اتوبان پارکوی (شهید چمران فعلی) اشراف داشت، تجمع کرده و علیه او شعار داده و پیش از ورود نیروهای پلیس متفرق شدند. پلیس در اقدامی تلافی‌جویانه، نیمه شب وارد خوابگاه دانشگاه صنعتی شده و پس از بازرسی از خوابگاه ۴۵ نفر را بازداشت کرد. یکی از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر که در این جریان دستگیر شد، سیدمهدی امیرشاه کرمی^۱ بود. او در دادگاه بدوی به یک سال حبس تأدیبی محکوم شد و دادگاه تجدیدنظر آن را به شش ماه حبس تبدیل کرد.

روز بعد، تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه تهران نیز دستگیر شدند. در اعتراض به ورود نیروهای گارد به خوابگاه، دانشجویان زیادی در کلاس‌های درس شرکت نکرده و حدود صد نفر از آن‌ها با سردادن شعارهای «زندانیان ما را آزاد اگر نساژید، تا آخرین دقایق از پانمی نشینیم» تظاهرات کردند. روز ۱۵ خرداد، ۲۷ نفر از دانشجویان بازداشتی آزاد شدند. در ادامه اعتراضات، دانشگاه تا روز ۲۲ خرداد تقریباً تعطیل بود. مسئولان دانشگاه برای جبران کلاس‌هایی که در طی این مدت تشکیل نشده بود، کلاس‌های دانشگاه را تا دهم تیرماه تمدید کردند و امتحانات پایان ترم از روز یازدهم برگزار شد. به این ترتیب، دانشجویان با وجود فضای ملتهب سیاسی، یک ترم دیگر را هم سپری کردند. در آخرین گزارشی که در این سال تحصیلی از دانشگاه آریامهر به دفتر نخست‌وزیری مخابره شده، آمده است: شایعه شده یکی از دانشجویان دانشگاه به دست دستگاه‌های امنیتی کشته شده و به همین منظور شعری با این مضمون «هر شب از آسمان پرستاره، ستاره‌ای را می‌کشند، اما این آسمان غمزده همیشه پرستاره است» روی شیشه تابلو اعلانات نصب شده است. در این اطلاعیه از دانشجویان دانشگاه خواسته شده راه دانشجوی شهید را ادامه دهند.

۱ - سیدمهدی بعد از آزادی از زندان فعالیت خود را در انجمن اسلامی دانشگاه آغاز کرد و مرتضی صمدیه لیاف و مجید شریف‌واقفی او را به سازمان مجاهدین خلق معرفی کردند. او در سازمان با برادرش سیدمحمد، خواهر و عده‌ای از دوستانش هسته‌ای تشکیل داد و به مطالعات ایدئولوژیک پرداخت. سال ۱۳۵۳، سیدمهدی امیرشاه کرمی مقابل دانشگاه آریامهر مورد تهاجم گارد دانشگاه قرار گرفت و موفق به فرار شد و چون ساواک در تعقیب او بود، از خانه متواری شده و زندگی مخفی خود را آغاز کرد. سیدمهدی و سیدمحمد و خواهرش پس از انحراف ایدئولوژیک هسته مرکزی، سازمان مجاهدین خلق را راه کرده و گروهی مؤمن با خطمشی مسلحانه به نام گروه مهدویون تأسیس کردند و در ابتدای کار، به مطالعه مبانی اسلامی پرداختند. همزمان با توسعه سازمانی این گروه، عناصر مبارزی که در این دوران قصد داشتند به سازمان مجاهدین خلق بپیوندند، به تدریج جذب گروه مهدویون شدند. گروه ابتدا چند خانه امن در شهرهای تبریز، کرج، مشهد، تهران و اصفهان پیدا کرد و سپس برای انجام عملیات مسلحانه شروع به تهیه اسلحه و نارنجک نمود، اما ساواک سازمان را کشف و بسیاری از اعضای آن را دستگیر و بازداشت کرد. طبق گزارش ساواک، سیدمهدی امیرشاه کرمی خردادماه ۱۳۵۲ با انفجار مواد منفجره‌ای که همراه داشت، به شهادت رسید. هنوز چند ماهی از شهادت سیدمهدی نگذشته بود که برادرش محمد نیز در تهران در درگیری مسلحانه به شهادت رسید. این دو برادر، دانشجوی رشته فیزیک و شیمی دانشگاه صنعتی آریامهر بودند.

آغاز سال تحصیلی با اعتراض

سال تحصیلی جدید (۵۲-۱۳۵۱) هفتمین سال تأسیس دانشگاه بود. با اینکه دانشگاه در تابستان تعطیل بود و دانشجویان دور از محیط دانشگاه بودند، اما با بازگشایی دانشگاه و از همان اول سال تحصیلی جدید در مهرماه، تظاهرات و اعتصابات دانشجویی از سر گرفته شد. دانشجویان ۲۴ مهرماه قرار گذاشتند در اعتراض به کشته شدن یکی از دانشجویان دانشگاه اعتصاب کنند. یک روز قبل، اعلامیه‌ای در نمازخانه دانشگاه نصب شد که در آن از دانشجویان خواسته شده بود فردا در کلاس‌های دانشگاه شرکت نکنند. روز ۲۴ مهر، دانشجویان معترض در ساختمان مجتهدی جمع شده و با سر دادن شعار اعلام کردند انتقام خون این دانشجو را خواهند گرفت. نیروهای پلیس به سرعت اطراف ساختمان مجتهدی مستقر شده و با بلندگو از دانشجویان خواستند متفرق شوند. دانشجویان حدود سه ساعت در ساختمان مجتهدی تجمع کرده و سپس متفرق شدند. دو هفته بعد، دانشجویان دوباره اعتصاب کردند. آن‌ها خواستار آزادی دانشجویان بازداشت شده بودند.

دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان

دکتر امین سال ۱۳۴۹ مسئولیت طرح ایجاد پردیس دانشگاه در اصفهان را به دکتر ضرغامی سپرد. دکتر ضرغامی با این شرط که دانشگاه از تهران به اصفهان منتقل نشود، بلکه پردیس جدیدی با برنامه‌ای نو و درگیر با نیازهای جامعه ایران در اصفهان به وجود بیاید، پیشنهاد او را پذیرفت. او در جلسات متعددی که با کادر آموزشی و سرپرستان دانشکده‌ها ترتیب داد، سیاست علمی و مهندسی دانشگاه و برنامه‌های گسترش آن را بر اساس تأسیس دو پردیس، یکی در تهران و دیگری در اصفهان، تدوین کرد. دکتر امین زمینی به مساحت ۱۶ میلیون مترمربع در محل فعلی دانشگاه صنعتی اصفهان از دولت گرفت و اغلب دعاوی روی این اراضی را با کمک تقی کیایی حل و فصل کرد. این مساحت عظیم به دانشگاه امکان می‌داد بتواند مراکز پیشرفته پژوهشی و صنعتی متعددی بدون هیچ گونه محدودیتی در اطراف خود تأسیس کند و منشأ تحولات فنی و تکنولوژی پیشرفته در کشور شود. نظیر این تفکر در دانشگاه استانفورد منجر به ایجاد Silicon Valley^۱ شد. تأسیس دهکده‌ای علمی شبیه Silicon Valley در ایران الگوی طراحی و ساخت دانشگاه در طرح پردیس اصفهان بود. تیرماه ۱۳۵۰ برای تهیه طرح جامع دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان، پروفسور گوردون براون که ده سال رئیس دانشکده فنی دانشگاه ام‌ای تی آمریکا بود، همراه با گروه مهندسان مشاور شرکت آرتور دولیتل به ایران آمدند. مراحل



۱ - مرکز صنایع پیشرفته علوم کامپیوتر آمریکا، دره سیلیکون، نام رایج و غیررسمی منطقه‌ای در حدود ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی سانفرانسیسکو و در حومه سانتا کلارا، در کالیفرنیا در ایالات متحده آمریکاست. شهرت این منطقه به دلیل فراز داشتن بسیاری از شرکت‌های مطرح انفورماتیک جهان در آن است. نام این منطقه ابتدا برگرفته از تعداد زیاد شرکت‌های تولیدکننده تراشه‌های سیلیکونی در این منطقه بود که بعدها به نمادی از وجود کمپانی‌های فعال در زمینه فناوری‌های پیشرفته در این منطقه تبدیل شد.



دکتر امین و جمعی از دانشجویان در محوطه چمن جلو ساختمان ابن سینا، ۱۳۵۰.



اداری انعقاد قرارداد تا زمان دکتر نصر طول کشید. دکتر نصر قرارداد نهایی تهیه طرح فونکسیونل دانشگاه را با شرکت مشاور ای دی ال منعقد کرد و دکتر زرغامی را مجری آن کرد. دکتر زرغامی، فلسفه آموزشی و پژوهشی، طرح جامع فونکسیونل و طرح جامع معماری دانشگاه در اصفهان را با همکاری عده ای از اعضای کادر آموزشی تهیه کرده و طراحی معماری آن آغاز شد.

طرح جامع فونکسیونل

طرح جامع فونکسیونل عبارت بود از تعیین فضاهای مورد نیاز و روابط این فضاها با هم، یعنی طرحی که زیربنای طرح جامع معماری و الگوی ساخت دانشگاه قرار گرفت. شرکت ای دی ال پروفیسور گوردون براون را به عنوان مشاور استخدام کرد. در طی مذاکرات میان دکتر زرغامی و پروفیسور گوردون براون، راهبرد و فلسفه بنیادی پردیس اصفهان بر اصول زیر استوار شد:

۱. ایجاد سنت علمی و تکنولوژی در ایران و تأکید بر نوآوری تکنولوژی در رابطه با حل مسائل بزرگ جامعه ایران؛



سفر تفریحی دانشجویان به شیراز، ۱۳۵۱.

۲. ایجاد نظامی مدرن و انعطاف‌پذیر که تحولات زمان باعث نابودی آن نشود؛
۳. درگیری علمی و تکنولوژیکی با مسائل واقعی جامعه ایران با توجه به طبیعت صنایع مونتاژ آن روز و پژوهش‌های دانشگاهی که تا آن زمان رابطه‌ای با مشکلات جامعه ایران نداشت.
- بررسی مسائل درازمدت و مبتلابه کشور و سایر کشورها موجب ایجاد شش بخش عمده فعالیت پژوهشی و آموزشی شد. این شش بخش عبارت بودند از:
- الف- بخش مواد که محل پژوهش و آموزش در تمامی مسائل مربوط به مواد از منبع تا مصرف می‌شد و شامل مهندسی مواد، مهندسی پلیمر، معدن و مواد کانی، متالورژی، طراحی مکانیک، سازه، تولید و طراحی صنعتی می‌شد.
- ب- بخش انرژی که محل پژوهش و آموزش در همه مسائل انرژی، از منبع تا مصرف می‌شد و شامل مهندسی شیمی، نفت و گاز، هسته‌ای، قدرت، تبدیل انرژی و هیدرولیک می‌شد.
- ت- بخش غذا که محل پژوهش و آموزش در همه مسائل مربوط به تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی است و شامل مهندسی تولید مواد کشاورزی، علوم غذایی، مهندسی بیوشیمی و مهندسی تغذیه می‌شد.

ث-بخش سیستم‌ها (انسان، جامعه و تکنولوژی) که محل پژوهش و آموزش در زمینه‌های مربوط به ارتباط تکنولوژی با انسان و جامعه می‌شود و از یک سو شامل مهندسی حمل و نقل، ترافیک، آب و فاضلاب، محیط زیست، مدیریت و اقتصاد و از سوی دیگر فلسفه علوم و تکنولوژی و جامعه‌شناسی می‌شود.

ج-بخش علوم که محل پژوهش و آموزش در زمینه‌های ریاضی، فیزیک، شیمی، بیولوژی، ژئولوژی و ژئوفیزیک می‌شود. وظیفه ایجاد سنت علمی و اعتلای سطح علمی استادان رشته‌های فوق در سراسر کشور نیز به این بخش محول شد.

طرح فونکسیونل بر اساس اصول فوق برای ۱۰ هزار دانشجو متشکل از ۶ هزار دانشجوی لیسانس و ۴ هزار دانشجوی فوق لیسانس و دکتری تدوین شد. بر اساس طرح فونکسیونل، طرح جامع معماری و ساختمانی دانشگاه با همکاری پروفیسور اکوشار فرانسوی، مهندسان مشاور و استادان دانشکده‌های سازه، مکانیک و برق تهیه و ساختمان‌های دانشگاه طراحی شد. بر اساس این طرح، ساختمان‌های آموزشی به صورت مدولار طراحی شد تا بتوان در آن آزمایشگاه‌های تحقیقاتی، کلاس‌های درس و دفاتر استادان را به سادگی به وجود آورد و بر حسب نیاز تغییر داد.

برای تأمین کادر آموزشی و پژوهشی دانشگاه نیاز به کسانی بود که نه تنها با تکنولوژی روز جهان کاملاً آشنا باشند، بلکه بتوانند مسائل بزرگ جامعه ما را مطالعه کنند و بر اساس این مطالعات بتوانند در آینده سیاست علمی و تکنولوژی و اقتصادی کشور را بنا کنند. موفقیت در حفظ دو پردیس دانشگاه نیاز به تأمین کادر آموزشی لازم برای هر دو پردیس داشت. هم‌زمان با طراحی ساختمان‌ها و فضای دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان، برای تهیه کادر آموزشی و پژوهشی و نیروی انسانی متخصص دانشگاه در اصفهان کمیته‌ای متشکل از دکتر سعید یغمایی، دکتر حسین پرتوی، دکتر محمود نحوی و دکتر مهدی ضرغامی تشکیل شد تا دانشجویان بااستعداد را شناسایی و آنان را برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معتبر جهان اعزام کند. به این منظور، آیین‌نامه اعزام تهیه شد و به تصویب هیئت امنا رسید و اولین گروه سال ۱۳۵۰ اعزام شد. تا سال ۱۳۵۶، حدود ۲۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاه صنعتی آریامهر و دانشگاه‌های دیگر برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام شدند. این دانشجویان در دانشگاه‌های ام‌آی‌تی، استنفورد، برکلی، امپریال کالج فنی سوئیس در زوریخ و دیویس در کالیفرنیا و تعداد دیگری از دانشگاه‌های معتبر مشغول به تحصیل در زمینه مورد نیاز دانشگاه شدند. برای تأمین کادر فنی و کارشناسان مورد نیاز در کتابخانه و آزمایشگاه‌های آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه نیز عده‌ای از کارمندان علاقه‌مند و بااستعداد دانشگاه و افراد واجد شرایط از خارج دانشگاه استخدام و

به بعضی از مراکز آموزشی و پژوهشی جهان اعزام شدند. دکتر ضرغامی که سال ۱۳۵۱ به سمت معاونت پژوهشی و طرح و برنامه دانشگاه منصوب شده بود، بعد از آماده‌سازی طرح پردیس اصفهان به عنوان مجری طرح و کمی بعد به عنوان قائم مقام رئیس دانشگاه در این طرح منصوب شد.

بازگشت دکتر امین به صنعت

یکی از شرکت‌های خصوصی از وزارت صنایع و معادن تقاضا کرد تا دولت پروانه ساخت کارخانه تولید فولاد را با استفاده از تکنولوژی جدید احیای مستقیم آهن به آن شرکت بدهد. چون سرمایه‌گذاری در چنین طرحی خارج از امکانات بخش خصوصی بود، وزارت صنعت و معدن تصمیم گرفت طرح را در بخش دولتی اجرا کند. مدتی بعد، در سال ۱۳۵۱ دولت اعلام کرد به زودی عملیات ساخت دومین کارخانه ذوب آهن کشور آغاز خواهد شد. در نخستین کارخانه ذوب آهن اصفهان برای احیای سنگ آهن از ذغال سنگ استفاده می‌شد که روشی قدیمی بود. در کارخانه جدید سنگ آهن بر پایه تکنولوژی پیشرفته استفاده از گاز طبیعی، به طور مستقیم احیا می‌شد. در آن زمان، روش احیای مستقیم در تولید فولاد تنها در دو کشور به مقیاس بزرگ صنعتی اجرا شده بود. به همین دلیل، دکتر امین که پشتوانه تجربی و علمی بلندمدتی در صنایع و معادن ایران داشت و سابقه مدیریت دانشگاه صنعتی آریامهر هم در کارنامه‌اش بود، از سوی دولت مأموریت یافت تا پس از بازدید از محل استقرار کارخانه و مراکز مربوط، آن را ارزیابی و توجیه اقتصادی و به‌صرفه بودن پروژه را بررسی کند. چند ماه بعد، با انجام مرحله مطالعات و بررسی‌های فنی اقتصادی، اعلام شد دکتر امین به ریاست شرکت ملی صنایع فولاد ایران برگزیده شده است. به این ترتیب دکتر امین سال ۱۳۵۱، پس از چهار سال مدیریت دانشگاه صنعتی آریامهر را ترک کرد. او چند نفر از اعضای هیئت علمی دانشکده‌های مهندسی متالورژی و مهندسی مکانیک را برای کمک به راه‌اندازی دومین کارخانه ذوب آهن کشور با خود به صنایع فولاد برد. روز بعد، طی فرمانی از سوی شاه، دکتر حسین نصر، استاد فلسفه و رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به نیابت تولیت عظامی دانشگاه صنعتی آریامهر منصوب شد.

دکتر امین و دانشگاه

دکتر امین در سال اول نیابت تولیت خود در دانشگاه، توانست آیین‌نامه‌های آموزشی، اداری و پژوهشی



بازدید دکتر نصر، دکتر پرتوی و دکتر گریگوریان از فعالیت های پژوهشی دانشگاه، ۱۳۵۱.



بسیاری را در دانشگاه تدوین کرده و به تصویب برساند. در سه سال بعد، دانشگاه به طور جدی درگیر تظاهرات و اعتصابات دانشجویان بود. نخستین تظاهرات سیاسی دانشجویان در دومین سالی که وی نایب‌التولیه دانشگاه بود برگزار شد. در این زمان، تظاهرات و اعتصاب در سایر دانشگاه‌ها هم جریان داشت و دستگاه‌های امنیتی که به شدت به جریان‌های سیاسی حساس بودند، می‌خواستند هر طور شده کنترل اوضاع دانشگاه را در دست داشته باشند. مقامات امنیتی با آزادی بحث و گفت‌وگو در محیط دانشگاه و تفویض اختیارات به شورای دانشگاه و شوراهای دانشکده‌ها در دانشگاه صنعتی آریامهر مخالف بودند و سعی می‌کردند نظرات خود را به طور مستقیم و غیرمستقیم در تدوین و تصویب مقررات اعمال کنند. در این دوره، دستگاه‌های امنیتی اصرار داشتند کتابخانه دانشگاه از وجود نشریات به اصطلاح مضر پاک‌سازی شود؛ مصوبه شورای دانشگاه مبنی بر اخراج دانشجویانی که طی دو دوره متوالی معدلی کمتر از ۱۰ به دست آورده بودند و موجب نارضایتی و اعتراض دانشجویان شده، لغو شود؛ موضوع اعتصاب دانشجویان درباره مصوبه شورای دانشگاه از یک مسئله آموزشی به مسئله‌ای سیاسی امنیتی تبدیل شود؛ مصوبه شورای دانشگاه مبنی بر آنکه به ازای هر روز اعتصاب یک روز به



مدت تحصیل دانشجویان اضافه شود (با این توجیه که این مصوبه به لحاظ آموزشی هیچ محدودیتی برای اعتصاب کنندگان ایجاد نمی کند) لغو شود و پلیس مجاز باشد هر وقت که خواست، بدون اجازه از رئیس دانشگاه وارد دانشگاه شده و با دانشجویان برخورد کند. در طول این مدت، دکتر امین تا آنجا که می توانست در برابر دخالت های این دستگاه ایستاد و مانع رسیدن آن ها به اهدافشان در این دانشگاه شد. بعد از اعتصاب دانشجویان در ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ به بهانه کشتار کارگران کارخانه جهان چیت که با ورود پلیس به دانشگاه و سرکوب تظاهرات دانشجویان و استادان همراه بود، سازمان امنیت درصدد اجرای طرحی برآمد تا بر اساس آن دانشگاه را از عناصر به اصطلاح نامطلوب پاک سازی کند. در راستای اجرای این طرح، در بسیاری از دانشگاه ها مثل دانشگاه تهران، تعداد زیادی از دانشجویان و استادان از دانشگاه اخراج شدند. در این طرح، نام ۱۷ استاد و ۲۸ دانشجو از دانشگاه صنعتی آریامهر هم به چشم می خورد. دکتر امین به همراه شورای شورای دانشگاه با قاطعیت در برابر این طرح ایستاد و مانع اخراج دانشجویان و استادان شد. دانشگاه صنعتی آریامهر تنها دانشگاهی بود که اجازه نداد کسی به دلیل اعتراض اخراج شود. پایداری و قاطعیت رئیس و شورای دانشگاه سبب شد سال ها شورای دانشگاه در موضوعات مهمی، چون مخالفت با انتقال دانشگاه به اصفهان، مهم ترین مرجع تصمیم گیری دانشگاه باشد و به عنوان نماد استقلال دانشگاه مطرح شود.

در این دوره، تعداد کادر آموزشی دانشگاه از ۷۰ نفر به بیش از ۲۰۰ نفر افزایش یافت و تعداد دانشجویان از حدود ۸۰۰ نفر به حدود ۲۵۰۰ نفر رسید. دو دانشکده مهندسی صنایع و مهندسی سازه در دانشگاه تأسیس شدند و دانشجو گرفتند. عملیات عمرانی ساختمان های نیمه کاره پایان گرفت و آزمایشگاه های آموزشی و پژوهشی مجهز شد. دکتر امین در ادامه فعالیت های دکتر مجتهدی به تقویت روابط دانشگاه با دانشگاه های خارجی پرداخت. با وجود تظاهرات و تعطیلی گاه و بی گاه کلاس های درس، سطح علمی دانشگاه نسبت به سال های قبل افزایش یافت و فارغ التحصیلان دانشگاه به راحتی می توانستند برای ادامه تحصیل در دانشگاه های معتبر آمریکا و اروپا پذیرفته شوند. در آن زمان، با آنکه معدل خیلی از دانشجویان بالا نبود و معدل دانشجویان رتبه اول بیشتر از ۱۶ نمی شد، اما سطح علمی دانشجویان بسیار بالا بود. قانون استخدام تمام وقت استادان و کارکنان و بیمه سلامت از جمله آیین نامه هایی بودند که در این مدت به تصویب رسیدند. از دیگر اقدامات رفاهی دوره دکتر امین باید به ایجاد صندوق پس انداز کارکنان، تسهیلات وام مسکن و معرفی برای دریافت وام از بانک عمران که شعبه ای از آن در دانشگاه گشایش یافته بود و همچنین تشویق و تأمین بودجه لازم برای فعالیت های ورزشی،

فرهنگی و هنری و ادبی دانشجویان و بازدیدها و سفرهای علمی اشاره کرد. تأمین و حمایت درمانی در چارچوب بیمه خاص برای همه کارکنان دانشگاه با دو بیمارستان ممتاز در پایتخت، بیمارستان پارس و بیمارستان مهر، را هم باید بر کارنامه این دوره از مدیریت دانشگاه افزود. دکتر امین در اولین مراسم جشن فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه در آبان ماه ۱۳۴۹، در بخشی از گزارش خود در این مراسم که با حضور شاه برگزار شد، عنوان کرد: «آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به حدود وظایف و اختیارات ارکان دانشگاه و مسئولان بخش‌های مختلف و همچنین آیین‌نامه معاملات دانشگاه بر اساس منشور انقلاب آموزشی تنظیم و تصویب و به موقع اجرا گذاشته شده است. امور مالی و اداری دانشگاه بر پایه روش‌های نو و صحیح استوار شده و با انتخاب کارکنان اداری شایسته و استفاده مطلوب از نیروی انسانی، از تورم کارمند جلوگیری به عمل آمده است». دکتر امین در ادامه گزارش خود می‌افزاید: «مقررات استخدامی کارکنان آموزشی و اداری دانشگاه با رعایت اصل تمام‌وقت و دیگر هدف‌های منشور انقلاب آموزشی تدوین و از آغاز سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸ به مرحله اجرا درآمده است. همچنین به منظور رفاه کارکنان دانشگاه، آیین‌نامه‌های صندوق پس‌انداز، کمک‌های بهداشتی، بیمه حوادث و عمر و وام ضروری تنظیم و اجرا شده است».

دکتر حسین نصر جایگزین دکتر امین می‌شود

سال ۱۳۴۷ طرح انقلاب آموزشی در ایران اجرا شد و وزارت علوم و آموزش عالی به وجود آمد. هم‌زمان با ایجاد وزارت علوم و آموزش عالی، با حضور شاه کنفرانسی تحت عنوان «انقلاب آموزشی» برای بررسی و تبادل نظر درباره اصلاحات آموزشی، در شهر رامسر برگزار شد. ۱۲ نفر از استادان و رؤسای دانشگاه‌ها به این کنفرانس دعوت شده بودند تا درباره نظام آموزش عالی سخنرانی کرده و وضعیت آموزشی حاکم بر کشور را نقد و بررسی کنند. وزیر علوم، مجید رهنما، از دکتر نصر هم دعوت کرد در این کنفرانس شرکت کند. دکتر نصر سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت دکترای تاریخ علم با گرایش علوم انسانی از دانشگاه هاروارد شده و به ایران بازگشته بود. او کارنامه علمی و تحصیلی درخشانی داشت و اولین دانشجوی ایرانی بود که از دانشگاه هاروارد آمریکا مدرک دکترای گرفته بود. دکتر نصر بعد از بازگشت به ایران، به گروه فلسفه دانشگاه تهران پیوست و در آن دانشکده تدریس می‌کرد. علاوه بر دکتر نصر، پروفیسور رضا نیابت وقت دانشگاه صنعتی آریامهر هم به کنفرانس دعوت شده بود. استادان در این کنفرانس، نظام آموزش عالی کشور را نقد کرده و در مورد اصلاح و بهبود و روش‌های تحول در نظام آموزشی آن بحث و



تبادل نظر کردند. دکتر نصر در کنفرانس انقلاب آموزشی و میزگردهای جانبی آن موضوع آینده آموزش عالی در ایران و اهمیت حفظ کیفیت و فدا نکردن کیفیت برای کمیت را مطرح کرد. آن سال، دولت به دانشگاه‌ها فشار می‌آورد دانشجویان بیشتری پذیرش کنند. البته این موضوع درباره دانشگاه صنعتی آریامهر صدق نمی‌کرد. چون این دانشگاه مستقیماً زیر نظر شاه اداره می‌شد و دولت اجازه دخالت در اداره آن را نداشت.

بعد از اتمام کنفرانس، هویدا دکتر نصر را فراخواند و به او گفت: «شاه از من خواسته تا حتماً شما را به‌عنوان رئیس یکی از دانشگاه‌ها انتخاب کنم». هویدا در نظر داشت دکتر نصر را به ریاست دانشگاه شیراز یا مشهد منصوب کند، اما دکتر نصر که ۳۵ سال بیشتر نداشت و فعالیت‌های زیادی در تهران انجام می‌داد، پیشنهاد هویدا را نپذیرفت. به این ترتیب، رهنما پس از مشورت با رئیس دانشگاه تهران، دکتر نصر را به‌عنوان رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران انتخاب کرد. دانشجویان این دانشکده بیشتر از دانشجویان دانشگاه مشهد و دانشگاه شیراز بودند و چون این دانشکده یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین دانشکده‌های دانشگاه تهران بود، اهمیت خاصی داشت.

دکتر نصر از زمانی که به ام‌آی‌تی رفته بود، تحت تأثیر اقدامات جیمز کلین، رئیس دانشگاه ام‌آی‌تی قرار گرفته بود. کلین یک مرکز علوم انسانی تأسیس کرده بود که در دانشگاه صنعتی، مهندسی و علمی دروس علوم انسانی و هنر را به دانشجویان ارائه می‌داد. در واقع، دکتر نصر پس از آشنایی با یکی از استادان علوم انسانی همان دانشگاه، به فلسفه علاقه‌مند شده بود. نصر پیوسته در جلساتی که با حضور شاه و نخست‌وزیر تشکیل می‌شد، به اهمیت تلفیق تکنولوژی غربی با سنت و فرهنگ ایرانی تأکید می‌کرد. او معتقد بود اگر موفق به مهار تکنولوژی غربی نشویم، روح و فرهنگ ایرانی ما نابود خواهد شد و مهار نکردن فرهنگ حاکم بر این تکنولوژی در آینده منجر به نابودی روح انسان و کره زمین خواهد شد. شاه سخت تحت تأثیر سخنان دکتر نصر قرار گرفت و از اینکه او به مسائل فرهنگی ایران علاقه‌مند است و در این حوزه اشراف کامل دارد، بسیار خشنود بود. به همین دلیل، اصرار داشت دکتر نصر رئیس یکی از دانشگاه‌های کشور باشد تا بتواند افکار و اندیشه‌هایش را در مراکز آموزش عالی ایران اجرا کند.

نصر که بود؟

دکتر حسین نصر، پسر سیدولی‌الله نصر بود. سیدولی‌الله اهل کاشان و از رجال مشهور اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی و مدتی هم حکیم دربار بود. در حوزه فرهنگ، سیدولی‌الله از چهره‌های فرهنگی

مشهور زمان خود محسوب می‌شد و زمان رضا شاه، همه او را با عنوان بنیانگذار فرهنگ نوین در ایران می‌شناختند و در حوزه ادبیات به استاد استادان معروف بود. سیدولی‌الله سال‌ها در مدرسه طب دارالفنون، مدرسه علوم سیاسی، دانشکده‌های حقوق و طب و معقول و منقول تدریس کرد و صاحب کرسی استادی بود. چهره‌های سیاسی و فرهنگی بسیاری، مثل اسماعیل مرآت و علی‌اصغر حکمت، شاگرد او بودند. سیدولی‌الله نصر از آن دست افرادی بود که در حوزه‌های مختلف سرآمد روزگار خود بود. مادر سیدحسین نصر از نوادگان شیخ فضل‌الله نوری، رهبر مشروعه‌خواهان مخالف انقلاب مشروطه و از زنان تحصیلکرده آن روزگار بود و به زبان فارسی، ادبیات کهن و فرهنگ ایران علاقه زیادی داشت. پیگیری امور زنان نیز یکی از دغدغه‌های مهم او بود. او در فعالیت‌های اجتماعی متعددی حضور داشت و به زنان بیوه و مادران کمک می‌کرد و در کانون مادران فعالیت می‌کرد.

سیدحسین نصر بعد از اتمام دوره دبستان برای ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان به آمریکا رفت و در یکی از مدارس شبانه‌روزی ایالت نیوجرسی مشغول به تحصیل شد. این مدرسه به شبانه‌روزی پدی معروف بود. سال اول، نصر به زبان انگلیسی مسلط نبود و در امتحانات آن سال مردود شد. اما بعد از فراگیری کامل زبان، جزو شاگردان بسیار خوب مدرسه شد. مسئولان مدرسه سال آخر دبیرستان عکس سیدحسین نصر را در مجله نیویورک تایمز چاپ کردند، چون او در این سال شاگرد اول مدرسه شده بود. بعد از آنکه نصر این دوره با موفقیت پشت‌سر گذاشت، در آزمون دانشگاه ام‌آی‌تی (مؤسسه فناوری ماساچوست) شرکت کرد و در رشته فیزیک پذیرفته شد. سیدحسین نصر، اولین دانشجوی ایرانی است که در دانشگاه ام‌آی‌تی تحصیل کرده است. با آنکه پدر نصر از دنیا رفته بود، او نگران پرداخت هزینه تحصیل نبود چون هزینه‌های تحصیل نصر در آمریکا را دولت پرداخت می‌کرد. پس از مرگ پدر نصر، دولت وقت در جلسه‌ای اعلام کرد به پاس خدمات سیدولی‌الله به فرهنگ ایران زمین، دولت موظف است شهریه تحصیل فرزندان او را بپردازد و به این ترتیب، او و برادرش تحت حمایت دولت ایران، تحصیلات عالی خود را ادامه دادند.

نصر در دانشگاه ام‌آی‌تی تحت‌تأثیر یکی از استادان خود، کم‌کم به فلسفه روی آورد. استادی که مسیر زندگی فیزیکدان جوان را تغییر داد. دکتر نصر بعد از اتمام دوره ارشد ژئوفیزیک در دانشگاه هاروارد، سال ۱۳۳۷ دکترای خود را در رشته تاریخ علم با گرایش علوم اسلامی در آن دانشگاه به پایان برد. با آنکه دانشگاه ام‌آی‌تی از نصر خواسته بود به عنوان دانشیار در آنجا مشغول به کار شود، او به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد.



جلسه هیئت امنای دانشگاه، از چپ نفر دوم دکتر سیدحسین نصر، نفر سوم مهندس علی اصغر لواسانی (خزانه‌دار دانشگاه)، نفر چهارم دکتر مهدی ضرغامی، ۱۳۵۱.



شاه سخت تحت تأثیر اینکه دکتر نصر فارغ التحصیل ام‌آی‌تی است، قرار داشت و به این موضوع بسیار می‌بالید. حتی در ضیافت شامی که به افتخار سفر جیمی کارتر به ایران در دربار ترتیب داده شده بود، شاه برای معرفی دکتر نصر به کارتر او را MIT Man نامید، با آنکه دکتر نصر دکترایش را در هاروارد گرفته بود. کارتر هم در جواب خندید و گفت: «من هم از جور جیاتک هستم که آنجا هم جای بدی نیست».

دکتر نصر چهار سال رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود و مدتی به عنوان معاون آموزشی دانشگاه تهران انجام وظیفه کرده بود تا آنکه در یکی از روزهای پاییزی سال ۱۳۵۱، از وزارت دربار با دکتر نصر تماس گرفته و به او گفتند به عنوان نیابت تولید عظمای دانشگاه صنعتی آریامهر برگزیده شده و از او دعوت کردند برای ملاقات حضوری نزد شاه برود. در جلسه ملاقات، شاه به دکتر نصر گفت: «تو این همه سال از ادغام یا تلفیق تکنولوژی غرب با فرهنگ و سنت خودمان صحبت کرده‌ای، بسم‌الله، این گوی و این میدان! برو دانشگاه صنعتی آریامهر، این بهترین دانشگاه ایران است. هر چه بودجه بخواهی می‌دهم. سعی کن هم کیفیت علمی بالا باشد و هم یک جوری فرهنگ ایران آنجا تقویت بشود و علم در دامن آن فرهنگ ساخته بشود».



جلسه هیئت امنای دانشگاه، از چپ نفر اول: اسدالله اعلم، دوم: شریف امامی، پنجم: ضرغامی، ششم: دکتر عباس چمران (معاون آموزشی و دانشجویی)، هفتم: دکتر نصر، هشتم: مهندس علی اصغر لوانسانی (خزانه دار دانشگاه)، ۱۳۵۱.



خبر انتصاب دکتر نصر به نیابت تولیت عظامی دانشگاه صنعتی آریامهر در محافل دانشگاهی پیچیده بود، اما هنوز قطعی نشده بود. وقتی استاد مطهری این خبر را شنید، با دکتر تماس گرفت و به او گفت: «شما و من در یک جبهه می‌جنگیم و خیلی مهم است که افرادی که متدین هستند و به اصول اسلامی اعتقاد دارند، هر چه بیشتر سنگرهای مهم مملکت را بگیرند. شما حتماً این کار را قبول کنید. این خیلی خیلی به نفع اسلام و به نفع ایران و چیزهایی که خودتان به آن اعتقاد دارید، است». استاد مرتضی مطهری و نصر هر دو از شاگردان ممتاز علامه طباطبایی بودند و رابطه دوستی نزدیکی با هم داشتند. به این ترتیب، دکتر حسین نصر اول آذر ۱۳۵۱ به عنوان چهارمین نایب‌التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر انتخاب شد. یکی از نقطه‌نظراتی که برای توجیه‌گزینش دکتر نصر در آن مقطع مطرح می‌شد، این بود که با توجه به تنش‌های دانشجویی و متمایل شدن دانشجویان به عقاید علی شریعتی و اسلام مبارز، شخصی مانند دکتر نصر با چهره فرهنگی و مورد حمایت دربار، محیط دانشگاه را آرام خواهد کرد. در واقع، شاه با این انتخاب قصد داشت اعتراضات سیاسی دانشجویان دانشگاه را مهار و کنترل کند. اما فعالیت گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی، به‌ویژه مجاهدین خلق که در دانشگاه صنعتی آریامهر نفوذ

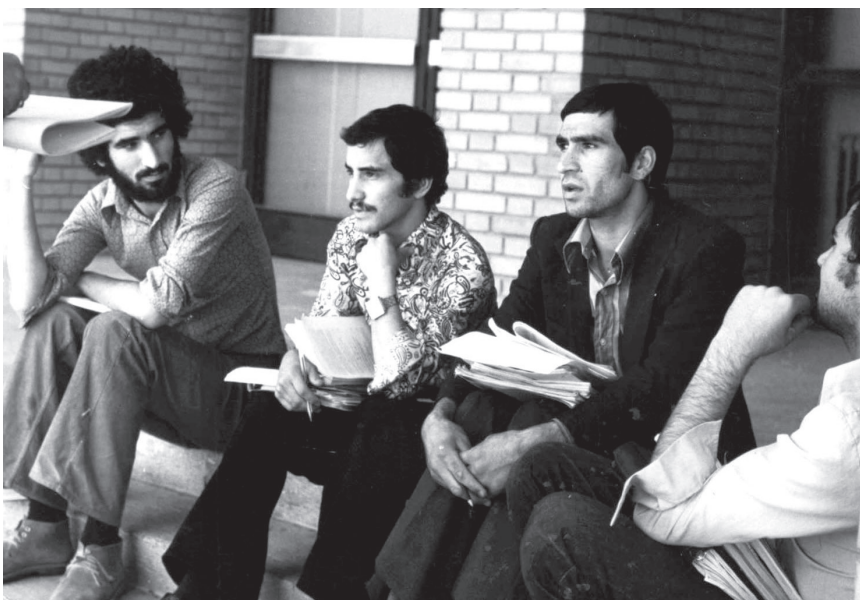
زیادی داشتند، در زمان نیابت دکتر نصر شدت گرفت و روزهای زیادی از دوران نیابت تولیت دکتر نصر به درگیری، اعتراضات و تظاهرات دانشجویی گذشت.

در دوران نیابت دکتر نصر، گروه کامپیوتر و کاربرد آن با دانشکده ریاضی ادغام شد و دانشکده ریاضی به دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر تغییر نام یافت. از سال تحصیلی ۵۳-۱۳۵۲ با تبدیل دانشکده ریاضی به دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر، برای نخستین بار در رشته‌های ریاضی و کامپیوتر در دوره فوق لیسانس دانشجو پذیرفته شد. همچنین شورای دانشگاه تصویب کرد همه دانشجویان دو واحد درسی ورزش و تربیت بدنی به صورت اجباری در دوره لیسانس بگذرانند و این مصوبه از اول مهرماه ۱۳۵۲ به اجرا گذاشته شد. در این سال، برای نخستین بار در رشته مهندسی شیمی دانشجوی فوق لیسانس پذیرفته شد. از زمان دکتر مجتهدی، دفتر حضور و غیاب اعضای هیئت علمی در اتاق جلو در ورودی دانشگاه قرار داشت که بعدها این دفتر با کوشش دکتر هژبری، معاون آموزشی، برداشته شد و استادان در دفاتری که در دانشکده‌ها و مراکز گذشته شده بود، حضور خود را اعلام می‌کردند. زمان آقای دکتر نصر این دفاتر هم برچیده شد.

تداوم اعتراضات دانشجویی، چند دقیقه بعد از ورود نایب‌التولیه جدید

هنوز دقایقی از مراسم معارفه دکتر نصر به عنوان نایب‌التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر به وسیله دکتر حسین کاظم‌زاده، وزیر علوم وقت، نگذشته بود که تلفن زنگ زد و خبر دادند دانشجویان در نهار خوری تجمع کرده‌اند. دکتر برای رسیدگی به موضوع به نهار خوری رفت و از دانشجویان خواست مشکلشان را بیان کنند. دانشجویان از طولانی شدن مدت زمان تعمیر سقف نهار خوری شاکی بودند و گفتند قرار بوده این قسمت از سقف را دو هفته‌ای تعمیر کنند، اما نکرده‌اند و ما مجبوریم دور میزهای دیگر به صورت متراکم بنشینیم و نهار بخوریم. دکتر همان جا قول داد سقف سالن نهار خوری تا فردا صبح تعمیر خواهد شد و به اتاقش برگشت.

خبر حضور دکتر نصر در میان دانشجویان خیلی زود به ساواک مخابره شد. وقتی دکتر نصر به اتاق رسید، خبر دادند تیمسار نصیری، رئیس ساواک، پشت خط است. تیمسار به دکتر گفت: «دکتر نصر، مگر شما دیوانه شده‌ای که می‌روی نهار خوری؟ می‌کشند!» بین دانشجویان، افراد وابسته به سازمان‌های مسلح کم نبودند. دکتر نصر با خنده پاسخ داد: «تیمسار می‌دانید، من کاشی (کاشانی)



دانشجویان دانشگاه، ۱۳۵۳.



هستم. می‌خواهم ثابت کنم کاشی‌ها ترسو نیستند»^۱.
 دکتر متن قرارداد تعمیر سقف نهارخوری را مطالعه کرد و متوجه شد کار تعمیر سقف بر عهده یک گروه پیمانکاری است که متعهد شده ظرف مدت دو هفته سقف نهارخوری را تعمیر کند اما با گذشت نزدیک به یک ماه هنوز کار تعمیر سقف به اتمام نرسیده است. او ساعت هفت بعد از ظهر بعد از دیدار با رؤسای دانشکده‌ها و انجام کارهای اداری از دانشگاه خارج شد و قبل از آن در یادداشتی برای پیمانکار نوشت که کار تعمیر نهارخوری باید تا فردا صبح تمام شود. او به نگهبانان دستور داد بعد از خروجش در را ببندند و اجازه ندهند در هیچ شرایطی کارگران از سالن خارج شوند. باید تا صبح کار کنند. فردا صبح، دکتر نصر وارد دانشگاه شد و به اتاقش رفت. رئیس گروه پیمانکاری که یکی از سرهنگ‌های بازنشسته ارتش بود، پشت در منتظر دکتر ایستاده بود. سرهنگ خسته و خواب‌آلود وارد اتاق دکتر شد و به او گفت: «کار را تمام کردیم. شنیده بودیم شما عارف هستید، چرا این کار را کردید؟» دکتر نصر در پاسخ گفت: «شما متوجه نیستید، من عارف قداره‌بندم، مثل عرفای قدیمی که سوار اسب می‌شدند! نمی‌شود که این همه شاگرد را از فضای غذاخوری‌شان محروم کرد».

۱ در همین ایام در زندان اوین تیمسار نصیری ریسی ساواک در حالیکه ۱۵ نفر از دانشجویان را از سلول‌های انفرادی به محوطه آورده بودند در مقابل یک چاه خطاب به آنان گفت: شما اکنون در اختیار ما هستید اگر شعار علیه سلطنت را ادامه دهید شما را داخل این چاه می‌اندازم و هیچ بنی‌بشری از وضع شما مطلع نخواهد شد.



معرفی دکتر نصر به اعضای هیئت امانا

دکتر نصر در جلسه سی‌وهفتم هیئت امانا به اعضای جلسه معرفی شد. این جلسه ۱۴ آذر ۱۳۵۱ به ریاست علم، وزیر دربار وقت و رئیس وقت هیئت امانای دانشگاه در کاخ سعدآباد تشکیل شد. دکتر نصر در این جلسه اشاره کرد که طی دو هفته‌ای که در دانشگاه بوده، تا حدی با مسائل دانشگاه آشنا شده است. او افزود نقشه جامع فیزیکی دانشگاه توسط استادان دانشگاه در دست تهیه است و به‌زودی آماده می‌شود و پس از آن می‌توان عملیات ساخت و ساز را آغاز کرد. دکتر آموزگار اشاره کرد که در جلسه پیش، اعضای هیئت امانا درباره آینده دانشگاه در تهران گفت‌وگو کرده‌اند و دکتر امین گفته برنامه دانشگاه تغییری نمی‌کند. او گفت شخصاً با شاه صحبت کرده است و شاه تصمیم گرفته دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان منتقل شود. محل فعلی دانشگاه هم به صورت پل‌تکنیک درآمده و زیر نظر دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان اداره شود. همچنین مقرر شده پذیرش دانشجوی جدید با شروع به کار دانشگاه صنعتی اصفهان در تهران متوقف شود. دکتر نصر در پاسخ به اظهارات دکتر آموزگار متذکر شد که انتقال دانشگاه به اصفهان باید با دقت بیشتری بررسی شود. از طرفی، دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران در بعضی از رشته‌ها، بهترین دانشگاه کشور محسوب می‌شود و دانش‌آموزان ممتاز کشور به این دانشگاه می‌آیند. حال باید دید انتقال دانشگاه به اصفهان چه اثری در وضعیت دانشگاه خواهد داشت. دانشگاه صنعتی آریامهر دارای استانداردهای خوبی است و در سطح بین‌الملل موفقیت قابل توجهی دارد. باید سعی کنیم این استاندارد پایین نیاید و امکان تحقیقات همیشه باشد. دکتر آموزگار هم به وضعیت اجتماعی و سیاسی تهران اشاره کرد و گفت که تهران هر چه کوچک‌تر بشود، بهتر است.

اعتراضات دانشجویی در زمان نایب‌التولیه چهارم

دکتر نصر، اول ماه آذر، یعنی درست دو هفته پیش از روز دانشجو به سمت نیابت تولیت دانشگاه منصوب شد. هر سال، اعتراضات دانشجویان در دو مقطع شانزدهم آذر و دوازدهم اردیبهشت اوج می‌گرفت. ۱۶ آذر ۱۳۵۱ روز پنجشنبه بود. دانشجویان از قبل با هم قرار گذاشته بودند مراسم روز دانشجو را چهارشنبه ۱۵ آذر برگزار کنند. در این روز، حدود پنجاه نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر در طبقه هم‌کف دانشکده شیمی شعر اتحاد، مبارزه، پیروزی را خواندند و به طور پراکنده به سمت ساختمان مجتهدی حرکت کردند. در ساختمان مجتهدی حدود دویست نفر از دانشجویان تجمع کرده بودند و شعار می‌دادند. دانشجویان قبل از آنکه مأموران گارد برسند، متفرق شدند.

کلاس‌های ساعت اول تشکیل شده بود، اما کلاس‌های درس از ساعت دوم به بعد تعطیل شد. به جز چند کلاس، باقی کلاس‌ها تا یک هفته تعطیل بودند. این وضعیت در دانشگاه تهران نیز برقرار بود. بعد از یک هفته، اوضاع به حالت عادی و فعالیت‌های مخفیانه^۱ برگشت.

بیست و هفتم فروردین ماه دانشجویان اعلامیه‌ای روی درهای دانشکده شیمی چسبانده بودند که در آن نوشته شده بود: «دانشکده شیمی را به نام دانشکده مهندس علی باکری بنامید». در اعلامیه از دانشجویان خواسته بودند روز ۲۹ فروردین از ساعت ۵ تا ۱۱/۵ سر کلاس‌ها نروند. در ادامه اعتراضات دانشجویی، ۱۴ خرداد، دانشجویان معترض سر کلاس نرفته و با شکستن شیشه‌های کلاس‌های ساختمان مجتهدی، مانع تشکیل کلاس‌های درس شدند. گارد دانشگاه به سرعت وارد محوطه دانشگاه شده و با بازداشت ۱۵ نفر از آن‌ها، معترضان را متفرق کرد. بعد از این ماجرا، تعداد زیادی از دانشجویان سر کلاس نرفتند و دانشگاه چند روزی به حالت نیمه‌تعطیل در آمد. ۱۹ خرداد، شورای دانشگاه اعلام کرد اگر دانشجویان تا دو روز آینده سر کلاس‌ها حاضر نشوند، دانشگاه دوره تابستانی را حذف کرده و ترم دوم برای جبران جلساتی که کلاس‌ها تعطیل بوده، تمدید می‌شود. با صدور این اطلاعیه، کلاس‌ها با حضور تعداد بیشتری از دانشجویان تشکیل شد و فضای دانشگاه تا مدتی آرام بود.

گزارش دکتر نصر از اعتراضات دانشجویان به هیئت امنای

دکتر نصر در گزارشی که به هیئت امنای داد، گفت که شورای دانشگاه تصمیم گرفته یک هفته به ترم اول اضافه کند و نیم‌سال دوم کلاس‌ها تشکیل می‌شود. اما اگر دانشجویان کلاس‌های درس را تعطیل کنند، کلاس‌های تابستان حذف می‌شود و طبق دستور شاه، در دروس و امتحانات سختگیری زیادی اعمال می‌شود و دانشجویان درس‌نخوان طبق آیین‌نامه اخراج می‌شوند. دکتر نصر در سی‌وهشتمین جلسه هیئت امنای که ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ به ریاست مهندس شریف‌امامی تشکیل شد، پیشنهاد داد مسجدی داخل دانشگاه ساخته شود و گفت احساسات مذهبی در دانشگاه خیلی زیاد است و محیط فعلی دانشگاه خشک و خشن است. باید محیط دانشگاه را عوض کنیم. ساخت مسجد در تغییر روحیه دانشجویان بسیار مؤثر خواهد بود. در این جلسه درباره خرید زمین برای کارکنان دانشگاه، عیدی کارکنان، افزایش حقوق مستخدمان، افزایش وام مسکن و ترفیع معلم‌های دانشگاه نیز بحث و تبادل نظر شد. در این جلسه، دکتر ضرغامی گزارشی از پیشرفت امور

۱ - در گزارشی که وزارت علوم در این دوره به دفتر نخست‌وزیری مخابره کرده، آمده است: در کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی آریامهر که محل تجمع دائمی دانشجویان است، روی میز و نیمکت‌ها شعارهای زیادی علیه شاهنشاه آریامهر و له خمینی نوشته شده است. در داخل و بعضی از صفحات اول بسیاری از کتاب‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی آریامهر که مورد استفاده دانشجویان است، شعارها و مطالبی علیه رژیم سلطنت و دستگاه دولت نوشته شده است. شایسته است به مسئولان کتابخانه مزبور دستور داده شود موقع تحویل و پس گرفتن کتاب‌ها از دانشجویان، مراقبت بیشتری به عمل آید تا کتاب‌ها را آلوده نسازند.



مربوط به ساخت دانشگاه در اصفهان ارائه داد و گفت که پس از آماده‌سازی طرح جامع فونکسیونل، طرح جامع فیزیکی به وسیله عده‌ای از کارکنان آموزشی دانشگاه و به کمک مؤسسه کار و دانش در دست تهیه است.

علوم انسانی در دانشگاه صنعتی آریامهر

دکتر نصر با توجه به گرایش و تخصصش در فلسفه اسلامی و مباحث اسلام‌شناسی و روابط دوستانه‌ای که با بعضی از علمای دینی مثل استاد مطهری و علامه طباطبایی داشت، برای سمت نایب‌التولیه دانشگاه انتخاب شده بود. او با کمک سه نفر از دانشجویان دوره دکترای فلسفه دانشگاه تهران، یعنی غلامعلی حداد عادل، ویلیام چیتیک و نصرالله پورجوادی و برپایی مرکز تعلیمات عمومی برای تدریس علوم انسانی با محتوا و هدفی که در نظر داشت، زمینه مهار یا غلبه بر نگرش‌های غیرمذهبی را بین دانشجویان فراهم کرد. دکتر نصر به دنبال تأسیس مرکز علوم انسانی غربی نبود، بلکه می‌خواست دانشجویان با علوم انسانی رایج در داخل آشنا شوند. هر وقت استادان دانشگاه دکتر نصر را در زمینه گذراندن علوم انسانی تحت فشار قرار می‌دادند، تأکید می‌کرد شاه به‌عنوان رئیس عالییه دانشگاه، از وی خواسته تا دانشگاه صنعتی آریامهر را مانند دانشگاه ام‌آی‌تی درآورد و واحدهای علوم انسانی را در برنامه درسی دانشجویان مهندسی بگنجانند.

در همین راستا، دکتر نصر به دکتر مرتضی انواری مأموریت داد با تغییر مرکز فعالیت‌های هنری و فوق‌برنامه، مرکزی برای ارائه دروس علوم انسانی دایر کند. در ساختاری که دکتر انواری ارائه داد، مرکزی شکل گرفت که بخش آموزش زبان‌های خارجی را نیز در خود جای داد. به این ترتیب، مرکز تعلیمات عمومی و زبان‌های خارجی ایجاد و دکتر مرتضی انواری به ریاست یا سرپرستی آن منصوب شد. با تصویب شورای دانشگاه، قرار شد از سال تحصیلی جدید همه دانشجویان حداقل شش واحد درسی از دروس علوم انسانی را به انتخاب خود بگذرانند. بر این مبنا، هر دانشکده تعداد معینی واحد درسی علوم انسانی را در برنامه تحصیلی خود گنجانند. دکتر مرتضی انواری با کمک ابوالحسن وفا، از شماری از روشنفکران عرصه‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، ادبیات، هنر و فرهنگ کشور مثل احمد شاملو، اسماعیل خویی، دکتر هرمز فرهت، ماه‌منیر شادنوش، دکتر داریوش صفوت، هانیبال الخاص، ژاله ژوبین خادم، دکتر هادی شفاییه، ایران درودی، محمد مقدم و فرهاد نعمانی دعوت کردند تا دروس مناسبی در زمینه علوم انسانی در این دانشگاه ارائه دهند.



جمعی از استادان دانشکده مکانیک، دهه پنجاه.



احمد شاملو درس مطالعه آزمایشگاهی زبان فارسی را از اسفند سال ۱۳۵۱ به مدت سه نیم‌سال تدریس کرد. دکتر هرمز فرهنگ و ماه‌منیر شادنوش به ترتیب دو درس شناخت موسیقی و کارگاه شناخت موسیقی و دکتر صفوت (رئیس مرکز حفظ و اشاعه موسیقی اصیل ایرانی در کشور) دروس آشنایی با موسیقی شرق و شناخت موسیقی ایرانی را ارائه می‌دادند. برای این دروس با بودجه کافی، اتاق مناسب و بزرگی (اتاق موسیقی) در طبقه هم‌کف ساختمان مجتهدی به همه وسایل پیشرفته پخش موسیقی مجهز شد و با کمک یکی از دانشجویان دختر دانشکده مهندسی مکانیک، آرشیوی از موسیقی‌های اصیل ایرانی، آذربایجانی، سمفونیک، فولکلور (موسیقی فرهنگ ملل) و کلاسیک فراهم آمد. دکتر شفاییه هم هنر عکاسی تدریس می‌کرد. دروس دیگری مانند تاریخ علوم، هنر اسلامی، تاریخ معماری، آشنایی با هنرهای دراماتیک، هنر و فن عکاسی، تاریخ فلسفه و معارف اسلامی و ادبیات فرهنگ هم در برنامه درسی گنجانده شده بود. گروه شعر و ادبیات دانشگاه در همین دوره تأسیس شد. این گروه فعالیت خود را اردیبهشت ۱۳۵۲ با برگزاری شب شعر اسماعیل خویی آغاز کرد. در این شب شعر، حدود ۵۰۰ نفر از دانشجویان علاقه‌مند شرکت داشتند. سپس جلسه ویژه نیما یوشیج همراه با

نمایشگاهی از عکس‌های نیما برگزار شد. جلسات شعرخوانی ویژه محمدعلی سپانلو و فروغ فرخزاد، از دیگر فعالیت‌های گروه بود. جلسات شب شعر بیشتر با کمک دانشجویان احمد علوی و مسعود سلیمان در این سال‌ها برگزار می‌شد.

در این دوره، سه نفر از دانشجویان مورد اعتماد دکتر نصر، غلامعلی حداد عادل، نصرالله پورجوادی و ویلیام چیتیک که در دوره دکترای فلسفه و اسلام‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تحصیل می‌کردند، به استخدام دانشگاه صنعتی آریامهر درآمدند. آنان با استقرار در مرکز تعلیمات عمومی (علوم انسانی)، به تدریج همچنان که هدف دکتر نصر بود، مباحث مذهبی را در مجموعه علوم انسانی گنجاندند. دکتر حداد عادل مرکز علوم انسانی اسلامی را اداره می‌کرد. به تدریج این مرکز، مرکز تجمع دانشجویان مذهبی شد. غلامعلی حداد عادل، نصرالله پورجوادی و ویلیام چیتیک در راستای ارائه دروس مذهبی و اسلامی به ترتیب معارف اسلامی، منطق و اخلاق و ادیان تدریس می‌کردند. منابع و جزوات مربوط به این دروس در همین مرکز تهیه و آماده می‌شد و یکی از منابع اصلی درس فلسفه، جزوه استاد مطهری بود.^۱ بنا به درخواست دانشجویان، چند جلسه استاد شهید مطهری را هم به دانشگاه دعوت کرد. جلسه‌های استاد با تفسیر موضوعی قرآن در کلاس الف ۲ با استقبال دانشجویان برگزار گردید.

دکتر مرتضی انواری یک سال بعد، یعنی سال ۱۳۵۲، به دلیل تأسیس مدرسه عالی برنامه‌ریزی و کاربرد کامپیوتر این مرکز را ترک کرد و از آن به بعد، مرکز با سرپرستی معاون و زیر نظر معاونت آموزشی و دانشجویی دانشگاه اداره می‌شد.

کارآموزی دانشجویی

در زمان نیابت دکتر نصر، اداره ارزیابی امور آموزشی و دانشجویی، اداره کارآموزی برای دانشجویان سال سوم و چهارم و اداره کارایی برای فارغ‌التحصیلان، به نمودار تشکیلاتی امور آموزشی و دانشجویی دانشگاه اضافه شد. کارآموزی دانشجویان در داخل یا خارج دانشگاه انجام می‌شد.

الف) کارآموزی در خارج از دانشگاه صنعتی آریامهر

پایان هر سال تحصیلی، یعنی در تعطیلات تابستانی، بر اساس تصمیمات کمیته کارآموزی دانشجویان در فرهنگ و آموزش عالی، امکانات کارآموزی از طرف کارخانه‌ها، شرکت‌ها و وزارتخانه‌ها در اختیار وزارت علوم قرار می‌گرفت و مسئولان وزارت علوم این امکانات را در اختیار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی قرار می‌دادند. دفتر کارآموزی دانشگاه باتوجه به رشته تحصیلی دانشجویان، تعداد مورد نیاز

۱ - در پیشگفتار راهنمای دروس مرکز تعلیمات عمومی آمده بود: تردیدی نیست که علوم تجربی و صنعت هر دو از دستاوردهای انسان است. اما حیات روحی و فکری انسان را نمی‌توان و نباید در این دو دستاورد خلاصه کرد. انسان به شهادت تاریخ و به دلیل قوای درونی خویش، نیازمند فرهنگ وسیعی است که در آن اگر بر علم و صنعت توجه کند و از سایر جنبه‌های حیات خویش غافل بماند، سرانجام به رهنمایی شباهت پیدا می‌کند که البته قدری از زاد و برگ نورا همراه دارد، اما از مقصد سفر خویش خبر ندارد و نمی‌داند باید به کجا برود. چنین انسانی در هر حال ناتمام است، چرا که به بعضی از ابعاد و ساحت‌های وجودی خویش توجه بیش از حد نشان داده و بعضی را از نظر دور داشته است. مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی آریامهر، به دنبال احساس چنین نیازی ایجاد شده است و می‌کوشد تا با بهره‌گیری از حداکثر امکانات و با استفاده از تجربه‌هایی که در گذشته فراهم آورده، برای رفع این نیازمندی اقدام کند.

هر رشته را به دانشکده‌ها ارسال می‌کرد و دانشجویان متقاضی بعد از هماهنگی با دانشکده به محل مورد نظر اعزام می‌شدند.

ب) کارآموزی در داخل دانشگاه

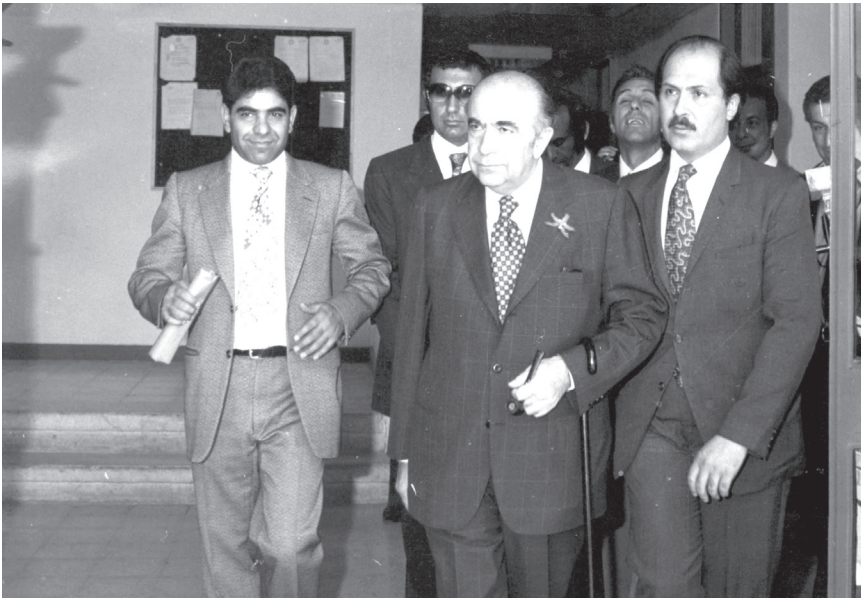
سازمان برنامه و بودجه هر سال، بودجه‌ای برای کارآموزی دانشجویان در نظر می‌گرفت. بودجه دانشگاه صنعتی آریامهر به دفتر کارایی دانشگاه تحویل داده می‌شد. این بخش با توجه به میزان بودجه، سهمیه‌ای برای دانشکده‌های مختلف اختصاص داده و مسئولان بخش کارآموزی دانشگاه دانشجویان واجد شرایط را برای کارآموزی انتخاب می‌کردند. کارآموزی دو ماه بود و دانشجویان به ازای این دو ماه، مبلغی از دانشگاه دریافت می‌کردند. مقدار پرداخت پیش از شروع کارآموزی به دانشجویان اطلاع داده می‌شد.

آموزش حین تحصیل با همکاری صنایع

نیابت تولیت دانشگاه، دکتر نصر، در جلسه هیئت امنای دانشگاه که در کاخ سعدآباد تشکیل می‌شد، به هیئت امنا گفت برای آنکه سطح کیفی آموزش دانشگاه بالاتر رود و بین آموزش دانشگاهی و نیازهای واقعی صنایع کشور ارتباط ایجاد شود، برنامه‌ای برای آموزش دانشجویان در صنایع مختلف اجرا خواهد شد. در این برنامه، دانشجویان مدتی از دوران تحصیل خود را که حداقل شامل یک نیم‌سال تحصیلی است، در یکی از صنایع کشور مشغول کار می‌شوند. به این ترتیب، دانشجویان از مزایای مالی این برنامه بهره‌مند می‌شوند و این کارآموزی (تحت نظارت یکی از اعضای کادر آموزشی که به صنعت مأمور شده) باعث می‌شود آموزش به صورت عملی انجام شود. دانشجویان می‌توانند در این برنامه تعدادی از واحدهایشان را به صورت پروژه، مطالعه انفرادی یا دروس اختیاری بگذرانند. چند نفر از اعضای هیئت علمی که همراه دانشجویان به صنایع اعزام شده‌اند یا مهندسان مراکز صنعتی، دروس عملی را تدریس می‌کنند. این برنامه به صورت آزمایشی در سال تحصیلی آینده با همکاری صنایعی مانند پتروشیمی یا کارخانه‌های وابسته به سازمان گسترش صنایع ایران انجام می‌شود. برنامه ابتدا در سطح لیسانس اجرا شده و کارآموزی دارای واحد خواهد بود. اجرای این برنامه در جلسه هیئت امنا تأیید شد.

چالش‌های کمیته رفاه و دکتر نصر

با توسعه صنعتی کشور و نیاز شدید صنعت به تحصیل کرده‌های دانشگاهی، اشتغال استادان در خارج



بازدید نخست وزیر وقت هوبدا از مرکز محاسبات، ۱۳۵۲.



از دانشگاه رونق زیادی گرفته بود و مراکز صنعتی حقوق بالایی به این تحصیل کرده‌ها، به‌ویژه استادان دانشگاه می‌پرداختند. از سویی دیگر، با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی و به تبع آن، افزایش درآمد دولت، بر بودجه دانشگاه نیز افزوده شده بود. کمیته رفاه برای حفظ تمام‌وقت استادان در دانشگاه از شورای دانشگاه درخواست کرد حقوق استادان افزایش یابد. استادان دانشگاه صنعتی آریامهر از همان ابتدا تمام‌وقت بودند و تمام وقتشان صرف تدریس یا رسیدگی به دانشجویان می‌شد. در حالی که در سایر دانشگاه‌ها، استادها معمولاً ۲۰ ساعت در دانشگاه بودند و می‌توانستند پروژه‌هایی در خارج از دانشگاه انجام دهند یا سمت‌های دولتی داشته باشند. شورای دانشگاه در ابتدا نظر مساعدی در این زمینه نداشت. زمستان ۱۳۵۲، کمیته رفاه به‌عنوان شورای صنفی استادان و کارکنان، به اعضای هیئت علمی توصیه کرد برای اعمال فشار بیشتر بر شورای دانشگاه و ضمن حفظ کیفیت تدریس از انجام کارهای غیرآموزشی و پژوهشی خودداری کنند. این تصمیم دشواری‌های اداری زیادی برای دانشگاه ایجاد می‌کرد. وقتی مقامات امنیتی خبر اعتصاب آرام استادان را شنیدند، سعی کردند ماجرا را سیاسی جلوه دهند و به این بهانه بعضی از استادان را زیر نظر گرفته و فعالیت بعضی از آن‌ها را محدود کنند. یکی از مقامات امنیتی

برای بررسی موضوع به دانشگاه رفت و مسئول کمیته رفاه را به دفتر رئیس دانشگاه احضار کردند. مقام امنیتی به رئیس کمیته رفاه گفت: «افرادی در بین شما هستند که پیش‌تر فعالیت سیاسی دانشجویی داشته‌اند و حالا روی طول موجی صحبت می‌کنند که دانشجویان آن را دریافت می‌کنند». رئیس کمیته رفاه، دکتر فریدون هژبری، در پاسخ به اظهارات مسئول امنیتی گفت: «این حرف‌ها بی‌معنی است. ما در راستای وظیفه ملی‌مان سعی می‌کنیم طوری برنامه‌ریزی کنیم تا استادان برای تأمین زندگی ناگزیر به اشتغال در خارج دانشگاه نباشند و به طور تمام‌وقت در دانشگاه انجام وظیفه کنند. حفظ سطح علمی دانشگاه بزرگ‌ترین خدمتی است که استادان می‌توانند برای کشور انجام دهند». بعد از این حرف، دکتر نصر وارد بحث شد و از هیئت علمی دفاع کرد و خواسته آنان را منطقی خواند و تیمسار به ظاهر قانع شد که این مسئله، ربطی به اوضاع سیاسی ندارد و استادان فقط درخواست افزایش حقوق دارند.

وام مسکن و افزایش حقوق کارکنان و استادان

برای تأمین رفاه حال کارکنان از نظر مسکن، بهار سال ۱۳۵۲ تسهیلاتی در اختیار کارکنان قرار گرفت. نخست، امکان اعطای وام مسکن بانک عمران به میزان سی برابر حقوق به افرادی که مایل بودند در شهر تهران خانه بخرند. دوم، با تشکیل شرکت تعاونی مسکن، محل وسیعی در نزدیکی وردآورد به عنوان شهرک دانشگاه صنعتی آریامهر در نظر گرفته شد تا هر یک از کارکنان علاقه‌مند دانشگاه، قطعه زمینی از قرار متری ۲۸۰ ریال خریداری کرده و با هماهنگی هیئت مدیره شرکت تعاونی، پس از مقدمات لازم، عملیات ساخت شهرک دانشگاه صنعتی آریامهر در آنجا آغاز شود. بیشتر اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشگاه از طرح دوم استقبال کردند و قطعه زمین‌هایی در اندازه‌های مختلف خریدند. هم‌زمان حقوق کارکنان بر مبنای شاخص تورم سالانه افزایش یافت اما با تلاش‌های پیگیر کمیته رفاه، به‌ویژه دکتر فریدون هژبری و دکتر موسی خالصی‌زاده، اسفند آن سال برای اولین بار، یک ماه حقوق به‌عنوان عیدی به اعضای هیئت علمی پرداخت شد. علاوه بر آن، بهار سال بعد، دکتر نصر خبر داد شورای دانشگاه با افزایش حقوق اعضای هیئت علمی موافقت کرده و حقوق کارمندان به میزان ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.

مدتی بعد، شهرداری اعلام کرد زمین‌هایی که دانشگاه برای ساخت شهرک در اختیار اعضای هیئت علمی دانشگاه گذاشته، اجازه ساخت و ساز ندارد. اعضای هیئت علمی با این فرض زمین‌های بایر





اطراف وردآورد را خریده بودند که مجوز ساخت خواهند گرفت. آن‌ها در انتظار ساخت شهرکی درخورد اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر بودند. با انتشار این خبر، ۱۲۰ نفر از کارکنان دانشگاه که همگی از اعضای شرکت تعاونی دانشگاه بودند، تصمیم گرفتند در اعتراض به این موضوع، شب دهم خردادماه در دانشگاه بمانند. دکتر نصر با استادان صحبت کرد و قول داد دریافت مجوز را پیگیری کند و بالاخره آن‌ها را از تصمیم خود منصرف و راهی خانه‌هایشان کرد. استادان مدتی صبر کردند تا دکتر نصر از طریق وزارتخانه موضوع را پیگیری و آن‌ها را مطلع سازد اما متوجه شدند شهرداری اجازه ساخت و ساز در زمین‌های خریداری شده را نداده است. با بالا گرفتن تنش‌ها، گروهی از اعضای هیئت علمی و کارمندان برای پیگیری خواسته‌شان، دو شب در دانشگاه تحصن کردند. دکتر نصر موضوع را پیگیری کرد تا آنکه بالاخره شهرداری به دستور دولت با ساختمان سازی و ایجاد شهرک دانشگاهی در این منطقه موافقت کرد.

حضور و غیاب کامپیوتری و حذف ترم دانشجویان معترض

جشن آغاز سال تحصیلی ۵۳-۱۳۵۲ با سخنرانی دکتر نصر ۳۱ شهریورماه برای دانشجویان جدیدالورود برگزار شد. مسئولان برگزاری جشن ورودی‌های جدید نگران بودند دانشجویان مراسم را به هم بزنند و فضا را متشنج کنند، چون در مراسم معارفه ورودی‌های جدید، دانشجویان سال‌های بالاتر هم می‌توانستند شرکت کنند، اما مراسم به آرامی و بدون حاشیه برگزار شد. مدت زیادی از شروع سال تحصیلی جدید نگذشته بود که ناآرامی‌ها و اعتراضات شروع شد.^۱

دکتر نصر طی مدت زمان ریاست بر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی آریامهر شاهد بود دانشجویان برای تحمیل خواسته‌های خود به دلایل مختلف، در کلاس‌های درس شرکت نمی‌کنند. از طرف دیگر، با شکستن شیشه‌ها و ایجاد فضاهای پرتنش دیگر کلاس‌های درس را به هم زده و فضای آموزشی را تحت تأثیر فعالیت‌های خود قرار می‌دهند. دکتر به دنبال راهی بود تا اعتصابات و اعتراضات دانشجویی به کیفیت آموزشی لطمه نزنند. به همین دلیل، طرحی تهیه کرد که بر اساس آن، با استفاده از کامپیوتر مرکز محاسبات دانشگاه، حضور و غیاب دانشجویان را کنترل کرده و آن‌هایی را که غیبتشان بیشتر از حد مجاز باشد، مشخص کند. علاوه بر آن، مرکز محاسبات می‌توانست تعداد جلساتی که هر درس منحل شده را ثبت کند. با این طرح، اسامی دانشجویان غایب و عناوین دروسی که چند جلسه

۱ - وزیر علوم و آموزش عالی وقت نام‌های درباره وضعیت دانشگاه‌های تهران طی نیم‌سال اول تحصیلی با مهر محرمانه، به دفتر نخست‌وزیری ارسال کرد. در این نامه، درباره وضعیت دانشگاه صنعتی آریامهر آمده: «روز ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۵۲، شعاری برای شرکت در روز ۱۶ آذر دیده شد. تابلوهای نمایشگاه نقاشی که از آثار دانشجو احمد آق‌زاده در دانشگاه ترتیب داده شده، تحریک‌آمیز بوده است. روز ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۵۲ شعاری در دستشویی‌های ساختمان‌ها دیده شد که عناوین آن مرگ بر رژیم مزدور و حکومت فاشیستی و دعوت برای شرکت در مراسم روز ۱۶ آذر و اعتصاب در آن روز بود و چون روز ۱۶ آذر جمعه است، اعتصاب روز ۱۷ آذر خواهد بود. روز ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۵۲ حدود ۱۵۰ نفر از دانشجویان جمع شده و با دادن شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی تعدادی از شیشه‌های ساختمان مجتهدی را شکستند. روزهای ۲۶ و ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۵۲، عده‌ای با دادن شعار و شکستن شیشه باعث شدند کلاس‌های درس تعطیل شود. ظاهراً هدفشان مخالفت با مقررات وضع شده درباره پذیرش مهمان در خوابگاه‌ها است.» در ادامه این نامه آمده است: «در تمام موارد فوق، مسئولان دانشگاهی بر اساس تصمیم اتخاذ شده (در برخورد با مسائل با قاطعیت عمل کنند) به شرح زیر بر اساس موارد فوق عمل کرده‌اند. دستور داده شد شعاریا پاک شوند؛ تابلوهای تحریک‌آمیز نمایشگاه جمع شدند؛ عده‌ای از استادان مأمور شدند به جمع دانشجویان بروند و با آن‌ها صحبت کرده و آن‌ها را ارشاد کنند؛ به دانشجویان تذکر داده شد که در زمینه پذیرش مهمان باید طبق ضوابط عمل شود.»

به دلیل اعتصابات تشکیل نشده بود، به طور اتوماتیک و به سرعت در مرکز محاسبات استخراج می شد. دکتر پس از مشورت با رئیس مرکز محاسبات، با نخست وزیر هویدا تماس گرفته و طرح حضور و غیاب کامپیوتری را با او در میان گذاشت. هویدا گفت: دانشجویان تندرو تو را خواهند کشت! من نمی توانم این مسئولیت را قبول کنم. خودت این موضوع را به شاه بگو. دکتر نصر که در اجرای تصمیم خود مصمم بود، نزد شاه رفت و موضوع را با او در میان گذاشت. شاه با تعجب پاسخ داد: باور نمی کردم یک نفر در بین رؤسای دانشگاه پیدا شود و این کار را بکند. من هر چه به دانشگاه های دیگر می گویم، کسی این کار را انجام نمی دهد و این تعطیلی ها سبب می شود سطح فارغ التحصیلان پایین بیاید. البته شما پشتیبانی مطلق از طرف من دارید که این کار را انجام دهید.

دکتر نصر طرح را در شورای دانشگاه مطرح کرد و اعضای شورا پس از بررسی طرح، مقررات زیر را تصویب نمودند: هر روز غیبت باعث اضافه شدن یک روز به مدت ترم خواهد بود و چنانچه غیبت دانشجویان از شش جلسه بیشتر شود، مشمول آیین نامه ها و مقررات انضباطی خواهند شد. ضمناً باید کلاس هایی که به علت اعتصابات دانشجویی منحل شده، جبران شوند ولی اگر تعداد ساعات کلاس منحل شده درسی بیش از دو هفته باشد، آن درس از لیست واحدهای آن ترم حذف خواهد شد. بعد از تصویب شورای دانشگاه، مرکز محاسبات موظف شد اطلاعات مربوط به حضور و غیاب دانشجویان و تشکیل یا تعطیلی تک تک کلاس ها در طول ترم را وارد کامپیوتر کند. دانشجویان معترض وقتی فهمیدند دانشگاه قصد دارد با استفاده از کامپیوتر در این ترم به طور جدی مقررات آموزشی مربوط به تشکیل کلاس و حضور و غیاب را اجرا کند و برخلاف ترم های گذشته، ممکن است یک نیم سال تحصیلی را از دست بدهند، بنای مخالفت گذاشتند.

اعتراضات دانشجویی با خطر تهدید ترم تحصیلی

در هر سال تحصیلی با نزدیک شدن به روز دانشجو، فعالیت های سیاسی و اعتراضی دانشجویان دانشگاه های صنعتی آریامهر، تهران، ملی و دانشکده پلی تکنیک اوج می گرفت. دانشجویان معترض در دانشگاه صنعتی آریامهر، بعد از تصویب طرح ثبت حضور و غیاب کامپیوتری، به دنبال آن بودند که هر طور شده کلاس ها را به تعطیلی بکشند. مسئولان دانشگاه در جلسه ای که با حضور رؤسای دانشکده ها تشکیل شد، تصمیم گرفتند برای جلوگیری از تعطیلی کلاس ها دوباره به دانشجویان اعلام کنند هر روز غیبت باعث افزایش یک روز به زمان ترم تحصیلی خواهد شد و چنانچه غیبت هر دانشجویی از شش جلسه بیشتر شود، مشمول آیین نامه ها و مقررات انضباطی خواهند شد. در این موقعیت، روز

۶ آذر، کلاس‌ها در ساعت اول با حضور دوسوم دانشجویان تشکیل شد و از ساعت ۹:۳۰، حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان در دانشکده شیمی و ساختمان مجتهدی تجمع کرده و شعار سر دادند و به این ترتیب کلاس‌های دانشکده و ساختمان مجتهدی را تعطیل کردند. البته بعد از مدت کوتاهی، دوباره کلاس‌ها تشکیل شد. ۷ آذر وضعیت دانشگاه کمی آرام بود و کلاس‌های ساعت اول به صورت عادی تشکیل شد، اما ساعت دوم چند دانشجو به کلاس‌ها رفته و استادان و دانشجویان را تشویق کردند تا کلاس‌ها را تعطیل کنند. این کار دانشجویان سبب ایجاد بی‌نظمی در برگزاری کلاس‌ها شد. بعد از تعطیلات آخر هفته، در ۱۰ آذر، فعالیت دانشجویان از سر گرفته شد و ۱۵۰ نفر از دانشجویان به سمت ساختمان مجتهدی حرکت کرده و با سر دادن شعار، کلاس‌های درس را تعطیل کردند. دانشجویان معترض اعلامیه‌هایی درباره روز دانشجو بین دانشجویان پخش می‌کردند. به این ترتیب، به بهانه‌های مختلف کلاس‌های درس تعطیل می‌شد. شورای دانشگاه که از وضعیت ایجاد شده ناراضی بود، روز ۱۰ آذر جلسه‌ای تشکیل داد. اعضای شورا در این جلسه که ۴/۵ ساعت طول کشید، بر حذف درس و ترم تحصیلی دانشجویانی که بیش از حد مجاز غیبت داشتند، تأکید کردند. بر اساس مصوبه‌ای که در جلسه شورای دانشگاه تصویب شد، قرار شد مرکز محاسبات فهرست کاملی از غیبت‌های دانشجویان تهیه کند تا کسانی که غیبتشان از حد مجاز گذشته، مشخص شده و از تحصیل در آن نیم‌سال تحصیلی محروم شوند. با این حال، روز ۱۱ آذر حدود پنجاه نفر از دانشجویان دوباره به کلاس‌ها ریخته و بعضی از آن‌ها را تعطیل کردند. دانشجویان معترض از گارد دانشگاه می‌خواستند دانشجویانی را که روزهای قبل در اعتراضات بازداشت کرده بودند، آزاد کنند. به این ترتیب، خیلی از کلاس‌های دانشگاه یا به حد نصاب نمی‌رسیدند و تشکیل نمی‌شدند، یا بعد از تشکیل، به وسیله دانشجویان معترض تعطیل می‌شدند. دکتر نصر که تحت فشار مقامات آموزشی و امنیتی بود، همان شب جلسه‌ای با رؤسای دانشکده‌ها و برخی استادان ترتیب داد. اعضای حاضر در جلسه بعد از بحث و بررسی فراوان، دو پیشنهاد مطرح کردند. اول آنکه تا چند روز دانشجویان سال اول و دوم را به دانشگاه راه ندهند و دیگر آنکه مقررات آموزشی درباره غیبت غیرمجاز و حذف درس را اجرا کنند. بعد از رأی‌گیری پیشنهاد دوم تصویب شد.

پس از اتمام جلسه، چند نفر از استادان به خوابگاه رفتند تا تصمیم مسئولان دانشگاه را به دانشجویان اطلاع دهند و از آن‌ها بخواهند سر کلاس‌های درس شرکت کنند. یکی از استادان برای تهدید دانشجویان به آن‌ها گفت که گارد دانشگاه چند نفر از دانشجویان معترض را دستگیر کرده است. همان

شب، تعدادی از دانشجویان معترض به این مصوبه و بازداشت همکلاسی‌هایشان دور هم جمع شده و تصمیم گرفتند تا زمانی که دانشجویان دستگیر شده آزاد نشوند و محدودیت‌ها و قوانین جدید خوابگاه لغو نشود، در کلاس‌های درس شرکت نکنند. ساواک عده‌ای از دانشجویان فعال سیاسی را بازداشت کرده بود و بقیه دانشجویان فعال را به دو دسته محرکین درجه ۱ و محرکین درجه ۲ دسته‌بندی کرده بود. محرکین درجه ۱ از امتیازات دانشجویی محروم بودند و محرکین درجه ۲ اجازه نداشتند از خوابگاه استفاده کنند. دانشجویان معترض در پایان جلسه، روی برگه‌هایی نوشتند تا دوستانمان را آزاد نکنید به کلاس نروا، به مناسبت روز ۱۶ آذر از صبح روز سیزدهم برای شهیدان راه آزادی اعتصاب می‌کنیم و برگه‌ها را بین سایر دانشجویان پخش کردند. فردای آن روز، یعنی روز ۱۲ آذر، بیشتر کلاس‌ها تشکیل شد و فقط حدود ۳۰۰ نفر از دانشجویان در محوطه دانشگاه پراکنده بودند که دو کلاس را تعطیل کرده و متفرق شدند. روز ۱۳ آذرماه، فقط عده کمی از دانشجویان ساعت ۱۰/۵ در ساختمان مجتهدی تجمع کرده و کلاس‌ها را به هم زدند و سپس شیشه‌های یکی از کلاس‌های دانشکده مکانیک را شکستند. اما بیشتر کلاس‌های دانشگاه در این روز تشکیل شد. در این روز، عناوین کلاس‌های حذف شده و اسامی دانشجویانی که غیبتشان از حد مجاز بیشتر شده بود، در مرکز محاسبات استخراج و روی برد دانشگاه نصب شد. در اولین اطلاعیه مرکز محاسبات اعلام شد تا آن لحظه، ۱۱ واحد درسی، ۴ آزمایشگاه و نیم‌سال اول ۳۵ نفر از دانشجویان حذف شده است.

با نزدیک شدن به روز ۱۶ آذر، ناآرامی و دامنه اعتراضات بیشتر می‌شد. ساعت اول روز چهاردهم فقط ۲۰ کلاس درس تشکیل شد. با توجه به آنکه دانشگاه مصمم بر اجرای مقررات آموزشی بود و روز قبل اسامی دانشجویانی که ترمشان حذف شده اعلام شده بود، اما باز هم در ساعت دوم حدود ۷۰ نفر در طبقه همکف ساختمان مجتهدی جمع شده و با دادن شعار چند کلاس را به هم زدند. مسئولان دانشکده برای آنکه لوازم و تجهیزات آزمایشگاه‌ها آسیب نبینند، پیش از هر گونه اعتراض و اعتصابی، درهای آزمایشگاه‌ها، به‌ویژه آزمایشگاه‌های شیمی و مکانیک را می‌بستند.

مقامات امنیتی و آموزشی کشور برای کنترل اوضاع دانشگاه‌ها قوانینی وضع کردند و در جلسه‌ای که با حضور همه رؤسای دانشگاه‌ها تشکیل شده بود، به آنان ابلاغ کردند. طبق این قوانین:

۱. رؤسای دانشگاه موظف بودند مقررات آموزشی و انضباطی را با قاطعیت کامل در همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور اجرا کنند. نباید هیچ کدام از دوره‌های آموزشی به دلیل احتمال اعتصاب و اعتراض دانشجویان فدا شود و تمام دوره‌ها باید به طور کامل ارائه گردد.



۲. دوره‌های تابستانی همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، اعم از آنکه مربوط به تحصیلات روزانه یا شبانه باشد، در تابستان آینده تشکیل نخواهد شد و به این ترتیب، آیین‌نامه‌های مربوط به تشکیل دوره‌های شبانه همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ملغی می‌شود.
۳. دانشجویانی که آرامش دانشگاهی و انضباطی لازم محیط مقدس علمی و آموزشی را برای استاد و دانشجویان حقیقی مختل نمایند، باید اخراج شوند و این اختیار با رئیس مؤسسه است.
۴. حضور یا غیاب دانشجویان در کلاس مانع آن نیست که اعضای هیئت آموزشی در کلاس درس یا کارگاه یا آزمایشگاه حاضر نباشند. رئیس دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی باید مقررات استخدای اعضای هیئت آموزشی را با قاطعیت اجرا کنند و به تعداد ساعات غیبت از حقوق و مزایای ماهانه آنان کسر کنند.
۵. برای حفظ آرامش دانشگاه به طوری که دانشجویان واقعی بتوانند در کمال آرامش به تحصیل بپردازند و استادان بتوانند در محیط آرامی به تعلیم و تعلم اشتغال ورزند، نفرات گارد دانشگاهی در دانشگاه‌ها مستقر شوند (مانند پلیس در شهر) و تمام فعالیت‌های واحدهای آموزشی هر مؤسسه را کنترل کنند.

حفظ سطح علمی با حذف نیم‌سال تحصیلی

روز ۱۶ آذر جمعه بود و دانشجویان دانشگاه‌ها از قبل تصمیم گرفته بودند روز هفدهم مراسم این روز را برگزار کنند. در این روز، حدود ۷۰ نفر در ساختمان مجتهدی جمع شدند و بعد از آنکه شیشه کلاس‌ها را شکستند، کلاس‌های ساختمان مجتهدی و دانشکده شیمی را تعطیل کردند. با تعطیلی کلاس‌ها، تعداد دانشجویانی که غیبت غیرمجازشان از حد نصاب گذشته بود، به ۲۰۰ نفر رسید. طبق مصوبه شورای دانشگاه، نیم‌سال اول سال تحصیلی برای این دانشجویان حذف شد و به دنبال آن، دانشگاه برای کنترل اوضاع، اجازه نداد این افراد در ترم جاری وارد دانشگاه شوند. علاوه بر این تعداد، از ورود ۴۰ نفر از دانشجویانی که مسبب اصلی ناآرامی‌های اخیر بودند، جلوگیری شد. با آنکه همه می‌دانستند مسئولان به ۲۴۰ نفر از دانشجویان اجازه نداده‌اند حتی وارد دانشگاه شوند، روز ۱۸ آذر دوباره دانشجویان معترض کلاس‌ها را تعطیل کردند و با سر دادن شعار، شیشه‌های چند کلاس را شکستند. آن روز، نیروهای گارد مستقر در دانشگاه داخل ساختمان‌ها شده و پس از بازداشت ۴ نفر، بقیه را متفرق کردند. روز بعد، اوضاع در دانشگاه صنعتی آریامهر به نسبت آرام بود و ۲۳ کلاس دانشگاه تشکیل شد

و فقط ۲ کلاس تشکیل نشد. روز ۲۰ آذر، بر اساس اطلاعات مرکز محاسبات، اسامی دانشجویانی که غیبت غیرمجاز داشتند و ترم اول سال تحصیلی شان حذف شده بود، به نگرهبانی اعلام شد تا از ورود آن‌ها به دانشگاه جلوگیری شود. تعداد این دانشجویان ۷۸۷ نفر بود و روز ۲۱ آذر این تعداد به ۹۰۰ نفر رسید. در ادامه اعتراضات، ۱۲ نفر از دانشجویان رشته شیمی با ایجاد سر و صدا، ۲ کلاس را به هم زدند. چون تعداد دانشجویانی که اجازه ورود به دانشگاه را داشتند کم شده بود، مسئولان به سرعت جلوی این افراد را گرفته و آن‌ها را اخراج کردند. تا تاریخ ۲۶ آذرماه تعداد دانشجویان محروم از تحصیل نیم‌سال اول به ۱۲۰۰ نفر رسید. یعنی یک‌سوم دانشجویان حق حضور در دانشگاه را نداشتند و با حذف برخی از کلاس‌ها، هر روز به این تعداد اضافه می‌شد.

در این وضعیت، دانشجویان زیادی به حذف ترم دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان اعتراض کردند اما مسئولان دانشگاه اعلام کردند قاطعانه مقررات را اجرا خواهند کرد. دانشجویانی که ترمشان حذف نشده بود، سعی کردند شورای دانشگاه را از اجرای آیین‌نامه جدید منصرف کنند. آن‌ها تصمیم گرفتند با عدم حضور در کلاس‌های درس، مسئولان دانشگاه را تحت فشار بگذارند تا آیین‌نامه حذف ترم را اجرا نکنند. این دانشجویان می‌دانستند به احتمال زیاد درخواستشان پذیرفته نخواهد شد و ممکن است نیم‌سال تحصیلی خودشان هم حذف شود. در گزارش محرمانه روز ۲۷ آذر وزارت علوم از دانشگاه صنعتی آریامهر آمده: «شب گذشته عده‌ای از دانشجویان مقیم خوابگاه با خاموش کردن چراغ‌ها در اتاقی تجمع کرده و طبق اطلاع درباره محرومیت از تحصیل ۱۲۰۰ نفر برای نیم‌سال اول مذاکره کردند که آیا به کلاس بروند یا خیر. همچنین، صبح امروز ۱۰۸ نفر از دانشجویان دانشکده‌های مختلف در دانشکده مکانیک تجمع و در اتاقی با خاموش کردن چراغ‌ها در همین زمینه صحبت کردند. اکثریت حضار گفتند به کلاس نرویم و نیز در ساعت ۹:۳۰ حدود ۱۰۰ نفر در دانشکده شیمی مجتمع شده بودند».

به همین دلیل، عده‌ای از دانشجویان خوابگاهی شب دور هم جمع شده و در این باره بحث و تبادل نظر کردند. اما با وجود اصرار سایر دانشجویان بر امکان شرکت این ۱۲۰۰ نفر در امتحانات، دانشگاه اجازه نداد این افراد در امتحانات شرکت کنند. پس از حذف ترم ۱۲۰۰ نفر از دانشجویان، برای جبران کلاس‌هایی که به دلیل اعتراضات به هم خورده بود، ترم جاری دو هفته تمدید شد و امتحانات دو هفته دیرتر برگزار شد. به این ترتیب، طرح حضور و غیاب کامپیوتری با موفقیت اجرا شد و مسئولان دانشگاه نشان دادند مصمم‌اند به هر ترتیبی شده مانع شوند کیفیت آموزشی دانشگاه پایین بیاید. زمان دکتر نصر، یکی از دانشجویان که با معدل ۱۲/۵ فارغ‌التحصیل شده بود، برای ادامه تحصیل به دانشگاه

مریلند رفت. مدت کوتاهی بعد از حضور این دانشجو در دانشگاه، دانشگاه مذکور در نامه‌ای به دانشکده مربوط از مسئولان دانشگاه صنعتی آریامهر تقاضا کرد دانشجویانی مانند او را به این دانشگاه معتبر معرفی نمایند. اقدامات دانشگاه در پافشاری بر اجرای مقررات آموزشی و آیین‌نامه‌های انضباطی به بهای حذف ترم بسیاری از دانشجویان، سبب شد تا دانشجویان معترض نتوانند در ترم‌های بعدی کلاس‌های درس را تعطیل کنند. در همین رابطه، دکتر نصر در چهل و دومین جلسه هیئت امنای دانشگاه صنعتی آریامهر در ۲۱ اسفند ۱۳۵۲، اشاره کرد که در نیمه اول سال تحصیلی جاری در دانشگاه تشنج‌هایی پیدا شد ولی در مقابل اقدام‌های جدی و اصولی که از طرف دانشگاه اعمال شد، نیم‌سال تحصیلی بیش از ۱۴۰۰ نفر از دانشجویان حذف و نیم‌سال اول دو هفته تمدید شد و در نتیجه این اقدامات جدی آموزشی، کلاس‌ها به وضع عادی برگشت. وی ادامه داد علاوه بر فعالیت‌های درخشان دانشکده‌ها و مراکز مختلف، تحقیقات شایان توجهی در آزمایشگاه سیستم‌های دیجیتالی دانشکده برق و آزمایشگاه تحقیقاتی خواص و کاربرد مواد رادیواکتیو که به ترتیب به وسیله مهندس صمصام و دکتر سخاوت سرپرستی می‌شود، انجام شده است. چون ایجاد چنین مراکز تحقیقاتی در اساسنامه دانشگاه پیش‌بینی نشده بود، دکتر نصر از هیئت امنای خواست دو مرکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاه ایجاد شود. دکتر علی سخاوت و مهندس صمصام در جلسه هیئت امنای حاضر شدند و درباره تحقیقات خود توضیح دادند. دکتر سخاوت درباره تحقیقاتی که در آزمایشگاه خواص و کاربرد مواد رادیواکتیو انجام داده بود، صحبت کرد و گفت دانشگاه اختراعات حاصل از این تحقیقات را در نمایشگاه اختراعات بین‌المللی سال ۱۹۷۳ ژنو عرضه کرده و برنده جایزه‌های 'Prix d'humanite' و 'Grand Prix' شده‌اند. آن سال، دکتر علی سخاوت، مخترع ایرانی، دو اختراع بزرگ ثبت کرد. یکی پیش‌بینی زلزله چند دقیقه قبل از وقوع آن و دیگری یافتن محل کسانی که در اثر بمباران یا زمین‌لرزه در میان آوار محصور شده‌اند. دکتر سخاوت دو مدال طلا و بزرگ‌ترین جایزه نمایشگاه بین‌المللی اختراعات و روش‌های نوین ۱۹۷۳ را در سه مورد به خود اختصاص داد.

تعطیلی سلف‌سرویس دانشگاه

نیمه شب ۱۲ آذرماه، دانشجویان خوابگاهی در اعتراض به کیفیت غذای سلف با سر دادن شعار، شیشه‌های سلف را شکسته و پرده‌های سلف را پاره و یکی از یخچال‌های خوابگاه را واژگون کردند. تعدادی از دانشجویان با خوردن غذای سلف دچار مسمومیت شده بودند. اعتراض دانشجویان یک ساعت



آزمایشگاه سیالات، برخی از این دستگاه‌ها هنوز هم استفاده می‌شوند.



طول کشید. بعد از این ماجرا، مسئولان دانشگاه سلف‌سرویس خوابگاه را تعطیل کردند. دو هفته بعد، حدود ۵۰ نفر از دانشجویان، موقع نهار در اعتراض به تعطیلی سلف‌سرویس خوابگاه، ظرف‌های غذایی سالن نهارخوری دانشگاه را شکسته و فضای سالن را به هم ریختند و اجازه ندادند سایر دانشجویان غذا بخورند. در این ماجرا، خسارت زیادی به سالن غذاخوری وارد شد. مسئولان دانشگاه سالن نهارخوری دانشگاه را هم تعطیل کردند. سه روز بعد، تعدادی از دانشجویان به دفتر رئیس دانشگاه رفتند تا درباره تعطیلی سلف خوابگاه و سالن نهارخوری دانشگاه با او صحبت کنند اما دکتر نصر این دانشجویان را به حضور نپذیرفت و از معاون آموزشی خواست با نماینده‌های دانشجویان صحبت کند. در این دیدار، معاون آموزشی به دانشجویان گفت که طبق دستور رئیس دانشگاه، نه تنها غذاخوری دانشگاه باز نخواهد شد بلکه دانشجویان باید خسارت‌هایی را که به سلف وارد کرده‌اند، جبران کنند. این موضوع سبب ناراضی‌تری بیشتر دانشجویان و دلیل اعتراضات بعدی‌شان شد.^۱

۱ مهندس شافعی می‌گوید: در دوره‌ای احساس می‌شد که بهائیت به بدنه نظام رسوخ کرده و از رئیس ساواک گرفته تا طبیب مخصوص شاه و احتمالاً نخست وزیر و تعدادی از وزرا از بهائیان انتخاب شده‌اند و بهائیت به بانک‌ها، کارخانجات، کشت و صنعت‌های بزرگ چنگ انداخته است. در چنین شرایطی مطلع شدیم که خدمات نهارخوری دانشگاه به یک بهائی واگذار شده است. این موضوع با توجه به صیغه دکتر نصر و علائق مذهبی او کاملاً غیر منتظره می‌نمود. تعدادی از دانشجویان ابتدا در نهارخوری جمع شده و سپس به سمت دفتر رئیس حرکت کردیم. نیروهای گارد در مسیر نهارخوری تا اتاق رئیس دو طرف خیابان صف کشیده بودند. حرکت دانشجویان آرام بود. گاردی‌ها هم عکس‌العملی نشان نمی‌دادند. تعدادی از دانشجویان وارد اتاق انتظار شدیم. سروصدای دانشجویان باعث شد دکتر نصر بیرون بیاید و بپرسد که موضوع چیست. قبلاً سازماندهی نشده بود که چه کسی سخنگو باشد. با اشاره یکی از دانشجویان گفتیم آقای دکتر مطلع شدیم که دانشگاه تهیه غذا را به شخصی بنام اشراق که بهائی است واگذار کرده است و ما به این قرار داد اعتراض داریم. آیا در تهران که اکثریت قریب به اتفاق مسلمانند و از بهائیت وابسته به اسرائیل وانگلیس و روسیه بیزارند، مسلمانی نبود که بتواند غذای دانشجویان این دانشگاه را تهیه کند که با بهائی قرارداد بسته شده است. او گفت شما چکار به دین او دارید عیسی به دین خود موسی به دین خود و اضافه کرد: لکم دینکم ولی دین. گفتیم آقای دکتر در همان قرآن که شما این آیه را قرائت کردید آیه دیگری هم آمده است که به صراحت می‌گوید ولن یجعل الله الکافرین علی المومنین سبیلًا. باز می‌گویید: با ایها الدین آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدی القوم الظالمین. به محض اینکه این آیات از دهان من خارج شد، دکتر نصر گفت: خیلی خوب. قرارداد را لغو می‌کنم و سپس دستور داد این کار را بکنند. دانشجویان نیز با رضایت از دفتر او بیرون آمدند.



ورنر فن بروان دانشمند آلمانی الاصل فضائی و موشکی آمریکا در حال سخنرانی در دانشگاه، ۱۳۵۳.

شرکت نکردن در امتحانات

نخستین اعتراضات در نهمین سال تأسیس دانشگاه، یعنی سال ۵۴-۱۳۵۳ از اواخر مهرماه شروع شد. روز بیست و نهم این ماه، عده‌ای از دانشجویان در سالن مجتهدی تجمع کرده و به پذیرش دانشجویان نظامی در دانشگاه و اشغال صندلی‌های خالی دانشگاه به وسیله ارتشی‌ها اعتراض کردند. معترضان بعد از تجمع، به طبقه‌های بالای ساختمان رفته و کلاس‌ها را تعطیل کردند. نیروهای گارد وارد ساختمان مجتهدی شدند. دانشجویان با دیدن نیروهای پلیس، متفرق شدند. روز ۳۰ مهر، دانشجویان دوباره در ساختمان مجتهدی جمع شده و این بار علاوه بر پذیرفته شدن دانشجویان ارتش در دانشگاه، به الزام به خدمت بعد از تحصیل اعتراض کردند. دوباره نیروهای گارد وارد صحنه شدند، اما برخلاف روز گذشته، با دانشجویان درگیر شدند و کار به زد و خورد کشید. نیروهای گارد در حمله به دانشجویان، دکتر توسلی، یکی از استادان دانشگاه را مورد ضرب و شتم قرار دادند. با آنکه دکتر مرتب فریاد می‌زد که استاد است و دانشجو نیست، گاردی‌ها بدون توجه به حرف‌های استاد او را زدند. دانشجویان در این سال، یعنی سال ۵۴-۱۳۵۳ از روش دیگری برای نشان دادن اعتراض و اعتصاب

استفاده کردند. با وجود درگیری‌های شدید در دانشگاه، دانشجویان تصمیم گرفتند در امتحانات پایان ترم شرکت نکنند. بعد از پایان نیم‌سال تحصیلی، امتحانات دانشگاه در اوایل بهمن آغاز می‌شد. در امتحان ترمودینامیک روز ۴ بهمن، ۴۳ نفر از ۱۶۰ نفر سر جلسه امتحان اعلام کردند آمادگی شرکت در آزمون ندارند. استاد درس با دانشجویان صحبت کرد و متقاعدشان نمود تا در امتحان مجددی که ساعت ۱۶:۳۰ برگزار می‌شود، شرکت کنند.

معمولاً دو نفر از نیروهای گارد سر جلسات امتحان و بالای سر دانشجویان می‌ایستادند و بر برگزاری امتحان نظارت می‌کردند. گاردی‌ها، وقتی دانشجویان وارد سالن امتحان می‌شدند تا اتمام وقت امتحان، اجازه نمی‌دادند کسی از جلسه خارج شود. دانشجویان معترض سر جلسه امتحان می‌نشستند اما امتحان نمی‌دادند و بعد از اتمام وقت امتحان، برگه‌های سفید را به ناظران امتحان تحویل می‌دادند. گاردی‌ها وقتی فهمیدند بعضی از دانشجویان امتحان نمی‌دهند و فقط سر جلسه می‌نشینند، کارت‌های دانشجویی‌شان را گرفتند تا آن‌ها روز بعد نتوانند وارد دانشگاه شوند. روز بعد، نگهبانان به دانشجویانی که کارت دانشجویی نداشتند، اجازه ندادند وارد دانشگاه شوند و وقتی دانشجویان گفتند امتحان دارند، آن‌ها را به مقر گارد فرستادند. گاردی‌ها برای آنکه بتوانند اعتراضات و اعتصابات را کنترل کنند، دانشجویانی را که نقش اصلی در تحریک بقیه داشتند، شناسایی کرده و با آن‌ها برخورد می‌کردند. به این دانشجویان اخطار می‌دادند و کارت‌شان را پانچ می‌کردند تا از بقیه متمایز شوند. در مقر گارد، آن‌ها کارت دانشجویانی را که در امتحان شرکت نکرده بودند، پانچ کردند و آن‌ها را تهدید کردند که در صورت تکرار، اجازه نمی‌دهند در امتحانات شرکت کنند. مشکل ورود و خروج در روزهای بعد حل شد، چون دانشجویان دیگر هم برای آنکه اقدام گارد را خنثی کنند، کارت‌هایشان را پانچ کرده بودند.

در امتحان روز ۵ بهمن، ۵۰۰ نفر از ۷۸۰ نفر، اعلام کردند در اعتراض به تعطیلی سلف‌سرویس و کشته شدن یکی از دانشجویان دانشکده علم و صنعت و بازداشت عده‌ای از دانشجویان، در امتحان شرکت نمی‌کنند. این دانشجویان اوراق امتحانی را پاره کرده و از سالن امتحان خارج شدند. به دنبال این اعتراضات، ۶۰ نفر از دانشجویانی که اعتراضات را هدایت می‌کردند، جلسه تشکیل داده و بعد از بحث و بررسی، تصمیم گرفتند هیچ کدام در امتحانات بعدی شرکت نکنند. آن‌ها تصمیمشان را در اعلامیه‌ای به برد خوابگاه نصب کردند. بعد از این جلسه، تعداد زیادی از دانشجویان در جلسه امتحان شرکت نکردند. در امتحان دو روز بعد از این جلسه، از بین ۱۲۰ دانشجویی که امتحان داشتند، فقط ۳۰ نفر

سر جلسه حاضر شدند. چون دوسوم دانشجویان در جلسه امتحان حضور نداشتند، استاد امتحان را لغو کرد. در امتحان روز هشتم، ۵۰۰ نفر از دانشجویان امتحان داشتند که هیچ کدام سر جلسه امتحان حاضر نشدند. به همین ترتیب، در امتحان روز ۱۲ بهمن نیز ۴۰۰ نفر باید در امتحانات شرکت می کردند که هیچ کدام سر جلسه امتحان نیامدند. ۶۰۰ نفر هم روز ۱۳ بهمن امتحان داشتند که هیچ کس در آن امتحان شرکت نکرد.

شورای دانشگاه برای بررسی وضعیت دانشجویان و تصمیم گیری درباره امتحانات نیم سال اول تحصیلی، روز ۱۹ بهمن جلسه ای برگزار کرد. در این جلسه مقرر شد به دانشجویانی که نیم سال اول کمتر از ۱۸ واحد گرفته اند، کمبود آن تا ۱۸ واحد داده شود. به دانشجویان به ازای تعداد واحدهایی که در روزهای اخیر در امتحانات شرکت کرده اند، واحد جدید داده شود. هیچ گونه ارفاقی از نظر پس گرفتن واحد و امتحان مجدد بین دو نیم سال نخواهد شد.

به این ترتیب، با غیبت دانشجویان در امتحانات، دروس آنها حذف می شد. از سوی دیگر با تصمیم جدید شورای دانشگاه، در نیم سال دوم تحصیلی، دانشجویان مجاز بودند تعداد محدودی واحد درسی انتخاب کنند و به همین دلیل، تعداد کلاس هایی که در نیم سال بعد در دانشگاه تشکیل شد، کمتر از ترم های گذشته بود و دانشجویان کمی در دانشگاه حضور داشتند. چون تعداد کمی از دانشجویان اجازه ورود به دانشگاه داشتند و ترم تحصیلی بسیاری از فعالان سیاسی حذف شده بود، دانشگاه ترم آرامی را پشت سر گذاشت و با وجود آنکه در دانشگاه تهران، اعتراضات دانشجویی به اوج خود رسیده بود، در دانشگاه صنعتی آریامهر، عملاً اتفاق خاصی نیفتاد. برخلاف ترم های گذشته که اخبار دانشگاه صنعتی آریامهر، یکی از مهم ترین اخبار و گزارش های روزانه وزارت علوم به دفتر نخست وزیر بود، در این ترم، کمتر از ده خبر از دانشگاه به دفتر نخست وزیر و مقامات امنیتی مخابره شد.

فعالیت های علمی و پژوهشی دانشگاه در فضای متشنج سیاسی

دکتر نصر در جلسه چهل و سوم هیئت امنا که ۲۱ خرداد ۱۳۵۳ برگزار شد، گزارش بازدید پروفیسور ویسنر، رئیس دانشگاه ام آی تی را از دانشگاه ارائه داد. پروفیسور ویسنر به دعوت دانشگاه صنعتی آریامهر به ایران آمد و با شاه، نخست وزیر و وزیر علوم و آموزش عالی ملاقات کرد. او جلسات متعددی هم با دانشگاهیان داشت و قرارداد همکاری های علمی میان دانشگاه صنعتی آریامهر و دانشگاه ام آی تی امضا کرد. دکتر نصر پیشنهاد کرد با توجه به نیازهای روز و با کمک وزارت علوم و آموزش عالی و همکاری

مرکز انرژی اتمی، آزمایشگاه‌هایی در زمینه مهندسی هسته‌ای و تکنولوژی فرماتناسیون در دانشگاه تأسیس شود. دکتر نصر افزود هدف ما در این زمینه تربیت نیروی انسانی موردنیاز مملکت در حد لیسانس و بالاتر خواهد بود. در حال حاضر دانشگاه صنعتی آریامهر زمینه‌های علمی مناسبی دارد و دانشجویان رشته‌های هسته‌ای و فرماتناسیون می‌توانند حدود ۱۰۰ واحد درسی را با استادان خود انتخاب کنند. برای ۴۰ واحد دیگر، از متخصصان ایرانی خارج از کشور استفاده شود. شاه در این راستا دستور داد دانشگاه راکتور اتمی مخصوصی برای خود داشته باشد. در این جلسه، تبصره زیر به ماده ۲ اساسنامه دانشگاه افزوده شد:

ایجاد مؤسسات وابسته به دانشگاه با پیشنهاد نیابت تولیت و تصویب هیئت امنای میسر خواهد بود. مؤسسات وابسته مزبور در حدود مقررات اساسنامه خود استقلال مالی خواهند داشت. اساسنامه این گونه مؤسسات پس از تصویب هیئت امنای و انجام تشریفات قانونی، ثبت و اجرا خواهند شد. در این جلسه، دکتر نصر از هیئت امنای خواست اجازه دهند زمین‌های غرب و شمال دانشگاه برای ساختمان‌های تربیت بدنی و دانشکده‌های سازه و مهندسی شیمی خریداری شوند. پس از مذاکرات لازم، قرار شد این کار زیر نظر مهندس بهبهانیان، معاون وزارت دربار شاه انجام شود.

نهمین سالروز تأسیس و پنجمین دوره جشن فارغ التحصیلی

نهمین سالگرد تأسیس دانشگاه و پنجمین دوره فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر روز ۱۱ آبان ۱۳۵۳ با حضور خانم دیبا، مادر شهبانو برگزار شد. دکتر حسین نصر، نایب‌التولیه دانشگاه در گزارشی که در این مراسم ارائه داد، یادآور شد دانشگاه حدود ۲ هزار و ۸۰۰ دانشجوی دوره لیسانس و ۳۰۰ دانشجوی فوق لیسانس دارد و دانشجویان دانشگاه در مسابقات ریاضی دانشگاه‌ها به مقام اول رسیده‌اند. نصر از فعالیت‌های ورزشی و فوق برنامه دانشگاه یاد کرد و افزود: «در سال گذشته ۲۵۴ نفر عضو هیئت آموزشی دانشگاه بوده‌اند که از این میان، ۲۰۱ نفر تمام وقت انجام وظیفه کرده‌اند. به علاوه دانشگاه توانسته برای تأمین کادر آموزشی خود در آینده، ۶۰ فارغ التحصیل را برای پژوهش بیشتر به آمریکا و اروپا بفرستد». نصر در پایان اشاره کرد که عملیات ساختمانی دانشگاه در اصفهان با سرعت به پیش می‌رود و اولین دسته دانشجویان دو سال دیگر در این مرکز تحصیل خواهند کرد. پس از گزارش نصر، خانم دیبا جوایز فارغ التحصیلان ممتاز و هنرمندان و ورزشکاران شایسته را توزیع کردند.

کنکور اختصاصی

دانشگاه صنعتی آریامهر در زمان تولیت دکتر نصر، برای دست یافتن به استعداد های جدید و پذیرش دانشجو از سایر شهر های کشور، کنکور اختصاصی برگزار کرد. این کنکور در سه شهر تهران، کرمان و کرمانشاه به طور همزمان برگزار شد و در نتیجه ۹۶۰ نفر برای ثبت نام در ۹ دانشکده این دانشگاه پذیرفته شدند. البته دانشگاه چند درصد اضافه بر ظرفیت خود دانشجو پذیرفته بود. در این آزمون که به تقاضا و تصویب هیئت آموزشی دانشگاه برگزار شد، کادر آموزشی بدون درخواست هیچ گونه حق الزحمه ای و با کمک مرکز محاسبات، امور مربوط به کنکور را انجام دادند. تست های هوش و استعداد این آزمون را کادر علمی طراحی کرده بودند. دانشگاه در نظر داشت تا با مطالعاتی که انجام می دهد، امکان تأثیر نمرات دبیرستانی در آزمون ورودی و پذیرش دبیلمه هایی غیر از رشته های طبیعی و ریاضی را بررسی کند.

تأسیس مرکز پژوهشی های خواص و کاربرد مواد و نیرو

با فرمان شاه، مرکزی به نام مرکز پژوهشی های خواص و کاربرد مواد و نیرو وابسته به دانشگاه صنعتی آریامهر ایجاد شد. دکتر نصر، نیابت تولیت دانشگاه، در مصاحبه ای مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی، این مرکز را معرفی کرد و متن فرمان شاه را خواند.^۱

اساسنامه این مؤسسه در جلسه چهل و چهارم هیئت امنای دانشگاه مطرح و به تصویب رسید. چهل و چهارمین جلسه هیئت امنای دانشگاه، ۱۹ تیر ۱۳۵۳ به ریاست مهندس شریف امامی، در کاخ سعدآباد تشکیل شد. دکتر نصر اظهار داشت علت تشکیل این جلسه فوق العاده، صدور فرمان شاه مبنی بر تأسیس مرکزی به نام مرکز پژوهشی خواص و کاربرد مواد و نیرو است که پیش نویس اساسنامه آن تهیه شده است تا در جلسه تصویب شود. دکتر نصر ابتدا پیشنهاد کرد این مرکز به اسم غیاث الدین جمشید کاشانی باشد، چون او اولین کسی است که ماشین محاسبه اختراع کرده است. اعضای هیئت امنای موافق این اسم نبودند. آن ها گفتند چون مرکز با کشورهای خارجی سر و کار خواهد داشت، بهتر است اسم طوری باشد که برای آن ها تقییل نباشد. از طرفی، از اسم مرکز باید کار و وظیفه آن معلوم باشد. به همین دلیل، نام مرکز پژوهشی خواص و کاربرد مواد و نیرو برای آن انتخاب شد. در این جلسه، اساسنامه ای برای فعالیت مرکز تصویب شد. این مرکز در خانه ای اجاره ای کار خود را شروع کرد و قرار شد چند متخصص مجرب ساکن آمریکا و انگلیس به ایران بیایند و در آن استخدام شوند.

۱ - متن فرمان شاه به این شرح بود: نظر به اهمیت خاصی که برای پژوهش در همه زمینه ها، به ویژه پژوهش های علمی و فنی و صنعتی قائل هستیم، به موجب این فرمان مقرر می دارم مؤسسه ای به نام مرکز پژوهشی های خواص و کاربرد مواد و نیرو، وابسته به دانشگاه صنعتی آریامهر ایجاد شود. وظیفه مؤسسه، پژوهش های علمی در زمینه کاربرد مواد مورد استفاده در صنایع الکترونیک، مولد انرژی، سرامیک و متالورژی تعیین می شود. دولت مکلف به همکاری سازنده با این مؤسسه و تأمین اعتبارات مورد نیاز آن است. اداره امور این مؤسسه طبق اساسنامه ای است که به تصویب هیئت امنای دانشگاه صنعتی آریامهر خواهد رسید.



مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی آریامهر

اساسنامه سازمان انتشارات دانشگاه در کمیته هیئت امنای تهیه و در چهل و ششمین جلسه هیئت امنای در ۲۹ آبان ۱۳۵۳ تصویب شد. دکتر نصر در این جلسه آقای علی‌رضا حیدری^۱ را به‌عنوان مدیرعامل و از داخل دانشگاه، دکتر محمود نجوی، دکتر منصور معتمدی و دکتر فیروز پرتوی را به‌عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره و دکتر مهدی بهزاد را به‌عنوان عضو علی‌البدل و از خارج از دانشگاه، آقای دکتر محمدهادی شفیعی‌ها، دکتر حمید عنایت و محمدهادی موحد را به‌عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره و دکتر فتح‌اله مجتبیایی را به‌عنوان عضو علی‌البدل پیشنهاد کردند که مورد تصویب هیئت امنای قرار گرفت. در جلسه بعد، به آقای علیرضا حیدری اختیار داده شد تا مؤسسه انتشارات دانشگاه صنعتی آریامهر را به ثبت برساند.

هدف مؤسسه انتشارات طبق اساسنامه آن، تألیف، ترجمه، چاپ و توزیع کتاب‌ها و مجلات و هرگونه نشریه علمی و فنی، اعم از علوم محض و رشته‌های مختلف فنی و علوم انسانی، به‌جز مطبوعات تبلیغاتی و اخبار غیرعلمی به فارسی یا هر زبان دیگر، در زمینه‌های مختلف علمی و فنی و فلسفی و اجتماعی و هنری و تاریخی و غیره است که در شناساندن دانش و جریان‌های فکری و تجلیات ذوقی ملل دیگر در ایران و همچنین معرفی موارث معنوی و آثار علمی ایران و فعالیت‌های گوناگون فکری، اعم از گذشته و حال در داخل یا خارج کشور، مفید و مؤثر شناخته شود.

استفاده از مواد منفجره، حربه جدید دانشجویان

نیم‌سال دوم تحصیلی ۵۳-۱۳۵۲ دانشگاه بدون تنش آغاز شد و بدون درگیری خاصی ادامه یافت و خبری از شور و حرارت و اعتصاب‌های دانشجویی در این ترم نبود. چند نفر از دانشجویان اعلامیه‌هایی برای سالگرد تیرباران علی باکری در ۳۱ فروردین و کشته شدن کارگران جهان چیت و حمله گارد به دانشگاه در ۱۲ اردیبهشت‌ماه پخش کردند و از دانشجویان خواستند تا در این دو روز تجمع کنند. به‌جز معدودی از دانشجویان، کسی در مراسم حاضر نشد. دانشجویان معترض که به این نتیجه رسیده بودند تعدادشان برای تجمع و تعطیل کردن کلاس‌ها کم است، به فکر اقدامات دیگری افتادند. روز سالگرد اعدام علی باکری، حدود ۵۰ نفر از دانشجویان در ساختمان دانشکده شیمی جمع شده و شعار سر دادند و بعد از آن به ساختمان مجتهدی رفتند. هم‌زمان با این افراد، چند نفر دیگر، که خارج از دانشگاه در خیابان آیین‌هاور (آزادی فعلی) پنهان شده بودند، دینامیتی روی بام اتاق

۱- علی‌رضا حیدری از مدیران برجسته‌نشر در ایران بود که سال ۱۳۴۷ انتشارات خوارزمی را با همکاری چند نفر از نویسندگان و فرهنگیان تأسیس کرد و مدیرعامل آن شد. حیدری در شکل‌گیری مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی آریامهر نقش ارزنده‌ای داشت.



رئیس گارد دانشگاه (که در محل فعلی مسجد دانشگاه قرار داشت) انداختند و فرار کردند. با انفجار دینامیت، قسمت‌هایی از سقف اتاق پایین ریخت و شیشه‌های اتاق و ساختمان مجاور آن شکست، اما کسی آسیب ندید. این اقدام اولین اقدام مسلحانه دانشجویان در یکی از دانشگاه‌های کشور، آن هم دانشگاه شخص آریامهر محسوب می‌شد. اردیبهشت سال ۱۳۵۰، دانشجویان دانشگاه به نیروهای پلیس سنگ پرتاب کرده بودند و در سال ۱۳۵۳، از دینامیت استفاده کردند. بعد از این اتفاقات، وزارت علوم از دانشگاه خواست هر چه سریع‌تر این افراد را شناسایی و به شدت با آن‌ها برخورد کند و آن‌ها را تحویل مقامات امنیتی دهد. دانشجویان، دکتر نصر را مقصر اصلی برقراری کلاس‌ها می‌دانستند و از اینکه نمی‌توانستند مانند ترم‌های گذشته کلاس‌ها را تعطیل کنند، عصبانی بودند. چند نفر از دانشجویان معترض، برای انتقام از دکتر، پنهانی وارد اتاق دکتر شده بودند و بمبی را پشت صندلی اش جاسازی کرده بودند. دکتر نصر معمولاً ساعت ۷/۵ در دفتر کارش حاضر می‌شد. آن‌ها بمب را طوری تنظیم کرده بودند تا در همین ساعت منفجر شود؛ اما دکتر آن روز نیم‌ساعت دیرتر به دفتر کارش رفت. وقتی دکتر به دفتر رسید، بمب منفجر شده بود. در این حادثه، کسی آسیب ندید اما بخشی از دیوار اتاق نیابت تولید دانشگاه تخریب شد. این عمل بی‌سابقه در دانشگاه و سوءقصد به جان رئیس دانشگاه و نامه‌های تهدیدآمیزی که مرتب برای دکتر نصر ارسال می‌شد، باعث شد دکتر از نیابت تولید دانشگاه استعفا دهد.

دکتر ضرغامی می‌آید

دکتر نصر تا پایان سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳ عهده‌دار نیابت تولید دانشگاه صنعتی آریامهر بود. اما اواخر ترم دوم این سال، یکی از مأموران امنیتی نزد دکتر آمد و به او گفت که در یکی از خانه‌های تیمی سازمان مجاهدین خلق لیست تروری پیدا کرده‌اند و نام دکتر نصر در بالای آن لیست نوشته شده است. او به دکتر هشدار داد جانش در خطر است و برای رعایت مسائل امنیتی بهتر است از مسیرهای مختلف به خانه و دانشگاه رفت و آمد کند و ساعات برنامه‌های کاری اش را مرتب جابه‌جا کند و تغییر دهد. بعد از آن، مقامات امنیتی تصمیم گرفتند برخلاف میل دکتر، برایش محافظ بگذارند. دکتر نصر در خاطراتش این برهه از زندگی خود را دوران طلایی نامیده است. چون برای زندگی آمیخته به عرفان و فلسفه او، تجربه لحظه‌به‌لحظه مرگ، تجربه نابی بود. اما مدتی بعد، محافظ دکتر ترور شد و دکتر نصر بیماری قلبی گرفت و از ریاست دانشگاه استعفا داد. شاه ابتدا استعفای دکتر را نپذیرفت و گفت: «چه



کسی را به جای شما به عنوان نایب التولیه دانشگاه انتخاب کنیم؟» دکتر نصر در پاسخ دکتر زرغامی، معاون دانشگاه را به شاه معرفی کرده و به او گفت: «دکتر زرغامی دکترای ریاضیات دارد و سال هاست معاون دانشگاه است و فرد قابل احترامی است». شاه پس از مشورت با دیگران، در ۲۶ تیر ۱۳۵۴ دکتر زرغامی را به عنوان پنجمین نایب التولیه دانشگاه انتخاب کرد. بدین ترتیب، دکتر نصر^۱ بعد از ۲ سال و ۷ ماه از نیابت تولیت دانشگاه کنار رفت.

پنجمین نایب التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر

مهدی شقاقی زرغامی شهریور ۱۳۲۰ در اصفهان به دنیا آمد. او ۳۴ ساله بود که به سمت نیابت تولیت دانشگاه صنعتی آریامهر منصوب شد. مهدی زرغامی پسر ارتشبد عزت‌الله زرغامی، فرمانده کل نیروی زمینی ارتش بود. ارتشبد، نظامی متشرعی بود که نماز اول وقت و روزه اش ترک نمی‌شد. زرغامی دوران ابتدایی را در مدرسه ۱۵ بهمن تهران خواند و به دبیرستان البرز رفت و بعد برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد. او در آمریکا در انستیتو تکنولوژی جورجیا رشته مهندسی ساختمان خواند. بعد به دانشگاه ایلینوی رفت و از این دانشگاه فوق لیسانس مهندسی ساختمان گرفت و سال ۱۳۴۴ از همان جا، دکترای مهندسی سازه دریافت کرد. سپس در شرکت مهندسی مشاوره که سه نفر از استادان سابق ام‌آی‌تی تأسیس کرده بودند، مشغول کار شد. دکتر زرغامی سه سال روی طراحی و ساخت رادیوتلسکوپ‌های بزرگ دانشگاه‌های ام‌آی‌تی و هاروارد کار کرد. او عاشق ریاضیات بود و تمام مدتی که سر کار می‌رفت، کلاس‌های ریاضی دانشگاه ام‌آی‌تی را از دست نمی‌داد و در همه کلاس‌های آن شرکت می‌کرد. تا آنکه سال ۱۳۴۷ موفق شد مدرک فوق لیسانس ریاضی از این دانشگاه بگیرد و بعد به ایران برگشت.

دکتر زرغامی درباره آشنایی با دکتر مجتهدی و برگشت به وطن در خاطراتش نوشته: «سال ۱۳۴۵ دکتر مجتهدی برای جذب جوانان ایرانی تحصیل کرده به کادر آموزشی دانشگاه جدیدالتأسیس صنعتی آریامهر به بوستون آمد. کوشش صادقانه مجتهدی برای ساخت یک دانشگاه علمی و مهندسی ایدئال مرا تحت تأثیر قرار داد و تصمیم گرفتم به ایران برگردم و سال بعد زمان ریاست پروفیسور رضا، در دانشکده ریاضی به عنوان معلم با حقوق ماهیانه ۵۰۰ هزار و ۵۰۰ تومان مشغول کار شدم. آن زمان، دکتر مرتضی انواری به عنوان سرپرست دانشکده، دکتر بهمن مهری، دکتر فرهاد مودت و من به عنوان معاون دانشکده، استادان تمام وقت بودیم و با همکاری خانم الیزابت فرانسون، آقای مهدی آگاه، آقای منوچهر بروخیم، خانم محبوبه شیخ‌الاسلام، آقای هوشنگ شکرانیان و خانم سارا شهابی و جمعی

۱ - دکتر نصر علاوه بر ریاست دانشکده ادبیات و معاونت آموزشی دانشگاه تهران، نیابت تولیت عظامی دانشگاه صنعتی آریامهر، بنیان‌گذار و رئیس انجمن شاهنشاهی فلسفه در تهران و رئیس دفتر ملکه فرح پهلوی بود. بعد از انقلاب، دکتر نصر به آمریکا رفت و به عنوان استاد کرسی اسلام‌شناسی، به تدریس و پژوهش در دانشگاه جرج واشنگتن پرداخت. او از همکاران هانری کرین در تهیه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی بود و به علت عمق مطالعات علم‌شناسی، فلسفی، اسلامی و دین‌شناسی تطبیقی، پیوند با جریان فکری حکمت خالده و تألیف کتب فراوان درباره اسلام به زبان انگلیسی، تبدیل به جهانی‌ترین اندیشمند مسلمان دنیای معاصر شد. مرحوم احمد آرام، حسن میاندری، انشاء‌الله رحمتی، حسین حیدری، محمد هادی امینی، سعید دهقانی، محمد ساکت، مرتضی اسعدی، فرزند حاجی میرزایی و سایر مترجمان، بعضی از آثار او را به فارسی ترجمه کرده‌اند.



از استادان دانشکده مکانیک، مثل دکتر مصطفی طوسی و همایون ثقفی که در تدریس ریاضیات کاربردی به دانشجویان دانشکده‌های مهندسی کمک می‌کردند، تدریس دروس ریاضی دانشکده‌های مهندسی و دانشکده‌های ریاضی، فیزیک و شیمی را به عهده داشتیم. بعد از مدت کوتاهی، دکتر امین نایب‌التولیه دانشگاه شد. او پس از تدوین اولین آیین‌نامه استخدامی کادر آموزشی، به معلمان دانشگاه عنوان داد و باتوجه به سوابق و مقالاتم مرا دانشیار کرد.

از تابستان ۱۳۴۷ علاوه بر کارهای آموزشی به تحقیق پرداختم. ابتدا با دکتر بهمن مهری چند مقاله مشترک نوشتیم و چند مقاله در زمینه ریاضی و مهندسی در مجلات معتبر علمی به چاپ رساندم. سال ۱۳۵۱، طی حکم کمیته ارتقا به همراه دکتر مهدی بهزاد و دکتر فریدون هژبری، ارتقای درجه یافتم و به عنوان اولین استادان دانشگاه، به ما مقام استادی داده شد. بعد از تدوین آیین‌نامه انتقال دانشگاه به اصفهان، دکتر امین سال ۱۳۴۹ مرا به عنوان رئیس دفتر طرح و برنامه دانشگاه منصوب کرد و مسئولیت برنامه‌ریزی آموزشی پژوهشی امور پژوهشی و تجهیزاتی پژوهش، ارتباط با صنعت و امور ساختمانی دانشگاه در تهران و همین طور ایجاد پردیس دانشگاه در اصفهان را به من سپرد. پیشنهاد نیابت تولیت دانشگاه صنعتی آریامهر را ابتدا وزیر علوم، دکتر سمیعی و سپس دکتر امین به من کردند و من از قبول آن پوزش طلبیدم، چون می‌خواستم وقت خود را فقط معطوف ساختن پردیس دانشگاه در اصفهان کنم. در نهایت دکتر امین به من توصیه کرد این پیشنهاد را بپذیرم چون در غیر این صورت، رئیس جدید دانشگاه ممکن است برنامه‌ای دیگر داشته باشد و نگذارد کاری که آغاز کرده‌ای به نتیجه برسد. با شرط اینکه دانشگاه به اصفهان منتقل نشود، این پیشنهاد را پذیرفتم».

اولین اقدامات دکتر ضرغامی در دانشگاه

دکتر ضرغامی بعد از انتصاب به نیابت تولیت دانشگاه، تصمیم گرفت معاونت آموزشی و دانشجویی را به دو معاونت آموزشی و معاونت دانشجویی تقسیم کند. اما در وضعیت سیاسی آن روز، معاونت دانشجویی مجبور می‌شد برای دفاع از دانشجویان یا گزارش اطلاعات آن‌ها به ساواک، در تقابل مستقیم با مقامات امنیتی قرار گیرد یا به نوعی به رابط ساواک در دانشگاه تبدیل می‌شد. به همین دلیل، دکتر از تصمیم خود منصرف شد و طی حکمی، دکتر فریدون هژبری، استاد دانشکده شیمی را به عنوان معاون آموزشی و دانشجویی دانشگاه برگزید. پس از آن، دکتر بیژن اعلامی، استاد دانشکده مهندسی سازه، به عنوان

معاون پژوهشی، دکتر محمدرضا صفائیة از دانشکده مهندسی صنایع، به عنوان معاون مالی و اداری، دکتر علی ستاری پور، استاد دانشکده مکانیک، به عنوان قائم مقام معاون آموزشی و دانشجویی دانشگاه و دکتر محمد امین از دانشکده مهندسی سازه، به عنوان معاون یا قائم مقام نایب التولیه برای طرح دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان انتخاب شدند. پیش از آن، دکتر ضرغامی خود مسئول اجرای این طرح در اصفهان بود.

انتخاب واحد با روش پیش ثبت نام

یکی از مشکلات دانشجویان در آغاز هر ترم تحصیلی انتخاب واحد و ثبت نام بود. گاهی واحدهای درسی خیلی زود پر می شد و به همه متقاضیان نمی رسید. بعضی از واحدها هم به حد نصاب نمی رسید و حذف می شد. معمولاً دانشجویان نمی توانستند واحدهای مورد علاقه شان را با آرامش انتخاب کنند و ثبت نام با بی نظمی های زیادی همراه می شد. اولین اقدام دکتر هژبری، معاون آموزشی و دانشجویی جدید، ابداع روش جدیدی به نام پیش ثبت نام برای انتخاب واحد و ثبت نام بود. در این روش، ظرفیت لازم برای هر کلاس بر اساس اطلاعات مربوط به تعداد دانشجویان هر دانشکده و گرایش های درسی شان در هر نیم سال تحصیلی پیش بینی شده و ثبت نام در چند مرحله انجام می شد. ابتدا دانشجویان باید با مشورت استادان راهنما واحدهای درسی مدنظرشان را بدون توجه به ساعت یا گروه درس انتخاب می کردند. برنامه هفتگی دروس و تعداد گروه های لازم برای هر درس، بر اساس ثبت نام مقدماتی طوری طراحی می شد که حداکثر دانشجویان بتوانند واحدهای درسی مدنظرشان را انتخاب کنند. ثبت نام مقدماتی رزرو هر درس محسوب می شد و دانشجویانی در اولویت ثبت نام قرار داشتند که دروس مدنظرشان را از قبل رزرو کرده بودند. در مرحله بعد، دانشجویان باید در روزهای مخصوص ثبت نام به استادان راهنما مراجعه کرده و ثبت نام قطعی می کردند، یعنی فرم ثبت نام را تحویل گرفته و دروس مورد علاقه شان را انتخاب می کردند. علاوه بر فرم ثبت نام، هر دانشجو باید به تعداد واحدهایی که انتخاب کرده بود، از استاد راهنما کارت ثبت نام می گرفت و مشخصات دروس را در کارت های کامپیوتری و فرم ثبت نام وارد می کرد و بعد آن ها را تحویل آموزش می داد. دکتر هژبری طراحی کامپیوتری برنامه پیش ثبت نام و اجرای آن را به عهده آقای مهندس خسرو هرندی، دانش آموخته دانشکده ریاضی و قهرمان و استاد بین المللی شطرنج ایران گذاشت. او مسئول امور کامپیوتری اداره آموزش دانشگاه بود. مهندس خسرو هرندی برای اجرای این طرح به کارت های کامپیوتری زیادی نیاز داشت و با نمایندگی شرکت آی بی ام در ایران تماس گرفت.



شرکت آی بی ام اعلام کرد کارت‌های کامپیوتری در آلمان غربی تولید می‌شود و باتوجه به تعطیلات پیش‌رو در این کشور، یک ماه طول می‌کشد کارت‌ها به ایران برسد. معاون دانشجویی و آموزشی دانشگاه برای اجرای به موقع طرح پیش‌ثبت‌نام به آلمان رفت و با مدیر این شرکت در آلمان گفت‌وگو کرد. او توانست به سرعت کارت‌ها را تهیه کند و آن‌ها را به موقع به مرکز محاسبات برساند. به این ترتیب، برنامه پیش‌ثبت‌نام برای اولین بار در دانشگاه اجرا شد و بعد از آن اداره آموزش توانست با این طرح دانشجویان را در هر نیم‌سال تحصیلی با نظم بیشتر و ظرفیت و کلاس‌بندی متناسب ثبت‌نام کند.

نجات نیم‌سال‌های تحصیلی با کامپیوتر مرکز محاسبات

دو نیم‌سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳ به علت اعتصابات دانشجویی و به هم خوردن جلسات امتحان و طبق مقرراتی که سال پیش از آن در هیئت امنای دانشگاه تصویب شده بود، حذف شد. سال بعد یعنی سال تحصیلی ۵۵-۱۳۵۴ دانشجویان معترض همچنان مصمم بودند امتحانات پایان‌ترم را به هم بزنند و دانشجویان دیگر را تشویق می‌کردند تا در امتحانات شرکت نکنند. اما برگزار نشدن امتحانات به حذف نیم‌سال تحصیلی می‌انجامید. حذف نیم‌سال‌های آموزشی، برنامه تحصیلی دانشجویان را یک سال دیگر به تعویق می‌انداخت، مخصوصاً آن‌هایی که در آستانه فارغ‌التحصیلی بودند. مسئولان دانشگاه برای کنترل اوضاع، تصمیم گرفتند با استفاده از کامپیوتر مرکز محاسبات، برنامه‌ای طراحی کنند و دانشجویانی را که جلسه امتحان را به هم می‌زنند و در امتحانات شرکت نمی‌کنند، شناسایی کنند. با شناسایی دانشجویان معترض، می‌شد مانع ورود آن‌ها به جلسه امتحان شد و امتحان را برگزار کرد. در این برنامه، شماره دانشجویی دانشجویانی که برگه امتحانی‌شان را داده بودند، با فهرست شماره دانشجویانی که آن درس را گرفته بودند مقایسه می‌شد و افرادی که جلسه آزمون را به هم زده بودند، مشخص می‌شدند. مسئولان این افراد را در امتحان بعدی از باقی دانشجویان جدا کرده و آن‌ها را در سالن جداگانه‌ای می‌نشاندند. با تکرار این روش برای امتحانات بعدی و پس از چند امتحان، دانشجویان نامتماایل به برگزاری امتحان شناسایی شدند و سال تحصیلی دانشجویانی که مایل به برگزاری امتحان بودند، بدون دخالت مأموران امنیتی نجات یافت. دانشگاه برای گروهی که مایل به برگزاری امتحان نبودند، فرصتی ایجاد کرد تا بعد از تعطیلات تابستانی بتوانند در امتحانات شرکت کنند. به این ترتیب، نیم‌سال تحصیلی تعدادی دیگر از دانشجویان معترض هم حفظ شده و توانستند در ترم جدید ثبت‌نام کنند.



تأسیس دفتر خدمات صنعتی

برای ایجاد ارتباط بیشتر با سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی کشور برای رفع مشکلات فنی آنان و با هدف درگیر کردن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه با مسائل و مشکلات صنایع و تشویق آن‌ها به تحقیق در زمینه‌های مورد نیاز کشور و ایجاد امکانات لازم برای گسترش اطلاعات علمی کادر فنی شاغل در صنایع از طریق دوره‌های بازآموزی و تخصصی، در دانشگاه دفتر خدمات صنعتی تأسیس شد. این دفتر در ابتدای تأسیس در سال ۱۳۵۰ با نام دفتر همکاری‌ها و خدمات آغاز به کار کرده بود. با اجرای طرح تمام‌وقتی استادان، لازم بود سازوکاری برای استفاده از نیروی انسانی متخصص دانشگاه در حل مشکلات تکنولوژی صنایع به وجود آید. به همین دلیل، این دفتر به سرپرستی دکتر طوسی ایجاد شد و با انعقاد قرارداد در چارچوب‌های مشخص، استادان می‌توانستند به حل مشکلات صنایع کمک کنند. دانشگاه صنعتی آریامهر زیر نظر دفتر خدمات صنعتی از اردیبهشت تا آبان ۱۳۵۴، دوره‌های زیر را برگزار کرد:

دانشکده برق دوره تخصصی رادار؛ دانشکده متالورژی، برق، مکانیک، ریاضی و علوم کامپیوتر با همکاری هم دوره تخصصی نورد؛ دانشکده برق و مکانیک دوره تخصصی منابع انرژی و دانشکده سازه دوره تخصصی طراحی ساختمان‌های فلزی را برگزار کردند. علاوه بر آن، دانشکده صنایع، دوره تخصصی مدیریت صنعتی را برای مهندسان کارخانه ماشین‌سازی اراک برگزار کرد.

دوره‌های آموزش صنعتی

نخستین دوره آموزش صنعتی حین تحصیل سال ۱۳۵۵ و به همت معاون دانشجویی و آموزشی، دکتر هژبری، اجرا شد. در این دوره، با مشارکت صنایع مختلف، فرصتی فراهم شد تا دانشجویان بتوانند واحدهای نیم‌سال تحصیلی‌شان را به طور کامل در یکی از صنایع بزرگ کشور بگذرانند. برای این منظور، استادان همراه دانشجویان به مراکز صنعتی رفته و چند واحد درسی را در آن مرکز تدریس می‌کردند. دانشجویان در این مدت، با کمک استادان واحدهای درسی لازم را می‌گذراندند و پروژه‌های صنعتی را زیر نظر کارشناسان انجام می‌دادند. دانشجویان روزها در پتروشیمی کار می‌کردند و بعد از اتمام ساعت‌های کاری، در کلاس‌های درس استادان و مهندسان پتروشیمی شرکت می‌کردند. استادان هم در این مدت با مسائل پتروشیمی و کارشناسان صنعت از نزدیک از نزدیک آشنا می‌شدند و می‌توانستند تحقیقات خود را در زمینه رفع نیازهای پتروشیمی هدایت کنند. دکتر هژبری برای اجرای نخستین مرحله طرح آموزش صنعتی حین تحصیل، کارخانه پتروشیمی



مروودشت شیراز، مجمع پتروشیمی آبادان و کارخانه تراکتورسازی تبریز را انتخاب کرد. شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران از این طرح استقبال زیادی کرد. به این ترتیب، در نیم‌سال اول سال تحصیلی، گروهی از دانشجویان مهندسی شیمی و گروهی از دانشجویان دانشکده شیمی با گرایش مهندسی علوم به کارخانه‌های پتروشیمی مروودشت شیراز و آبادان رفتند. پس از اجرای مرحله اول و استقبال دانشجویان از این طرح، گوئل کهن، یکی از فارغ‌التحصیلان رشته مهندسی علوم شیمی با نظارت دکتر هژبری، جزوه راهنمای دوره آموزش حین تحصیل را تهیه کرد. در مرحله دوم اجرای طرح، در نیم‌سال دوم، گروهی از دانشجویان دانشکده مهندسی مکانیک به کارخانه تراکتورسازی تبریز اعزام شدند. دانشجویان شرکت‌کننده در طرح آموزش صنعتی حین تحصیل، برای تحقیق در زمینه مسائل صنعتی و ارتقای علمی روش‌های کاربردی، موظف بودند با توجه به نیازهای هر مرکز، پروژه‌های پژوهشی انجام دهند.^۱

در همین راستا، تابستان سال بعد، برنامه‌ای ترتیب داده شد و سی نفر از دانشجویانی که در برنامه‌های آموزش صنعتی حین تحصیل شرکت کرده بودند، برای بازدید از برخی از صنایع شیمیایی آلمان غربی و سوئیس به اروپا اعزام شدند. دانشجویان در این سفر از کارخانه‌های متعددی مثل شرکت شیمیایی BASF، شرکت شیمیایی مرک (Merk)، شرکت دارویی هوخست (Hoechst)، شرکت شیمیایی بایر (Bayer)، شرکت شرینگ (Schering)، شرکت پرکین المرز (Perkin Elmers)، شرکت بروان باوری (Brown Boveri) و دانشکده شیمی دانشگاه هایدلبرگ بازدید کردند. بخش زیادی از هزینه‌های این سفر را حاجی برخوردار^۲ صاحب صنایع تلویزیون‌سازی ایران و صنایع مورد بازدید پرداخت. مابقی هزینه هم به عهده خود دانشجویان بود.

اردوی عمرانی ملی

تابستان هر سال، دفتر نخست‌وزیر کشور اردوی عمرانی در استان‌های محروم کشور برگزار می‌کرد. این اردو با همکاری سایر وزارت‌خانه‌ها و زیر نظر استانداران برنامه‌ریزی می‌شد و همه دانشجویان می‌توانستند در آن شرکت کنند. به دانشجویانی که در این اردو شرکت می‌کردند، ماهانه ۵ هزار ریال حق الزحمه پرداخت می‌شد. در استان‌هایی که وضعیت آب و هوایی نامساعدی داشتند، هزار و ۵۰۰ ریال به مبلغ حق الزحمه افزوده می‌شد. ۲ هزار ریال هم در ازای

۱ - دانشجویانی که در نخستین دوره آموزش حین تحصیل شرکت کردند، در گروه‌های زیر پروژه‌هایشان را انجام دادند: واحد گل: عمل تشکیل پلیمر و جلوگیری از خوردگی دستگاه‌ها در نتیجه پلیمریزاسیون منو اتانول آمین (منوچهر حسینی و محمود تاج‌الدین)؛ واحد آمونیاک: عمل افزایش گازهای مضر و جلوگیری از خرابی کاتالیست آمونیاک (حسین نامور و علی اصغر علم‌الهدی)؛ واحد نیترات آمونیوم: جلوگیری از افزایش گرد و غبار در واحد تهیه آمونیوم نیترات (علی جباری)؛ واحد اسید نیتریک: بررسی راندمان راکتورهای اکسیداسیون آمونیاک (غلامحسین مجدوبی، صفرعلی رنجوری)؛ واحد اوره: عمل تشکیل بیوره و جلوگیری از افزایش آن در محصول (سعید رضائی، فریدون قسمتی و غلامعلی کهبایی)؛ واحد بوتیلینی: عمل تشکیل رسوب در مبدل‌های حرارتی و طرق جلوگیری از آن (اسحاق لویان و باقر عبایی)؛ واحد سودا اش: بررسی کنترل راندمان برج‌های کربوناسیون و مقایسه آن با راندمان سیستم فیلتراسیون و اثر آن در محصول (محمود ماجدی، معصومه تقضلی و فریبا آریا)؛ بررسی تشکیل کریستال‌های جوش شیرین و علل نامرغوبیت آن (غلامرضا مرتضایی و هوشنگ پاکند).
۲ - حاج محمدتقی برخوردار، معروف به «حاجی برخوردار» و معروف به پدر صنایع خانگی ایران از کارفرمایان پیش از انقلاب بود. حاجی برخوردار، اول باطری و تلویزیون شایب لورنس وارد می‌کرد اما مدتی بعد کارخانه‌های قوه پارس (اولین تولیدکننده باطری در ایران)، پارس الکتریک (اولین تولیدکننده تلویزیون در ایران) و کارخانه‌های متعدد دیگری را تأسیس کرد. او یکی از تولیدکنندگان موفق دوره خود بود.

انجام کار خوب به این مبلغ اضافه می‌شود. دانشجویان شرکت‌کننده در اردو از غذا و خوابگاه رایگان استفاده می‌کردند و پس از اتمام کار روزانه، برنامه‌های تفریحی در اردوگاه برایشان دایر بود. دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر هم همراه سایر دانشجویان در این طرح شرکت می‌کردند.

تدریس تابستانی

هر سال وزارت آموزش و پرورش برای کمک به دانشجویان تجدیدی در شهرستان‌های تابعه کشور، از دانشجویان سراسر کشور به مدت دو ماه در امر تدریس استفاده می‌کرد. دانشجویان موظف بودند که در ازای دریافت مبلغ ۸ هزار ریال بابت حق الزحمه، هشتاد ساعت تدریس کنند. محل‌های تدریس در خردادماه به اطلاع دانشجویان می‌رسید و دانشجویان محل مدنظر خود را انتخاب می‌کردند و پس از دریافت ابلاغ، به محل مدنظر اعزام می‌شدند.

کار دانشجویی

دانشجویانی که علاقه‌مند به کار فنی و تخصصی در دانشکده‌ها و مراکز دانشگاه بودند، هفته اول هر ترم به دانشکده یا مرکز مربوط مراجعه کرده و درخواست کار می‌کردند. میزان کارکرد هر دانشجو با توجه به مزایای دریافتی (کمک‌هزینه و وام‌های تحصیلی و مسکن) به شرح زیر بود:
- نباید مجموع ساعات کار دانشجو در داخل و خارج از دانشگاه بیش از ۴۰ ساعت می‌شد.
- مجموع دریافتی دانشجو از دانشگاه (کار، کمک‌هزینه و وام‌های تحصیلی و مسکن) و دریافتی از کارهای خارج دانشگاه که با معرفی دانشگاه صورت می‌گرفت، نباید از ۸ هزار ریال در ماه بیشتر می‌شد.

اعتراض دانشجویان ممتاز در جشن فارغ‌التحصیلی

هر سال مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان هم‌زمان با روز تأسیس دانشگاه برگزار می‌شد. ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۵۵، خانم فریده دیبا به عنوان رئیس هیئت امنای دانشگاه در جشن فارغ‌التحصیلی شرکت کرد. بعد از اجرای چند برنامه، خانم دیبا به روی صحنه رفت تا جوایز دانشجویان ممتاز دانشگاه را اهدا کند. بانک مرکزی ایران تعدادی سکه ۲/۵ پهلوی در اختیار دانشگاه گذاشته

بود تا به عنوان جایزه به دانشجویان ممتاز اهدا شود. آن سال سه نفر از دانشجویان ممتاز به عنوان اعتراض به سیاست‌های رژیم پهلوی از آمدن به روی صحنه و دریافت جایزه خودداری کردند.

خانم دیبا به عنوان رئیس هیئت مدیره و مادر همسر شاه در جشن شرکت می‌کرد و با آنکه به طور رسمی رئیس هیئت امنای دانشگاه محسوب می‌شد، در اغلب جلسات شرکت نمی‌کرد. اعضای با نفوذتری مانند دکتر منوچهر اقبال، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، دکتر عبدالمجید مجیدی، رئیس سازمان و برنامه و بودجه و دکتر جمشید آموزگار، وزیر دارایی یا هوشنگ انصاری، وزیر اقتصاد، تعیین‌کننده تصمیمات هیئت امنای دانشگاه بودند.

اعتراضات دانشجویان ادامه می‌یابد

با فعال شدن گروه‌های مختلف سیاسی در کشور، تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه درگیر فعالیت‌های سیاسی و بحث‌های اعتقادی سیاسی شده بودند. به همین دلیل، اعتصابات دانشجویی وارد مرحله جدیدی شد. در ادامه اعتراضات دانشجویی، روز ۷ دی ۱۳۵۵، دانشجویان با سر دادن شعار و شکستن شیشه‌ها، کلاس‌های درس را تعطیل کردند. نیروهای گارد مستقر در دانشگاه برای متفرق کردن دانشجویان در محل حاضر شده و آن‌ها را تهدید کردند تا متفرق شوند اما دانشجویان با سر دادن شعار، به اعتصابشان ادامه دادند. ناگهان نیروهای گارد به فرماندهی سرگرد نوروزی به آن‌ها حمله کرده و کار به زد و خورد و درگیری شدیدی کشید. نیروهای گارد با ضرب و شتم دانشجویان ساختمان‌های دانشگاه شده و تا طبقات بالا، حتی پشت‌بام ساختمان‌ها رفتند و تک‌تک دانشجویان معترض را بازداشت کرده و با خود بردند. در این تظاهرات و تعقیب و گریز، خسارت‌های زیادی به دانشگاه وارد شد. چند ماه از این اتفاق نگذشته بود که سرگرد نوروزی، رئیس گارد دانشگاه به دست عده‌ای ناشناس ترور شد.

تنش‌های استادان هم‌زمان با انتقال دانشگاه به اصفهان

سال ۱۳۵۳، عملیات ساخت ساختمان دانشگاه در اصفهان با ساخت خوابگاه دانشجویی و خانه‌های سازمانی مخصوص کادر آموزشی و دانشکده‌های مدولار و آمفی‌تئاترها آغاز شد و بیش از ۲۵۰ هزار مترمربع از کل طرح که شامل ۸۰۰ هزار مترمربع بود، به زیرساخت رفت. با پیشرفت عملیات ساختمانی

دانشگاه در اصفهان، انتقال دانشگاه صنعتی آریامهر از تهران به اصفهان روزبه‌روز حالت جدی‌تری به خود می‌گرفت. تظاهرات و خط‌دهی دانشجویان سیاسی دانشگاه صنعتی آریامهر به دانشجویان سایر دانشگاه‌ها، دولت را مصمم کرد با آماده شدن بخشی از ساختمان‌های دانشگاه در اصفهان، دانشگاه صنعتی آریامهر را به طور کامل به این استان منتقل کند. این موضوع باعث ایجاد موجی از مخالفت و اعتراض در بین اعضای هیئت علمی و به‌ویژه اعضای کمیته رفاه شد.

اعتصاب استادان در زمان نیابت دکتر ضرغامی

انتخاب دکتر ضرغامی که از نخستین استادان دانشگاه بود، به سمت نیابت تولیت دانشگاه صنعتی آریامهر می‌توانست تأثیر زیادی در پیشرفت علمی و آموزشی دانشگاه داشته باشد. اما هم‌زمانی مدیریت و تنش‌های انتقال دانشگاه به اصفهان او را با چالش‌های مدیریتی بسیاری مواجه کرد. این مسئله باعث شد اختلافات زیادی بین هیئت علمی و مدیریت دانشگاه به وجود آید. دکتر ضرغامی با شدت گرفتن فعالیت‌های سیاسی و اعتراض و اعتصاب دانشجویان و درگیری با استادان و وزارتخانه روزهای سختی را پشت‌سر گذاشت. در این دوره، علاوه بر اعتراض‌های دانشجویی، اعضای هیئت علمی در اعتراض به انتقال دانشگاه به اصفهان اعتصاب کردند. به نظر آن‌ها در برنامه‌ریزی آموزشی و احداث ساختمان‌ها و تأسیسات شعبه اصفهان از تجربه‌های استادان دانشگاه استفاده نشده بود. استادان دانشگاه سیستم آموزشی دانشگاه‌های تهران و اصفهان را با هم متفاوت می‌دیدند. از طرفی، استادان دانشگاه اعتراض داشتند که کادر آموزشی شعبه اصفهان بدون توجه به مقررات، ضوابط و روش معمول در شعبه تهران استخدام شده‌اند و استادان تجربه فعالیت‌های پژوهشی ندارند. به نظر آن‌ها، اعزام دانشجو با بورس تحصیلی به خارج از کشور برای تأمین کادر علمی دانشگاه اصفهان اگرچه بخشی از کمبود نیروی انسانی را جبران می‌کرد، اما مشکلی به همراه داشت. این دانشجویان باید بلافاصله بعد از اتمام تحصیلات و اخذ پایان‌نامه دکترا به ایران برمی‌گشتند و فرصت پژوهش در دانشگاه‌های خارج از کشور را از دست می‌دادند. علاوه بر آن، در ایران نیز به محض ورود، گرفتار تدریس می‌شدند و فرصتی برای این کار در داخل کشور هم برایشان فراهم نمی‌شد. در حالی که در دانشگاه‌های خارج از کشور مرسوم بود افرادی که قصد دارند در دانشگاه تدریس کنند، پس از اخذ مدرک دکتری، مدتی را به عنوان پژوهش‌های فرادکتری به پژوهش و تحقیق بگذرانند. درباره استادان دانشگاه صنعتی آریامهر این وضع فرق می‌کرد، زیرا دانش‌آموخته‌هایی که در دانشگاه استخدام شده بودند، اغلب کسانی بودند



که پس از پایان تحصیل، مدتی در آن کشورها مانده و تجربه‌های پژوهشی یا صنعتی داشتند. از سویی دیگر، خیلی از اعضای هیئت علمی با دخالت دولت در اداره امور دانشگاه، سلب آزادی‌های دانشگاهی و حضور گارد در محیط دانشگاه مخالف بودند. استادان می‌خواستند مسئولان دانشگاه با نظر اعضای هیئت علمی و از میان آنان برگزیده شوند.

با علنی شدن اعتراض استادان، دولت مصمم‌تر شد دانشگاه را به اصفهان منتقل کند تا فعالیت استادان و دانشجویان دانشگاه به سایر دانشگاه‌ها سرایت نکند. در این وضعیت و با دخالت مقامات، در جلسه تهیه دفترچه راهنمای کنکور، تصمیم‌گیری درباره انتخاب دانشجو برای دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران، به بعد موکول شد. با ادامه مخالفت استادان، اسفند ۱۳۵۵ نماینده‌ای به نام پرویز آموزگار^۱ از طرف دولت در مجمع عمومی کادر آموزشی حضور یافت و تهدید کرد دولت در مقابل اقدامات کادر آموزشی ساکت نخواهد نشست و دست به عمل متقابل خواهد زد. مخالفت استادان با انتقال دانشگاه به اصفهان با اعتصاب روز ۱۵ اسفند همان سال بالا گرفت و باعث خشم بیشتر رژیم شد. دولت برای شکستن مقاومت هیئت علمی دانشگاه، ۱۲ نفر از اعضای هیئت علمی را بر خلاف مقررات و آیین‌نامه‌ها، از طرف مدیریت دانشگاه اخراج کرد و به تبعید اداری در مؤسسات خارج دانشگاه فرستاد. این افراد، نامه‌ای در اعتراض به این اقدام مسئولان دانشگاه نوشتند و سایر استادان دانشگاه را به مقاومت دسته‌جمعی فراخواندند. در بخشی از این نامه آمده بود:

«همکاران عزیز

همان طور که مستحضرد، تلاش پیگیری که در طی سال‌های اخیر جهت تعالی روزافزون دانشگاه صنعتی آریامهر توسط کارکنان دانشگاه به عمل آمد، همواره با عکس‌العمل غیرمنطقی مدیریت دانشگاه روبه‌رو گردید. آخرین اقدام کینه‌جویانه مدیریت دانشگاه احکام تبعیدی است که در پوشش حکم مأموریت برای ۱۲ نفر از اعضای کادر آموزشی صادر گردیده است. صدور این احکام که اهانتی نابخشودنی است، از نظر ما امضاکنندگان زیر برخلاف مقررات و آیین‌نامه‌های حقوق مدنی و حقوق بشر است. لازم به یادآوری است که ما به محیط کار خود بسیار علاقه‌مند بوده و از اینکه به این ترتیب از حق مسلم خود در انجام وظیفه محروم گشته‌ایم، شدیداً معترضیم. علی‌رغم دوری اجباری و ظاهری، همبستگی قلبی ما به محیط دانشگاه صنعتی آریامهر و شما همکاران عزیز همچنان پایدار باقی خواهد ماند.

بابک اعتمادی، پرویز اسدی، علی بهدشتی، فرزاد بیگلری، کیومرث پربانی، مجید پیران، رضی حاتمی،

۱ - پرویز آموزگار معاون وزیر علوم و رئیس سازمان سنجش بود و بعدها به عنوان رییس دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد.

موسی خالصی زاده، جواد ساعی، مهدی قافله‌باشی، اردشیر منتصر کوهسار، محمد صادق میثمی». دکتر ضرغامی که از ابتدا امور ساختمانی و برنامه‌ریزی دانشگاه در اصفهان را به طور مستقیم و غیرمستقیم زیر نظر داشت و تلاش‌های زیادی در این زمینه انجام داده بود، ترجیح می‌داد دانشگاه جدیدی به طور مستقل در اصفهان شکل بگیرد تا به گمان او و برخی مقامات دولتی، دشواری‌های دانشجویی و هیئت علمی به اصفهان منتقل نشود. اما دولت اصرار داشت دانشگاه در تهران به طور کامل منحل شده و استادان و دانشجویان به اصفهان منتقل شوند. تصور این بود که در اصفهان توجه همگانی به دانشگاه کمتر است. این تصمیم وزارتخانه با اعتقاد نیابت دانشگاه بر لزوم حفظ دو پردیس در تهران و اصفهان و چندین سال کار و کوشش در ایجاد پردیس اصفهان و اجرای برنامه‌هایش در این دانشگاه مغایرت داشت. دکتر ضرغامی با آنکه تلاش کرد تا از مداخله مراجع قدرت در سرنوشت دانشگاه جلوگیری کند، اما نتوانست مانع اجرای سیاست‌های وزارت علوم شود. عملاً تصمیمات اتخاذ شده در این زمینه سبب شد تا اختلافات زیادی بین او و اعضای کادر آموزشی دانشگاه به وجود آید. چهاردهم فروردین ۱۳۵۶، مسئله نپذیرفتن دانشجو در دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران وارد مرحله جدیدی شد. با وجود تهدید آموزگار، دانشجویان و اعضای هیئت علمی دست از مبارزه برنداشتند و جریان انتقال دانشگاه از سوی دولت، حرکتی سیاسی و حتی تنبیهی تلقی شد. در چنین موقعیتی، دکتر ضرغامی در مصاحبه مطبوعاتی ۱۵ تیر ۱۳۵۶ به طور رسمی اعلام کرد با شروع کار دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان، پذیرش دانشجو در دانشگاه صنعتی آریامهر تهران برای مدت سه سال متوقف شده و بعد از آن، این مرکز به عنوان یک مؤسسه آموزش عالی که فقط زیر نظر دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان اداره خواهد شد، به تربیت مهندس عملی می‌پردازد. دکتر مهدی ضرغامی گفت که تأسیسات این دانشگاه در تهران به طور کامل قابل انتقال نیست و به همین جهت، باتوجه به نیازهای کشور از این تأسیسات برای تربیت مهندس عملی بهره گرفته خواهد شد. به این ترتیب، اطلاعیه پذیرش دانشجو در دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان برای سال تحصیلی جدید منتشر شد. دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان بعد از برگزاری کنکور و پذیرش دانشجو به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. پس از این ماجرا، اعضای کادر آموزشی اقدامات زیادی برای مذاکره با مقامات دولتی، اعضای هیئت امنای دانشگاه و دست‌اندرکاران آموزش عالی انجام دادند و با پیگیری‌های فراوان، ۶ شهریور ۵۶، رئیس دانشگاه برکنار شد و دکتر علیرضا مهران به جای دکتر ضرغامی^۱ به سمت نیابت تولیت دانشگاه منصوب شد.

۱ - دکتر ضرغامی سال ۱۳۵۶ به سمت مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران منصوب شد و تا سال ۱۳۵۷ به اتمام ساخت این صنعت و تربیت نیروی انسانی مشغول بود. او سال ۱۳۵۸ به آمریکا رفت و در همان شرکت مهندسی مشاوره که در سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ در آن کار می‌کرد، مشغول کار شد و در حال حاضر، رئیس بخش مکانیک مهندسی و زیربنایی این شرکت است. فعالیت‌های دکتر ضرغامی در این شرکت در سه زمینه مختلف متمرکز است. طراحی ابزارهای علمی مثل رادیو تلسکوپ‌ها و دستگاه‌های تعیین مسیر ذرات هسته‌ای، حل مسائل عددی مثل مدل سازی و پیش‌بینی رفتار انهدام ساختمان‌های مراکز تجارت جهانی و طرح لوله‌های بزرگ انتقال آب.



محوطه خوابگاه زنجان، دهه پنجاه.

ششمین نایب التولیه دانشگاه صنعتی آریامهر

دکتر علیرضا مهران^۱ سال ۱۳۰۹ در تهران به دنیا آمد. مهران از فارغ التحصیلان دبیرستان البرز بود و سال ۱۳۳۷ مدرک دکتری در علوم بیولوژی از دانشگاه ژنو و دو سال بعد مدرک پسادکتری آموزش رادیوبیولوژی از پاریس دریافت کرد. او سال ۱۳۴۲ به عنوان Fellow در مؤسسه ملی پزشکی آمریکا پذیرفته شد. دکتر علیرضا مهران، رئیس مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی بود و در موقعیتی به نیابت دانشگاه صنعتی آریامهر برگزیده شد که فعالیت‌های انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده بود و دولت و استادان برای انتقال این دانشگاه به اصفهان وارد مرحله حساسی شده بودند. اولین اقدام دکتر مهران بازگرداندن ۱۲ استاد اخراج شده به دانشگاه بود. دولت بیم آن داشت استادان سایر دانشگاه‌ها به این اقدام اعتراض کنند و به ناچار با بازگشت استادان به دانشگاه موافقت کرد.

۱ - سوابق علمی و فعالیت‌های اجرایی دکتر مهران: پروفسور آگره از دانشکده علوم دانشگاه لاول کانادا طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ و مؤسس رشته رادیوبیولوژی و رادیو ایزوتوپ در این دانشکده، استاد و معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان طی سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱، رئیس مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی، آموزشی (موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی فعلی) طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴، عضو بخش علوم و فناوری سازمان ملل از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، دکتر علیرضا مهران در دوران خدمت خود مأموریت‌های علمی زیادی را عهده‌دار بوده که عبارت‌اند از رئیس هیئت نمایندگان ایران در اداره بین‌المللی علوم تربیتی ژنو ۱۹۷۲، نماینده ایران در کنگره علوم تربیتی توکیو ۱۹۷۳، رئیس کنگره بین‌المللی حقوق پژوهشگران (یونسکو) ۱۹۷۴، عضویت در ACAT کمیته مشورتی برای کاربرد علوم و فناوری در توسعه.

دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان

سال ۱۳۵۶ بخشی از ساختمان‌های مورد نیاز دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان آماده بهره‌برداری و دانشگاه به طور رسمی افتتاح شد. دانشجویانی که به قصد تأمین کادر علمی دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان به کشورهای خارجی رفته بودند، به کشور بازگشتند و در کادر آموزشی دانشگاه اصفهان استخدام شدند. علاوه بر کادر آموزشی، دانشگاه نیاز به مدیران آموزشی و پژوهشی لایق داشت. کوشش فراوانی شد برای شناسایی استادانی که کفایت آموزشی و پژوهشی و لیاقت مدیریت خود را به اثبات رسانده بودند. آقای دکتر امین که استاد مهندسی سازه دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران بود، برای ریاست پردیس اصفهان انتخاب شد. دکتر پرویز پایور، استاد و معاون دانشکده نفت آبادان به ریاست بخش انرژی و معاونت آموزشی منصوب شد. دکتر همایون دانشیار از دانشگاه آکسفورد به معاونت پژوهشی برگزیده شد. دکتر ایرج تاجبخش از دانشگاه پهلوی (شیراز فعلی) به ریاست بخش مواد و دکتر علی اصغر حسنین از دانشگاه تهران به ریاست بخش غذا منصوب شدند. دانشگاه با تلاش شبانه‌روزی این مدیران و استادانی چون دکتر حسین نبوی، مسئول طرح ساختمان پردیس اصفهان، دکتر محمود زمانخان، مدیر امور دانشجویی، دکتر محمدرضا سعیدی از بخش علوم در ایجاد آزمایشگاه‌های شیمی، دکتر امیر فقری در همکاری با دکتر پایور در ایجاد بخش انرژی، دکتر حسین جلالی کوشکی در بخش انفورماتیک، با پذیرش هزار دانشجو آغاز به کار کرد.

هنوز چند ماه از آغاز به کار دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان نگذشته بود که موج اعتصابات در دانشگاه‌های کشور بالا گرفت و به دانشگاه تازه تأسیس آریامهر در اصفهان رسید. در حالی که دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران چند سال بعد از تأسیس درگیر تظاهرات دانشجویی شده بود، اما دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان از همان سال اول تأسیس اعتراض و اعتصاب را آغاز کردند. تظاهرات گسترده‌ای در نخستین سال تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان رخ داد و حتی خبر دستگیری ده دانشجوی تظاهرکننده در دانشگاه در روزنامه کیهان درج شد. دانشجویان سال اول این دانشگاه پیش از ظهر روز ۱۳ آذر، ۳۰ جام از شیشه‌های کلاس‌های درس را شکستند و کلاس‌های دانشگاه را تعطیل کردند. آن‌ها در برابر نیروهای پلیس مقاومت کرده و به پشت‌بام ساختمان دانشگاه رفتند و با پرتاب سنگ از خود دفاع کردند. دانشجویان معترض شیلنگ‌های آتش‌نشانی را به آب گرم وصل کرده و روی مأموران آب داغ پاشیده بودند.

وضعیت فعالیت‌های فوق برنامه

در آن دوره مراکز و میزان فعالیت‌های فوق برنامه مورد تأیید دانشگاه نسبت به فعالیت‌های امروز کمتر بود و بیشتر دانشجویان ترجیح می‌دادند در کوتاه‌ترین زمان ممکن درسشان را تمام کنند و شغل مناسبی پیدا کنند و تشکیل زندگی دهند یا برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروند. افرادی که نقش فعالی در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشتند، نسبت به جامعه و مردم احساس مسئولیت می‌کردند و هم مبارزه می‌کردند، هم درس می‌خواندند. آرمان‌خواهی، احساس مسئولیت اجتماعی، خودسازی و تحمل شرایط سخت و در کنار همه آن‌ها، تلاش برای فهم عمیق با مطالعه و مباحثه از ویژگی‌های دانشجویان فعال در برنامه‌های فوق برنامه بود و برنامه‌ها سطح کیفی بالایی داشتند. برنامه‌ریزی برای اداره کتابخانه یا برپایی نماز جماعت و پخش مقالات بین دو نماز به نوبت بین دانشجویان، شاید کار پیش‌پاافتاده‌ای به نظر می‌رسید، اما در فضای خفقان و امنیتی آن روزها کاری انقلابی و خطرناک به حساب می‌آمد. این فعالیت‌ها به دانشجویان کمک می‌کرد آن‌هایی را که روحیه تشکیلاتی و کار گروهی دارند، شناسایی کنند. دانشجویان مسلمان اعتقاد داشتند اگر بتوانند در کارهای به ظاهر کوچک با اخلاق اسلامی و انسانی کنار هم فعالیت کنند، می‌توانند با رفتارهای مشابه کارهای بزرگ‌تری انجام دهند. چون دانشجویان شهرستانی در خوابگاه زندگی می‌کردند، فرصت بیشتری داشتند با هم آشنا شوند و با هم صمیمی‌تر شوند. در هر اتاق خوابگاه زنجان، معمولاً ۳ نفر با هم زندگی می‌کردند. دانشجویان سال‌های بالاتر موقع تقسیم اتاق طوری برنامه‌ریزی می‌کردند که دانشجویان ورودی سال‌های مختلف با هم در یک اتاق باشند تا سال‌های بالایی‌ها به دانشجویان جدید کمک کنند. اتاق بزرگی بین طبقات دوم و سوم، به نمازخانه و کتابخانه خوابگاه اختصاص داده شده بود. آنجا به نوعی مرکز اصلی فعالیت‌های دانشجویان مذهبی خوابگاه محسوب می‌شد. دانشجویان طوری فعالیت می‌کردند که فعالان مذهبی و سیاسی شناسایی نشوند. همیشه احتمال داشت بین کارمندان یا دانشجویان، خبرچین یا ساواکی وجود داشته باشد. مثلاً اعلامیه‌ها به صورت چاپی یا دست‌نویس با خط هندسی منتشر می‌شد تا نتوان از روی دست خط تشخیص داد کدام یک از دانشجویان آن را نوشته است. تکثیر اعلامیه از کارهای خطرناکی بود که با پیچیدگی‌ها و پنهان‌کاری‌های زیادی انجام می‌شد. دانشجویان مذهبی حلقه‌های مطالعاتی تشکیل می‌دادند و گروهی روی تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه و سایر کتاب‌های مذهبی کار می‌کردند. از دیگر محورهای مورد علاقه دانشجویان، مطالعه کتاب‌های

تاریخی و بررسی انقلاب‌های کشورهای دیگر بود.

دانشجویان غیرمذهبی و مارکسیست هم با یکدیگر هم‌اتاق می‌شدند. آن‌ها در اتاق کوه، گروه فیلم و بعضی امور صنفی دیگر فعال بودند. بیشتر فیلم‌هایی که گروه فیلم نمایش می‌داد، از بخش فرهنگی سفارت‌خانه کشور شوروی سابق یا سایر کشورهای سوسیالیستی تهیه می‌شدند و معمولاً درباره انقلاب‌ها و مبارزات سیاسی مربوط به مردم همین کشورها بودند، مثل فیلم سینمایی زنده باد زاپاتا که زندگی انقلابی مشهور مکزیکی را روایت می‌کرد.

مسجد قبا از مراکزی بود که در آن دانشجویان همه دانشگاه‌های تهران در ماه مبارک رمضان به طور فعال و منسجم در برنامه سخنرانی‌های شهید مفتاح، مهندس بازرگان و مهندس سحابی شرکت می‌کردند. بعضی از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر در مساجد اطراف دانشگاه حضور می‌یافتند. مسجد حضرت علی اکبر (ع) در محله هاشمی نزدیک خیابان آزادی یکی از این مساجد فعال بود. امام جماعت این مسجد حاج آقا رضوی، ارتباط خوبی با دانشجویان دانشگاه داشت. گروه تناثر، نمایش‌های مذهبی و سیاسی مختلفی را در این مسجد اجرا می‌کرد. استقبال از نمایش حر بن یزید ریاحی در این مسجد که در ایام محرم اجرا شد، به قدری زیاد بود که ساواک و نیروهای انتظامی وارد عمل شده و جمعیت را پراکنده کردند و اجازه ندادند نمایش به آخر برسد.

شب‌های شعر طوفانی کانون نویسندگان در دانشگاه صنعتی آریامهر تهران

اوایل شهریور ۱۳۵۶، رژیم حاکم در برابر اعتصابات و شورش‌های سراسر کشور عقب نشست و تصمیم به تعدیل اوضاع گرفت. در این شرایط، سانسورها برداشته شده و فضای سیاسی کشور بازتر شد. در فضای باز ایجاد شده، دوباره کانون نویسندگان ایران فعال شد و جلسات شبانه سخنرانی و شعرخوانی برگزار کرد. کانون نویسندگان ایران نهادی فرهنگی صنفی و غیرانتفاعی بود که اردیبهشت سال ۱۳۴۷ به همت احمد شاملو، محمود اعتمادزاده، جلال آل احمد، سیمین دانشور، باقر پرهام، سیمین بهبهانی و اسماعیل خوبی به طور رسمی و علنی به عنوان نخستین تشکل صنفی اهل قلم فعال شده بود. این کانون با همکاری انستیتو گوته هر شب از ۱۸ تا ۲۷ مهرماه ۱۳۵۶، برنامه‌ای با عنوان شب‌های شاعران و نویسندگان برگزار کرد که با استقبال مردم مواجه شد. یک ماه بعد از برنامه کانون، گروه دانشجویی پژوهش‌های فرهنگی دانشگاه صنعتی آریامهر برنامه دیگری تدارک دید و از اعضای کانون خواست هفته‌ای یک بار به دانشگاه بیایند و در برنامه‌ای با عنوان این شب‌ها در دانشگاه سخنرانی



کنند. در سومین برنامه این شب‌ها که ۲۸ آبان ۱۳۵۶ برگزار شد، جمعیت زیادی برای شنیدن سخنرانی اعضای کانون در سالن ورزش دانشگاه گرد آمدند. پلیس مستقر در ورودی دانشگاه به بهانه کمبود جا اجازه نمی‌داد افرادی که برای شرکت در برنامه بیرون دانشگاه تجمع کرده بودند، وارد دانشگاه شوند. با متشنج شدن فضا و درگیری بین پلیس و متقاضیان ورود به سالن، چند نفر از مشتاقان شرکت در سخنرانی بازداشت شدند. سخنران مراسم، اعلام کرد در اعتراض به ممانعت از ورود دانشجویان و بازداشت عده‌ای از آنان سخنرانی نخواهد کرد. مجریان برنامه هم از افراد حاضر در سالن خواستند تا آزادی افراد بازداشت‌شده در همان سالن بمانند و تحصن کنند و جمعیت یک‌دل و یک‌صدا موافقت کردند. با پخش خبر در سطح شهر، مادران، پدران، آشنایان و معترضان، گروه‌گروه شبانه به دانشگاه صنعتی رفتند و خواستار آزادی دستگیرشدگان شدند. دانشجویان شب را سرودخوانان به صبح رساندند. صبح مسئول کانون نویسندگان در پیامی کتبی از اعتصاب کنندگان خواست با حفظ آرامش از سالن خارج شوند و اعلام کرد پلیس تضمین کرده دستگیرشدگان شب گذشته را آزاد خواهند کرد. دکتر مهران، رئیس دانشگاه نیز اعلام کرد مشکلی برای اعتصاب کنندگان پیش نخواهد آمد. به این ترتیب، حضار از سالن خارج شدند و به تحصن پایان دادند. به دنبال این اقدام، ناگهان جمعیتی خشمگین از دانشگاه بیرون ریختند و شعارهای ضد رژیم سر دادند. پلیس از آنان خواسته بود که آرام، راه خود را بگیرند و پراکنده شوند. اما جمعیت به بیرون هجوم برد و به پشتیبانان پیوست و تظاهرات ادامه یافت. در خیابان‌های نواب، آذربایجان و کوچه‌های پیرامون در درگیری با پلیس یک دانشجو کشته شد و بیش از ۱۵۰ نفر زخمی شدند. در خیابان‌ها شعارهای «کارگران برادرند، برادران برابرند»، «حقوق بشر، چماق بشر»، «شاه سگ زنجیری آمریکاست» و «برادری، برابری، حکومت کارگری» سر داده می‌شد. تهران تا ده روز بعد از این ماجرا، شاهد تظاهرات دانشجویی و تعطیلی دانشگاه‌های اصلی شهر در اعتراض به خونریزی ۲۸ آبان بود. برگزاری شب‌های شعر توسط کانون نویسندگان موجب شد بحث‌های سیاسی فرهنگی مخالف حکومت در تهران در سطحی وسیع فعال شود.

دکتر مهران و اعتراضات دانشجویی

دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر تهران در اعتراض به سیاست‌های رژیم و انحلال دانشگاه، چند روز قبل از روز دانشجو از شرکت در کلاس‌های درس خودداری کردند. دکتر مهران، نیابت تولیت جدید دانشگاه، در جمع دانشجویان حاضر شد و از آنان خواست برای اجرای کامل مقررات آموزشی

همکاری کنند، اما دانشجویان همچنان به اعتراض خود ادامه داده و از شرکت در کلاس‌های درس خودداری می‌کردند. دانشگاه تقریباً به حالت تعطیل در آمده بود. دکتر مهران در مصاحبه مطبوعاتی دانشجویان را تهدید کرد اگر طی سه روز آینده در کلاس‌های درس شرکت نکنند، دانشگاه صنعتی آریامهر تهران به مدت یک سال تعطیل می‌شود. مهران افزود حدود ده روز است کلاس‌های دانشگاه به حالت تعطیل یا نیمه‌تعطیل درآمده و اگر این روند ادامه پیدا کند، دانشگاه برای مدت یک سال تعطیل خواهد شد. همان روز، در جلسه شورای دانشگاه آیین‌نامه زیر برای تأکید بر حضور دانشجویان تصویب شده و متن آن در روزنامه چاپ شد.

۱. تقویم دانشگاهی در هر دو نیم‌سال به طور کامل رعایت خواهد شد به طوری که هیچ‌گونه عقب‌افتادگی در دروس پدید نیاید.

۲. عقب‌افتادگی آموزشی و عملی نُه‌روزه ناشی از تعطیلی‌های غیرمجاز اخیر در روزهای پنجشنبه یا اوقات مناسب دیگر، در صورت تصویب و تأیید استاد مربوط تا پایان نیم‌سال اول از سال آموزشی جاری جبران خواهد شد.

۳. هرگاه درسی بیش از دو جلسه متوالی یا متناوب از طرف دانشجویان تعطیل شود، آن درس در نیم‌سال مربوط حذف می‌شود.

۴. در صورت بروز هر گونه آشوب و اغتشاش در محیط دانشگاه یا در خوابگاه و انتشار یا پخش بیانیه‌های تحریک‌آمیز یا ضدملی و غیرمجاز و هتک حرمت استادان یا دانشجویان دیگر بر حسب مورد، درس، دانشکده و حتی دانشگاه به هر مدتی که لازم تشخیص داده شود، تعطیل خواهد شد و از اوقات و تجهیزات دانشگاهی به روش شایسته دیگری استفاده خواهد شد.

۵. نظارت بر حفظ نظامات داخلی کلاس‌ها و ساختمان‌ها به عهده دانشجویان واقعی و مؤمن به اصول میهن‌پرستی است. در این زمینه دانشگاه نهایت همکاری و پشتیبانی را از آنان برای جلوگیری از هر گونه تعدی احتمالی عده‌ای قلیل بر جمعی کثیر خواهد کرد.

۶. متخلفین از دستورهای درنگ و برای همیشه از دانشگاه اخراج خواهند شد.

بعد از این تهدیدها، بعضی از کلاس‌های دانشگاه با حضور حداقلی دانشجویان تشکیل شد تا آنکه چاپ مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» و توهین به امام خمینی (ره) خشم دانشجویان را برانگیخت و به دنبال آن، مسئولان دانشگاه را از روز ۲۴ دی‌ماه تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام کردند. با تحولات پیش آمده، انقلاب بزرگ مردمی ایران رقم خورده بود.

اعدام از نوع دانشگاه صنعتی آریامهری

دانشجویان معمولاً اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها را در بوفه دانشگاه پخش می‌کردند. بوفه دانشگاه از مکان‌های مناسب پخش اعلامیه بود چون اکثر دانشجویان طی روز یکی دو بار به بوفه سر می‌زدند و چون معمولاً بوفه شلوغ بود، دانشجویان مخفیانه و بدون آنکه شناسایی شوند، می‌توانستند اعلامیه‌ها را یک گوشه بوفه بگذارند. اوایل سال ۱۳۵۷ بود. دو هفته از تعطیلات نوروز گذشته بود که در بوفه طبق معمول اعلامیه‌های زیادی پخش شد. مدیر امور اداری دانشگاه به یکی از نگهبانان دستور داد اعلامیه‌ها را جمع‌آوری کند. نگهبان هم مشغول جمع کردن اعلامیه‌ها بود که عده‌ای از دانشجویان او را گرفتند و با خود بردند. دانشجویان، نگهبان را با طناب بستند و به طبقه بالای ساختمان مجتهدی بردند و بعد او را مانند کسی که بخواهند دار بزنند، از پنجره رها کردند. نگهبان فکر کرد کار دیگر تمام شده و مانند کسی که در یک قدمی مرگ است، هر چقدر می‌توانست داد و فریاد و التماس می‌کرد. دانشجویان می‌خواستند سر و صدای زیادی ایجاد شود و بقیه هم این صحنه را ببینند. کلاس‌ها تعطیل شد و همه جلوی ساختمان مجتهدی جمع شدند. نگهبان کمی دست و پا زد و بعد که فهمید در امان است و یک سر طناب هم به کمرش بسته شده، آرام گرفت و شروع به صحبت کردن و ابراز ندامت کرد. بالاخره مدیر دانشگاه از ماجرا خبردار شد و خودش را به ساختمان مجتهدی رساند و با کمک بقیه نگهبان را پایین آورد. آن روزها رژیم سعی می‌کرد اخبار دانشگاه‌ها پخش نشود تا مردم در جریان اعتراضات سیاسی دانشجویان قرار نگیرند. اما شاه در مصاحبه‌ای که در کنفرانس آموزشی رامسر انجام داده بود، در پاسخ به این سؤال که چرا مأموران در دانشگاه‌ها سخت‌گیری می‌کنند، دانشگاه یک محیط فرهنگی است، گفت: «آخر شما به این‌ها می‌گویید دانشجو؟ در روز روشن، کارمند دانشگاه را دار می‌زنند».

مدتی از این جریان گذشت تا آنکه دانشجویان قرار گذاشتند دوباره کلاس‌ها را تعطیل کنند. برای آنکه کلاس تشکیل نشود، استاد و دانشجویان باید همراهی می‌کردند. دانشجویان معمولاً همه با هم همراه بودند. اگر کسانی همراهی نمی‌کردند، دانشجویان معترض به نحوی آن‌ها را مجبور به همکاری می‌کردند. بیشتر استادان هم همراه بودند، ولی پیش می‌آمد استادی همکاری نمی‌کرد. در یکی از برنامه‌های تعطیلی کلاس‌های درس، استاد کلاس درس را تعطیل نکرد و به تدریسش ادامه داد. دانشجویان بیرون کلاس جمع شده بودند و هر چه به در را لگد زدند و در را کوبیدند و سر و

صدا کردند، ایشان گفت بنشینید، من باید این مطالب را تمام کنم. چند نفر از دانشجویان بلند شدند اما استاد گفت من ادامه می‌دهم. بحث مهمی هم بود و تلاش دانشجویان فایده نداشت. بالاخره یکی از دانشجویانی که بیرون بود، وقتی دید که همه کلاس‌ها تعطیل شده به جز این کلاس، از پشت کلاس با صدای بلند گفت فلانی طناب را بیاور. استاد تا این جمله را شنید، گچ را گذاشت و از کلاس خارج شد. تا مدت‌ها جمله طناب را بیاور، موضوع خنده و شوخی دانشجویان شده بود.

بالا گرفتن اختلاف میان استادان دانشگاه و نخست‌وزیر

شش ماه بعد از آغاز فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان و از ابتدای بهمن ۱۳۵۶ که اوضاع سیاسی کشور رفته‌رفته پیچیده‌تر می‌شد، دولت آموزگار فشار مضاعفی بر مدیریت دانشگاه وارد کرد تا مقاومت استادان را شکسته و آنان را به اصفهان منتقل کند. نمایندگان اعضای هیئت علمی دانشگاه دوباره مذاکرات متعددی از طریق مدیریت جدید با مقامات انجام دادند تا مقامات را از تصمیمشان منصرف کنند. اما همه تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند. در همین راستا، نامه‌ای به امضای ۱۳۸ نفر از اعضای هیئت علمی این دانشگاه به نخست‌وزیر نوشته شد. استادان در این نامه از نخست‌وزیر وقت، جمشید آموزگار، خواستند درباره انحلال دانشگاه تجدیدنظر کند. اما نخست‌وزیر به این نامه جواب نداد و همه درخواست‌ها و تقاضاهای بعدی برای انصراف دولت از انحلال دانشگاه بی‌جواب ماند.

در عوض، دولت اعلام کرد برای تسهیل فرایند انتقال دانشگاه به اصفهان، دوباره برای دانشگاه صنعتی آریامهر در سال تحصیلی جدید دانشجو نخواهد پذیرفت. هدف دولت از این کار، این بود که بعد از گذشت چند سال، دانشگاه به تدریج منحل و استادان مجبور به انتقال به اصفهان شوند. کادر آموزشی دانشگاه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ پس از گذشت بیش از یک سال از حکم انتقال دانشگاه به اصفهان و بی‌نتیجه ماندن مذاکرات و مکاتبات، در مجمع عمومی قطعنامه زیر را تصویب کرد:

«با توجه به نیاز مبرم مملکت به کادر فنی متخصص و کثرت داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مذاکرات مفصل و طولانی با مقامات مسئول و نظر به نامه اخیر کادر آموزشی به نخست‌وزیر و مصوبه مورخ ۱۳۵۷/۲/۲، شورای دانشگاه درباره اعلام آمادگی پذیرش حداقل ۷۰۰ دانشجو برای مهرماه سال جاری در پردیس تهران از اردیبهشت ۱۳۵۷ تا اعلام رسمی پذیرش دانشجو در رسانه‌های گروهی کشور از ادامه فعالیت آموزشی خودداری خواهد کرد». با صدور این قطعنامه هیئت علمی که دانشگاه را در





آستانه انحلال می‌دیدند، دست به اعتصاب همگانی زدند و طبق مفاد قطعنامه، فعالیت آموزشی را متوقف کردند. در پی درخواست استادان دانشگاه صنعتی آریامهر تهران مبنی بر جلوگیری از انحلال این دانشگاه، دانشجویان نیز از روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷ سر کلاس‌ها شرکت نکردند و کلاس‌های درس تشکیل نشد. چند روز بعد دانشگاه اعلام کرد چون استادان برای تدریس به کلاس نمی‌روند، ورود دانشجویان به دانشگاه لزومی ندارد و از ورود دانشجویان به محوطه دانشگاه جلوگیری خواهد کرد. اعتصاب استادان دانشگاه صنعتی آریامهر که یکی از نقاط عطف تاریخ دانشگاه محسوب می‌شود، پنج ماه طول کشید.

دولت در اولین اقدام برای اخراج استادان ناکام ماند و در مقابله با اعتصاب استادان و حضور نیافتن آن‌ها در کلاس سعی کرد تا استادان را تحت فشار بگذارد. رئیس دانشگاه به تبعیت از دستور دولت، ابتدا ناهارخوری استادان را تعطیل کرد. استادان در طی این مدت برای صرف نهار از سلف سرویس دانشجویان استفاده می‌کردند.

وزارت علوم برای بررسی وضعیت دانشگاه‌ها رؤسای همه دانشگاه‌های کشور را به تهران دعوت کرد تا در جلسه روز ۲۷ اردیبهشت‌ماه درباره مسائل دانشگاهی تبادل نظر کنند. در این جلسه، دکتر مهران نیز شرکت داشت. در این جلسه وزیر علوم اظهار کرد بر اساس تصمیم‌های جدید قرار شد دانشگاه‌ها در زمینه‌های اجرایی کاملاً مستقل شود و سامان‌دهی مسائل دانشگاه‌ها به هیئت امنای آنها سپرده شود. تصمیمات جدید وزارت آموزش عالی به آن معنا بود که یکی از اهداف استادان از اعتصاب، در آستانه محقق شدن است. اما وزارتخانه همچنان مصر بود تا دانشگاه صنعتی آریامهر در راستای اهداف تمرکززدایی، به اصفهان منتقل شود. به همین دلیل، دولت برای پراکنده کردن استادان و دانشجویان حقوق هیئت علمی را قطع کرد. دکتر مهران در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: «حقوق اعضای علمی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران قطع شد و تا حضور مجدد استادان در کلاس‌های درس حقوق آن‌ها پرداخت نمی‌شود». دکتر مهران افزود که این تصمیم شامل استادانی که در کادر اداری این دانشگاه مشغول خدمت هستند، نمی‌شود. طبق قانون محاسبات چون این استادان سر کلاس درس حاضر نشده‌اند و عذر آن‌ها غیرموجه است، بنابراین برای انجام ندادن کار نباید حقوقی پرداخت شود و این اقدام دانشگاه با موازین قانونی مطابقت دارد. وی با اشاره به تسهیلاتی که در اصفهان برای استادان در نظر گرفته شده، گفت: «استادان می‌توانند از واحدهای مسکونی نزدیک دانشگاه استفاده کنند و در محیط دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان علاوه بر ایجاد یک دبستان، برنامه تأسیس دبیرستان

بین‌المللی، آخرین مراحل را می‌گذراند». دکتر مهران اضافه کرد که تعدادی از دانشجویان که قرار بود در پایان ترم بهار فارغ التحصیل شوند، به علت به تعویق افتادن برنامه فارغ التحصیلی‌شان، دچار ناراحتی شدید شده‌اند.

استادان دانشگاه هم در پاسخ به اظهارات دکتر مهران در مصاحبه‌ای اعلام کردند که قطع حقوق اقدامی غیرقانونی است و رئیس دانشگاه تا لحظه‌ای که حکم اخراج به آن‌ها ن داده، حق ندارد حقوقشان را قطع کند. استادان تأکید کردند تنها ۲۵ درصد از وقت دانشگاهی خود را صرف تدریس می‌کنند و فرصت باقی مانده صرف تحقیق می‌شود. نماینده استادان در پاسخ به اظهارات دکتر مهران افزود: «بر اساس گزارش کمیسیون شاهنشاهی و آمار موجود، کشور ما تا چهار سال دیگر نزدیک ۷ هزار مهندس احتیاج دارد. باتوجه به نیاز شدید جامعه به افراد متخصص در زمینه‌های علمی و فنی و نقش دانشگاه صنعتی آریامهر تهران در تربیت هزار مهندس در سال و همچنین نظر به اعتبار علمی این مرکز آموزش عالی در سطح جهانی، انتقال یا در حقیقت انحلال این دانشگاه مغایر با سیاست گسترش آموزش عالی و نیازهای جامعه در حال پیشرفتی مثل کشور ماست. استادان دانشگاه گفتند که از یک سال پیش با انجام مذاکرات مفصل و ارسال نامه‌های متعدد به مقامات صلاحیت‌دار خواستار تجدیدنظر در تصمیم مربوط به انحلال دانشگاه بودند. باتوجه به بی‌نتیجه ماندن همه مذاکرات، برای تحقق اساسی‌ترین خواست صنفی خود که اهمیت ملی و میهنی زیادی دارد، آن‌ها تصمیم گرفتند از تاریخ ۱۷ اردیبهشت گذشته تا اعلام رسمی گزینش دانشجو برای این دانشگاه، از ادامه فعالیت آموزشی خودداری کنند».

یکی دیگر از استادان اضافه کرد: «ما با فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان مخالفتی نداریم. حتی آمادگی کامل خود را برای کمک به آن دانشگاه اعلام می‌کنیم. در جراید گفته شده دانشگاه به اصفهان منتقل می‌شود، در حالی که ماده یک و دوی اساسنامه ادامه فعالیت نامحدود این دانشگاه در تهران و تأسیس شعب در شهرستان را تضمین کرده است. او مدعی شد دانشگاه صنعتی آریامهر برخلاف بسیاری از دانشگاه‌های کشور که خارجی‌ها طراحی، ساخت و آموزش آن را به عهده داشته‌اند، تنها دانشگاه کشور است که استادان و متخصصان ایرانی آن را ساخته و اداره می‌کنند. تمام آزمایشگاه‌ها و امکانات آموزشی این دانشگاه را استادان ایرانی ساخته و آماده کرده‌اند. ما حتی حاضریم در صورت موافقت با ادامه فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهر تهران، به اصفهان برویم. این در حالی است که تنها دو نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران، در اصفهان فعالیت دارند. به طور کلی، دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان با هدف‌های معین و به طور مستقل تأسیس شده است. نظام آموزشی

دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان به صورت ترم ده هفته است و دانشجویان ضمن سال تحصیلی، سه ترم آموزشی را می‌گذرانند. اما نظام آموزشی ما بر اساس ترم تحصیلی شانزده هفته است و دانشجویان در طول سال تحصیلی، دو نیم‌سال را پشت سر می‌گذرانند. گذشته از آن‌ها، اساسنامه این دو دانشگاه با هم متفاوت است».

دانشجویان سال آخر دانشگاه صنعتی آریامهر طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به اظهارات پروفسور مهران پاسخ دادند: «ما دانشجویان سال آخر دانشگاه صنعتی اعلام می‌کنیم که برخلاف سخنان رئیس دانشگاه، نه تنها دچار هیچ گونه ناراحتی نشده ایم، بلکه بیش از پیش پشتیبانی خود را از قطعنامه هیئت علمی اعلام می‌داریم. ما معتقدیم موضوع مطرح شده در این قطعنامه یک مسئله ملی است و ابعاد وسیع تری دارد که تأمین نیاز کشور به افراد متخصص را در درازمدت شامل می‌شود. در حالی که عقب افتادن ۱۷۵ دانشجو سبب نگرانی مسئولان امر شده است، چگونه می‌توان باور داشت که انحلال دانشگاه که سالانه ۷۰۰ فارغ‌التحصیل در رشته‌های مختلف فنی و علوم خواهد داشت، مورد تأیید قرار گیرد». دانشجویان در پایان بار دیگر حمایت خود را از خواسته اعضای هیئت علمی مبنی بر ادامه فعالیت دانشگاه صنعتی در تهران و قطع فعالیت آموزشی استادان که از هفدهم اردیبهشت سال جاری انجام گرفته اعلام داشتند. این در حالی بود که خبر رسید نیابت تولیت دانشگاه، دکتر مهران، چند روز بعد از مصاحبه به سوئیس رفته و در اثر تصادف در ژنو مجروح و بستری شده است.

اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر برای مقابله با تصمیم دولت، کمیته‌هایی تشکیل دادند و هر کمیته مأمور پیگیری بخشی از کار شد. یکی از این کمیته‌ها، کمیته صندوق وام اضطراری بود که زیر نظر هیئت مدیره‌ای متشکل از نمایندگان دانشکده‌های مختلف دانشگاه فعالیت می‌کرد. کمیته صندوق وام اضطراری حسابی در یکی از بانک‌ها باز کرد و از میهن‌پرستان سراسر کشور خواست برای تعاون اعتصاب دانشگاهیان، به دانشگاه کمک کنند. کمیته صندوق از حمایت‌کنندگان خواست وجوه خود را به حساب جاری شماره ۲۷۷۷ بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه صنعتی، به نام آقایان دکتر محمدجعفر امینی و دکتر فرخ علیم مرودستی و دکتر محمد اخوان فرشچی واریز کنند و رونوشت رسید آن را به نماینده خود در دانشکده تحویل دهند. برخی از استادان هم با مهندس بازرگان تماس گرفتند و از او خواستند به خاطر ارتباطش با بازاری‌ها، از آن‌ها بخواهد بخشی از حقوق استادان از طریق بازار تأمین شود. مدتی پس از این اعتصاب، سیل حمایت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی دیگر، روزنامه‌ها، صاحبان قلم، بازاریان و مردم عادی به طرف دانشگاه صنعتی سرازیر شد و یک‌باره نام دانشگاه صنعتی

آریامهر به‌عنوان مرکز مبارزه برای حق طلبی و استقامت در برابر فشارهای دولت سر زبان‌ها افتاد، به طوری که مبلغ صندوق از حقوق پنج ماه همه کارمندان آموزشی دانشگاه بیشتر شد. هم‌زمان با این اعتصاب، کمیته انتشارات هفته‌نامه‌ای به نام «بولتن خبری» منتشر کرد و دانشگاهیان را به دور از دستبردها و سانسورهای متداول در جریان اخبار مربوط به اعتصاب و پیکار با دولت گذاشت. به دنبال ابراز علاقه و نگرانی مردم به سرنوشت دانشگاه، روزنامه‌های دولتی مطالبی درباره خواست دانشگاهیان منتشر کردند و دامنه حملات دولت به روزنامه‌ها کشیده شد. روزنامه رستاخیز در ۱۶ خرداد سرمقاله‌ای توهین‌آمیز درباره اعضای هیئت علمی این دانشگاه چاپ کرد. با گسترش فعالیت‌های انقلابی و تظاهرات مردمی، اصرار دولت به انتقال دانشگاه از پایتخت اقدامی سیاسی تلقی می‌شد و مخالفت با تصمیم دولت به‌عنوان اعتراض سیاسی حمایت فعالان سیاسی را برانگیخت.

پشتیبانی گروه‌های مختلف مردم از خواست ملی جامعه دانشگاه صنعتی به صورت حمایت‌نامه‌های متعدد و کمک به صندوق وام اضطراری دانشگاهیان متجلی می‌گردید.

به این ترتیب انتقال دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان به موضوعی در سطح کشور تبدیل شد. از آن طرف، کمیته حقوقی با همکاری عده‌ای از وکلای دادگستری که داوطلبانه به صف استادان پیوسته بودند، به ستوه آوردن رژیم را از راه‌های قانونی و مطبوعاتی به عهده گرفتند. وکلادر اعلامیه خود نوشتند: «پس از مدتی که به طور غیررسمی زمزمه انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر و تبدیل آن به دانشگاه علوم و فنون نظامی شنیده می‌شد، اکنون مراجع رسمی آن را در قالب یک تصمیم رسمی اعلام کرده‌اند. ما مانند همه مردم ایران به خوبی واقفیم که حتی در صورت احتیاج به دانشگاه علوم و فنون نظامی، دانشگاه صنعتی آریامهر جای آن را تنگ نکرده است. مجبور نیستند مؤسسه علمی پویا و پر‌تپشی را منحل کنند که با وجود عمر کوتاه خود، از نظر مردم ایران صاحب کارنامه درخشانی است. لذا به نام اکثریت قاطع وکلای دادگستری ایران، پشتیبانی خود را از خواسته بحق استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی مبنی بر ادامه فعالیت این دانشگاه اعلام می‌کنیم. مصرانه از دولت می‌خواهیم که انصراف خود را از این تصمیم که مستقیماً با مصالح بنیادی مردم این مملکت ارتباط دارد، اعلام کند».

علاوه بر وکلا، اعضای علمی سازمان انرژی اتمی و مرکز تحقیقات هسته‌ای، دانشکده پلی‌تکنیک تهران، مدرسه عالی پارس، دانشکده نفت آبادان، دانشگاه فردوسی، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه



آزاد، بازرگانان و پیشه‌وران، بازار تهران، دانشگاه جندی شاپور، پهلوی، بوعلی سینا و آذربادگان، حمایت‌نامه‌ای در جهت خواسته دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی آریامهر منتشر کردند و طی نامه‌های جداگانه به نخست‌وزیر و دیگر مقامات مملکتی و دانشگاهی، خواستار ادامه فعالیت این دانشگاه در تهران شدند.

با انتشار خبر اعتصاب اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران، روز ۲۸ خرداد نمایندگان مجلس شورای ملی از استادان دانشگاه دعوت کردند تا با شرکت در کمیته عالی مجلس موضوع انتقال دانشگاه به اصفهان را بررسی کرده و برای چالش به وجود آمده راه حل بیابند. در این کمیته آقای سیدمرتضی مشیر، نماینده فسا در مجلس شورای ملی، سؤالی از دولت به این شرح تقدیم رئیس مجلس کرد:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی:

«چون در جراید صبح و عصر دوشنبه گذشته خبری انتشار یافت که حقوق استادان دانشگاه صنعتی آریامهر قطع و این امر موجب ناراحتی و عدم رضایت استادان دانشگاه مذکور را فراهم آورده و اساساً با تهدید و فشار نمی‌توان محیط مساعد و اطمینان‌بخشی در دانشگاه به وجود آورد و هدف دولت باید در این مورد معطوف به التیام بخشیدن وضع ناآرام فعلی و توجه به خواسته‌ها و درد دل‌های منطقی و اصولی استاد و دانشجو باشد، نه تشدید آن، بنابراین خواهشمند است دستور فرمایید جناب آقای وزیر آموزش و پرورش و سرپرست وزارت علوم که مسئول این حوادث است، در مجلس حاضر و اعلام دارد که برای شروع به کار دانشگاه‌ها و جلوگیری از وضع تأثرآور موجود که به صرفه و صلاح کشور نیست، چه برنامه و هدفی را تعقیب می‌کند».

دولت تصور می‌کرد با قطع حقوق اعضای هیئت علمی و درج اخبار سفارشی از وضعیت دانشگاه در روزنامه‌ها، استادان را به زانو درآورد و اعتصابشان را بشکند. اما با مقاومت اعضای هیئت علمی، این احتمال وجود داشت که اعتراض آن‌ها به سایر سازمان‌ها و ادارات کشیده شود. به همین دلیل، دولت از موضع اولیه خود عقب‌نشینی کرد و آقای نخست‌وزیر عنوان کرد علاقه‌مند است با کادر آموزشی دانشگاه دیدار کند. روز ۲۴ تیرماه، ۱۳ نفر از استادان به نمایندگی از طرف اعضای هیئت علمی دانشگاه، با نخست‌وزیر دیدار کردند. در این جلسه نخست‌وزیر بیان کرد به نظر شخص ایشان دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران باید به تربیت دانشجویان دوره فوق لیسانس و دکتری اختصاص یابد و دوره‌های لیسانس در شهرستان دایر شود. پیشنهاد نخست‌وزیر با گفته‌های قبلی او متفاوت بود و این



پیشنهاد به معنای ابقای دانشگاه در تهران بود اما با شرط آنکه فقط دانشجوی فوق لیسانس و دکتری در آنجا تحصیل کند. در آخر جلسه، نخست‌وزیر عنوان کرد به هیچ‌وجه مایل نیست نظرات شخصی خود را به کسی تحمیل کند تا نشان دهد این پیشنهاد، دستور نیست. استادان این پیشنهاد را نپذیرفتند، چون تصمیم دولت را مبنی بر آنکه دانشگاه فقط به تربیت متخصصان علمی و فنی در سطح فوق لیسانس و دکتری بپردازد، راه دیگری برای انحلال این دانشگاه می‌دانستند. اعضای هیئت علمی تأکید کردند تا زمانی پذیرش ۷۰۰ دانشجوی دوره لیسانس برای این دانشگاه به طور رسمی اعلام نشود، همچنان از حضور در کلاس‌ها و تدریس خودداری خواهند کرد. استادان دانشگاه افزودند: حال که دولت به این ترتیب تصمیم به انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر گرفته است، ما نیاز به مذاکره نداریم و خودمان با اعلام آگهی، مستقل از دولت برای دوره‌های لیسانس دانشجویان خواهیم پذیرفت. پذیرش دانشجوی دوره لیسانس از نظر ما قطعی است و ما اکنون به نحوه گزینش و کارهای فرعی مربوط به آن می‌اندیشیم. اعصاب و اعتراض استادان دانشگاه که از روز ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۷ آغاز شده بود، حرکتی منسجم بود که سبب شعله‌ور شدن اعتراضات و اعتصابات دیگری شد که تا بهمن ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد و عملاً رشته کار کنترل دانشگاه از دست حکومت خارج شد.

با وجود منع رژیم در پذیرفتن دانشجوی برای سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ و ۵۸-۱۳۵۷، کمیته حقوقی با بررسی ابعاد حقوقی انتقال دانشگاه به اصفهان، به شورای دانشگاه پیشنهاد کرد با پذیرش ۷۰۰ دانشجوی دوره لیسانس، رژیم را در برابر عمل انجام‌شده قرار دهد. روز ۳ مرداد، با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از دانشگاه‌های مختلف در سالن اجتماعات دانشکده شیمی، گردهمایی برای حمایت از خواسته‌های اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران تشکیل شد. با انتخاب هیئت اجرایی، مطالبات استادان مبنی بر پذیرش دانشجویان در مقطع لیسانس، خروج گارد از دانشگاه، استقلال دانشگاه و انتخاب رئیس دانشگاه زیر نظر شورای دانشگاه، به تصویب رسید. شورای دانشگاه تشکیل جلسه داده و به دبیر شورا مأموریت داده شد آگهی پذیرش ۷۰۰ دانشجویان در مقطع لیسانس در دانشگاه صنعتی آریامهر تهران، طبق روال سال‌هایی که کنکور سراسری نشده بود، در روزنامه‌ها چاپ کند. فردای آن روز، این آگهی در روزنامه چاپ شد. به محض چاپ این آگهی، دولت دستور داد انتشار روزنامه متوقف شود و اعلامیه‌ای صادر و اعلام کرد دوره لیسانس دانشگاه صنعتی آریامهر تهران به طور قطع به اصفهان منتقل خواهد شد. روز ۴ مرداد، به دستور دولت، نامه‌ای جعلی از طرف دانشگاه صنعتی آریامهر تهران در رادیو، تلویزیون و جراید پخش شد و در آن آگهی جذب

دانشجو تکذیب و اطلاعیه دیگری درباره سرنوشت دانشگاه صنعتی آریامهر تهران از سوی دولت منتشر شد.

شواری دانشگاه برای مقابله با این اقدام دولت، در جوابیه‌ای نوشت که اطلاعیه‌ای که به استادان دانشگاه نسبت داده شده، واقعی نیست و دانشگاه مصمم است برای سال تحصیلی جدید دانشجوی لیسانس بگیرد و آن را روز ۱۷ مرداد در یکی از روزنامه‌های صبح و ۱۰ روز بعد هم عین آن را در یکی از روزنامه‌های عصر چاپ کرد. با وجود کارشکنی‌ها و مخالفت‌های دستگاه‌های دولتی، ثبت‌نام داوطلبان ورود به دانشگاه شروع شد و هزاران نفر از دانش‌آموزان برای اخذ فرم پذیرش و ثبت‌نام به دانشگاه مراجعه کردند. روزی که داوطلبان برای ثبت‌نام به دانشگاه مراجعه کرده بودند، استادان شخصاً مدارک متقاضیان را از پشت نرده‌های جنوبی دانشگاه تحویل گرفته و کار ثبت‌نام آن‌ها را جلوی چشم گارد دانشگاه انجام دادند و نیروهای گارد نمی‌توانستند اقدامی کنند و فقط نظاره‌گر ثبت‌نام بودند. در روزهایی که پیروزی نزدیک به نظر می‌رسید، یکی از روزنامه‌های اروپایی مقاله مبسوطی با عنوان «دانشگاهیان دانشگاه صنعتی آریامهر شاه را شکست دادند» نوشت که فردای انتشار آن، خبرنگار و نویسنده مقاله از ایران اخراج شدند. در آخرین بیانیه اعضای هیئت علمی دانشگاه که اول شهریور چاپ شد، آمده بود: «هم‌وطنان، در ماه‌هایی که از آغاز فعالیت‌مان برای ابقای دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران می‌گذرد، با انواع فشارها و تهدیدها و دودوزه‌بازی‌ها از طرف دولتیان روبه‌رو شده‌ایم. در مقابل همه این‌ها، به منافع میهن‌مان و تعهد خود به حرفه‌مان اندیشیده و ایستادگی کرده‌ایم. اعتصاب ما تا تحقق کامل خواسته‌مان ادامه خواهد یافت. حمایت‌های مادی و معنوی شما را ارج می‌نهم و آن را به عنوان عاملی اساسی در پایداری‌مان می‌شناسیم».

دانشگاهیان همچنان در اعتصاب بودند و بدون توجه به قانون وزارت علوم، از متقاضیان ورود به دانشگاه ثبت‌نام کردند. ماه رمضان، امام خمینی(ره) با استفاده از فضای معنوی این ماه و به منظور بسیج همه نیروها، نخستین منشور انقلاب اسلامی را در پیامی هشت ماده‌ای به اطلاع مردم رساند. امام ضمن تکیه بر همبستگی و وحدت همه مردم در مبارزه، خواستار تداوم اعتراضات و اعتصابات تا محو کامل آثار ظلم و نابودی دستگاه جبار پهلوی شد. به دنبال پیام هشت ماده‌ای امام در اول رمضان، شهرهای ایران به‌ویژه شیراز و اصفهان به جوش و خروش افتاد. یکی از مهم‌ترین حوادث سال ۱۳۵۷ که باعث سرعت بخشیدن به پیروزی انقلاب اسلامی شد، فاجعه



به آتش کشیدن سینما رکس^۱ آبادان بود. در این جنایت بی سابقه حدود چند صد نفر از زن و مرد پیر و جوان بی گناه در داخل سینما سوختند. آتش سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ ضربه سنگینی به دولت جمشید آموزگار به عنوان نخست وزیر دوره فضای باز سیاسی وارد کرد. در پی این حوادث، جمشید آموزگار ۵ شهریور ۱۳۵۷ از نخست وزیری کناره گیری کرد و مهندس جعفر شریف امامی، رئیس مجلس سنا، به نخست وزیری منصوب شد. شریف امامی با آنکه دولت خود را دولت آشتی ملی نامید، اقداماتش در زمینه آزادی مطبوعات و رادیو تلویزیون، تسهیل امتیاز مالی به کارکنان اعتصابی دولت، تغییر استانداران، تغییر تقویم شاهنشاهی به هجری شمسی، برکناری وزیر دربار، عزل مدیران نالایق، بازگرداندن دانشجویان مخالف اخراجی به دانشگاه ها، اجازه فعالیت احزاب سیاسی مخالف و سرعت بخشی به آزادی های سیاسی، نشانه ضعف تلقی شد و انحلال حزب رستاخیز نیز تغییری در برداشت مخالفان از اقدامات او ایجاد نکرد.

اعتراض شورای دانشگاه به همراهی نکردن هیئت امنای استادان دانشگاه صنعتی آریامهر

یازدهم شهریور ۱۳۵۷، گروهی از استادان دانشگاه خواهان انتخابی شدن اعضای هیئت امنای ریاست دانشگاه شدند. در همین راستا، یکی از استادان عضو شورای دانشگاه با یکی از روزنامه های کثیرالانتشار تماس گرفت و گفت: «اعضای هیئت امنای دانشگاه که مطابق مقررات قدرت زیادی دارند، تا کنون هیچ اقدام شایان توجهی انجام نداده اند و چون عموماً مشاغل متعدد و حساس دارند، فرصت رسیدگی به مسائل دانشگاه را ندارند. آن ها در جریان اعتصاب اخیر استادان و مقاومتشان در برابر دولت وقت، هیچ گونه حمایتی از استادان نکرده اند و به طور ضمنی از اقدامات دولت پشتیبانی کردند. مقررات دانشگاه صنعتی آریامهر برخلاف مقررات بعضی از دانشگاه ها، دموکراتیک است و شورای دانشگاه باید با رأی آن ها انتخاب شود. بر این اساس، پیشنهاد می شود مهندس بازرگان یا دکتر عابدی ریاست دانشگاه را قبول کنند».

وی افزود: «طرحی در دست تهیه است که بر اساس آن، اعضای هیئت امنای نیز انتخابی شوند. برای این منظور گروهی از چهره های علمی و قضایی و نمایندگان از جانب بازرگانان و صاحبان صنایع ملی

۱ - یکی از مهم ترین حوادث سال ۵۷ که باعث خشمگین کردن مردم و سرعت بخشیدن به انقلاب ۵۷ شد، فاجعه به آتش کشیدن سینما رکس آبادان بود. ۲۸ مرداد طبق آمار دقیق ۶۳۰ نفر از کسانی که به تماشای فیلم گوزن ها در آخرین سانس به سینما رفته بودند، در آتش سوختند. تعداد کشته شدگان بعداً به بیش از ۶۷۷ نفر افزایش یافت. سینما زمانی دچار آتش سوزی شد که در حال نمایش فیلم گوزن ها، ساخته سعید کیمیایی بود. این فیلم به گونه ای اشاره کوتاه و گذرای داشت به روزهای فرار و مرگ یک مبارز مسلح علیه حکومت پهلوی و بسیاری بر این عقیده بودند که فیلم به بخش کوچکی از واقعه سیاهکل پرداخته است. امام خمینی (ره) در ۲۱ مردادماه ۱۳۵۷، در پیامی از نجف اشرف خطاب به اهالی آبادان، ضمن اعلام خطر به اینکه ممکن است رژیم پهلوی اعمال وحشیانه مشابهی در شهرهای ایران انجام دهد، از گویندگان خواستند وظیفه آگاهی بخشی به مردم را دنبال کنند. در بخشی از پیام مهم امام به مناسبت این فاجعه آمده بود: من گمان نمی کنم هیچ مسلمانی، بلکه انسانی، دست به چنین فاجعه وحشیانه ای بزند، جز آنکه به نظایر آن عادت نموده است. گفتار شاه که نظاره کنندگان مخالف من «وحشت بزرگ» را وعده می دهند و تکرار آن پس از واقعه که این همان وعده بوده است، شاهد دیگری بر توطئه است. این مصیبت دلخراش برای شاه، شاهکار بزرگی است تا به تبلیغات وسیع در داخل و خارج دست زند و به بوق ها و مطبوعات دست نشانده داخل و نفع طلب خارج دستور دهد که هر چه بیشتر برای اغفال مردم، این جنایت را منتشر و به ملت محروم و مظلوم ایران نسبت دهند تا در خارج، ملت طلب ایران را، مردمی که به هیچ ضابطه انسانی و اسلامی معتقد نیستند معرفی نماید.



به وسیله شورای دانشگاه انتخاب شده‌اند که به عنوان اعضای هیئت امنا پیشنهاد خواهند شد.^۱

پایان اعتصاب استادان با ابقای دانشگاه در تهران

با روی کار آمدن دولت جدید، بالاخره دولت به خواسته‌های اعضای هیئت علمی تن در داد و ۱۵ شهریور ۱۳۵۷ رسماً اعلام کرد دانشگاه صنعتی در تهران ابقا شده و در مقطع لیسانس دانشجو خواهد پذیرفت. قرار شد دانشگاه صنعتی آریامهر به صورت دو دانشگاه مستقل در تهران و اصفهان اداره شود، هر کدام رئیس جداگانه‌ای داشته باشد و دولت ترتیبی دهد تا میان دو دانشگاه همکاری‌های خاص علمی و آموزشی و تحقیقاتی انجام گیرد. دست آخر، قرار شد شورای دانشگاه، رئیس دانشگاه را انتخاب کند. بالاخره پس از چند ماه مبارزه سخت و نفس گیر، اعضای هیئت علمی توانستند به هدف خود برسند. پس از آن، شورای دانشگاه تشکیل شد و اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر در نامه‌ای به وزیر علوم و آموزش عالی نوشتند:

«نظر به آنکه شورای دانشگاه صنعتی آریامهر به اصل انتخابی بودن رؤسای دانشگاه‌ها به وسیله دانشگاهیان اعتقاد دارد، مطابق مصوبه جلسه مورخ ۱۴ شهریور ۱۳۵۷، بدین وسیله آقای دکتر حسینعلی انواری، عضو هیئت علمی این دانشگاه را به اتفاق آرا به عنوان نامزد شورا برای مقام نیابت تولیت عظمای دانشگاه پیشنهاد می‌کند».

از سوی دیگر گفته شد که استعفای دکتر علیرضا مهران، رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر نیز از دو هفته پیش پذیرفته شده است. دکتر مهران از دو ماه پیش تقاضای استعفا کرده بود، اما دولت به علت مأموریتی که در ژنو داشت، استعفایش را نپذیرفته بود. او پس از پایان مأموریت همچنان در ژنو به سر می‌برد تا استعفایش پذیرفته شود.

دکتر حسینعلی انواری که بود؟

دکتر حسینعلی انواری سال ۱۳۱۳ در تهران و در خانواده‌های مذهبی به دنیا آمد. او دوران ابتدایی را در دبستان ناصر خسروی تهران و شش سال دوره دبیرستان را در دبیرستان البرز با افتخار رتبه شاگرداولی پشت سر گذاشت و سپس به دانشکده فنی دانشگاه تهران رفت تا در رشته الکترومکانیک ادامه تحصیل دهد. انواری سال ۱۳۳۵ مدرک فوق لیسانسش را از این دانشگاه گرفت و فارغ التحصیل شد. او بعد از مرگ پدر، مسئولیت خانواده را به عهده گرفت و چون مستمری بازنشستگی پدر کفاف

۱ - اسامی بعضی از این افراد عبارت است از: دکتر علینقی حکمی، دکتر کریم سنجابی، مهندس مهدی بازگان، دکتر عابدی، دکتر بدالله سحابی، دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی، مهندس حسینی، حسن نژده، صادم‌الدین صادق وزیری، حسن صدر، دکتر ناصر پاکدامن، داریوش فروهر، سیمین دانشور، دکتر هدایت‌الله متین دفتری، حاج امانیان، قاسم لباسچی، اخوان فرشچی (سه نفر آخر از معمرین بازار تهران و از صاحبان صنایع ملی هستند).



اداره خانواده را نمی‌داد، به ناچار وارد بازار کار شد و به وزارت صنایع رفت. او سال ۳۷-۱۳۳۶ با استفاده از بورس تحصیلی یک‌ساله‌ای که وزارت صنایع به او داده بود، عازم کشور دانمارک شد و دوره‌ای تخصصی با نام حفاظت از خوردگی اجسام با روش آبکاری الکتریکی در انستیتو تکنولوژی آن کشور با موفقیت به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به کشور فرانسه رفت. او سال ۱۳۳۹، در رشته الکتروتکنیک دانشگاه ENSEEHT در شهر تولوز درجه کارشناسی ارشد و سال ۱۳۴۱، درجه دکترای دریافت کرد. دکتر انواری ۱۱ دی ۱۳۴۲ به ایران برگشت و به معاونت وزارت اقتصاد منصوب شد و هم‌زمان فعالیت آموزشی خود را در دانشکده پلی تکنیک (امیرکبیر فعلی) آغاز کرد. سال ۱۳۴۵، دکتر مجتهدی به دکتر انواری پیشنهاد همکاری داد و او دعوت دکتر مجتهدی را پذیرفت و به دانشگاه صنعتی آریامهر رفت. دکتر انواری از همان ابتدای تأسیس دانشگاه، هم تدریس می‌کرد و هم سرپرست آموزش بود. وی تا ۳۱ خرداد ۱۳۴۷ در این سمت مشغول کار بود تا آنکه شهریور سال ۱۳۵۰، دکتر امین او را به سمت قائم مقام معاون آموزشی و دانشجویی دانشگاه منصوب کرد. دکتر انواری در این مدت در کمیسیون استخدام دانشگاه هم فعالیت می‌کرد. او سال ۱۳۵۶ به مرتبه دانشیاری ارتقا یافت و همان سال به عنوان معاون آموزشی و دانشجویی انتخاب شد.^۱

پذیرش دانشجو در دانشگاه

دو روز بعد از انتخاب دکتر انواری، اولین جلسه شورای دانشگاه تشکیل شد. نخستین موضوعی که در این جلسه مطرح شد، موضوع نحوه پذیرش دانشجو برای سال تحصیلی جدید بود. با آنکه ۱۰ هزار نفر برای شرکت در آزمون ورودی دانشگاه صنعتی آریامهر ثبت نام کرده بودند، دانشگاه فرصت نکرده بود آزمون ورودی برگزار کند. به همین دلیل، قرار شد دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ از بین پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری و با استفاده از نمرات امتحانات ورودی دانشجویان انتخاب شوند. در جلسه بعد شورای دانشگاه که روز ۲۲ شهریور برگزار شد، دکتر خالصی‌زاده نمرات دانش‌آموزان کنکور سراسری را به جلسه آورد تا وضعیت داوطلبان بررسی شود. در این جلسه به دکتر ابراهیم اسماعیل‌زاده (یکی از استادان دانشکده مهندسی مکانیک) مسئولیت داده شد تا نمرات متقاضیان را بررسی کرده و از بین پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری، تعداد مشخص شده را انتخاب کند. تعدادی از استادان که بیشترشان اعضای کمیته رفاه بودند و عده‌ای از کارمندان تحت سرپرستی دکتر ابراهیم

۱ - دکتر حسینعلی انواری در دوره فعالیتش در دانشگاه علاوه بر سمت‌های اجرایی، دروس مختلف مبانی مهندسی برق ۱ و ۲ و ماشین‌های الکتریکی و ماشین‌های القایی تدریس می‌کرد و مسئولیت آزمایشگاه‌های ماشین‌های الکتریکی را به عهده داشت. دکتر انواری عضو کمیته ملی الکتروتکنیک ایران بود و به عنوان عضو هیئت اعزازی در مجمع عمومی سازمان بین‌المللی الکتروتکنیک در پراگ و توکیو شرکت کرد. ۱ - دکتر انواری تابستان سال ۱۳۵۸ با استفاده از فرصت مطالعاتی به کشور فرانسه رفت و مدتی بعد به علت بیماری ناچار به انجام عمل قلب شد. نیاز به مراقبت‌های ویژه او را مجبور کرد چند سال دیگر در فرانسه بماند تا آنکه سال ۱۳۶۸ در همان جا دارفانی را وداع گفت. دکتر انواری کتاب‌های اصول الکتریسیته (چاپ مؤسسه انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۴۴) که چهار بار تجدید چاپ شده و الکتریسیته و مغناطیس (چاپ توسط مؤسسه فرانکلین ۱۳۴۸) را تألیف کرده و صاحب مقالات علمی متعددی در مجلات معتبر بین‌المللی است.



پارچه نوشته ای با مضمون محل پذیرش مدارک دانشگاه صنعتی آریانه تهران ۷۰۰ دانشجوی دوره لیسانس برای سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ می پذیرد.



اسماعیل زاده و با نظارت رئیس دانشگاه با همکاری هم دانشجویان را انتخاب کردند. بعد از این جلسه از بین ۲۰ هزار متقاضی ورود به دانشگاه در آزمون سراسری، ۷۰۷ نفر به عنوان پذیرفته شدگان دانشگاه انتخاب شده و اسامی آنها در روزنامه‌های صبح و عصر روز ۲۵ شهریور چاپ شد. به این ترتیب سال تحصیلی جدید دانشگاه با حضور ۷۰۷ نفر دانشجوی جدید آغاز شد. ۲۲ شهریور مسئولان دانشگاه اعلام کردند دانشگاه از روز شنبه ۲۵ شهریور برای دانشجویانی که می‌توانستند در نیم‌سال دوم تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ فارغ‌التحصیل شوند، چهار هفته برنامه آموزشی را طبق روال ادامه خواهد داد تا کلاس‌هایی که در طی این مدت به دلیل اعتصاب استادان تشکیل نشده، جبران شود. شورای دانشگاه تصویب کرد در صورت موافقت دانشکده‌ها، این دانشجویان بتوانند سه واحد بیشتر از حد نصاب مجاز بگیرند. به این ترتیب ۱۴۰ دانشجوی ترم آخر دانشگاه در کلاس‌های جبرانی شرکت کردند تا فارغ‌التحصیلی‌شان به تعویق نیفتد. علاوه بر آن، در جلسه عنوان شد دولت حقوق چهار ماه گذشته را به اعضای هیئت علمی پرداخت خواهد کرد. سال تحصیلی جدید در دانشگاه صنعتی دیرتر از دانشگاه‌های دیگر و از روز ۲۳ مهرماه آغاز شد. دانشجویان از همان روز اول بازگشایی دانشگاه سر



آگهی پذیرش دانشجو در یکی از کتابفروشی های تهران، ۱۳۵۷.



محل خودسوزی یکی از دانشجویان در جلو دانشگاه، ۱۳۵۷.



تظاهرات دانشجویان داخل دانشگاه، ۱۳۵۷.



تظاهرات دانشجویان در داخل دانشگاه، ۱۳۵۷.



کلاس‌های درس حاضر شدند، اما با داغ شدن تنور انقلاب و گسترش اعتراضات و راهپیمایی‌ها و شرکت اقبال مختلف مردم در تظاهرات، به مردم پیوستند. هنوز یک هفته از برگزاری کلاس‌ها نگذشته بود که روز ۳۰ مهر ماه حدود ۲ هزار نفر از دانشجویان با حمل پلاکارد و سردادن شعارهایی مثل «ایران به ما ملحق شوید»، «زندانی سیاسی درود خلق ایران بر تو باد»، دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. در میان تظاهرکنندگان تعداد زیادی از دانشجویان دختر هم شرکت کرده بودند.

استادان و دانشجویان، دانشگاه صنعتی را باز می‌کنند

دولت دوروز پس از واقعه ۱۳ آبان،^۱ دانشگاه‌های تهران را تعطیل کرد و دانشگاه‌ها تا دی‌ماه بسته بودند. مدتی بعد، یعنی ۵دی ۱۳۵۷، نزدیک به هفتاد نفر از استادان دانشگاه‌ها در اعتراض به ورود گارد به داخل دانشگاه‌ها و تعطیلی دانشگاه‌ها در ساختمان مرکزی وزارت علوم واقع در خیابان ویلا (استاد نجات‌الهی فعلی) جمع شده و تحصن کردند. آن روز دکتر نجات‌اللهی در حالی که مشغول سخنرانی برای استادان بود، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. در مراسم تشییع جنازه استاد نجات‌اللهی، هزاران نفر شرکت

۱ - دانش‌آموزان دبیرستانی روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ مدارس را تعطیل کرده و به سمت دانشگاه تهران راه افتادند. دانش‌آموزان معترض، سر راه خود دیگر دبیرستان‌ها را نیز تعطیل کرده و به دانشجویان معترض در دانشگاه پیوستند. دانشگاه تهران از مدت‌ها پیش به محل گردهمایی دانشجویان مخالف رژیم تبدیل شده بود و در این روز، شاهد یکی از گسترده‌ترین تجمعات دانشجویان بود. در دانشگاه عده‌ای از دانشجویان شعار می‌دادند، گروهی بحث و تبادل نظر می‌کردند و برخی نیز سخنرانی کرده یا اعلامیه می‌خواندند. با افزایش جمعیت دانش‌آموزان، سربازان ارتش وارد عمل شده و با شلیک تیر هوایی و انفجار گاز اشک‌آور به مقابله با دانش‌آموزان و دانشجویان پرداختند و از آن‌ها خواستند متفرق شوند. با تشدید درگیری بین سربازان و دانش‌آموزان، شعارهای «مرگ بر شاه» و «معلم به یا خیز محصول کشته شده» از هر گوشه خیابان به پا خواست. در مسیر حرکت بقیه دانش‌آموزان به سوی دانشگاه، مردم نیز با آنان همراه شدند و پس از ورود به دانشگاه به تجمع کنندگان پیوستند. دانشجویان به مسجد دانشگاه رفته و از بلندگوی مسجد، شعارهای تند علیه رژیم سر دادند. عده‌ای قصد داشتند در مسیر دانشگاه تا خانه آیت‌الله سیدمحمد طالقانی که تازه از زندان آزاد شده بود، تظاهرات کنند. این عده هنگام خروج از دانشگاه با مأموران حکومت نظامی روبه‌رو شدند. عده‌ای به داخل دانشگاه بازگشتند و درهای دانشگاه را بستند و شعار دادند. عده‌ای دیگر که در بیرون از دانشگاه مانده بودند، به خیابان‌های اطراف گریختند. دانشجویان در داخل دانشگاه به سمت دانشکده پزشکی در حرکت بودند که نظامیان وارد محوطه دانشگاه شده دوباره شروع به تیراندازی و انفجار گاز اشک‌آور کردند. دانش‌آموزان و دانشجویان شاخه‌های درختان را شکستند و آتش زدند تا اثر گازهای اشک‌آور خنثی شود. گروه دیگری از تظاهرکنندگان که در خیابان‌های اطراف دانشگاه پراکنده بودند، آتش روشن کردند و به سمت خیابان‌های آنتالو فرانس (قدس فعلی) و بزرگمهر حرکت کردند. معترضان سر راه، شیشه‌های ساختمان نشریات حزب رستاخیز و نگهبانی برق دانشگاه را شکستند و آتشی آن‌ها را بیرون ریختند. در خیابان تخت‌جمشید (طالقانی فعلی) نیز بانک صنایع و معادن مورد حمله تظاهرکنندگان قرار گرفت. ساعتی بعد، تظاهرات اطراف دانشگاه به سطح شهر و دیگر خیابان‌ها کشیده شد و درگیری چند ساعت ادامه داشت. با خروج نیروهای نظامی از دانشگاه مجروحان به بیمارستان‌های اطراف منتقل شدند. مقامات فرمانداری نظامی تهران اعلام کردند که بر خلاف شایعات منتشره، هیچ‌کس در این درگیری کشته نشده و فقط سه نفر مجروح شده‌اند. دکتر عبدالله شهبانی، رئیس وقت دانشگاه تهران نیز اظهار داشت که درگیری‌های امروز تنها چهارده مجروح به جای گذشته است. روزنامه کیهان به نقل از رادیو ایران، نوشت که تا ساعت ۱۲ شب، دوازده نفر از مجروحانی که به بیمارستان پهلوی منتقل شده بودند، درگذشته‌اند و حال دوفتر دیگر از آن‌ها وخیم است. این اتفاق با پخش فیلم درگیری‌های آن روز از تلویزیون بازتاب گسترده‌ای میان مردم داشت. کارکنان سازمان رادیو و تلویزیون نیز در اقدامی بی‌سابقه، فیلم وقایع دانشگاه را در بخش خبری نمایش دادند. در این فیلم که صدای تیراندازی، انفجار گاز اشک‌آور و شعارهای تظاهرکنندگان ضبط شده بود، صحنه تیر خوردن یکی از دانشجویان، هر بیننده‌ای را متأثر می‌کرد.

امام خمینی (ره) ۱۳ آبان‌ماه در پیامی به ملت ایران واقعه دانشگاه تهران را محکوم کرد و شاه را مسئول تمام خرابی‌ها و خیانت‌ها دانست. امام مردم را به صبر دعوت کرد و فرمود: «من از این راه دور چشم امید به شما دوخته‌ام و آنچه که در قدرت دارم، در خدمت به شما که به حق است، نثار می‌کنم و صدای آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی شما را به گوش جهانیان می‌رسانم.»

در پی این واقعه، وزیر علوم و آموزش عالی، دکتر ابوالفضل قاضی، استعفا کرد و کابینه شریف‌امامی با عنوان دولت آشتی ملی که در اولین ماه زمامداری خود، کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ را به پا کرده بود، با واقعه خویسن ۱۳ آبان مجبور به استعفا شد و جای خود را به دولت نظامی غلامرضا اژه‌اری داد. اژه‌اری برای نمایش قدرت، دستور بازداشت چند نفر از مقامات و شخصیت‌های برجسته سیاسی را صادر کرد که امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر پیشین و وزیر دربار و ارتشبد نعمت‌الله نصیری، رئیس ساواک از معروف‌ترین آن‌ها بودند. اما این بازداشت‌ها نتوانست فریادهای الهویاکو بر پیشامدها را ساکت کند. شاه در پیامی درحجرتانگیز که در ۱۵ آبان از تلویزیون پخش شد، بابت خطاهای گذشته از ملت عذر خواست و متعهد شد که در رفع خرابی‌ها و مفاسد سیاسی و اقتصادی بکوشد. او گفت: «من صدای انقلاب شما ملت ایران را شنیدم.»

اوضاع ایران به سرعت دگرگون می‌شد. اژه‌اری طی ماه آذر ۱۳۵۷ از نخست‌وزیری استعفا کرد و به خارج از ایران رفت. در این وضعیت دولت آمریکا نیز ارباب ژنرال هاینز، معاون فرماندهی هوایی آمریکا برای مذاکره با سران ارتش ایران و بررسی اوضاع به تهران فرستاد. او در طول مدت اقامت بیش از یک‌ماهه خود در ایران، فقط یک بار به دیدار شاه رفت و در آن جلسه، از روز و ساعت خروج او از ایران مطلع شد. باوجود آنکه مسافر او به صورت مجرمانه انجام شده بود، اما خبر ورود وی ۱۶ دی‌ماه فاش شد. هاینز در کتاب خاطراتش نوشته است: «من برای بررسی این مسئله، مخفیانه به تهران آمدم که کودتا چگونه میسر است و آیا اصلاً به صلحت هست یا نه؟ پس از بررسی‌های بسیار، از واکنش دستور رسید که دولتی قوی به رهبری شاپور بختیار تشکیل شود. در صورتی که این کار شکست بخورد، کودتای نظامی انجام خواهد شد.»

هاینز در ایران چهار موضوع را دنبال می‌کرد: ممانعت از عملیات خودسرانه و حساب‌شده ارتش پس از خروج احتمالی شاه از ایران، موظف‌سازی ارتش به حمایت از دولت بختیار و کودتای نظامی در صورت لزوم، مشخص کردن سرنوشت قراردادهای فروش سلاح‌های پیشرفته آمریکا به ایران، ممانعت از تصرف وسایل و سلاح‌های مدرن آمریکا در ایستگاه‌های رادار ایران توسط شوروی. در نهایت با گسترش دامنه اعتراضات و انقلاب، کاری از دست هاینز و کاخ سفید نبرنامه‌ها و او چند روز پیش از پیروزی انقلاب، تهران را ترک کرد. گرچه قراردادهای و مناسبات نظامی امنیتی فراوانی بین ایران و غرب وجود داشت، این واقعیت که یک ژنرال آمریکایی می‌توانست بدون اجازه دولت به ایران بیاید و با سران ارتش ملاقات کند و شاه هم پس از اطلاع از موضوع، دستور اخراج او را ندهد، نمایانگر ابعاد نفوذ خارجی و عدم استقلال سیاسی در این دوره تلقی می‌شود.



داشتند که در این مراسم هم ۵ نفر کشته و ۱۳۰ نفر مجروح شدند. تعدادی^۱ از استادان دانشگاه صنعتی آریامهر در این تحصن شرکت داشتند. شورای دانشگاه صنعتی بدون هماهنگی با دولت، ۱۷ دی ماه اعلام کرد درهای این دانشگاه از ۲۰ دی به روی دانشجویان، استادان و کارکنان گشوده خواهد شد. شورای دانشگاه تصمیم خود مبنی بر بازگشایی دانشگاه‌ها را با چاپ اعلامیه‌ای در روزنامه‌ها به اطلاع عموم رساند. یکی از اعضای شورای دانشگاه در این زمینه گفت: «از آنجا که دانشگاه سنگر آزادی است و در پیشبرد مبارزات سیاسی نقش عمده‌ای دارد، شورای دانشگاه تصمیم به این اقدام گرفته است». وی افزود: «حال که مقامات مسئول ظاهراً درباره مراکز آموزش عالی سکوت کرده‌اند و هیچ مقامی به خواست دانشگاهیان و استادانی که ۲۰ روز است برای بازگشایی دانشگاه‌ها در دبیرخانه دانشگاه تهران متحصن شده‌اند، توجهی نمی‌کند، دانشگاهیان خود درهای دانشگاه را به روی استادان، دانشجویان و کارکنان که در حقیقت خانه آن‌هاست، می‌گشایند. این تصمیم به همین جهت، اهمیت زیادی دارد». به دنبال این تصمیم، دانشگاه از روز بیستم باز شد و استادان و دانشجویان وارد دانشگاه شدند.

با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب، فعالیت‌های دانشجویان اوج گرفته و فضای دانشگاه کاملاً سیاسی شده بود. جلسات و میتینگ‌های متعددی با حضور چهره‌های سیاسی برگزار می‌گردید. استاد شهید آیت الله مطهری در آبان ۵۷ به دعوت استادان فعال سیاسی دانشگاه (سازمان ملی دانشگاهیان) در سالن ورزش سخنرانی نمود. او در این جلسه تعبیرهایی در مورد امام خمینی بکار برد که بعدها مشهور گردید. بعد از این سخنرانی، تظاهراتی انجام شد و عکس‌های شاه و فرح در سالن، پایین کشیده شد. سلسله سخنرانی‌هایی نیز توسط دکتر ابوالحسن بنی صدر با موضوعات اقتصادی در بهمن و اسفند ۵۷ در دانشگاه برگزار گردید. در این جلسات، دانشجویان و استادان و کارکنان دانشگاه حضور پرشور و گسترده‌ای داشتند.

دانشگاه صنعتی بعد از پیروزی انقلاب

با پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، ساختار و مناسبات اداری و سیاسی کشور دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شد. بیشتر دانشگاه‌های کشور در نیم‌سال تحصیلی اول و با اوج گرفتن مبارزات علیه رژیم پهلوی تعطیل بودند و انتظار می‌رفت تا چند ماه این تعطیلی‌ها ادامه داشته باشد. با این وجود، بعد از پیروزی انقلاب اعلام شد دانشگاه‌ها از اسفندماه برای نیم‌سال تحصیلی دوم فعال خواهند شد.

۱ - دکتر علی اکبر صالحی در خاطرات خود درباره این روز نوشته: روزی که دکتر نجات‌اللهی به شهادت رسید، ما به اعتراض شهادت ایشان به وزارت علوم رفتیم و در آن جا تحصن شد. ساختمان وزارت علوم همین ساختمان فعلی بود که درها را بستند و در هر طبقه سنگر گرفته بودند و ما نیز در طبقه ششم ساختمان بودیم. درها را به روی گاردی‌ها مسدود کرده بودند اما گارد با یک هجوم درها را باز و به داخل ساختمان نفوذ کرد. من به طرف بالکن رفتم و فریاد زدم. کمک می‌خواستیم. اما در آن ساعت شب هیچ کس نبود کمکی نکند. یکی از گاردی‌ها آمد و گفت بیا داخل. اجباراً به داخل رفتم که با قنداق تفنگ به سر و پای من کوبیدند و من غرق خون شدم. سرم را با پارچه‌ای بستند. ما را از طبقات پایین آورده و سوار ماشین کردند و به یادگان جمشیدیه بردند. فردا با اصرار یکی از استادان پزشکی، من و یکی دیگر از دکترها را به بیمارستان ارتش بردند. در آن روز، تشییع جنازه دکتر نجات‌اللهی از بیمارستان امام خمینی (ره) فعلی بود و خیابان‌ها را بسته بودند. زمانی که به بیمارستان ارتش رسیدم، در آنجا جراحی‌های ما را با پانسمان کرده و ما را به یادگان برگرداندند. با اعتراض همان دوست پزشکمان به افسر نگهبان که اگر این‌ها موردی برایشان پیش بیاید، شما مسئولید، ما را به بیمارستان شریعتی بردند. پزشکان بیمارستان شریعتی ما را پنهان کردند. از آن زمان به بعد، به طور مخفی زندگی می‌کردم تا انقلاب شد. پیش از این جریان هم، در دانشگاه به فعالیت‌های انقلابی مشغول بودیم و در دانشکده مکانیک به مباحثه در خصوص مسائل انقلاب می‌پرداختیم.

چون وضعیت رؤسای دانشگاه‌ها مشخص نبود، قرار شد تا ثبات نسبی اوضاع، همه دانشگاه‌ها زیر نظر شورایی به نام شورای هماهنگی اداره شوند. شورای هماهنگی هر دانشگاه از چند نفر از اعضای هیئت علمی آن دانشگاه، کارکنان و دانشجویان تشکیل می‌شد. شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی را ۲۷ نفر از اعضای هیئت علمی، ۱۵ دانشجو و ۱۲ نفر از کارمندان بر عهده گرفتند. علاوه بر شورای هماهنگی، شورای دیگری به نام شورای آموزشی دانشگاه تشکیل شد تا بر مسائل آموزشی دانشگاه نظارت کنند. شورای هماهنگی موظف بود با آرام شدن اوضاع، در مدت کوتاهی شخص مناسبی را برای ریاست دانشگاه انتخاب کند. در این راستا، کمیته‌ای سه نفره متشکل از دکتر حسن عباسپور^۱، دکتر عباس علی مددیان و مهندس مسعود معین‌زاده برای تعیین نامزدهای ریاست بر دانشگاه صنعتی تشکیل شد. با پیشنهاد این کمیته و طبق نظر شورای دانشگاه، قرار شد دکتر حسینعلی انواری همچنان ریاست دانشگاه را عهده‌دار باشد. اما دکتر انواری استعفايش را نوشت و اعلام کرد از ریاست دانشگاه انصراف داده است. شورا ابتدا استعفای دکتر انواری را نپذیرفت اما دکتر انواری گفت به علت خستگی زیاد نمی‌تواند در این سمت باقی بماند و قصد دارد برای انجام فرصت مطالعاتی به خارج از کشور برود. شورا بالاخره استعفای دکتر انواری را پذیرفت و کمیته از بین نامزدهای باقی‌مانده، بالاخره دکتر علی محمد رنجبر را به عنوان گزینه پیشنهادی به شورا معرفی کرد. به این ترتیب، شورا روز ۱۶ تیر ۱۳۵۸ دکتر رنجبر را با ۳۴ رأی موافق و ۶ رأی ممتنع، به‌عنوان رئیس دانشگاه انتخاب و به وزیر علوم معرفی کرد.

رنجبر که بود؟

دکتر علی محمد رنجبر، سال ۱۳۲۲ در شهر بروجرد به دنیا آمد. او سال ۱۳۴۶ مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برق را از دانشکده فنی تهران گرفت و سال ۱۳۵۵ دکترایش را از امپریال کالج دانشگاه لندن دریافت کرد و بعد از بازگشت به کشور، جذب دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شد. دکتر

۱ - حسن عباسپور، سال ۱۳۲۲ در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. او سال ۱۳۴۲ بعد از پایان دوران متوسطه، به دانشگاه تهران رفت و لیسانس رشته مهندسی برق و فوق لیسانس رشته مهندسی الکترومکانیک را از دانشکده فنی این دانشگاه دریافت کرد. آن زمان، یک سال از تأسیس دانشگاه صنعتی شریف گذشته بود و دانشگاه نیاز به استاد داشت. تعدادی از دانش‌آموختگان ممتاز دانشکده فنی پلی تکنیک و علوم به دعوت مسئولان در دانشگاه استخدام شدند. عباسپور تا سال ۱۳۵۰ در سمت دستیار مشغول تدریس در این دانشگاه بود. او تیرماه ۱۳۵۰، برای کارآموزی به سوئیس رفت و در یکی از شرکت‌های سوئیسی مشغول کار شد و یک سال بعد برای ادامه تحصیل راهی کشور انگلستان شد. عباسپور سال ۱۳۵۶، در رشته برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های انرژی، درجه دکترای خود را گرفت و به ایران برگشت و با عنوان استادیار در دانشگاه صنعتی شریف مشغول تدریس شد. او هنگام تحصیل در دانشکده فنی با مبارزات سیاسی، مذهبی و گروهی آشنا شد و همراه سایر دانشجویان مسلمان در تشکیل جلسه‌های مذهبی و سیاسی شرکت می‌کرد. دکتر عباسپور عضو اصلی سازمان زیرزمینی مبارز و اسلامی بود که سال ۱۳۴۷ به وسیله دکتر عبدالله جاسمی و شهید دکتر آیت بنیان‌گذاری شده بود. او زمان دولت آموزگار (۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷) با همکاری سایر استادان دانشگاه، هسته اولیه سازمان ملی دانشگاهیان را تشکیل داد. سازمان ملی دانشگاهیان پیش از انقلاب نقش مهمی در مبارزات دانشگاهیان علیه شاه داشت. دکتر عباسپور به عضویت هیئت دبیره این سازمان انتخاب شد و در طراحی عملیات مبارزاتی این سازمان علیه رژیم نقش مهمی بر عهده داشت. یکی از برنامه‌های این سازمان، برگزاری هفته همبستگی در دانشگاه صنعتی شریف بود. یکی دیگر از برنامه‌های سازمان، برنامه‌ریزی برای تحصن استادان دانشگاه در وزارت علوم و دبیرخانه دانشگاه تهران بود که در این تحصن استاد نجات‌اللہی به شهادت رسید. شهید دکتر عباسپور در بیان حوادث روزهای انقلاب می‌گوید: همزمان با فعالیت‌ها در تابستان ۱۳۵۷ مشخص شد که اگر حرکت مردم یک حرکت اسلامی باشد باید تشکل استادان دانشگاه هم چنین باشد و در نتیجه «جامعه اسلامی دانشگاهیان» ایجاد شد. بعد از انقلاب هم این جامعه در مسئولیت‌های کشوری و انقلابی فرهنگی سهم مؤثری داشت. یکی از کارهای مهم شهید عباسپور به هنگام تدوین اساسنامه جامعه اسلامی دانشگاهیان، اصرار بر تهیه آن بر اساس احکام اسلام بود. آن زمان برخی از استادان دانشگاه‌ها گرایش به احزاب مارکسیستی و غیر مذهبی داشتند. بعد از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب، دکتر حسن عباسپور را به سمت وزیر نیرو منصوب کرد. دکتر حسن عباسپور، هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰ با وقوع انفجار در محل حزب جمهوری اسلامی همراه شهید بهشتی و ۷۲ نفر از یاران ایشان به شهادت رسید.

رنجبر از همان سال اول ورود به دانشگاه تدریس می‌کرد و اکنون استادتمام دانشگاه است.^۱

دانشگاه صنعتی شریف متولد می‌شود

در آغاز انقلاب، به دستور امام خمینی (ره) قرار شد تمام آثار طاغوت از همه اداره‌ها محو شود. مسئولان و مردم خسته از ظلم و ستم شاهنشاهی سعی کردند هر چه که رنگ و بوی نظام پوسیده پهلوی دارد، از زندگی‌شان پاک کنند. از مجسمه وسط میادین شهر و تصاویر روی اسکناس‌ها گرفته تا نام شهرها، خیابان‌ها، کوچه‌ها و دانشگاه‌ها، همه بخشی از نمادهایی بودند که خطرات پهلوی را در ذهن مردم تداعی می‌کردند. مثلاً نام شهر شاهی به قائم‌شهر، آریاشهر به فولادشهر و همایون‌شهر به خمینی‌شهر تغییر کرد. نام میدان شهیدان که قرار بود همه با شنیدنش به یاد شاه بیفتند، به میدان آزادی تبدیل شد و خیابان آیین‌هاور هم خیابان آزادی نام گرفت.

بعد از انقلاب شورای هماهنگی دانشگاه با اتفاق نظر استادان و دانشجویان و کارکنان، نام آریامهر را از نام دانشگاه حذف کرد و تا تعیین نام جدید، نام دانشگاه صنعتی آریامهر به دانشگاه صنعتی تهران تبدیل شد. بعد از نیم‌سال اول سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸، دانشگاه باز شد و بحث بر سر نام جدید دانشگاه همچنان ادامه یافت و پس از بررسی‌های فراوان در جلسه شورای هماهنگی دانشگاه، سه نام دانشگاه صنعتی تهران، دانشگاه صنعتی شریف‌واقفی و دانشگاه صنعتی کاوه آهنگر به عنوان گزینه‌های جایگزین پیشنهاد شد. گروه‌های چاپ مایل بودند نام دانشگاه، صنعتی تهران باشد و گروه‌های اسلامی بر نام شریف‌واقفی اصرار داشتند. شورای دانشگاه تصمیم گرفت نام نهایی دانشگاه را بر اساس نتیجه همه‌پرسی از همه اعضای دانشگاه، شامل اعضای هیئت علمی، کارمندان و دانشجویان، انتخاب کند. آقای دکتر علی اکبر صالحی، به عنوان قائم‌مقام معاون آموزشی دانشگاه، مسئول برگزاری این نظرسنجی شد. با پیشنهاد ایشان و موافقت شورا با حذف پسوند دوم نام شریف واقفی، قرار شد تا از بین دو نام صنعتی تهران و صنعتی شریف، یکی به عنوان نام دانشگاه انتخاب شود. از بین ۴ هزار و ۳۲۰ نفر کل افراد دانشگاه، ۲ هزار و ۹۷۱ نفر در این رأی‌گیری شرکت کردند که از این میان، هزار و ۶۸۶ نفر به گزینه شریف و هزار و ۱۰۵ نفر به گزینه تهران رأی دادند و باقی آرا سفید یا ممتنع بودند. پس از نظرسنجی، شورا جلسه‌ای تشکیل داد و اعضای آن پس از بحث و تبادل نظر، روز

۱ - دکتر رنجبر از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ رئیس پژوهشگاه نیرو بود و در حوزه پژوهشی به تحقیق در سیستم‌های قدرت و حفاظت از آن سیستم‌ها، ماشین‌های الکتریکی و شبکه‌های هوشمند علاقه‌مند است. دکتر رنجبر در عرصه تدریس در دانشگاه افتخارات بسیاری دارد، مثل استاد نمونه آموزش عالی کشور در سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳، استاد برجسته دانشگاه صنعتی شریف در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ و استاد ممتاز دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۷. دکتر رنجبر عضو برجسته فرهنگستان علوم و دیگر مراکز و انجمن‌های علمی است. او سال ۱۳۸۳ جزو چهره‌های ماندگار کشور شناخته شد.

سوابق علمی و اجرایی:

- عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۴۶؛

- رئیس انتخابی دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹؛

- معاون وزیر نیرو در امور برق از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ و معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳؛

- رئیس پژوهشگاه نیرو از سال ۱۳۷۶؛

- عضو کمیسیون انرژی شورای پژوهش‌های علمی کشور؛

تألیفات: ۱. مدل ریاضی ماشین‌سنکرون در مطالعات پایداری و کنترل سیستم‌های قدرت و ۲. طراحی خطوط انتقال نیرو.



نمایی از ورودی دانشگاه صنعتی شریف، دهه شصت.



۶ آبان ۱۳۵۸ با تأیید نظرسنجی، نام شریف را به عنوان نام جدید دانشگاه برگزیدند و نام جدید دانشگاه یعنی دانشگاه صنعتی شریف را به طور رسمی به وزارت علوم و رسانه‌ها اعلام کردند.^۱ بعد از آن، به جز دانشگاه صنعتی آریامهر، نام چند دانشگاه دیگر نیز تغییر کرد. مثلاً دانشگاه پهلوی شیراز، دانشگاه شیراز نام گرفت و دانشگاه ملی ایران به یاد دکتر بهشتی، دانشگاه شهید بهشتی نامیده شد.

شریف واقفی که بود؟

مجید چهارمین فرزند سیدحبيب‌اله شریف‌واقفی، مهرماه ۱۳۲۷ در خانواده‌ای مذهبی در شهر تهران به دنیا آمد. خانواده او اصالتاً نطنزی بودند. پدر مجید مردی هنرمند و استاد زری بافی بود و در هنرستان هنرهای زیبا تدریس می‌کرد. پدر چند روز بعد از تولد مجید به شهر اصفهان منتقل شد و خانواده‌اش را با خود به آن شهر برد. مجید تحصیلات ابتدایی را در دبستان پرورش اصفهان خواند و دیپلم متوسطه را با معدل ۱۹/۹۷ از دبیرستان صائب همان شهر گرفت. او مسئول کتابخانه و انجمن اسلامی دبیرستان بود. مجید سال ۱۳۴۵ پس از پایان دوره دبیرستان برای ادامه تحصیل در کنکور ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی آریامهر که تازه کار خود را آغاز کرده بود و دانشکده نفت آبادان شرکت کرد و در هر سه دانشگاه رتبه اول یا دوم کسب کرد. مجید دوست داشت در دانشکده نفت ادامه تحصیل بدهد و با آنکه در کنکور کتبی نفر دوم شده بود، در امتحان شفاهی دانشکده پذیرفته نشد. دومین انتخاب مجید، دانشگاه صنعتی آریامهر بود و بعد از قبولی در آزمون، در رشته مهندسی برق ثبت نام کرد. شریف‌واقفی در دانشگاه با فضای گسترده‌ای روبه‌رو شد. او فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی خود را با برپایی مجالس سخنرانی و دعوت از سخنرانان و برنامه‌ریزی برای گردش‌های علمی به کمک هم‌فکرانش آغاز و همراه دوستان خود، انجمن اسلامی دانشجویی را تأسیس کرد. زمان زیادی از ورود شریف به دانشگاه نگذشته بود که با نبوغ ذاتی‌اش، سخنرانی ماهر شده بود. او برای ادامه مبارزات منسجم به سازمان مجاهدین خلق پیوست.^۲ سازمان مجاهدین خلق به وسیله محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان برای مبارزه مسلحانه اسلامی پایه‌گذاری شده بود. پس از دستگیری و اعدام

۱ در مورد نحوه اداره دانشگاه و ساختار مدیریت آن که شورای هماهنگی دانشگاه و دانشکده‌ها نام گرفت و نحوه انتخاب اعضای شورا به ویژه اعضای دانشجویی آن، طرح‌های متعددی پیشنهاد گردید. از جمع‌بندی طرح‌های پیشنهادی بنا به سلیقه‌ها و گرایش‌های فعالان دانشگاه سه طرح زیر پیشنهاد گردید:

۱- طرح پیشنهادی دانشجویان و کارکنان مسلمان و مذهبی دانشگاه

۲- طرح پیشنهادی دانشجویان و کارکنان گروه‌های چپ و مارکسیستی دانشگاه به استثناء حزب توده

۳- طرح پیشنهادی طرفداران حزب توده

و مقرر شد نسبت به سه پیشنهاد فوق رأی‌گیری و پیشنهاد دارای اکثریت آرا در دانشگاه اجرا شود.

رأی‌گیری در اواخر آبان ۱۳۵۸ به عمل آمد و نتیجه رأی‌گیری که شرکت در آن هم بسیار پررنگ بود بدین شرح است:

پیشنهاد (۱) ۴۳٪ کل آرا

پیشنهاد (۲) ۴۴٪ کل آرا

پیشنهاد (۳) ۱۲٪ کل آرا

که هیچکدام حائز اکثریت آرا نشدند. با رایزنی و هماهنگی که انجام شد طرفداران حزب توده (توده ایها) آرای خود را به چپه‌مسلمانها و مذهبی‌ها دادند و بنابراین مقرر شد طرح پیشنهادی دانشجویان و کارکنان مسلمان و مذهبی دانشگاه اجرا شود.

۲- یکی از اعضای سازمان (حسین شیخ باقر قاضی) درباره نحوه وصل مجید به سازمان می‌نویسد: «آشنایی من با مجید شریف واقفی از اوایل دوره دانشگاه شروع شد و در انجمن اسلامی شرکت داشتیم. بعداً سال ۴۸، من و شریف‌واقفی با مسعود اسماعیل‌خانیان در جلسه مذهبی خوابگاه دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر آشنا شدیم که این آشنایی منجر به عضوگیری ما شد.

بنیان‌گذاران سازمان، افرادی چون بهرام آرام و تقی شهرام که دارای عقاید مارکسیستی بودند، در رأس شاخه‌های سازمان قرار گرفتند و آن را از مسیر اسلامی منحرف کردند.

شریف تازه به سازمان پیوسته بود که ساواک یکی از خانه‌های تیمی سازمان را کشف کرد و نام مجید شریف‌واقفی لو رفت. مأموران ساواک در اداره برق خیابان امیریه سراغ مجید رفتند و وارد اتاق او شدند. مأموران که تا آن لحظه مجید را ندیده بودند، او را نشناختند و سراغ مجید را از خودش گرفتند. مجید با گمراه کردن آنان، به سرعت از مهلکه گریخت و خود را به دانشگاه رساند و تعدادی از دوستانش را فراری داد. تعدادی از این افراد، همان کسانی بودند که بعدها او را به شهادت رسانیدند. بعد از آن واقعه، زندگی مخفی مجید شروع شد. تماس او با آشنایانش در این مدت با تلفن و گاه با نامه‌هایی بود که همراه با اعلامیه‌های امام خمینی (ره) به خانه دوستانش می‌فرستاد.

مجید پس از عضویت در سازمان و آغاز فعالیت سیاسی، ابتدا در سمت معاون کاظم ذوالانوار و بعد از دستگیری او، جزو کادر مرکزی سازمان و در رأس یکی از شاخه‌ها قرار گرفت و هم‌زمان مسئولیت‌های دیگری هم داشت. مجید مسئول امنیتی سازمان، مسئول گروه الکترونیکی و مسئول ارتباط با افراد اعزامی به خارج از کشور بود. تقی شهرام که سال ۱۳۵۰ در زندان مارکسیست شده بود، سال ۱۳۵۲ از زندان ساری فرار کرد و به سازمان مجاهدین پیوست و یکی دیگر از اعضای سازمان به نام بهرام آرام را با خود همراه کرد. آن‌ها کتاب‌های قرآن، نهج‌البلاغه، جزوه‌ها و مطالب دینی را از کتابخانه‌های شاخه خود جمع کردند و جزوه‌های مارکسیستی یا «جزوه سبز آموزشی» را منتشر کردند. این دو نفر در این جزوات شبهات متعددی به مذهب و مبارزه از طریق ایدئولوژی اسلامی وارد می‌کردند. مجید پذیرفت به این شبهات پاسخ دهد، ولی جریان انحراف بیش از حدی بود که او تصور می‌کرد. با انتشار این جزوات، مجید به این نتیجه رسید که با بحث و گفت‌وگوی سیاسی به تفاهم درون گروهی نخواهد رسید و پیشنهاد آن‌ها را برای همکاری نپذیرفت و گفت: «چون با شما وحدت ایدئولوژیک ندارم، نمی‌توانم وحدت تشکیلاتی داشته باشم، چرا که وحدت تشکیلاتی در رابطه با وحدت ایدئولوژیک امکان‌پذیر است و من به‌هیچ‌وجه دستورات شما را به عنوان دستورات سازمانی تلقی نخواهم کرد».

رویدادهای فوق باعث شد مجید و دوست هم‌دانشگاهی‌اش صمدیه لباف تصمیم بگیرند برای اعضای مسلمان سازمان، گروهی جداگانه تشکیل دهند. این جریان توسط عناصر جاسوس به گوش تقی شهرام و آرام رسید و آنها تصمیم گرفتند این دو نفر را از میان بردارند تا مانع جدا کردن صف مسلمان‌ها از مارکسیست‌ها شود. در یکی از جلسات مباحثه بین شهرام، آرام و شریف‌واقفی، مجید اعلام کرد



شہید مجید شریف واقفی.

دستورات آن‌ها را اطاعت نمی‌کند و آن‌ها او را تهدید به مرگ کردند. مجید در پاسخ به این تهدید گفت: «من از آمریکا با آن همه تجهیزات نمی‌ترسم، می‌خواهید از شما با چند اسلحه قراضه‌تان بترسم؟ من مرگ را به ننگ مارکسیست شدن ترجیح می‌دهم». در همین نشست، مجید ابتدا از کمیته مرکزی سازمان اخراج و سپس خلع سلاح شد. اختلاف‌های رهبران سازمان با شریف واقفی به حدی بالا گرفت که در مقاله‌ای با عنوان «پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته‌تر سازیم» که آذرماه ۱۳۵۳ در نشریه سازمان چاپ شد، شریف واقفی به میکروب و مانند آن تشبیه شده بود.

باتوجه به شرایط پیش آمده، مجید تصمیم گرفت نظر خود را اعلام کرده و انشعاب را عملی کند. وقتی لیلا زمریدیان، همسر سازمانی مجید شریف، به مرکز سازمان خبر داد مجید قصد تأسیس شاخه اسلامی مجاهدین خلق را دارد و در حال عضوگیری از اعضای است که هنوز به اسلام وفادارند، سازمان تصمیم گرفت مجید شریف واقفی را از سر راه بردارد. وحید افراخته با ابلاغ سازمان، ساعت ۴ بعد از ظهر ۱۶ اردیبهشت‌ماه با مجید در سه‌راه بوذرجمهری نو (۱۵ خرداد شرقی) قرار ملاقات گذاشت. وقتی مجید سر قرار حاضر شد، دو نفر از اعضای سازمان او را کشتند و برای آنکه شناسایی



محمد علی رجائی نخست وزیر سابق ایران در حال سخنرانی در سمینار صنایع ملی در دانشگاه.



دیدار اعضای اولیه جهاد سازندگی با امام خمینی (ره)، نفر جلو شهید مجید حداد عادل از دانشجویان شریف، دهه شصت.

نشود، جسدش را سوزاندند و آن را خارج از شهر در محل دفن زباله‌ها انداختند. اما ساواک جسد را یافت و صاحب آن را شناسایی کرد. شریف‌واقفی ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ به دلیل اصرار بر هویت اسلامی خود و مخالفت با مارکسیست شدن سازمان مجاهدین خلق، به دستور سران سازمان کشته شد. پس از انقلاب، تقی شهرام که دستور کشتن مجید را داده بود، اعدام شد و دانشگاه صنعتی آریامهر به یاد شریف‌واقفی و پایداری اش بر اندیشه‌های دینی، دانشگاه صنعتی شریف نامیده شد.

تولد جهاد سازندگی در دانشگاه صنعتی

درست یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ جلسه‌ای با حضور تعدادی از دانشجویان این دانشگاه و دانشگاه‌های تهران، علم و صنعت و امیرکبیر در سالن آمفی تئاتر مرکزی دانشگاه و با حضور افرادی چون علیرضا افشار، حسین شوریده، محسن خردمند، محمد مهدی روحانی مشهدی تشکیل گردید تا چگونگی آغاز سازندگی در قالب جهاد سازندگی برنامه‌ریزی گردد. طی صورتجلسه‌ای مسئولیت برنامه‌ریزی و مطالعات اولیه آمایش سرزمینی هر استان به یکی از دانشگاه‌های کشور داده شد و دانشگاه شریف مسئول استان لرستان شد. این گروه‌ها بعدها به کمک انجمن اسلامی دانشگاه‌های مطرح کشور تقویت شده و مطالعات اولیه آمایش سرزمینی استان‌ها را انجام دادند. زمانی که این مطالعات میدانی جهت اجرا به دولت موقت ارائه گردید، دولت در شرایطی نبود که بتواند کمک مناسبی به این جوانان پر شور کند. این طرح در جهت کمک به کشاورزان و روستائیان خدمت امام خمینی (ره) مطرح گردید و امام در پیامی روز ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۸ فرمان تشکیل جهاد سازندگی را صادر نمودند و حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری را نماینده خود در این نهاد منصوب نمودند. دانشجویان جلسات زیادی با نماینده دولت در نخست وزیری برگزار کردند. سپس آرم آن تصویب و فعالیت‌ها شروع شد. این نهاد عملاً نقش بیشتر وزارتخانه‌ها را خصوصاً در مناطق روستایی و محروم در زمینه‌های راه‌سازی، کشاورزی، بهداشت، صنایع و معادن، آبرسانی، برق‌رسانی و امور فرهنگی انجام می‌داد.

اشغال لانه جاسوسی (انقلاب دوم ایران)

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و در سالگرد دانشجویان و دانش‌آموزانی که سال ۱۳۵۷ شهید شده بودند، عده‌ای از دانشجویان، موسوم به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، در اقدامی هماهنگ، در



اعتراض به ورود شاه به خاک آمریکا و دخالت و دسیسه‌چینی آمریکا علیه ملت ایران،^۱ پس از راهپیمایی از دیوارهای سفارت آمریکا بالا رفتند و آن را به اشغال خود درآوردند. طرح اولیه تسخیر سفارت آمریکا را نماینده دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی شریف در جلسه شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت مطرح کرده بود و برنامه‌ریزی اصلی این حرکت در خوابگاه زنجان دانشگاه شکل گرفت. جلسات شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت با حضور پنج نفر از نمایندگان دانشگاه‌های بزرگ تهران و با محوریت نحوه ارتباط تشکیلات دانشجویی با ولی فقیه تشکیل می‌شد. ابراهیم اصغرزاده، نماینده دانشگاه صنعتی شریف در سومین جلسه این شورا پیشنهاد کرد دانشجویان برای نشان دادن اعتراضشان به سفارت آمریکا حمله کرده و آنجا را تسخیر کنند. نماینده دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه علم و صنعت مخالف طرح اصغرزاده و نمایندگان دانشگاه تهران و پلی تکنیک موافق این پیشنهاد بودند. با مخالفت اعضا، بحث در جلسه ادامه پیدا نکرد و اجرای آن منتفی شد. اصغرزاده بعد از جلسه دوباره پیشنهادش را تکرار کرد و با تحلیل وضعیت انقلاب و اینکه مشکلات اساسی جامعه ناشی از فعالیت‌ها و دسیسه‌های آمریکا است، بر تصرف سفارت آمریکا به عنوان اعتراض به ورود شاه به آمریکا تأکید کرد. در پایان جلسه، همه توافق کردند تسخیر سفارت را خارج از چارچوب دفتر تحکیم وحدت و فقط با مشارکت چهار دانشگاه موافق انجام دهند. ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با هماهنگی‌های انجام‌شده، حدود ۴۰۰ نفر از دانشجویان به همراه سایر راهپیمایان از چهارراه قبل از سفارت آمریکا شروع به حرکت کرده و با سر دادن شعار در خیابان آیت الله طالقانی، به سوی دانشگاه تهران حرکت کردند. دانشجویان هنگامی که جلوی در اصلی سفارت آمریکا رسیدند، مسیرشان را تغییر داده و پس از باز کردن زنجیرهای این در، به داخل سفارت رفتند. گروهی از دانشجویان از بالای دیوار خود را به داخل سفارت رسانده و پیشروی به سوی ساختمان‌های داخلی سفارت را آغاز کردند. از همان لحظه‌های اول تسخیر سفارت آمریکا،

۱ - با پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) مهندس بازرگان را به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت منصوب کرد. مهندس بازرگان وزیر دولت موقت را از افراد جبهه ملی و نهضت آزادی انتخاب کرد. آن‌ها عامل مهم مبارزه و انقلاب را استبداد داخلی می‌دانستند و به تغییر بنیادی در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور اعتقاد چندانی نداشتند و اصلاحات سطحی را کافی می‌دانستند. بر همین اساس، دولت به تعویض مهره‌های کلیدی و بالایی رژیم آکفا کرد و از تغییرات بنیادی و تجدیدنظر در مناسبات سیاسی به‌ویژه رابطه نابرابر ایران با آمریکا پرهیز کرد.

دولت آمریکا پس از تاكامی از رویارویی مستقیم با انقلاب می‌خواست ائتلافی از لیبرال‌های سیاسی، چهره‌های دینی میانه‌رو، سکولارها، ملی‌گرایان و سران ارتشی متمایل به غرب ایجاد کند تا زیر چتر دولت موقت، به تدریج نیروهای وفادار به امام را از صحنه سیاسی کشور خارج کند. با این شیوه، سفارت آمریکا با برخی چهره‌های سیاسی دولت موقت همچون نژی، مقدم مراغه‌ای، امیرانتظام و میناچی ارتباط برقرار کرد. ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸، دو نفر از اعضای سنای آمریکا به نام‌های جاکوب جانتیس و هنری جکسون که از طرفداران رژیم پهلوی بودند، در روزهای اولیه پیروزی انقلاب، قطعنامه‌ای در سنا تصویب کردند و در آن ایران را به خاطر اعدام‌های انقلابی با لحن تشدید محکوم نمودند. بعد از تصویب قطعنامه ضدایرانی در سنا، آمریکا، روابط دو کشور وارد مرحله تازه‌ای شد. با آنکه قطعنامه هیچ ضمانت اجرایی نداشت، ایران آن را نشانه موضع خصمانه ایالات متحده و عملی در جهت انزوای ایران دانست.

با ایجاد مسائل اختلاف‌برانگیز بین دو کشور، آمریکا تلاش کرد تا فرستاده ویژه‌ای را با هدف جذب ایران و جلوگیری از نفوذ شوروی سابق به ایران بفرستد. امام در واکنش به تصویب این قطعنامه از پذیرش فرستاده آمریکا خودداری کرد. علاوه بر آن، دولت با آنکه ابتدا با اعزام سفیر به ایران موافقت کرده بود، مانع ورود او به کشور شد. پس از این فعل و انفعالات، دولت آمریکا به بهانه حفظ امنیت منطقه و با این ادعا که احتمال دارد یکی از نفت‌کش‌های آمریکایی در خلیج فارس روبرو شود، ناوگان خود را در تنگه هرمز به حال آماده‌باش درآورد. ۷ آبان ۱۳۵۸ امام به قراردادهای استعماری بین ایران و آمریکا اعتراض کرد در حالی که دولت موقت در پی بهبود روابط با ایالات متحده بود. روز ۱۱ آبان ۱۳۵۸ در جشن انقلاب الجزایر، مهندس مهدی بازرگان با برژنسیکی، مشاور امنیت ملی کاخ سفید دیدار کرد و با او به مذاکره نشست. برژنسیکی، مشاور امنیت ملی دولت کارتر، از طرفداران جدی سرکوب و مداخله نظامی در انقلاب و یکی از طراحان اصلی کودتای ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ برای پیشگیری از پیروزی انقلاب بود. این کودتا از طرف ژنرال هایزر، فرستاده ویژه آمریکا به ایران پیگیری می‌شد. از سویی دیگر، پذیرش شاه فراری به بهانه معالجه از سوی آمریکا ختم ملت را صدمه‌چندان کرد.



گروه‌های مختلف مردم هم در مقابل در سفارت جمع شدند و شعارهای ضدآمریکایی سر دادند.^۱ دانشجویان در سه بیانه‌ای که تا ساعت ۱۸ همان روز منتشر کردند، اعلام کردند ساختمان اصلی سفارت تا ساعت ۱۵ به تصرف کامل درآمده است. با آنکه تصرف ساختمان اصلی سه ساعت طول کشید و تفنگداران آمریکایی با پرتاب گاز اشک‌آور در برابر دانشجویان مقاومت کردند، هیچ‌گونه آسیبی به دو طرف وارد نشد. دیپلمات‌های آمریکایی، قبل از ورود دانشجویان به سفارت و سقوط کامل آن، مقداری از اسناد را در دستگاه‌های مخصوص خردکن ریختند و مقدار زیادی از اسناد را سوزاندند و نوارهای میکروفیلم و حافظه‌های کامپیوتری را از بین بردند. در این ماجرا، اسناد زیادی از دخالت سازمان سیا در ایران کشف و ضبط شد و دیپلمات‌ها و کارمندان سفارت به گروگان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام درآمدند.

دانشجویان شش ماه اول تسخیر را در سفارت آمریکا که به آن لقب «لانه جاسوسی» داده بودند به سر بردند. هر کس در سفارت مسئولیتی داشت، ابراهیم اصغرزاده،^۲ طراح اصلی تسخیر سفارت آمریکا، دانشجوی رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف، رضا سیف‌الهی^۳ از دانشجویان رشته فیزیک دانشگاه صنعتی شریف، حبیب‌الله بیطرف دانشجوی رشته مهندسی راه و ساختمان دانشگاه تهران، محسن میردامادی دانشجوی مهندسی عمران دانشکده پلی تکنیک (امیرکبیر) و رحیم باطنی از دانشجویان دانشگاه ملی (دانشگاه شهید بهشتی) شورای مرکزی دانشجویان را تشکیل می‌دادند. در کنار شورای مرکزی، شورای بازو وجود داشت. علی اکبر زحمت‌کش، دانشجوی مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، عباس عبدی، سیدمحمد هاشمی اصفهانی، موسی رفان، محمدرضا خاتمی، محسن امین‌زاده، رحمان دادمان، شمس‌الدین وهابی، وفا تابش، محمد نعیمی‌پور، حسین شیخ‌الاسلام و فیروز رجایی‌فر، اعضای این شورا بودند. بعد از این دو شورا، دانشجویان به چند واحد^۴

۱ شهید روزایی از دانشجویان پیرو خط امام در جواب سوال خبرنگار اروپایی که پرسید سفارت خانه‌ها مصونیت سیاسی دارند هدف شما از این تسخیر چیست می‌گوید: ما بعد از گذشت چند ماه از انقلاب فهمیدیم که سرخ بسیاری از توپخانه‌ها این جا است. ما ایمان پیدا کردیم که غائله کردستان، گنبد، بلوچستان و خیابان‌های تهران از این جا خط می‌گیرد. اگر این جا سفارتخانه است چرا این همه سیستم‌های شود و جاسوسی نصب شده و این همه سند خرد شده است. ما اسنادی پیدا کردیم که افسران سازمان سیا در این جا مستقر بوده و به گروه‌های ضد انقلاب رهنمود داده و آن‌ها را پشتیبانی مالی کرده‌اند.

۲ ابراهیم اصغرزاده سال ۱۳۳۴ در شهر خاش استان سیستان و بلوچستان به دنیا آمد و اکنون یکی از فعالان سیاسی و مؤسس دفتر تحکیم وحدت است. اصغرزاده اولین فرمانده سپاه ضریب و مدتی مدیر مسئول کیهان، نماینده دوره سوم مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰)، عضو شورای اول شهر تهران (۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱)، عضو شورای سردبیری روزنامه سلام و مدتی دبیرکل حزب همبستگی و مدیر مسئول روزنامه همبستگی بود.

۳ - سردار سرتیپ پاسدار رضا سیف‌الهی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ بود. او قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در رشته فیزیک دانشگاه صنعتی شریف تحصیل کرد و هم‌زمان با آن در مدرسه حقانی به تحصیل حوزوی پرداخت. سرتیپ سیف‌الهی از مؤسسان سپاه پاسداران اصفهان بود و طی حکمی از سوی امام خمینی (ره) جهاد سازندگی این استان را نیز تأسیس کرد. او جزو گروه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود و مدتی مسئولیت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ریاست ستاد مرکزی سپاه و فرماندهی سپاه دوم سیدالشهدا را برعهده داشت. سرتیپ سیف‌الهی دوم مهرماه ۱۳۷۱ با حکم رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای به سمت فرماندهی نیروی انتظامی منصوب شد و در طول فرماندهی در نیروی انتظامی در ساماندهی آن و سروسامان دادن به طرح ادغام نیروهای انتظامی تلاش بسیاری کرد و در حال حاضر به عنوان معاون هماهنگ‌کننده مجمع تشخیص مصلحت نظام مشغول فعالیت است.

۴ - واحد عملیات، حفاظت گروگان‌ها و کار نگهبانی از ساختمان‌ها را بر عهده داشت و مسئولیت آن به عهده علی اکبر زحمتکش بود. او بعدها به خوزستان رفت و همراه وفا تابش، از دیگر فعالان لانه، مسئولیت ساخت سدهای کرخه ۲ و کارون ۳ را بر عهده گرفت. زحمتکش بعد از جنگ به همراه موسی رفان، حمید زرگر و تعدادی دیگر شرکت توسعه صنایع آب و نیروی ایران را با مسئولیت احداث سدها و نیروگاه‌های بزرگ کشور تأسیس نمود. واحد تدارکات برعهده موسی رفان بود که بعدها فرمانده نیروی هوایی سپاه شد. مسئولان واحد روابط عمومی احمد حسینی و محمد نعیمی‌پور از دانشجویان مهندسی شیمی دانشگاه شریف بودند و خانم معصومه ابتکار و حسین شیخ‌الاسلام در ترجمه اسناد و مصاحبه‌ها به آن‌ها کمک می‌کردند. بقیه دانشجویان هم در واحد اسناد، واحد اطلاعات و واحد تبلیغات فعالیت می‌کردند.



تقسیم شده و هر کدام مسئولیتی بر عهده گرفتند. بعد از اشغال این سفارتخانه، امام خمینی (ره) در پیامی این اقدام دانشجویان را انقلاب دوم و بزرگ‌تر از انقلاب اول نامیدند. حدود ۱۰۰ نفر از ۴۰۰ دانشجویی که در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا حضور داشتند، از دانشجویان^۱ دانشگاه صنعتی شریف بودند. گروهان‌گیری اعضای سفارت آمریکا پس از ۴۴۴ روز با امضای قرارداد الجزایر به پایان رسید. از بین چهره‌ها و شخصیت‌هایی که در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی حضور داشتند، بعدها بسیاری راه جبهه را در پیش گرفتند و به شهادت رسیدند. از آن جمله می‌توان به حسین شوریده، محسن وزوایی، مجید مؤذن صفایی، محمد بلوردی، بهروز سلطانی^۲، محسن ماندگار^۳، جمال امیرخانی، محمد بهبهانی، محمد فاضل، ناصر فولادی، حسین میرسلطانی و محسن روشندل از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف اشاره کرد.

شواری هماهنگی دانشگاه از این حرکت دانشجویان حمایت و در مورد قطع رابطه با آمریکا بیانیه‌ای صادر و آن را محکوم کرد.

انقلاب فرهنگی (انقلاب سوم)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دانشگاه‌ها به فرمان امام باز شدند. با حذف همه نیروهای امنیتی و کنترلی، در دانشگاه فضای بسیار بازی برای فعالیت دانشجویان ایجاد شده بود طوری که اعضای همه گروه‌های دانشجویی به ویژه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی مسلح در اتاق‌هایی (به عنوان کانون گروه) مستقر شده بودند و با شور و حرارت تمام فعالیت‌های سیاسی می‌کردند. در این فضا، دانشجویان از نوعی آزادی عمل و خودمختاری بهره می‌بردند که در تاریخ مؤسسات آموزشی کشور بی‌سابقه بود. آن روزها، دانشگاه بیشتر به محل فعالیت‌های سیاسی و یارگیری تشکیلاتی گروه‌هایی مثل

۱ - حسین شوریده دانشجوی رشته شیمی، بهار فیروزآبادی دانشجوی رشته مکانیک، محمد فاضل دانشجوی مهندسی صنایع، محسن وزوایی دانشجوی مهندسی مکانیک، مجید مؤذن صفایی دانشجوی مهندسی صنایع، سیدجمال میرامیرخانی دانشجوی مهندسی برق، محسن ماندگار دانشجوی متالورژی، محمد بلوردی، بهروز سلطانی، حسین سیف از دیگران دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بودند که در اشغال سفارت آمریکا نقش مهمی داشتند.

۲ - بهروز سلطانی یکی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بود که تابستان ۵۸ مسئول تشکیل جهاد سازندگی در استان چهارمحال و بختیاری شد و وقتی پس از چند ماه این کار را به نتیجه رساند، مدتی مسئولیت فرهنگی آنجا را به عهده گرفت و با یازگشایی دانشگاه‌ها به تهران برگشت. سلطانی در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی در بخش تبلیغات فعالیت می‌کرد و یکی از مسئولان گروه‌های تحقیق روی استاد بود. دانشجویان بعد از آنکه آمریکا به طیس حمله کرد و به طوفان شن گرفتار شد، گروهان‌ها را در شهرهای مختلف کشور پخش کردند. سلطانی و یکی از دوستانش مسئول حفاظت از دو گروهان شدند و آن‌ها را به جهرم بردند. سلطانی به واحد اطلاعات عملیات جبهه‌ها رفت ولی او از فعالیت در پشت جبهه رضی نبود و با اصرار زیاد به خط مقدم اعزام شد و سال ۶۱ در عملیات بیت‌المقدس در خرمشهر در اولین روبرویی‌اش با دشمن به شهادت رسید.

۳ - محسن ماندگار یکی دیگر از دانشجویان خط امام بود که سال ۱۳۵۵ در رشته مهندس متالورژی دانشگاه صنعتی شریف قبول شد. ماندگار بعد از پیروزی جمهوری اسلامی، با همکاری سایر دانشجویان کمیته انقلاب را در دانشگاه تأسیس کرد. او بهار سال ۵۹ به ستاد مرکزی واگذاری زمین رفت و به عنوان مسئول تدارکات در آن شرایط سخت به محرومان خدمت می‌کرد. ماندگار اواخر تابستان سال ۵۹ در قسمت فنی جهاد مشغول شد و کار روی ماشین‌های نساجی کوچک را آغاز کرد و سپس در جهاد دانشگاهی فعالیت‌های صنعتی را ادامه داد. او با طراحی قالب‌های شیشه و ساخت قطعاتی که مورد نیاز شدید کارخانه شیشه و گاز بود، در دستگیر مبارزه اقتصادی خدمت می‌کرد. ماندگار فعالیتش را با عضویت در هیئت مدیره شرکت تأمین ماسه ریخته‌گری ایران ادامه داد. ماندگار با تجربه‌ای که در این مدت در صنعت به دست آورده بود، در ریخته‌گری پوسته خمپاره و ساخت مدل آن با سایر مهندسان جهاد همکاری کرد و بعد از آن راهی جبهه شد. او ۲۸ آبان سال ۶۲ در ارتفاعات کانی‌مانگا در پنجویں عراق، هدف گلوله تیربارن قرار گرفت و شهید شد. پیکر او مدت‌ها در منطقه ماند و سال ۱۳۷۲ پس از تخصص در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.



سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران^۱، سازمان مجاهدین خلق^۲، پیکار، راه کارگر، ستاره سرخ، حزب کمونیست طوفان، مائوئیست‌ها، حزب توده^۳ و غیره تبدیل شده بود تا فضایی علمی و دانشگاهی.^۴ در بیشتر دانشگاه‌ها، گروه‌های سیاسی دانشجویی با سازمان‌های سیاسی خارج از دانشگاه ارتباط داشتند و فعالیت‌هایی می‌کردند که ارتباطی به رسالت دانشگاه نداشت. حضور مؤثر گروه‌های چپ در درگیری‌های مسلحانه تجزیه‌طلبی مناطقی چون کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان و حمله به آمل موجب شده بود بعضی از اتاق‌های دانشگاه‌ها رسماً به مراکز طراحی جنگ تبدیل شود. بعضی از گروه‌های سیاسی در حمله به پادگان‌ها در ایام انقلاب سلاح‌هایی به دست آورده بودند و مسلح بودند. در واقع، سیاسی شدن بیش از حد فضای دانشگاه، تأثیر اختلافات سیاسی و حزبی در تصمیم‌گیری‌ها و مداخله در امور دانشگاه، محیط دانشگاه را از بحث‌های علمی و آموزشی دور کرده بود. علاوه بر آن، فعالیت‌های سیاسی بدون چارچوب باعث می‌شد بین گروه‌های مختلف دانشگاه نزاع و کشمکش ایجاد شود. در شرایط انقلابی آن روزها، گروه‌های سیاسی مستقر در دانشگاه با دیدگاه‌های متفاوت تلاش می‌کردند تا تغییرات بنیادی در دانشگاه ایجاد کنند و اختلاف نظر شدید و انتقادی گروه‌ها و حتی استناد از عملکرد همدیگر، مانع برقراری ثبات در دانشگاه شده بود. پیش از سال تحصیلی جدید ۵۹-۱۳۵۸، مسئولان دولتی در جلسه‌ای که به بررسی وضعیت

۱ گروه‌های فعال مارکسیستی در دانشگاه هواداران «سازمان فدائیان خلق ایران» ایران بودند که معتقد به مشی مسلحانه و چریکی بودند. در حالی که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) با روشی غیر از آنچه آنها معتقد بودند و در تعاریف کلاسیک و خود ساخته آنها نمی‌گنجد، به پیروزی رسیده بود. آنها و سایر گروه‌های چپ مارکسیستی که همه تلاش‌ها و مبارزات خود در دهه چهل و پنجاه را از دست رفته می‌دیدند، برای نشان دادن اینکه هنوز انقلاب به پیروزی نرسیده است و به اصطلاح خلق‌ها و طبقه کارگر هنوز به حاکمیت نرسیده‌اند، دست به مبارزات سیاسی و تبلیغاتی وسیعی زدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شرایطی که نظام نوپای جدید در حال شکل دادن به ارگان‌های خود در مناطق مختلف ایران پهنار بود، آنها در مناطقی خصوصاً مرزی، دست به تحرکاتی برای اعلام خود مختاری زده و با نظام اسلامی به مقابله پرداختند. این گروه حوزه فعالیت خود را در گنبد و کردستان متمرکز نموده و نیروهای آموزش دیده و سازمان‌دهی شده در دانشگاه‌ها را با سلاح‌های بدست آمده از پادگان‌ها به این مناطق اعزام کرد. قوی‌ترین پایگاه آنها بعد از دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف بود. در نوروز ۱۳۵۹ این گروه بیانیه‌ای با عنوان پیام انقلاب به ضد انقلاب در دانشگاه صادر و به امام حمله و توهین کرد. این موضوع به شورای هماهنگی دانشگاه نیز کشیده شد.

۲ مسعود رجوی سرکرده سازمان مجاهدین خلق به بحث فلسفی شناخت از دیدگاه این سازمان در دانشگاه صنعتی پرداخت. این جلسه‌ها در روز جمعه برگزار می‌شد و کنترل دانشگاه در این روز در اختیار این گروه بود. موضوع صحبت رجوی در آن زمان از مسائل مهم ایدئولوژیکی و اختلافی و چالشی بین اکثر گروه‌های مختلف مسلمان و مارکسیست بود. این بحث‌ها که در واقع نوعی مانور سیاسی هواداران سازمان مجاهدین خلق به حساب می‌آمد، به معنی اعلام مواضع و حضور دوباره این سازمان بود که چند سال پیش از پیروزی انقلاب با مسئله تغییر ایدئولوژیکی و همچنین اعدام یا کشته شدن سران و کادرهای مرکزی آن در درگیری‌ها و یا زندانی شدن دچار ضربه و اضمحلال شدید شده بود. سازمان مجاهدین خلق مثل سایر گروه‌های چپ مارکسیستی معتقد به مشی مسلحانه بودند. گرچه رهبران اولیه و بنیانگذاران این سازمان از جوانان فعال نهضت آزادی ایران بودند ولی اعضای آن تحت تأثیر انقلاب‌های مارکسیستی آن دوران خصوصاً انقلاب چین به رهبری مائو بودند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و آزادی کادرهای رده دوم مثل مسعود رجوی از زندان، برای رسیدن به قدرت حوزه نفوذ خود را تقویت نموده و گسترش دادند. اگرچه در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، دانشجویان مسلمان معتقد به مشی امام خمینی و هواداران سازمان مجاهدین خلق در دانشگاه صنعتی در کنار یکدیگر فعالیت می‌کردند؛ ولی بعد از پیروزی انقلاب این دو صف از هم جدا شده و دانشجویان مسلمان با تشکیل ارگان‌هایی مانند جهاد سازندگی و ورود به دستگاه‌های اجرایی در صدد خدمت‌رسانی به محرومین و تحکیم بخشیدن به انقلاب بودند ولی هواداران سازمان مجاهدین خلق بیشتر به شکل دادن سازمان خود و جذب و تربیت هواداران مشغول بودند. آنها معتقد بودند که انقلابی که از طریق مشی مسلحانه به پیروزی نرسیده باشد بزودی دچار مشکل خواهد شد و بایستی دوباره انقلاب کرد. فرق آنها با گروه‌های مارکسیستی مثل سازمان فدائیان خلق این بود که چون با ادبیات اسلامی و شیعی تبلیغ می‌کردند راحت‌تر می‌توانستند در ارگان‌های نظام نوپای اسلامی نفوذ کنند در حالی که سایر گروه‌ها این موقعیت را نداشتند. ۳ حزب توده به عنوان بزرگ‌ترین و با سابقه‌ترین حزب چپ ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دوران جدیدی از فعالیت خود را آغاز کرد و فعالیت‌های خود را در جامعه و خصوصاً دانشگاه‌ها گسترش داد. حزب توده که به مشی سیاسی در مقابل مشی مسلحانه برای تغییر معتقد بود بیشتر به کار فرهنگی و سیاسی می‌پرداخت. نشریات راه مردم این حزب در میان دانشجویان و دانشگاهیان به وفور پخش می‌شد. یکی از فعالیت‌های این حزب در دانشگاه صنعتی شریف تشکیل جوانان هوادار حزب توده ایران بود که در آن زمان در این دانشگاه نمود خاصی داشت. برگزاری نمایشگاه‌های عکس و کتاب به توسط این هواداران بارز بود. ۴ فضای باز و فعالیت آزاد این تعداد از گروه‌های مختلف بصورت وسیع در دانشگاه ادامه داشت. هر گروهی در صدد کسب امتیازاتی از مدیریت دانشگاه بود. گرفتن اتاق‌های بیشتر برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود از درخواست‌های پررنگ گروه‌ها بود. در واقع دانشگاه محل هماهنگی فعالیت‌های گروه‌ها سیاسی بود و اصل فعالیت‌ها در سطح شهرها و استان‌ها انجام می‌گرفت.

دانشگاه‌ها اختصاص داشت، بر لزوم ایجاد محیطی امن، آرام و علمی در دانشگاه‌ها تأکید کردند. با شروع سال تحصیلی، دانشجویان دوباره در گروه‌های مختلف فعالیت سیاسی را از سر گرفتند. مسئولان دولتی با فرا رسیدن انتخابات مجلس در اوایل اسفند، برای کاهش تنش‌ها و جنجال‌های سیاسی داخل دانشگاه، به ناچار برگزاری تظاهرات سیاسی در محیط دانشگاه‌ها را ممنوع کردند و بعد از آن، معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور با مشاوره ریاست دانشگاه، به طور رسمی اعلام کرد برای برقرار آرامش و ثبات در محیط دانشگاه، گروه‌ها و احزاب سیاسی در دانشگاه فعالیت نکنند. اما فضای سیاسی حاکم بر دانشگاه وضعیتی ایجاد کرد که دانشگاه از داخل و خارج آن، تهدید می‌شد. بلاتکلیفی در امر اداره دانشگاه، فقدان امنیت و منزلت دانشگاه و مشکلات موجود میان استادان، دانشجویان و کارمندان موجب شد دانشگاه‌ها وضعیت آرامی نداشته باشند. امام خمینی (ره) در پیام نوروزی اول فروردین سال ۱۳۵۹ فرمودند که باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه‌های ایران به وجود آید تا استنادی که در ارتباط با شرق یا غرب هستند، تصفیه شوند و دانشگاه محیطی سالمی برای تدریس علوم عالی اسلامی شود. ایشان اسلامی شدن دانشگاه را مستقل بودن آن و رهایی از وابستگی به غرب ذکر کردند. در این فرمان، امام به عده‌ای از استادان حوزه و دانشگاه مأموریت داد ستادی تشکیل داده و از افراد صاحب‌نظر و متعهد، استادان مسلمان و کارکنان متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی، برای تشکیل شورا دعوت کنند. شورا وظیفه داشت بر اساس فرهنگ اسلامی برای رشته‌های مختلف برنامه‌ریزی کرده و استادان شایسته، متعهد و آگاه را شناسایی کرده و امور مربوط به انقلاب آموزشی را انجام دهند. برای اخراج اعضای هیئت علمی و دانشجویان وابسته به نظام شاهنشاهی، افرادی که با ساواک همکاری داشتند یا گروه‌های مسلح، ستادی با نام ستاد پاکسازی در هر دانشگاه تشکیل شد.

در همان زمان امام خمینی در سخنانی فرمودند: «من از محاصره اقتصادی و حمله نظامی نمی‌ترسم. آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است.» ایشان تأکید کردند که دانشجویان ما باید خود را باور کرده روی پای خود بایستند.

با تصویب شورای انقلاب، تمام دانشگاه‌ها، از جمله دانشگاه صنعتی شریف، دولتی و قوانین و مقررات آن مثل قوانین و مقررات دانشگاه تهران اعلام شد. شورای انقلاب در بیانیه روز ۲۹ فروردین ۱۳۵۹، اعلام کرد که دانشگاه‌ها و مدارس عالی تا ۱۴ خرداد فرصت دارند همه امتحانات را برگزار کنند و از ۱۵ خرداد همه دانشگاه‌ها تعطیل خواهند بود. شورا به همه گروه‌های سیاسی سه روز مهلت داد تا



ستادهای عملیاتی و تبلیغاتی‌شان را از دانشگاه‌ها جمع کرده و به خارج از دانشگاه منتقل کنند. با اخراج گروه‌های سیاسی و تسلط کامل بر دانشگاه‌ها، انقلاب فرهنگی یا به تعبیری انقلاب آموزشی آغاز شد.

بعد از اعلام انقلاب فرهنگی، امام ۲۳ خرداد ۱۳۵۹ فرمان تشکیل شورای انقلاب فرهنگی را صادر کرد. مهم‌ترین وظیفه این شورا، تهیه برنامه‌ای برای بازگشایی و اداره دانشگاه‌ها در زمان تعطیلی بود. محمدجواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال‌الدین فارسی، احمد احمدی و علی شریعتمداری، اعضای اولین شورای انقلاب فرهنگی بودند. شورای انقلاب فرهنگی ابتدا سرپرستان و رؤسای جدیدی برای دانشگاه‌ها انتخاب کرد. به این ترتیب دکتر عباس انواری به عنوان سرپرست جدید دانشگاه صنعتی شریف معرفی شد. دکتر عباس انواری برادر کوچک‌تر دکتر حسینیعلی انواری بود که به عنوان اولین رئیس انتخابی در سال ۱۳۵۷ از طرف شورای دانشگاه انتخاب شده بود.

عباس انواری که بود؟

دکتر عباس انواری سال ۱۳۲۲ در شهر تهران به دنیا آمد. او بهمن سال ۱۳۴۹، یعنی چهار سال پس از دریافت درجه مهندسی برق از دانشکده فنی دانشگاه تهران، به کشور سوئد رفت و سال ۱۳۵۳ دکترای خود را در رشته فیزیک پلاسما از دانشگاه شالمرز این کشور گرفت. دکتر انواری بعد از بازگشت به ایران در دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تدریس شد. او پیش از انقلاب هم‌زمان با تدریس در فعالیت‌های فرهنگی نقش مهمی داشت و سال ۱۳۵۵ جامعه‌ی اسلامی استادان (که بعدها به جامعه اسلامی دانشگاهیان تغییر نام داد) به همت و تلاش او شکل گرفت. پس از انقلاب، دکتر انواری دو سال ریاست دانشکده فیزیک (۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹) را عهده‌دار بود. مسئولیتی که یک بار دیگر و در میانه دهه هفتاد (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷) تکرار شد. دکتر انواری^۱ دو دوره هم ریاست دانشگاه صنعتی شریف را به عهده داشت که بار اول از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ و بار دوم از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ ادامه داشت.

انقلاب فرهنگی در دانشگاه صنعتی شریف

اولین دوره ریاست دکتر عباس انواری در دانشگاه هم‌زمان با انقلاب فرهنگی بود. در این دوره،

۱ - از دیگر مسئولیت‌های علمی و اجرایی دکتر انواری به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: سرپرستی علمی در بخش علوم پایه و مهندسی دانشنامه بزرگ ایران، عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی و پژوهشی شریف، ریاست گروه علوم پایه ستاد برنامه‌ریزی شورای عالی وزارت فرهنگ (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹)، عضو هیئت امنای دانشگاه پیام نور (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷)، عضو شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹)، عضو شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۶ تا ۱۳۷۴)، عضو شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵)، عضو شورای عالی دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۴ تا کنون) و عضو هیئت مؤسس و هیئت امنای دانشگاه غیردولتی خاتم (۱۳۷۵). دکتر انواری سال ۱۳۷۶ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه صنعتی شریف شناخته شدند.

مهم‌ترین وظیفه رئیس دانشگاه، اداره آن به گونه‌ای بود که کم‌ترین تلاطم را به همراه داشته باشد. از ویژگی‌های این دوره، بروز روحیه‌های انقلابی، هیجانات ناشی از پیروزی انقلاب و وجود طرز تفکرهای متفاوت در دانشجویان، کارمندان، استادان و تلاش هر گروه برای حاکم کردن افکار خود بود. دانشجویان در پیروزی انقلاب نقش مهمی داشتند و به همین دلیل، فضای آرمانی پرنرنگی را بر دانشگاه حاکم کرده بودند. در این وضعیت همه می‌خواستند اثر انقلاب را در فضای دانشگاه احساس کنند. آن‌ها توقع داشتند تغییرات اساسی متناسب با اهداف انقلاب با سرعت در دانشگاه انجام شود و دانشگاه، دانشگاهی اسلامی شود. مشکل آنجا بود که افراد تعاریف متفاوتی از دانشگاه اسلامی در ذهنشان داشتند. به نظر بعضی، میز و صندلی‌ها، نماد غرب بود و باید از اتاق سرپرستان دانشکده‌ها و رئیس دانشگاه جمع می‌شد و به جای آن فرش می‌انداختند و همه به سادگی روی زمین می‌نشستند. بعضی می‌خواستند محتوای دروس تغییر کند. همه می‌خواستند تغییرات اساسی ایجاد شود و اوضاع با هیجان و شتاب و یک‌روزه تغییر کند. عده‌ای هم دل خوشی از انقلاب نداشتند و هیجانات انقلابی حاکم بر دانشگاه را در آن موقعیت خاص درک نمی‌کردند و هم‌فکران خود را با دعوت به گردهمایی، پخش شب‌نامه و صدور بیانیه علیه مسئولان دانشگاه تحریک می‌کردند. در این میان، دکتر انواری به عنوان ریاست دانشگاه، در تلاش بود نقطه مشترکی میان عقاید و سلیقه‌های متفاوت پیدا کند. او مدام سعی می‌کرد هیجانات ایجاد شده را تا حد ممکن کنترل کرده و فضا را متعادل کند. او سعی می‌کرد مسائل اداری دانشگاه به مسائل امنیتی تبدیل نشود. دکتر انواری حتی ۱۴ نفر از استادانی را که سر ناسازگاری با دانشگاه داشتند، اخراج نکرد و آنان را ممنوع‌الورود کرد تا تصمیم‌گیری درباره اخراج یا ادامه به کار آنان، خودسرانه و با شتاب انجام نشود. از نظر قانونی این تصمیم به عهده کمیته‌های حقوقی به نام کمیته‌های پاک‌سازی گذاشته شده بود. در این میان، دانشگاه شریف توانست بسیاری از اعضای هیأت علمی خود را حفظ کند.^۱ دکتر انواری همکاری نکردن و غیبت عده‌ای از استادان را که تحت تأثیر وضعیت آن زمان، بدون اطلاع دانشگاه کشور را ترک کرده بودند، به جای غیبت غیرموجه، استعفا قلمداد کرد تا راه بازگشت دوباره آنان به دانشگاه باز بماند. در این مدت، باید برای اداره دانشگاه برنامه‌ریزی‌های زیادی صورت می‌گرفت و معمولاً رئیس و مسئولان تا دیروقت در دانشگاه می‌ماندند. در این دوره با آنکه کلاس‌های آموزشی دانشگاه تعطیل بود، اما فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و خدمات علمی و صنعتی در ابعاد دیگری ادامه داشت. تعطیلی دانشگاه فرصتی برای مطالعه و بررسی نظام آموزشی دانشگاه‌ها برای ستاد انقلاب فرهنگی و دست‌اندرکاران

۱ دکتر مروستی می‌گوید پس از بازگشایی، تعدادی از استادان از ایران رفته و عده‌ای نیز اخراج شده بودند برخی از دانشگاه‌ها مثل دانشگاه شریف و دانشگاه شیراز صدمه دیدند. افرادی از چپی‌ها بودند که اعتصاب و اعتراض می‌کردند و به همین دلیل یا تسویه شدند یا خودشان رفتند. بعضی هم به زندان افتادند. جمعا ۱۶ نفر تسویه شدند. قبل از تعطیلی دانشگاه که من مسئول گروه پاک‌سازی بودم فقط یکی دو نفر اخراج شدند. دلیل پاک‌سازی آنان همکاری با ساواک و تشکیلات فراماسونری بود.



امور فراهم کرد. همچنین این امکان فراهم شد که استادان و دانشجویانی که تحت پوشش جهاد دانشگاهی فعالیت می‌کردند، با واقعیات و نیازهای علمی و صنعتی کشور بیش از پیش آشنا شوند. از سویی دیگر، مؤسسات و نهادهای کشور فرصت یافتند از پتانسیل‌های تخصصی موجود در دانشگاه آگاه شده و حداکثر استفاده را از آنها بنمایند. در واقع، فصل جدیدی از فعالیت‌های دانشگاه در دوران تعطیلی تحت پوشش جهاد دانشگاهی برنامه‌ریزی و دنبال شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی روحیه جهادی و خدمت به مردم خصوصا در مناطق محروم در بین دانشجویان موج می‌زد.

فعالیت‌های جهادی دانشجویان

دانشجویان شریف همپای دیگر دانشجویان برای انجام خدمت به کشور وارد نهادهای مختلف مدیریتی و اجرایی کشور در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی شدند. عده‌ای هم در مراکز فرهنگی چون آموزش پرورش و مدارس خصوصا در مناطق دور افتاده و محروم فعالیت می‌کردند. آن‌ها در شکل‌گیری ارگان‌های مهم نظام مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی نقش مهمی داشتند.^۱

جهاد دانشگاهی

جهاد دانشگاهی، یکی از نخستین نهادهای انقلابی و اولین نهاد دانشگاهی است که بعد از انقلاب تشکیل شد. این نهاد، مرداد سال ۱۳۵۹، یعنی چند ماه پس از تعطیلی دانشگاه‌ها به فرمان امام خمینی (ره) تأسیس شد. وظیفه اصلی جهاد آماده‌سازی دانشگاه‌ها، بازگشایی و استفاده از توان تخصصی، پژوهشی و علمی استادان در دوران تعطیلی دانشگاه‌ها بود. در این راستا، شورای سه‌نفره‌ای به نام شورای جهاد دانشگاهی در همه دانشگاه‌ها شکل گرفت. شورا متشکل از نماینده استادان، نماینده دانشجویان و نماینده کارکنان اعضای آن بود. اعضای شورای دانشگاه صنعتی شریف، دکتر عباس انواری، ریاست دانشگاه، نماینده استادان و آقای ولی‌الله گل‌میرزایی، نماینده دانشجویان و آقای مصطفی مدرس، معاونت مالی اداری دانشگاه، نماینده کارکنان بودند. دکتر انواری پیشنهاد کرد برای افزایش بهره‌وری، افراد دیگری به شورا اضافه شوند. شورای جدید، شورای مدیریت جهاد نام گرفت. اعضای شورای مدیریت جهاد که فقط در دانشگاه صنعتی شریف شکل گرفته بود، علاوه بر ریاست دانشگاه عبارت بودند از: دکتر مهدی احسان که هم‌زمان سرپرستی دانشکده برق را هم به

۱ از دانشجویانی که وارد سپاه شدند افرادی چون سردار سیف‌اللهی به رده‌های بالای فرماندهی رسیدند. سردار محتاج نیز جانشین رئیس ستاد کل سپاه و بعدها فرمانده نیروی دریایی ارتش شد. بعضی در شکل‌گیری جهاد سازندگی حضور داشتند. افرادی چون سردار علیرضا افشار که ابتدا رئیس ستاد مرکزی جهاد سازندگی بود و بعدها به ریاست ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسید. آنها از اولین دانشجویانی بودند که پیشنهاد تشکیل جهاد سازندگی را به امام دادند. حسین شوریده نیز در جهاد سازندگی به مقام شهادت نائل آمد. بعضی هم به وزارت خارجه، وزارت نیرو، وزارت ارشاد، وزارت دفاع و بنیاد شهید رفته و عهده‌دار مسئولیت شدند.



عده داشت، دکتر علی اکبر صالحی که معاونت پژوهشی دانشگاه را عهده دار بود و یکی از اعضای هیئت علمی به نام دکتر علی حاجیلویی. شهید شعبانعلی توکلی، نماینده دوم دانشجویان و آقای احمد باقری، نماینده دوم کادر اداری هم عضو شورای مدیریت جهاد بودند. شورا در هر دانشکده زیرکمیته‌ای داشت که بعضی از دانشجویان جهادی و تعدادی از استادان علاقه‌مند عضو آن بودند. جهاد دانشگاهی صنعتی شریف از ابتدای تأسیس به نقش بارز خود به عنوان پلی میان دانشگاه و جامعه توجه داشت و فعالیت‌هایش را در این راستا برنامه‌ریزی و اجرا می‌کرد. این نهاد در مدتی که فعال بود، توانست ضمن همکاری با مراکز تحقیقاتی، صنعتی و دفاعی کشور بیش از صدها طرح و پروژه تحقیقاتی غیرنظامی و نظامی را با موفقیت اجرا کند.

فعالیت‌های جهادی دانشگاه در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰

۱. همکاری با ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی

تعطیلی دانشگاه‌ها ضمن آنکه به تنش‌ها و جنجال‌های سیاسی داخل دانشگاه خاتمه داد، بستری فراهم کرد تا استادان و دانشجویان بتوانند با سازمان‌ها، نهادها و صنایع مختلف کشور همکاری کنند. استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف طی این دو سال، دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی متعددی برای سازمان‌های مختلف برگزار کردند. مثلاً در وزارت نیرو (که آن زمان زیر نظر دکتر عباسپور، عضو هیئت علمی این دانشگاه اداره می‌شد)، به همت دکتر عباس چمران^۱ (از استادان دانشکده برق این دانشگاه) ستادی به نام ستاد سازندگی و آموزش برای تأمین نیروی انسانی متعهد و متخصص کشور تشکیل شد که کار آن بازآموزی و ارائه آموزش‌های خاص ضمن خدمت به مهندسان، تکنیسین‌ها، دیپلمه‌ها و کسانی بود که در نیروگاه‌ها، پست‌ها، دفاتر فنی و کارگاه‌های وابسته به نیروگاه‌ها خدمت می‌کردند. این آموزش‌ها که جمعی از استادان و دانشجویان جهادی شریف در آن همکاری می‌کردند، در بالا بردن بازده کار نیروگاه‌ها، عمر ژنراتورها، تجهیزات مربوط به تعمیر و نگهداری آن‌ها و به‌ویژه اجرای پروژه‌های معوقه‌ای که به علت فرار متخصصان خارجی از کشور ناتمام مانده بود، سهم بسزایی داشت. دکتر چمران در تأسیس طرح مشابه دیگری به نام ستاد آموزش و راه‌سازی در وزارت راه و ترابری نیز نقش مهمی داشت. آن طرح هم با کمک جمعی از استادان و دانشجویان دانشگاه اجرا می‌شد.

برگزاری کلاس کنترل و ابزار دقیق برای مهندسان مکانیک ستاد سازندگی وزارت نیرو، کلاس کنترل

۱- دکتر عباس چمران سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد و سال ۱۳۴۴ در رشته الکترومکانیک با رتبه اول از دانشکده فنی فارغ‌التحصیل شد. چون فارغ‌التحصیلان رتبه اول به هزینه دولت به خارج اعزام می‌شدند، او برای ادامه تحصیل به دانشگاه سیراکوز آمریکا رفت و توانست فوق‌لیسانس و دکترای خود را در رشته مهندسی برق در شاخه کنترل از این دانشگاه بگیرد. دکتر عباس چمران سال ۱۳۴۷ به ایران برگشت و در دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف شروع به کار کرد و تا سال ۱۳۵۱ در رتبه دانشیاری، سمت ریاست دانشکده برق و تا سال ۱۳۵۴ در سمت معاون آموزشی و دانشجویی فعالیت داشت. پس از پیروزی انقلاب هم با دولت موقت در زمینه طرح‌های انقلابی همکاری می‌کرد. دکتر عباس چمران در تجهیز آزمایشگاه‌ها و ارتقای گرایش‌های مختلف دانشکده مهندسی برق و روند انجام امور مربوط به معاونت آموزشی دانشگاه نقش مهمی داشت و با برادر شهیدش، دکتر مصطفی چمران، وزیر دفاع وقت، در صنایع نظامی و طرح‌های دفاعی همکاری می‌کرد. دکتر عباس چمران اسفند سال ۱۳۶۰، با سکنه قلبی از دنیا رفت.



نیروگاه‌های برق، کلاس تصفیه آب برای مصارف صنعتی برای مهندسان توانیر در محل نیروگاه بعثت، کلاس کارآموزی و آموزش میکروبیولوژی صنعتی، کلاس تئوری عملی جوشکاری چدن و آلومینیوم برای جوشکارهای راه آهن دولتی ایران، آموزش کوتاه مدت برای مسئولان جهاد سازندگی لرستان و طراحی صنعتی و غیره از جمله دوره‌ها و کلاس‌هایی بود که به همت استادان و دانشجویان این دانشگاه برگزار شد. در این مدت، دانشجویان و استادان دانشگاه با وزارت بهداری، سازمان انرژی اتمی، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، جهاد سازندگی تهران، سپاه پاسداران، وزارت آموزش و پرورش، مرکز مخابرات ایران، سازمان برنامه و بودجه، شرکت ملی نفت ایران، وزارت صنایع و معادن، دانشگاه علوم دریایی، ستاد انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی مرکز، ارتش جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت دفاع، شرکت کشت و صنعت کازرون، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و کشتی‌سازی خلیج فارس، به شکل‌های مختلف همکاری می‌کردند. تقریباً تمام استادان دانشکده‌های مختلف در این زمینه فعال بودند و حتی عده‌ای از استادان^۱ در دوره‌های محدودی به طور تمام وقت با این صنایع همکاری می‌کردند.

۲. همکاری با کمیته‌های طرح و برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی

در این مدت، فعالیت‌های دانشگاه در زمینه‌های علمی نه تنها تعطیل نبود، بلکه در ابعادی گسترده ادامه داشت. در واقع، تعطیلی دانشگاه این فرصت را به وجود آورد که برنامه‌ریزی دروس دانشگاهی با نظم و انضباط مشخصی تدوین شود. قبل از تعطیلی دانشگاه‌ها، هر دانشگاهی برنامه خاص خود را اجرا می‌کرد و سرفصل دروس دانشگاه‌های مختلف متفاوت بود و بعضی از آن‌ها با استانداردهای متعارف و بین‌المللی فاصله داشت. تعداد دروس و واحدها و کل واحدهای لازم در هر مقطع تحصیلی هم یکسان نبود. یکی از اساسی‌ترین کارهای ستاد انقلاب فرهنگی در این دوره، جمع کردن استادان با تجربه و استفاده از آنان برای تدوین برنامه جامع آموزشی بود و در این رابطه از همه دانشکده‌های دانشگاه تعدادی از استادان در شوراها و کمیته‌های مختلف برنامه‌ریزی فعالیت می‌کردند.

۳. تدریس در رابطه با طرح ۲۵ واحدی

بر اساس این طرح، این امکان فراهم شد تا دانشجویانی که کمتر از ۲۵ واحد درسی‌شان باقی مانده

۱ - از جمله استادانی که در طی این مدت با صنایع همکاری می‌کردند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دکتر فخر یاسری از مهر ۵۹ تا مهر ۶۰ با سازمان برنامه و بودجه؛
- دکتر داوود رشتچیان از آبان ۵۹ تا آذر ۶۰ با شرکت مهندسی مشاور وزارت نیرو؛
- دکتر علی اکبر سیف کردی از مهر ۵۹ تا سال ۶۰ با سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران؛
- دکتر محمود تابنده از آذر ۵۹ تا فروردین ۶۰ با مرکز تحقیقات مخابرات ایران؛
- دکتر محمدحسین علوی از مهر ۵۹ تا سال ۶۱ با وزارت پست و تلگراف؛
- دکتر محمدصادق قدیری زارع از تابستان ۵۹ تا سال ۶۱ با سازمان صنایع ملی ایران؛
- دکتر علی اصغر مظفری از شهریور ۵۹ تا سال ۶۱ با وزارت نیرو؛
- دکتر سیامک پارسائزاد از تابستان ۵۹ تا زمستان سال ۶۰ با کشتی‌سازی خلیج فارس وابسته به سازمان گسترش.

است، بتوانند با گذراندن واحدهای باقی مانده در زمان تعطیلی دانشگاه، فارغ التحصیل شوند. با آنکه دانشگاه صنعتی آریامهر مجری این طرح نبود، با دانشگاهیان مجری طرح همکاری کرده و تعداد زیادی از دروس در این دانشگاه تدریس شد. این همکاری در زمینه ارائه امکانات و آزمایشگاه‌ها و سرپرستی پروژه‌های دانشجویی نیز انجام شد. دانشگاه صنعتی شریف در این طرح، ۱۶۰ دانشجو به دانشگاه‌های مجری معرفی کرد.

۴. همکاری با مرکز نشر دانشگاهی

یکی از اقدامات اساسی که زمان تعطیلی دانشگاه در ستاد انقلاب فرهنگی انجام شد، تأسیس مرکزی به نام مرکز نشر دانشگاهی بود. این مرکز علاوه بر انتشار کتاب‌های علمی، بر کار ترجمه و تهیه واژه‌نامه‌های مختلف علمی نظارت می‌کرد. پیش از آن، واژه‌نامه‌های تخصصی در زمینه علمی وجود نداشت و کتاب‌های مختلفی که از منابع خارجی ترجمه یا تألیف می‌شدند، برای واژه‌های خارجی، بسته به سلیقه مترجم از معادل‌های فارسی متفاوتی استفاده می‌کردند. گاهی در کتاب‌هایی که ترجمه یا تألیف می‌شد، هفت معادل فارسی برای یک واژه علمی^۱ استفاده شده بود. کار شاخه‌های مختلف واژه‌گزینی مرکز نشر آن بود که ابتدا تمام معادل‌های فارسی به کاررفته را از کتاب‌های ترجمه‌شده گوناگون استخراج کنند و سپس از میان آن‌ها یکی را انتخاب یا در صورت لزوم، واژه جدیدی جایگزین کنند. این اقدام باعث شد از آن به بعد، تمامی کتاب‌های علمی ترجمه‌شده معادل‌های یکسانی را به کار برند. این هماهنگی خدمت بزرگی در راه انتقال مفاهیم علمی از زبان‌های خارجی به زبان فارسی بود. در زمان تعطیلی دانشگاه، بسیاری از استادان دانشگاه در این زمینه همکاری داشتند که از آن جمله، می‌توان به دکتر نصرالله پورجوادی، مؤسس و سرپرست و عضو شورای عالی مرکز نشر و سرپرست بخش واژه‌گزینی شیمی، اشاره کرد. دکتر علی اصغر میرعارفی، سرپرست کمیته تخصصی مهندسی شیمی؛ دکتر رضا منصوری، سرپرست کمیته تخصصی فیزیک؛ دکتر یوسفعلی حمیدیه، سرپرست گروه تخصصی مهندسی مکانیک؛ دکتر فرهاد قاسمی، سرپرست گروه تخصصی مهندسی صنایع؛ دکتر حسین یوزباشی‌زاده، سرپرست گروه تخصصی مهندسی متالورژی؛ دکتر علی اکبر جعفریان، سرپرست گروه تخصصی ریاضی و دکتر بهروز پرهامی، سرپرست گروه تخصصی مهندسی کامپیوتر هم در این حوزه فعالیت می‌کردند. بسیاری از اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف هم عضو این کمیته‌های تخصصی بودند و با مرکز نشر همکاری می‌کردند.

۱ - مثلاً برای واژه susceptibility که اصطلاحی فیزیکی است و در مرکز نشر به پذیرفتاری معادل‌سازی شده، واژه‌های مختلفی مثل خودگیری، برگیرایی، پذیرایی ویژه، خودگیری ویژه، اثرپذیری، تأثیرپذیری و سوسستیبلینته، به ترتیب در کتاب‌های دیدگانی فیزیک سال ۱۳۵۸، بررسی آموزش فیزیک دانشگاه‌ها سال ۱۳۵۵، مقدمه بر نورشناسی نوین سال ۱۳۵۹، دیدگانی فیزیک سال ۱۳۴۵، بیناب‌نمایی تشدید مغناطیسی هسته سال ۱۳۵۸، فیزیک لیزر سال ۱۳۶۰ و نظریه ماکروویو سال ۱۳۵۵ به کار رفته بود.



۵. تألیف و ترجمه کتاب‌های دانشگاهی

زمان تعطیلی دانشگاه، عده‌ای از استادان مشغول ترجمه و تألیف کتاب‌های دانشگاهی شدند؛ کاری که زمان باز بودن دانشگاه معمولاً به دلیل مشغله زیاد امکان‌پذیر نبود یا به‌کندی پیش می‌رفت. مسئولان دانشگاه از این فعالیت استقبال کردند و سالی به نام سالن تاپ در اختیار استادان قرار دادند. در این سالن تعدادی از همکاران بخش اداری که کار تاپ نامه‌ها و مکاتبات دانشکده را به عهده داشتند، با استادان دانشگاه همکاری می‌کردند. در این فرصت حدود هشتاد کتاب^۱ تألیف یا ترجمه شد.

۶. ارائه مقاله و سخنرانی در کنفرانس‌ها

در طول تعطیلی دانشگاه تعداد زیادی از استادان دانشگاه علاوه بر فعالیت‌های جهادی، به فعالیت‌های علمی خود به‌صورت ارائه مقاله و سخنرانی^۲ در کنفرانس‌های داخلی و خارجی می‌پرداختند.

۱ - کتاب‌هایی که در این مدت ترجمه یا تألیف شده‌اند، می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد: ۱. خطوط، امواج و آنتن‌ها (دکتر هادی فیروزآبادی، مهندس آن باغدادساریان)؛ ۲. کنترل صنعتی (دکتر محمود تاریخ)؛ ۳. تکنیک پالس (دکتر رضا هاشمیان)؛ ۴. دیجیتال الکترونیک (دکتر مسعود جهانگلو)؛ ۵. سیستم‌های دینامیکی (دکتر همایون سراجی)؛ ۶. الکترونیک کاربرد (دکتر محمدحسین علوی)؛ ۷. انتشار امواج رادیویی (دکتر احمد حاجی فیروزآبادی)؛ ۸. مهندسی اخبار و سیستم فرخ‌عقلم مروستی)؛ ۹. مدارها در مهندسی برق (دکتر محمود نجوی)؛ ۱۰. الکترونیک کامپیوتر دیجیتال (دکتر محمود نجوی)؛ ۱۱. حساب دیفرانسیل و انتگرال (دکتر علی اکبر جعفریان)؛ ۱۲. فضاهای برداری متناهی البعدی (دکتر علی اکبر جعفریان)؛ ۱۳. معادلات دیفرانسیل با کاربرد (دکتر داریوش شادمان)؛ ۱۴. مبانی هندسه دیفرانسیل (دکتر سیاوش میرشمس شهنشاهی)؛ ۱۵. طراحی و سازمان کامپیوتر (دکتر علیرضا کاپوآنیور)؛ ۱۶. برنامه‌نویسی به زبان ماشین و اسمبلی (دکتر علیرضا کاپوآنیور)؛ ۱۷. مسائل سرحدی در ریاضیات فیزیک (دکتر بهمن مهری)؛ ۱۸. آنالیز برداری و تانسوری و کاربرد آن‌ها (دکتر محمدرضا نوری مقدم)؛ ۱۹. فراگیری نحوه آموزش ریاضیات متوسطه (دکتر جواد همدانی‌زاده)؛ ۲۰. جبر (دکتر محمدمهدی هزاده)؛ ۲۱. طرح آزمایش‌ها (دکتر هدایت‌اله یاسایی)؛ ۲۲. محاسبات آماری (دکتر هدایت‌اله یاسایی)؛ ۲۳. تحلیل سازه‌های معین (دکتر پارسا پطروسیان)؛ ۲۴. طراحی بتن آرمه (دکتر ابراهیم طسوجی)؛ ۲۵. اصول کنترل کیفیت آب (دکتر ایرج عدل)؛ ۲۶. ساختمان بتونی (دکتر سیروس فخری‌یاسری)؛ ۲۷. کمک‌های گرافیکی در محاسبات عددی (مهندس جهانگیر حکیمی تهرانی)؛ ۲۸. منابع آب فولادی (دکتر سیروس فخری‌یاسری)؛ ۲۹. طراحی مهندسی (دکتر علی امیرافضلی و مهندس احمد متقی‌پور)؛ ۳۰. ساخت‌های بتونی پیش‌ساخته (دکتر سیروس فخری‌یاسری)؛ ۳۱. دینامیک سازه‌ها (دکتر جواد مجتهدی)؛ ۳۲. بتن پیش‌تنیده (دکتر سوسن مجتهدی)؛ ۳۳. شیمی آلی (دکتر پرویز دوامی)؛ ۳۴. تمک‌زدایی به روش مبادله یونی (مهندس نسرن بهمنش)؛ ۳۵. اصول مهندسی فرایندهای شیمیایی (دکتر داریوش باستانی)؛ ۳۶. مهندسی منابع آب (دکتر محمد سلطانیه)؛ ۳۷. اصول انتقال حرارت (دکتر کیوان شاهکارمائی)؛ ۳۸. عملیات واحد صنعتی (دکتر کیوان شاهکارمائی)؛ ۳۹. مهندسی تصفیه آب (دکتر جلال شایگان و دکتر محمد سلطانیه)؛ ۴۰. طراحی واحد تصفیه آب (مهندس حسن برهانی)؛ ۴۱. کنترل موجودی (دکتر رسول حجی)؛ ۴۲. پرداخت (دکتر نظام‌الدین علیرزاده)؛ ۴۳. مدیریت تولید نوین (مهندس زوین غیسور)؛ ۴۴. کنترل کیفیت (مهندس مجتبی کتیرزاده)؛ ۴۵. کنترل کیفیت عملی (مهندس مجتبی کتیرزاده)؛ ۴۶. نسجیت عام، خاص و کیهان‌شناسی (دکتر رضا منصور و دکتر حسین منصوری همدانی)؛ ۴۷. اکتونوم فیزیک (دکتر ناصر نرفی)؛ ۴۸. عناصر الیازی در فولاد (دکتر علی اکرمی)؛ ۴۹. مبانی تغذیه‌گذاری (دکتر پرویز دوامی)؛ ۵۰. فولادسازی (دکتر احمد پاکزاد)؛ ۵۱. محاسبات ریخته‌گری (دکتر پرویز دوامی)؛ ۵۲. عبوب قطعات ریخته‌گری (مهندس ناصر ورهرام)؛ ۵۳. طراحی قطعات ریخته‌گری (دکتر پرویز دوامی)؛ ۵۴. رسم فنی عمومی، راهنما و تمرین (مهندس احمد متقی‌پور)؛ ۵۵. شکل دادن فولاد (دکتر محمدحسین راستی)؛ ۵۶. عبوب قطعات ریخته‌گری (دکتر فرهاد رهبری)؛ ۵۷. متالورژی استخراج مس (دکتر حسین فرجی)؛ ۵۸. الیازهای آهنی (دکتر مجتبی فرزانه)؛ ۵۹. اصول عملیات سطحی و حفاظت فولاد (دکتر محمد قربانی)؛ ۶۰. تکنولوژی جوشکاری (دکتر امیرحسین کوکی)؛ ۶۱. بررسی مسائل ترمودینامیکی و سینتیک در متالورژی (دکتر حسین یارباشی)؛ ۶۲. آزمایشات مکانیکی (دکتر حسین جواهریان)؛ ۶۳. موه‌های احتراق داخلی (دکتر منوچهر رشیدی)؛ ۶۴. انتخاب مواد و فرایندها در مهندسی (مهندس ایرج ابیجی)؛ ۶۵. مهندسی منابع آب (دکتر منوچهر راز)؛ ۶۸. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی (دکتر غلامعلی حداد عادل)؛ ۶۹. تعلیمات مدنی دبستان (دکتر غلامعلی حداد عادل)؛ ۷۰. جامعه‌شناسی دبیرستان (دکتر غلامعلی حداد عادل)؛ ۷۱. دانش اجتماعی دبیرستان (دکتر غلامعلی حداد عادل)؛ ۷۲. بنیاد دینی دبیرستان (دکتر غلامعلی حداد عادل)؛ ۷۳. تعلیمات اجتماعی ابتدایی و راهنمایی (دکتر غلامعلی حداد عادل)؛ ۷۴. منته‌خانی از متون فلسفه به زبان فارسی (دکتر منوچهر صدوقی)؛ ۷۵. مرات الرشد (دکتر کاظم سعگری)؛ ۷۶. اسلام از دیدگاه غربی‌ها (دکتر محمدعلی روش‌ن‌صیر)؛ ۷۷. نخبگان و جامعه (دکتر فاطمه جهان‌شیر).

۲ - از جمله سخنرانی‌ها و مقالات ارائه‌شده می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- ارائه مقاله علمی در مجله سیمولیشن ژوئن ۱۹۸۱، دکتر فرهاد قاسمی طاری؛

- ارائه مقاله و شرکت در کنفرانس بین‌المللی گران و نسبت در آلمان شرقی سال ۱۳۶۰، دکتر رضا منصور؛

- ارائه مقاله در کنفرانس بین‌المللی فیزیک در بلژیک در خردادماه ۱۳۵۹، دکتر محمد مهید؛

- شرکت در کنفرانس «همه‌چه» در هلند سال ۱۳۶۰، دکتر محمد مهید؛

- ایراد سخنرانی علمی در سمینار ساخت و بازسازی غلنگ‌های نورد در ارتباط با صنایع ملی فولاد، دکتر امیرحسین کوکی؛

- ارائه مقاله تحقیقاتی درباره معادن آهن گل‌گهر در کنفرانس صنعت فولاد اصفهان، دکتر فرخ‌الدین گلستانه؛

- ارائه مقاله علمی در هشتمین کنگره مهندسی کنترل در ژوئن در سال ۱۹۸۱، دکتر همایون سراجی؛

- ارائه مقاله علمی به سمینار باتوک دربارہ انرژی خورشیدی باستان سال ۱۳۵۹، دکتر رضا هاشمیان؛

- ارائه مقاله در مرکز تحقیقاتی ترست ایتالیا در خردادماه ۱۳۶۰، دکتر محمدرضا نوری مقدم؛

- ارائه مقاله درباره نوسانات غیر خطی در کنفرانس کیف، دکتر بهمن مهری؛

- ارائه مقاله و سخنرانی در کنفرانس‌های داخلی، دکتر سیاوش شهنشاهی، دکتر بهروز پرهامی و دکتر علیرضا کاپوآنیور.

۷. خدمات در سمت‌های اجرایی

گروهی از استادان دانشگاه^۱ در چارچوب سمت‌های اجرایی با نهادهای مختلف همکاری می‌کردند.

۸. احداث مسجد دانشگاه

طرح ساخت مسجد برای اولین بار در شورای هماهنگی دانشگاه در سال ۱۳۵۸ مطرح و کمیته منتخب این شورا، مکان فعلی مسجد که قبل از انقلاب محل استقرار گارد دانشگاه بود را پیشنهاد نمود. به تدریج، کارهای مقدماتی و نقشه‌ها و حتی ماکت آن هم ساخته شد. بودجه اختصاص یافته از طرف سازمان برنامه و بودجه بالغ بر ۳ میلیون تومان بود. هنگام بررسی نقشه‌ها پیشنهاد شد فضاهای آموزشی مناسبی هم اطراف صحن مسجد ساخته شود و به همین دلیل، نقشه‌ها دوباره بازبینی شدند. در مدت زمانی که دانشگاه تعطیل بود، ریاست دانشگاه کمیته‌ای متشکل از آقای مهندس بیاتی، مهندس علیزاده و دکتر حاجیلویی برای پیگیری امور مربوط به طراحی نقشه‌ها و ساخت مسجد تشکیل داد. نقشه‌ها با پیگیری اعضای کمیته و با همکاری چند نفر از استادان دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی (دکتر حجت و دکتر ندیمی)، دوباره بررسی و پس از یک سال آماده شدند. در این مدت، مبالغی از طریق کمک‌های مردمی برای شروع کار مسجد جمع‌آوری شده بود. ریاست دانشگاه برای ساخت مسجد هیئت امنایی تعیین کرد. سه نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه یعنی دکتر حداد عادل، دکتر حاجیلویی و مهندس مظفر، یک نفر از کادر اداری به نام آقای ملک محمدی، مرحوم سعید امانی، از خیرین بنام و حجت‌الاسلام باغانی، نماینده مجلس شورای اسلامی وقت که ریاست هیئت امنا به عهده ایشان گذاشته شد، اعضای این هیئت امنا را تشکیل می‌دادند. به این ترتیب، اولین کلنگ مسجد سال ۱۳۶۱ هم‌زمان با میلاد امام رضا(ع) در حضور هیئت امنا، کمیته پیگیری و ریاست وقت دانشگاه، دکتر انواری به زمین زده شد.

حضور در جبهه‌های نبرد

شهریور سال ۱۳۵۹، صدام حسین در تلویزیون عراق ظاهر شد و با پاره کردن قرارداد الجزایر که در سال ۱۹۷۵ امضا شده بود، به حمله عرب به ایران از ناحیه قادسیه در هزاره ۴۰۰ سال پیش اشاره

۱ - از جمله این استادان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

دکتر حسن عباسپور؛ وزیر نیرو (از آبان‌ماه سال ۱۳۵۸ تا تیرماه ۱۳۶۰)؛

دکتر مهدی احسان؛ مشاور وزیر نیرو در امور آموزشی (از شهریور سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۱)؛

دکتر محمدعلی رنجبر؛ معاونت وزیر نیرو؛

دکتر فرخ علیم دوستی؛ مشاور تحقیقاتی وزارت پست و تلگراف (از پاییز سال ۱۳۵۹ تا تابستان ۱۳۶۰)؛

دکتر محمود تبریزی؛ مدیرعامل باطری‌سازی نیرو و سازمان صنایع دفاع ملی (از زمستان سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۱)؛

دکتر مرتضی سنایی؛ مدیرعامل مرکز تحقیقات و خدمات خودکفایی ایران وابسته با سازمان گسترش (از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۱)؛

دکتر محمدجواد سهلانی؛ استاندار استان سمنان (از آبان تا دی سال ۱۳۶۰)؛

دکتر علی حاجیلویی؛ مسئول واحد آب‌رسانی جهاد سازندگی استان لرستان (از مهر سال ۱۳۵۹ تا اردیبهشت سال ۱۳۶۰)؛

دکتر علیزاده خرازی؛ فرماندار خرم‌آباد (از مهر سال ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۰)؛

مهندس عباس مظفر؛ نماینده پنجم در مجلس شورای اسلامی (از خرداد سال ۱۳۵۹ تا خرداد سال ۱۳۶۱)؛

مرحوم دکتر عیسی خیر؛ مدیرعامل یکی از شرکت‌های وزارت نیرو.



کرد و جنگ با ایران را قادسیه دوم نامید. ارتش عراق اعلام کرد پس از فتح خوزستان، سه روزه به تهران خواهد رسید و به دنبال آن به شهرها و مناطق مرزی ایران حمله کرد. ارتش عراق، در همان شهرهای مرزی با مقاومت مردم مواجه شد و جنگ تحمیلی آغاز شد. با آغاز جنگ تحمیلی، استادان، دانشجویان و کارمندان دانشگاه صنعتی شریف از همان روزهای نخست در کنار سایر اقشار مردم برای دفاع از خاک و استقلال کشورشان اعلام آمادگی کردند و تعداد زیادی از آنان راهی جبهه‌های نبرد شدند. از استادانی که برای حضور در جبهه به خدمت فراخوانده شدند، می‌توان از دکتر محمد مهدوی از دانشکده فیزیک، دکتر محمدحسین سعیدی از دانشکده مهندسی مکانیک و مهندس مجتبی کثیری‌زاده از دانشکده مهندسی صنایع نام برد. از کادر اداری دانشگاه هم عده‌ای داوطلبانه به جبهه رفتند که از آن جمله می‌توان از آقایان علی محمدی آنالوچه، حسن بهمن‌زاده، میرعلی حسینی که متحمل هشت سال اسارت شد، کاظم بهمنی، سیدجلیل موسوی، محسن پرهون و شهید مهدی کوچکی نام برد. بعضی از دانشجویان دانشگاه مثل محسن وزوایی^۱ و محمد فاضل^۲ و حسین شوریده^۳ که در جبهه حضور داشتند و عملیات جنگی و پشتیبانی آن را فرماندهی می‌کردند. در مدت تعطیلی دانشگاه، دکتر حسن عباسپور و ۲۱ نفر از دانشجویان^۴ دانشگاه به شهادت رسیدند. با شروع جنگ تحمیلی، تعداد زیادی از هم‌وطنان در استان‌های مرزی غرب آواره شده بودند. دانشگاه پیش از بازگشایی تعدادی از آن‌ها را در خوابگاه‌ها اسکان داده بود. دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف علاوه بر حضور در جبهه‌های نبرد، در پشت جبهه در بخش مهندسی جنگ هم فعالیت می‌کردند. از سال ۱۳۶۱ جهاد دانشگاه صنعتی شریف به علت نیاز کشور در بخش مهندسی، پشتیبانی و ساخت

۱ - محسن وزوایی از دانشجویان دانشگاه شریف بود که در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا، مسئولیت اطلاعات عملیات را برعهده داشت و چند ماه پیش از آغاز جنگ، به سپاه پاسداران پیوست. وزوایی با شروع جنگ به جبهه غرب رفت و فرمانده گردانی بود که عملیات پارتیزانی انجام می‌داد. مدتی بعد، عملیات فتح بلندی‌های بازی دراز را هم فرماندهی کرد و در این عملیات مجروح شد و بعد از بهبود دوباره به جبهه برگشت. او آذر ۱۳۶۰ فرمانده گردان حسین‌مظاهر تپ تازه‌تأسیس محمدرسول‌الله (ص) بود. این گردان در عملیات فتح‌المبین به عنوان توک عملیات عمل کرد. با تأسیس تپ ۱۰ سیدالشهدا، او فرمانده این تپ شد و فروردین ۶۱ با این تپ در عملیات بیت‌المقدس (فتح خرمشهر) شرکت کرد و در همین عملیات به شهادت رسید.

۲ - محمد فاضل یکی دیگر از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بود که ۱۶ دی ۱۳۵۹ با حسین علم‌الهدی و تعدادی از یاران پیرو خط امام به وسیله تانک‌های دشمن محاصره شدند و به شهادت رسیدند. فاضل دانشجوی رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف بود که تابستان ۵۸ همکاری با جهاد سازندگی را شروع کرد و ۱۳ آبان ۵۸ به همراه دیگر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، در فتح لانه جاسوسی آمریکا شرکت داشت. او تابستان ۵۹ به سپاه پاسداران پیوست و آبان ۵۹ عازم جبهه‌های نبرد شد.

۳ - حسین شوریده سال ۱۳۳۵ در یکی از روستاهای گناباد به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در روستا و سال‌های اول و دوم دبیرستان را در شهرستان‌های گناباد و طیس گذراند و بعد از آن، به مشهد رفت و دیپلم ریاضی گرفت. سپس در کنکور سراسری شرکت کرد و در سه رشته نفت، مهندسی مکانیک و دانشگاه شیراز قبول شد. او رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی را انتخاب کرد و راهی تهران شد. در دوران دانشجویی در انجمن‌های سیاسی و انقلابی دانشگاه شرکت می‌کرد تا آنکه مأموران ساواک او را شناسایی و دستگیر کردند. شوریده بعد از مدتی پلاتکلیفی و آذنت و آزار، با وقوف نقدی آزاد شد. او در بخش اعلامیه‌های امام که از فرانسه مخاربه می‌شد، فعال بود و تعدادی از اعلامیه‌ها را با خود به شهرستان می‌برد و بین دوستان و رفقایش توزیع می‌کرد. در روستا هم کتابخانه‌ای تأسیس کرده بود و جوان‌های انقلابی محل را با آرمان‌های انقلاب آشنا می‌کرد و بیشتر درآمدش را صرف خرید کتاب و برگزاری تظاهرات می‌کرد. شوریده بعد از پیروزی انقلاب، وارد جهاد شد و شبانه‌روز در بخش کمک به محرمان و مستضعفان روستاها فعالیت می‌کرد. او در دانشگاه در شورای دانشجویی به مسائل سازمان دانشجویان مسلمان رسیدگی می‌کرد و در جلسه‌هایی که برای تأسیس جهاد سازندگی تشکیل می‌شد، شرکت داشت. شوریده مرداد ۵۸ برای فعالیت در جهاد سازندگی گنبدکاووس به آن شهرستان رفت و مسئولیت جهاد بخش کاله را به عهده داشت. او مدتی مسئول پشتیبانی جنگ کرمانشاه بود و همراه شهید مهدی رحیبی، مسئولیت دفتر بررسی‌های سیاسی جهاد سازندگی را هم به عهده داشت. شهادت شهید رحیبی به دست منافقین، ضربه روحی سنگینی به شوریده وارد کرد. طوری که از آن دفتر بیرون آمد و در سمت قائم‌مقام امور استان‌های جهاد سازندگی مشغول گردید. بعد از حمله عراق به ایران، شوریده به جبهه رفت و ۱۴ خرداد ۱۳۶۱ در عملیات بیت‌المقدس به شهادت رسید.

۴ - بیست‌توک نفر دانشجویان دانشگاه که در این دو سال به شهادت رسیدند: ۱. علی اصغر افشاری، دانشجوی رشته مهندسی مکانیک؛ ۲. بیزن بنی‌ارلان، دانشجوی رشته مهندسی برق؛ ۳. رضا ترابی، دانشجوی رشته مهندسی برق؛ ۴. شعبانعلی توکلی، دانشجوی رشته مهندسی متالورژی؛ ۵. جواد جعفری دستگردی، دانشجوی رشته مهندسی قهرمان‌خادم، دانشجوی رشته مهندسی سازه؛ ۷. سیامک رادپور، دانشجوی رشته مهندسی شیمی؛ ۸. زین‌العابدین زراق فرزند، دانشجوی رشته مهندسی مکانیک؛ ۹. علیرضا زمان، دانشجوی رشته مهندسی مکانیک؛ ۱۰. بهروز سلطانی، دانشجوی رشته مهندسی صنایع؛ ۱۱. حسین شوریده، دانشجوی رشته مهندسی مکانیک؛ ۱۲. غلامرضا صادق‌زاده قمری، دانشجوی رشته ریاضی؛ ۱۳. محمد فاضل، دانشجوی رشته مهندسی صنایع؛ ۱۴. محمود فراخی، دانشجوی رشته ریاضی؛ ۱۵. ناصر فولادی، دانشجوی رشته مهندسی متالورژی؛ ۱۶. عباسی قائمیان، دانشجوی رشته مهندسی برق؛ ۱۷. محمود قفل‌سازان، دانشجوی رشته مهندسی صنایع؛ ۱۸. مجید مؤذن صفایی، دانشجوی رشته مهندسی صنایع؛ ۱۹. جمال میرامیرخانی، دانشجوی رشته مهندسی برق؛ ۲۰. سیدحسین میرسلطانی، دانشجوی رشته مهندسی شیمی؛ ۲۱. محسن وزوایی، دانشجوی رشته شیمی.

تجهیزات جنگی وارد پروژه‌های نظامی شد. چون ایران به علت تحریم، نمی‌توانست قطعات مورد نیاز سلاح‌های جنگی را از کشورهای خارجی تهیه کند، مهندسان شریف طراحی و ساخت بعضی از قطعات تجهیزات نظامی را انجام می‌دادند. یکی از این قطعات، کارتریج هواپیمای اف ۵ بود که سال ۱۳۶۱ به همت تیم کارتریج در مهمات‌سازی ساخته شد. کارتریج‌ها در هنگام خطر و در مدت زمانی کمتر از یک ثانیه، صندلی خلبان را به بیرون پرتاب می‌کردند. این کارتریج‌ها خارجی بودند و جزو قطعاتی بودند که ایران به علت تحریم، امکان خرید آن را نداشت. تیم مهندسی جهاد شریف، با جسارت تمام از روی نمونه اولیه، آن را ساخته و روی هواپیماهای جنگی نصب کردند. مهندسان علاوه بر تولید کارتریج، در مدت هشت سال جنگ تحمیلی، حدود هزار دستگاه خمپاره ساختند. تعدادی هم برای اجرای پروژه‌های پژوهشی سخت‌افزارها و سلاح‌های جنگی به مراکز پژوهشی و کارخانه‌های مهمات‌سازی اعزام شدند. در واقع، بخش مهمی از فعالیت‌ها و پروژه‌های مربوط به جنگ، زیر نظر جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف اجرا می‌شد. آن‌ها در بازسازی سیستم ناوبری آی‌ان‌اس، جنگنده‌های اف ۵ با نیروی هوایی و در مهندسی معکوس مین دریایی صد ف با مهمات‌سازی همکاری می‌کردند. از آن گذشته، مهندسان جهادی برای همکاری در پروژه‌های تحقیقاتی جنگ شیمیایی به یکی از مراکز پژوهشی پایگاه نظامی مستقر در شمال تهران می‌رفتند. در این مرکز، علاوه بر تحقیق روی مواد منفجره، روی روش‌های مقابله و دفاع در برابر بمب‌های شیمیایی و میکروبی هم فعالیت می‌کردند. بعضی از مهندسان با ارتش در رابطه با ساخت رمزکننده مکالمات همکاری و روی پروژه‌های مربوط به رادار کار می‌کردند. ساخت و تعمیر بعضی از بردهای الکترونیکی هواپیمای اف ۴ نیز در زمان جنگ انجام شد. مهندسان دانش‌آموخته دانشگاه سال ۱۳۶۵، موفق شدند کارخانه ساخت موشک کاتیوشا را راه‌اندازی کنند. قرار بود پیش از انقلاب، شرکتی آلمانی خط تولید موشک کاتیوشا را در این کارخانه فعال کند اما با پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، پروژه نیمه‌کاره ماند و رها شد. مسئولان صنایع دفاع پس از مطالعه و بررسی طرح، از مهندسان جهاد دانشگاهی دانشگاه خواستند این کارخانه را راه‌اندازی کنند. مسئولان می‌دانستند مهندسانی که مسئولیت این کار را به عهده گرفته‌اند، هیچ آشنایی قبلی با ادوات جنگی ندارند و حتی اولین بار است که موشک کاتیوشا را از نزدیک می‌بینند؛ اما در وضعیت بحرانی جنگ و نیاز شدید به موشک و با اعتمادی که به نیروهای جهاد دانشگاه داشتند، مسئولیت این کار به کارشناسان جهاد سپردند. بعد از آنکه مهندسان جهاد با نحوه کار موشک آشنا شدند، توانستند در مدت زمان کمتر از دو سال، کارخانه

را راه اندازی کنند و کشور را در بخش تولید موشک کاتیوشا به خودکفایی برسانند. به خاطر وضعیت خاص جنگ، گاهی تهیه بعضی از قطعات به ظاهر ساده، به مشکل برمی خورد.

فعالیت‌های فرهنگی

یکی از موضوعات مطرح شده در جریان انقلاب فرهنگی، وحدت حوزه و دانشگاه بود. به این منظور جلسه‌ها و گردهمایی‌های مشترکی با حضور استادان این دو نهاد در حوزه و دانشگاه برگزار می‌گردید. در دوره تعطیلی دانشگاه تعدادی از دانشجویان در دانشگاه مانده و به فعالیت‌های فرهنگی مشغول شدند. آن‌ها در ساختمان گارد دانشگاه و محل فعلی مسجد که بعد از پیروزی انقلاب خالی شده بود مستقر شدند. کلاس‌های اندیشه اسلامی با تدریس چهره‌های سرشناس دینی و فرهنگی در طول هفته برگزار گردید. این کلاس‌ها با استقبال جوانان مواجه شده و بعدها محل کلاس‌ها به سالن جابربن حیان منتقل گردید.^۱

اعلام جنگ مسلحانه و فضای رعب و وحشت

همزمان با طرح عدم کفایت سیاسی آقای ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور وقت در مجلس شورای اسلامی، تظاهرات و درگیری‌های خیابانی توسط گروه‌های مسلح، مجاهدین خلق، پیکار، رنجبران، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) طی روزهای ۳۰ و ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در چندین شهر تدارک و اجرا گردید. در جریان این آشوب‌ها سازمان مجاهدین خلق رسماً علیه نظام جمهوری اسلامی جنگ مسلحانه اعلام و به صورت گسترده برنامه ترور و بمب‌گذاری در نقاط مختلف کشور را اجرا نمود. شهادت آیت الله بهشتی و جمعی از مسئولین در انفجار حزب جمهوری اسلامی و شهادت آقای رجایی رئیس جمهور و دکتر باهنر نخست‌وزیر از جمله اقدام‌های این سازمان بود. در این ایام فضای رعب و وحشت و ترور در کشور حکمفرما گردید. مسئولین دانشگاه نیز می‌بایست به نوعی از محیط دانشگاه محافظت می‌کردند. اقدام‌های حفاظتی با همکاری تعدادی از کارکنان دانشگاه صورت می‌گرفت.

پایان جلد اول

۱ برخی کلاس‌های برگزار شده به این شرح بود. تفسیر قرآن توسط آیت الله یزدی، اخلاق توسط آیت الله حائری شیرازی، نهج البلاغه توسط دکتر سید جعفر شهیدی، اقتصاد اسلامی توسط استاد کریمی، تعلیم و تربیت توسط استاد مظلومی، فلسفه توسط حجت الاسلام دکتر احمدی، قرآن در زندگی توسط آیت الله گیلانی. در این فعالیت‌ها دانشجویانی چون محمدرضا وفایی و شهیدان جواد جعفری و مجید صفایی و محسن وزوایی نقش داشتند.

منابع

- آبراهامیان، پرواند، ترجمه گل محمدی، احمد، ایران بین دو انقلاب، نشر نی، ۱۳۷۷.
- راهنمای آشنایی با فعالیت‌های پژوهشی دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی آریامهر (شماره ۱ و ۲)، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۷.
- اسماعیلی، علیرضا، اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران (۱۳۲۹-۱۳۵۷ ش) سه جلد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- اطلاعاتی درباره دانشکده‌های دانشگاه صنعتی آریامهر برای داوطلبان مسابقه ورودی سال ۵۳-۱۳۵۲، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۲.
- اطلاعاتی درباره دانشکده‌های دانشگاه صنعتی آریامهر برای داوطلبان مسابقه ورودی سال ۵۴-۱۳۵۳، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۳.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶.
- راهنمای انیستیتو آب و انرژی دانشگاه صنعتی شریف، دهه ۵۰.
- بزم اهریمن، نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.
- پوریزدان پرست، سیدمحمدحاشم، همگام با مردم در انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- جهاد شریف، انتشارات معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف، ۱۳۹۳.
- حیرت سجادی، سیدعبدالمجید، تجلیات افکار آریامهر در دهه اول انقلاب، چاپ زهره، ۱۳۵۱.
- راهنمای برنامه درسی دوره لیسانس دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی آریامهر، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۴.
- سالنامه دومین سالگرد تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۴۶.
- دهباشی، حسین، حکمت و سیاست، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.
- راهنمای دانشگاه صنعتی آریامهر، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۲.
- راهنمای دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی آریامهر سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۴۹.
- راهنما و آئین نامه‌های آموزشی دانشگاه صنعتی شریف ۶۱-۱۳۵۹، چاپخانه دانشگاه صنعتی شریف، راهنمای دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۹.
- راهنمای برنامه دروس دانشگاه دهه ۵۰، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر.
- راهنمای دروس مرکز تعلیمات عمومی نیمسال دوم تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۳.
- راهنمای دروس مرکز تعلیمات عمومی نیمسال اول ۵۵-۱۳۵۴، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۴.
- زنان دربار به روایات اسناد و مدارک، نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱.
- ساسان پور، شهرزاد، عبور از سازمان، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.



نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵

-معین زاده، مسعود، گذری بر تاریخ معاصر دانشگاه صنعتی آریامهر

-مصوبات هیئت امنا و کمیته های منتخب تام الاختیار هیئت امناء دانشگاه صنعتی آریامهر (۱۳۵۰ لغایت ۱۳۵۴ ش)، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۵

-نشریه کانون دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر (دانشجوی آریامهر)، شماره ۲، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، اردیبهشت ۱۳۴۶

-نشریه دانشگاه صنعتی آریامهر، دهه ۵۰

-میرزایی، محمد، سیه بازی، اکبر، شریف از آغاز تاکنون به روایت اساتید آن، ج ۱، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸

-میرزایی، محمد، سیه بازی، اکبر، شریف از آغاز تاکنون به روایت رؤسای آن، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵

-نشریه سالانه پنجمین سالگرد تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۴۹

-هزبری، فریدون، بر آب و آتش، ۱۳۹۱

-یزدی، ابراهیم، یادنامه شهید چمران، انتشارات قم، ۱۳۸۳

-میرزایی، محمد، کاکاوند، عباس، دانشجوی شریف در عرصه فرهنگ، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵

-کارنامه فعالیت های فرهنگی جامعه اسلامی دانشگاه صنعتی شریف، چاپخانه دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۶۲

-کارنامه فعالیت های فرهنگی جامعه اسلامی استادان، چاپخانه دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۶۲

-کارنامه جلسات شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی شریف ۵۹-۱۳۵۸، چاپخانه دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۹

-کارنامه فعالیت های دو ساله دانشگاه صنعتی شریف ۶۰-۱۳۵۹، چاپخانه دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۶۰

-کارنامه ده سال فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهر، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۵

-کاظمی، محسن، خاطرات عزت شاهی، نشر سوره مهر، ۱۳۸۵

-کانون نویسندگان ایران به روایت اسناد ساواک، نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲

-راهنمای کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی آریامهر، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۴

-لاجوردی، حبیب، خاطرات دکتر محمدعلی مجتهدی، نشر کتاب نادر، ۱۳۸۰

-کارنامه فعالیت های ورزشی دانشگاه صنعتی آریامهر ۵۱-۱۳۵۰، انتشارات تربیت بدنی دانشگاه صنعتی آریامهر

-مجموعه مقررات و آئین نامه های دانشگاه صنعتی آریامهر، چاپخانه دانشگاه صنعتی آریامهر، ۱۳۵۴

-مختاری اصفهانی، خاطرات محمد پیشگاهی فرد،

مصاحبه‌ها

در تولید محتوای کتاب با افراد مختلف و در زمینه‌های مختلفی مصاحبه شده است. همچنین از سخنرانی‌های رؤسای دانشگاه هم استفاده شده است که به ترتیب حروف الفبا می‌آید.

- مهندس عبدالحسین آقاجان، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- دکتر مهدی احسان، دانشکده مهندسی برق
- مهندس فیروز اردشیریان
- دکتر رضا اردکانیان، دانشکده مهندسی عمران
- دکتر فرهاد اردلان، دانشکده فیزیک
- دکتر محمدرضا ارشدی، دانشکده شیمی
- آقای احسان الله ارض‌پیما
- دکتر ابراهیم اسماعیل‌زاده، دانشکده مهندسی مکانیک
- دکتر عبدالله افشار، دانشکده مهندسی و علم مواد
- سخنرانی دکتر محمدرضا امین در جمع استادان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف، کالیفرنیا
- دکتر حسینعلی انواری، رئیس سابق دانشگاه
- دکتر عباس انواری، رئیس سابق دانشگاه
- دکتر اعظم ایرجی‌زاد، دانشکده فیزیک
- آقای غلامعلی بنی‌آدم
- دکتر مهدی بهادری‌نژاد، دانشکده مهندسی مکانیک
- دکتر مهدی بهزاد، دانشکده ریاضی
- دکتر کاظم پورآذرنگ، دانشکده مهندسی و علم مواد
- دکتر یحیی تابش، دانشکده علوم ریاضی
- دکتر محمود تابنده، دانشکده برق
- مهندس اکبر ترکان
- مرحوم رضا جباری، مرکز تربیت بدنی
- دکتر علی حاجیلویی، دانشکده مکانیک
- خانم پوران‌دخت حسین‌زاده
- دکتر محمود حصارکی، دانشکده ریاضی
- دکتر سیدموسی خالصی‌زاده، دانشکده مهندسی صنایع
- مهندس مهدی خاموشی
- مهندس سید محسن خردمند
- دکتر سیدوحید خوانساری، دانشکده مهندسی عمران
- مهندس محمد خوشبختیان
- دکتر پرویز دوامی، دانشکده مهندسی و علم مواد
- دکتر محمد دورعلی، دانشکده مهندسی مکانیک
- دکتر منوچهر زاد، دانشکده مهندسی مکانیک
- دکتر داوود رشتچیان، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- سخنرانی دکتر فضل‌الله رضا در جشن فارغ‌التحصیلی ۸۵-۱۳۸۴، چهارمین سال تأسیس دانشگاه
- دکتر میرجلیل رضوی، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- دکتر علی‌محمد رنجبر، رئیس سابق دانشگاه
- مهندس مهدی روحانی‌مشهدی، مرکز گرافیک
- دکتر بیژن زنگنه، دانشکده ریاضی
- محمدرضا سعیدی، دانشکده شیمی
- دکتر محمد سلطانیه، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- دکتر میرمهدی سیداصفهان‌ی، رئیس سابق دانشگاه
- تربیت‌مدرس
- دکتر علی اکبرسیف‌کردی، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- مهندس غلامرضا شافعی



- داکتر سیدجلال الدین شایگان، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- آقای رضا شمس، دفتر حقوقی
- مهندس علی رضا شیخ عطار
- مهندس محمود شیر، دبیر انجمن فارغ التحصیلان
- داکتر علی اکبر صالحی، رئیس سابق دانشگاه
- داکتر مهدی ضرغامی، رئیس سابق دانشگاه
- داکتر محسن ظہیرامامی، دانشکده مهندسی برق
- داکتر محمدرضا عارف، دانشکده مهندسی برق
- داکتر مجید عباسپور، دانشکده مکانیک
- مهندس محمد عطریانفر
- داکتر رحیم فائز، دانشکده برق
- داکتر بہار فیروزآبادی، دانشکده مهندسی مکانیک
- مرحوم مهندس محمداسماعیل کراچیان
- داکتر امیرحسین کوکی، دانشکده مهندسی و علم مواد
- داکتر مارکار گریگوریان، دانشکده مهندسی عمران
- داکتر مهدی گلشنی، دانشکده فیزیک
- داکتر ایرج گودرزنیبا، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- داکتر فرخ مروستی، دانشکده مهندسی برق
- داکتر رضا مستقیم، دانشکده شیمی
- داکتر علینقی مشایخی، دانشکده مدیریت و اقتصاد
- مهندس عباس مظفر، دانشکده صنایع
- داکتر فریدون معطر، دانشکده شیمی
- مهندس مسعود معین زاده، مرکز گرافیک
- مهندس علی معینی، دانشکده کامپیوتر
- مهندس علی مقدسیان، مرکز تربیت بدنی
- داکتر حسن مقدم، دانشکده عمران
- داکتر عباس ملکی، دانشکده انرژی
- داکتر رضا منصور، دانشکده فیزیک
- داکتر بہمن مہری، دانشکده علوم ریاضی
- مهندس محمد میرزایی، مرکز تحقیقات آب و انرژی
- داکتر سیاوش میرشمس شہشہانی، دانشکده علوم ریاضی
- مهندس حسین ناجی
- داکتر سعید ناطق، دانشکده مهندسی علم و مواد
- داکتر محمدعلی نجفی، دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر
- داکتر محمود نحوی، دانشکده مهندسی برق
- داکتر سیدحسین نصر، رئیس سابق دانشگاه
- مهندس ناصر نعمت اللہی، معاونت دفاعی دانشگاه سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱
- داکتر منوچہر وثوقی، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- داکتر محمدرضا وفاہی، دانشکده صنایع دانشگاه علم و صنعت
- داکتر سیدجمال الدین ہاشمیان، مرکز تحقیقات آب و انرژی
- مهندس حسین ہمدانی
- داکتر فخر یاسری، دانشکده عمران
- داکتر سہیلا یغمایی، دانشکده مهندسی شیمی و نفت
- داکتر حسین یوزباشی زادہ، دانشکده مهندسی و علم مواد
- داکتر رضا یوسفی، مرکز کارگاہ ہا

